

شلیک «مکانیسم ماشه» کاملاً واقعی و «غیرروانی»!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۹۸ (۵۳۲)

۱۱ تا ۱۷ مهر ۱۴۰۴
۳ تا ۹ اکتبر ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق آگهی یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به گوش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirniah.com Email: pirnia@pirnia.com



شایک «مکانیسم ماشه»
کاملاً واقعی و «غیرروانی»!

کیمهان

فهرست مطالب

۴	سرمقاله - خاورمیانه غرب هم باید از توکم/اسلامی بیدار شود / الاهه بقراط
۴-۵	تیترا هفته - شلیک «مکانیسم ماشه» کاملاً واقعی و «غیرروانی»! ... /
۶-۷	افزایش فشارهای امنیتی به نظامیان معترض؛ «فرآگیر شدن ریزش‌ها حکومت را تکران کرده است» ... /
۷	پیام شاهزاده رضا پهلوی در مورد آغاز به کار و سیاست کارزار «ایران را پس می‌گیریم» ... /
۸-۹	استقبال رهبران خاورمیانه و اروپا از طرح صلح ترامپ برای غزه: حماس: خلع سلاح را نمی‌پذیریم ... /
۱۰-۱۱	تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ... / سعید قاسمی نژاد، نوید محبی
۱۱	این پدر سوخته دشمن ... / خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	بر اثر تشی چه گذشت (۲) ... / یادداشت‌ها و خاطرات سپید جعفر صانعی
۱۴	سخت‌رانی نتانیاها در سازمان ملل: «باید ذخایر اورانیوم جمهوری اسلامی را نابود کرد» ... /
۱۵	داستان «جاسوس‌های موساد در ایران» ... / اسالمة الموشی (ایندیپندنت عربی)
۱۶	درخواست روسیه و چین از شورای امنیت برای تعویق ۶ ماهه اجرای مکانیسم ماشه علیه ... /
۱۶-۱۷	شکست قطعنامه روسیه و چین؛ جمهوری اسلامی سفرای خود را از انگلیس، آلمان و فرانسه فراخواند ... /
۱۷	اروپایی‌ها پیشهاده لحظه آخر عراچی را نپذیرفتند: «بازرسی از یک سایت تخریب‌شده در جنگ» ... /
۱۸	فیژیک، اسطوره‌ی جدید بشریت: باز نویسی ماهیت کیهان و انسان ... / ادوید اعتباری
۱۹	آباد قرن بیست و یکم به فلسفه و اندیشه نیاز داریم یا فناوری کافی است؟ ... / سید عرفان نوربخش
۲۰	بازداشت دوشهر و ناسرائیلی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ... /
۲۰-۲۱	محمد اسلامی در مسکو: در حمله به تأسیسات اتمی ما آژانس با اسرائیل و آمریکا «هماهنگ» بود ... /
۲۱	دوران محمدرضا شاه؛ نظارت بر ثروت مسئولان (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱	ماشه و ممنوعیت‌هایش ... / بهنام محمدی
۲۲-۲۳	نادیده گرفتن خطر «اخوان المسلمین» در جوامع غربی ... / یتکین آذر مهر
۲۳	انگلیس، ژاپن، استرالیا و نیوزلند تحریم‌های جمهوری اسلامی را از سر گرفتند ... /
۲۴-۲۵	دونالد ترامپ و اروپا؛ چه رویکردی باید اتخاذ کرد؟ ... / فهیمه رویول
۲۶-۲۷	دلیل استفاده موساد از زنان جاسوس چیست؟ چرا زنان، جاسوس‌های موفق‌تری هستند؟ ... /
۲۷	به دلیل اقدامات حال زوج بریتانیایی در زندان جمهوری اسلامی، نگرانی خانواده افزایش یافته است ... /
۲۸	احتمال اقدام نظامی مجدد علیه جمهوری اسلامی ... /
۲۹	بیانیه اروپا و اخطار آمریکا: غنی‌سازی را کنار بگذارید! بدون وقت‌کشی مستقیم مذاکره کنید! ... /
۳۰	اسرائیل هیوم: احتمال وقوع جنگی سخت‌تر میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در حال افزایش است ... /
۳۱	نشست بی‌نتیجه مجلس شورای اسلامی درباره تحریم‌های بین‌المللی ... /
۳۲	مسعود پزشکیان در مصاحبه با فاکس نیوز: از ان پی تی خارج نمی‌شویم ... /
۳۲-۳۳	آمریکا چند شبکه تأمین تسلیحات برای جمهوری اسلامی را تحریم کرد ... /
۳۳	بریتانیا تحریم‌های سازمان ملل علیه ۱۲۰ فرد و نهاد جمهوری اسلامی را دوباره به اجرا گذاشت ... /
۳۴-۳۵	کنفرانس دوازده «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» توسط اندیشکده «پروژه قفقوس ایران» برگزار شد ... /
۳۶-۳۷	باز نشر به مناسبت «طرح صلح ترامپ»؛ چرا سیاست، ادامه جنگ با بازی دیگر نباشد؟! ... / الاهه بقراط
۳۸-۴۰	زمان اقدام فرا رسیده است: چرا و چگونه رضا پهلوی می‌تواند مسیر قانونی تداوم نظم مشروطه را ... /
۴۱	نوع طرح صلح غزه: نه در یک مشترک از صلح پایدار بلکه تحمیل صلح به دشمنی که ... /
۴۲	وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی برای آزادی موقت چهار متهم «پرورنده اکباتان» ... /
۴۳	سوء قصد علیه بشار اسد در مسکو ... /
۴۳	دوران محمدرضا شاه؛ شیب و خورشید در خلیج فارس (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۴۴-۴۵	بیانیه تحلیلی جمعی از پادشاهی‌خواهان درون کشور: پیشگیری از تشن و ضرورت همکاری در امر وزو ... /
۴۶-۴۷	پاسخ وزیر اقتصاد دولت پزشکیان به دلار ۱۱۴ هزار تومانی: من مسئول نرخ ارز و تورم نیستم! ... /
۴۷	پرورنده‌سازی تازه مقامات قضایی علیه زهره سروندانی پادشاهی خواهد ... /
۴۸-۴۹	تشکیل کمیته بررسی قیمت گذاری اتومبیل توسط قوه قضاییه ... /
۴۹	اعتصاب غذای ۱۹ زندانی سیاسی در زندان زنان فرچک آغاز شد ... /
۵۰-۵۱	محدودیت‌های جدید بانک مرکزی برای فعالیت بانکی و دارایی شهر وندان همزمان با ... /
۵۱	جمهوری اسلامی بهمن چوبی اصل را نیز به اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل اعدام کرد ... /
۵۲	امکان بازرسی کشتی‌های باری ایران با فعال شدن مکانیسم ماشه ... /
۵۳	اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران فقط «روانی» نیست! ... /
۵۴-۵۵	بازی جدید جمهوری اسلامی با افکار عمومی؛ سناریوی سازمان یافته «روانی بودن آثار بازگشت» ... /
۵۵	پیامدهای اولیه بازگشت تحریم‌ها؛ دستور العمل بانک مرکزی برای محدودتر کردن بازار مرزرها ... /
۵۶	خیال خام «پایان خاموشی‌ها»؛ کارشناسان می‌گویند کمبود برق در پاییز و زمستان ادامه دارد ... /
۵۷	افزایش تورم در شهر یورماه؛ بالاترین تورم «ماهان» برای میوه و خشکبار با ۹۰ درصد ... /
۵۸	کارگران بعد از پرداخت اجاره خانه، دیگر پولی برای خوردن و درمان ندارند! ... /
۵۹	سقوط سطح معیشت در ایران طی ۶۱ ماه تورم بالای ۳۰ درصد ... /
۶۰-۶۱	مازوت سوختی زود هنگام در نبر و گاه‌ها؛ نشانه‌ی دیگری از تشدید بحران انرژی در نیمه دوم امسال ... /
۶۱-۶۲	تداوم بحران کم‌آبی در پاییز: تردید درباره موفقیت پروژه بارورسازی ابرها ... /
۶۲-۶۳	اثرات اجرای مکانیسم ماشه در بازارهای مختلف؛ افزایش ۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومانی قیمت اتومبیل ... /
۶۴-۶۵	«بدجنس»؛ نمایی در ستایش مقاومت زنان در ایران ... / کنایون حلاجان
۶۵	«سفر به هویت دزدیده شده»؛ کنسرت شیرین مجد در لندن ... /
۶۶-۶۷	خبرهای کوتاه ... /
۶۸	پشت جلد - عکس هفته / ترامپ و نتانیاها ...

بازنشر
بازنشر



شلیک «مکانیسم ماشه» کاملاً واقعی و «غیرروانی»!



● مقامات حکومت به همراه تحلیلگران «خودی» همگی دست به کار شده و از تریبون‌های مختلف تأکید دارند که فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد تأثیر «واقعی» نخواهد داشت و صرفاً اثرات «زودگذر» و «روانی» دارد

دلار که به عنوان «نبض اقتصاد ایران» شناخته می‌شود اوج گرفت. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران و همچنین طلا پا به پای دلار افزایش یافت. افزایش قیمت دلار به سرعت بر قیمت کالاها و خدمات مختلف اثر گذاشته و هزینه تولید را نیز با افزایش روبرو می‌کند. قیمت دلار که در اواخر شهریورماه در کانال ۹۰ هزار تومان بود در شامگاه چهارشنبه نهم مهرماه مرز ۱۱۶ هزار تومان را هم رد کرد.

افزایش بیش از ۱۵ هزار تومانی قیمت دلار طی حدوداً دو هفته به معنای ایجاد موجی از افزایش قیمت‌ها است که یکی پس از دیگری بازارهای مختلف ایران را در بر خواهد گرفت.

برای فونه طی هفته نخست مهرماه قیمت‌ها در بازار اتموبیل متأثر از افزایش قیمت دلار، یا به بیان بهتر متأثر از فعال شدن مکانیسم ماشه، با افزایش چشمگیری روبرو شد و قیمت مدل‌های مختلف اتموبیل‌های ساخت داخل طی تنها یک هفته به افزایش ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومانی روبرو شد.

از سوی دیگر افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا سبب جاری شدن سرمایه‌ها به سوی این بازار شد، سرمایه‌هایی که شاید تا پیش از فعال شدن مکانیسم ماشه صاحبان آنها در حال برنامه‌ریزی برای هدایت آنها به بازارهایی مانند بورس یا مسکن یا دیگر بخش‌های اقتصاد بودند!

افزایش قیمت دلار در حالی تولید در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی و فناوری را با افزایش هزینه روبرو خواهد کرد که در آنسو نوسان قیمت ارز به عنوان یکی از عوامل تشدید ریسک و نااطمینانی به شمار رفته و پیش‌بینی پذیری اقتصاد را نیز کاهش می‌دهد. در نتیجه فعالان اقتصادی و تجار از سرمایه‌گذاری و توسعه و حتی ادامه فعالیت خودداری کرده و به فکر خروج سرمایه خود ←

هنوز یک هفته از بازگشت و اجرای تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی نگذشته، پیامدهای آن که از سوی مقامات حکومت صرفاً «آثار روانی» خوانده می‌شود، نمایان شده است. دامنه گسترده نتایج تحریم بخش‌های مختلف اقتصاد کشور از تولید تا خدمات را در برگرفته و حتی زندگی برخی ایرانیان مقیم دیگر کشورها، مانند دانشجویان، را نیز متأثر خواهد کرد.

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد شامگاه جمعه چهارم مهرماه ۱۴۰۴ به وقت تهران قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ و تعویق ۶ ماهه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی را رد کردند. به این ترتیب با فعال شدن «مکانیسم ماشه» از یکشنبه ششم مهرماه تحریم‌های سازمان ملل به اجرا درآمد. اقتصاد ایران در شرایطی که از مشکلات عمده ساختاری و تصمیمات ناکارآمد در وضعیت شکننده‌ای قرار داشت، اکنون به هدف ماشه‌ای تبدیل شده که با نابخردی جمهوری اسلامی چکانده شده است.

مقامات از دولت تا مجلس شورای اسلامی، به همراه تحلیلگران «خودی» همگی دست به کار شده و از تریبون‌های مختلف تأکید دارند که فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد تأثیر «واقعی» نخواهد داشت و صرفاً اثرات «زودگذر» و «روانی» دارد.

آثار روانی فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران که تا ر و پود آن ۴۷ سال است توسط جمهوری اسلامی با تحولات و اخبار سیاسی در هم تنیده یکی از پیامدها قابل توجه است اما قطعاً «تنها» پیامد بازگشت تحریم‌ها نیست.

نوسان جدی «نبض اقتصاد ایران» با بازگشت تحریم‌ها از ۲۸ شهریورماه که با رأی اکثریت اعضای شورای عالی امنیت، مسیر فعال شدن مکانیسم ماشه هموار شد، قیمت

خاورمیانه

غرب هم باید از توهم اسلامی بیدار شود!

شاید نسل‌های جوان بطور عام که اخبار و تحولات منطقه و جهان را عمدتاً از طریق رسانه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند، با تلاش‌های آریل شارون نخست‌وزیر وقت اسرائیل و «نقشه راه» اوایل سال‌های دوهزار میلادی آشنا نباشند. نقشه‌ای که با تحریکات جمهوری اسلامی به شکست انجامید و با اشغال غزه توسط گروه تروریستی حماس، خود فلسطینی‌ها نیز دو شقه شدند!

همان زمان در کیهان لندن بسیار درباره این رویدادها نوشته شد که تنها زمانی کهنه خواهند شد که غرب نیز از توهم اسلامی و اینکه گویا نوعی اسلام سیاسی وجود دارد که نه تنها با دموکراسی سازگار



دیدار محمود عباس، جرج بوش (پسر)، آریل شارون در بندر «عقبة» کنار دریای سرخ در جنوب غربی اردن/ ۴ ژوئن ۲۰۰۳

است بلکه ضداسرائیلی نیز نیست به درآید. «در اروپا، مدرنیته پاسخ به سرکوب و جنایات کلیسا بود. اما در خاورمیانه، مسجد پاسخ به موج شتابنده مدرنیته بود که جوامعی را که اکثریت آنها را مسلمانان فرقه‌های مختلف تشکیل می‌دهند با تناقض تاریخی خود روبرو می‌کرد... به قدرت رسیدن طالبان در دهه نود میلادی، کمان «اسلامگرایی» را از آفریقا تا آسیای میانه کشید و تیری که در این کمان بود به برج‌های دوقلو در نیویورک اصابت کرد. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بارزترین نماد نبرد بین تفکر قرون وسطایی و جهان مدرن است.»

از سوی دیگر، «سلطه صدها ساله فرقه‌های مختلف اسلامی که همواره در کنار قدرت‌های حاکم نقش دستیار و گاه نیز نقش ترمز را در برابر اقدامات ترقیخواهانه برخی حکومت‌ها بازی کرده‌اند، نیرویی نبوده و نیست که به آسانی در برابر شکوفایی و جذابیت آزادی و دموکراسی میدان را خالی کند.»

«پاسخ دموکراسی به نقش هر دین، از جمله اسلام، در سیاست روشن است: سکولاریسم و جدایی دین از دولت! اما پاسخ دین، از جمله فرقه‌های مختلف اسلام، به نقش دموکراسی چیست؟! این پرسش را بهتر است از کسانی پرسید که با اسلام آشنایی کافی دارند و در پاسخگویی نبرنگ به کار می‌برند:

یکی، اتفاقاً اسلام‌گرایان تندرو هستند که مراجع مهم آنها از جمله در جمهوری اسلامی بارها ناهمخوانی اسلام و دموکراسی را در عرصه قدرت و سیاست متذکر شده‌اند... آنها یکی که پاسخ صریح به رابطه بین دین و دموکراسی در قدرت می‌دهند، اتفاقاً اسلام‌گرایان میانه‌رو هستند!

حالا با گذشت بیش از بیست سال از «نقشه راه» بهار ۲۰۰۳ که تا سال ۲۰۰۵ می‌بایست مرزهای قطعی بین «فلسطین» و «اسرائیل» را تعیین می‌کرد ولی ناکام ماند، «طرح صلح ترامپ» باز هم نه تنها از سوی کشورهای غربی و قدرتمند بلکه توسط کشورهای عرب و مسلمان‌نشین و تشکیلات خودگردان فلسطین نیز مورد استقبال قرار گرفته. اینبار هم باز جمهوری اسلامی و حماس مخالف آن هستند. پیشبرد آن «نقشه راه» و این «طرح صلح» همیشه با یک مانع اساسی روبرو بوده است: گروه‌های تروریستی فلسطینی و دولت‌های خارجی که از آنان پشتیبانی می‌کنند. در «نقشه راه» بیست سال پیش هم تمام مسئله بر سر شکل نگرفتن یک کشور فلسطینی این بود که تشکیل چنین کشوری در عمل یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل! نوار غزه درواقع پایگاه و زرادخانه این تفکر علیه اسرائیل و فلسطین هر دو بود.

حالا اما با آن زمان که حماس با عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه به قدرت رسید تا دمار از روزگار فلسطینی‌ها درآورد، خیلی فرق می‌کند. بسیاری از رهبران این گروه تروریستی کشته شده و جمهوری اسلامی در گوشه‌ای رنگ تحریم و جنگ گیر افتاده و چشم‌اندازی برای هیچ‌کدام وجود ندارد. دوران اشغال برای هر دو به پایان می‌رسد. در این نقطه اتفاقاً سرنوشت غزه و فلسطین می‌تواند با سرنوشت ایرانیان گره بخورد.

اقتصاد ایران با یک بحران عمیق مواجه خواهد شد. نرخ دلار به ۱۶۵ هزار تومان، تورم به بیش از ۹۰ درصد و نرخ بیکاری به ۱۴ درصد خواهد رسید. رشد اقتصادی نیز با سقوط به منفی سه درصد، رکود را عمیق‌تر خواهد کرد و ارزش بازار بورس تا ۶۵ میلیارد دلار افت می‌کند.

مقامات حکومت اما همچنان تلاش دارند این تحریم‌ها را بی‌اثر دانسته و چنین توجیه کنند که چون یکبار از اواخر دهه ۸۰ خورشیدی این تحریم‌ها را بدون فروپاشی اقتصادی پشت سر گذاشته و سال‌هاست با وجود تحریم‌های ایالات متحده که بطور مستقیم فروش نفت ایران به عنوان شاه‌رگ درآمد کشور را هدف قرار داده، پایداری کرده‌اند، پس می‌توانند از این تحریم‌ها و «آثار روانی» آن بر اقتصاد نیز عبور می‌کنند.

این مقامات البته توضیح نمی‌دهند دقیقاً از کدام «آثار روانی» صحبت می‌کنند وقتی افزایش نرخ ارز قیمت کالاهای مختلف را به شکل «واقعی» گران کرده و هزینه تولید برای بخش‌های مختلف از صنعت تا کشاورزی را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر از دهه هشتاد خورشیدی تا کنون اقتصاد ایران با آسیب‌های گسترده‌ای روبرو بوده است. دولت چگونه قرار است با خزانه خالی، کسری بودجه بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان که دامن بودجه ۱۴۰۴ را گرفته، کاهش شدید درآمد نفت، موجودی ناچیز صندوق توسعه ملی، رشد اقتصادی منفی، تورم در مرز ۵۰ درصد و رکود عمیق اقتصادی، در برابر تحریم‌های سازمان ملل متحد که در کنار تحریم‌های ایالات متحده اجرا می‌شوند، استقامت کند؟!

برخلاف فرافکنی‌های مقامات جمهوری اسلامی، کارشناسان اقتصادی توضیح می‌دهند که تحریم‌های جدید در کنار مشکلاتی چون بحران کسری بودجه و بحران کمبود انرژی و آب، سبب عمیق شدن رکود، افزایش تورم، کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال، سقوط بیشتر ارزش پول ملی، گسترش فقر و نارضایتی عمومی خواهند شد.

عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشک‌شان طی ۱۳ ماه گذشته نیز نشان داده که به شدت ناتوان است و نه تنها نتوانسته عملکردی همسو با وعده‌های انتخاباتی پزشک‌شان داشته باشد بلکه بحران بر بحران افزوده است.

شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا که به عنوان نهادی بالای دست دولت از سوی علی‌خامنه‌ای بنا نهاده شده نیز بجز صدور مجوز برای برداشت از صندوق توسعه ملی و امنیتی کردن مسائل اقتصادی، توانایی ویژه دیگری از خود نشان نداده و به نظر نمی‌رسد این شورا نیز بتواند اقدام مؤثری برای اقتصاد ایران در شرایط رویارویی با تحریم‌های بین‌المللی انجام دهد.

تشدید بحران‌های اقتصادی اما یک زنگ خطر جدی برای حیات جمهوری اسلامی است. آمارها نشان می‌دهد دو سوم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارد که همین بخش بیشترین خسارت ناشی از تحریم‌ها را متحمل خواهد شد.

در شرایطی که با سقوط ارزش پول ملی و کاهش بیش از پیش قدرت خرید خانوارهایی که همین حالا هم درآمد آنها کفاف پوشش ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و دولت هم ناتوان از ارائه یارانه‌هایی است که بتواند فاصله عمیق میان درآمد و هزینه‌های آنها را اندکی کاهش دهد، بروز اعتراضات سراسری بیش از پیش محتمل به نظر می‌رسد. اعتراضاتی که می‌تواند دیگر قربانیان سیاست‌های ویرانگر جمهوری اسلامی از جمله تولیدکنندگان و بخش‌های مختلف اقتصاد مانند خدمات و همچنین پیکر عظیم شاغل در دستگاه کشوری و لشکری را نیز که قادر به تأمین زندگی خود نیستند، با خود همراه کند.

پژوهشی در حوزه‌های پزشکی و صنعتی متوقف شوند. قابل توجه اینکه تحریم‌ها حتی انتقال دانش و همکاری‌های آموزشی را نیز تحت تأثیرات منفی قرار خواهد داد. به این معنا که شرکت‌های مشاوره‌ای و علمی نیز از ادامه فعالیت با شرکت‌ها و موسسات عملی-پژوهشی و فناوری ایرانی خودداری خواهند کرد.



بخش دیگری از تحریم‌ها که طی روزهای گذشته سبب هشدارهایی از سوی تجار فعال در ایران شده به بخش بازرسی محموله‌های کشتی‌هایی از مبدأ یا به مقصد ایران است؛ روندی که خسارتی هنگفت را حتی برای محموله‌های غیرتحریمی مانند دارو و مواد غذایی می‌تواند به همراه داشته باشد.

قطعه‌نامه ۱۹۲۹ که با فعال شدن مکانیسم ماشه اجرا می‌شود امکان تفتیش و بازرسی کشتی حامل بار ایران را به همه کشورهای عضو سازمان ملل می‌دهد.

مسعود دانشمند عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل توضیح داده که در چنین شرایطی تمام کشورهای عضو سازمان ملل تنها با این ظن که ممکن است مدارک کالا مشکوک به مقصد ایران یا گیرنده و صاحب کالا ایرانی باشد، می‌توانند کشتی را مورد بازرسی قرار دهند.

به گفته وی، خسارت روزانه توقف هر کشتی بر اساس نوع و اندازه کشتی حداقل ۲۰ هزار دلار خواهد بود. همچنین «در زمان توقف کشتی و بازرسی، کالا آسیب می‌بیند و دچار خسارت خواهد شد و ممکن است که یک کشتی را برای بازرسی و رفع ظن، بیش از ۱۰ روز هم متوقف کنند و خسارت این میزان توقف، حداقل ۳۰۰ هزار دلار است.» از سوی دیگر معطل ماندن کشتی‌ها بر روی آب به معنای اینست که کالاهای صادراتی از ایران به‌موقع به دست خریداران نخواهد رسید و تولیدکنندگان و تجار را به دلیل عملی نشدن تعهدات، با خطر حذف از چرخه تجارت خارجی قرار خواهد داد. همچنین شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی هم دیگر علاقه‌ای به پذیرش سفارش برای ایران را نخواهند داشت تا درگیر مصائب تحریم نشوند!

دامنه گسترده پیامدهایی که حیات نظام را تهدید می‌کند
اتاق بازرگانی ایران مدتی پیش از فعال شدن رسمی مکانیسم ماشه در گزارشی تحلیلی اعلام کرده بود در سناریوی بدبینانه پس از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل،

از اقتصاد تحریمی و پرریسک ایران می‌افتند؛ آنهم در شرایطی که اقتصاد ایران در حال حاضر نه تنها اقتصادی تحریمی بلکه با توجه به تداوم تهدید جدی جنگ دیگری با اسرائیل، یک اقتصاد جنگی نیز به شمار می‌رود!

هدف قرار گرفتن بخش‌های مختلف اقتصاد و فناوری

جدا از اثراتی که افزایش قیمت ارز و طلا به اشکال مختلف بر همه بخش‌های اقتصاد خواهد داشت، تحریم‌های بین‌المللی اثرات مستقیم دیگری نیز بر اقتصاد کشور می‌گذارد.

محورهای اصلی تحریم‌های سازمان ملل متحد شامل بخش‌های تسلیحاتی، مالی و بانکی و انتقال دانش و فناوری می‌شود اما اثرات غیرمستقیم آن می‌تواند همه بخش‌های اقتصاد ایران را متأثر و تلاطم کند. تولید در ایران وابسته به واردات مواد اولیه، تکنولوژی و تجهیزات است و در چنین شرایطی محدودیت بانکی و مالی سبب ایجاد مشکلات در واردات و اختلال در صادرات خواهد شد. از سوی دیگر حساب‌های بانکی افراد حقیقی و حقوقی ایرانی در دیگر کشورها نیز می‌تواند بر اثر تحریم‌ها با محدودیت یا انسداد روبرو شوند. این بخش از تحریم‌ها به ویژه ایرانیانی را که همچنان با تابعیت ایرانی و با ویزاهای کوتاه مدت اقامتی در دیگر کشورها زندگی می‌کنند یا فعالیت اقتصادی دارند متأثر خواهد کرد؛ از جمله دانشجویان ایرانی مقیم دیگر کشورها که برای باز کردن حساب، فعالیت بانکی و نقل و انتقال وجه ممکن است با مصائبی روبرو شوند.

از نمونه دیگر اثرات مستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه ایجاد محدودیت شدید در دسترسی به فناوری‌های حساس و تجهیزات دوکاربردی است. از جمله این تجهیزات می‌توان به تجهیزات پزشکی مثل دستگاه‌های پرتودرمانی و تولید رادیودارو اشاره کرد که مشمول تحریم‌ها خواهند بود و مسیر واردات آنها به ایران مسدود خواهد شد.

همچنین در این بخش، تجهیزات آزمایشگاهی، قطعات آلیاژی خاص، ریزتراشه‌ها و حتی نرم‌افزارهای تخصصی می‌توانند مشمول تحریم شوند.

نتیجه این بخش از تحریم‌ها نه تنها ایجاد اختلال و بحران‌های بیش از پیش در بخش پزشکی خواهد بود بلکه زیرساخت‌های علمی و صنعتی را نیز با مشکلات جدی روبرو خواهد کرد و پیش‌بینی می‌شود شماری از پروژه‌های

افزایش فشارهای امنیتی به نظامیان معترض؛ «فراگیر شدن ریزش‌ها حکومت را نگران کرده است»



دیدار شاهزاده رضا پهلوی با نظامیان در حاشیه کنفرانس مونیخ

حسین کوشکی‌نژاد عضو سابق پدافند هوایی ارتش است که پس از خیزش ملی ۱۴۰۱ از مردم و خاندان پهلوی حمایت کرد.

همچنین نهادهای امنیتی، جواد بهداد یکی دیگر از کارکنان ارتش را وادار کردند که تا هشتم مهرماه برای اجرای حکم سه سال زندان، خود را به شعبه پنجم اجرای احکام دادگستری استان لرستان معرفی کند. او در صفحه اینستاگرام خود با اعلام این خبر و با هشتگ «جاوید شاه» نوشت: «برای بازگشت شکوه به ایران اسیر می‌شوم».

احسان صفاری از افسران نیروی زمینی ارتش نیز که دی‌ماه ۱۴۰۱ که به دلیل اعتراض به سرکوب و کشتار معترضان، بازداشت شدند در زندان است و خانواده او زیر فشار قرار دارند. سجاد عسگری از افسران نیروی هوایی نیز که وضعیت

بر نظامی‌ها را تشدید کرده، حاکمیت خودش هم می‌داند شکاف در بدنه نیروهای مسلح جدی است».

با افزایش فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی، موجی از بازداشت‌ها و اعدام‌ها با اتهامات امنیتی به راه افتاده است، همزمان فشارها به نظامیان و کارکنان معترض نیروهای مسلح افزایش پیدا کرده است. شماری از این نظامیان می‌گویند، بخشی از فشارها با نگرانی حکومت از گسترش نافرمانی و ریزش در نیروهای مسلح و استقبال نظامی‌ها از کارزار «همکاری ملی» مرتبط است.

حسین کوشکی‌نژاد برادر رضا کوشکی‌نژاد روز شنبه پنجم مهرماه خبر از بازداشت این نظامی سابق داد. او در اینستاگرام نوشت: «متأسفانه رضا دوباره بازداشت شده

با افزایش فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی، موجی از بازداشت‌ها و اعدام‌ها با اتهامات امنیتی به راه افتاده است، همزمان فشارها به نظامیان و کارکنان معترض نیروهای مسلح افزایش پیدا کرده است. شماری از این نظامیان می‌گویند، بخشی از فشارها با نگرانی حکومت از گسترش نافرمانی و ریزش در نیروهای مسلح و استقبال نظامی‌ها از کارزار «همکاری ملی» مرتبط است.

حسین کوشکی‌نژاد برادر رضا کوشکی‌نژاد روز شنبه پنجم مهرماه خبر از بازداشت این نظامی سابق داد. او در اینستاگرام نوشت: «با فعال شدن مکانیسم ماشه، مکانیسم دستگیری‌ها دوباره فعال شده است» - نهادهای امنیتی، جواد بهداد یکی دیگر از کارکنان ارتش را وادار کردند که تا هشتم مهرماه برای اجرای حکم سه سال زندان، خود را به شعبه پنجم اجرای احکام دادگستری استان لرستان معرفی کند. او در صفحه اینستاگرام خود با اعلام این خبر و با هشتگ «جاوید شاه» نوشت: «برای بازگشت شکوه به ایران اسیر می‌شوم».

احسان صفاری از افسران نیروی زمینی ارتش نیز که دی‌ماه ۱۴۰۱ که به دلیل اعتراض به سرکوب و کشتار معترضان، بازداشت شدند در زندان است و خانواده او زیر فشار قرار دارند. سجاد عسگری از افسران نیروی هوایی نیز که وضعیت مشابه دارد، اکنون در شیراز دوران محکومیت را می‌گذرانند.

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی با اشاره به فراگیر شدن کارزار «همکاری ملی» در ایکس نوشت: «تشدید حملات سازمان یافته جمهوری اسلامی علیه نظامیانی که از بدنه حکومت جدا شده و در کنار مردم ایستاده‌اند، نشان‌دهنده هراس حاکمیت از نشست همکاری ملی برای نجات ایران است».

شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش در «ایکس» نوشت: «بعد از نشست مونیخ، جمهوری اسلامی فشار



تصاویر از راست: سجاد عسگری، احسان صفاری، جواد بهداد و حسین کوشکی‌نژاد

مشابه دارد اکنون در شیراز دوران محکومیت را می‌گذرانند. تعداد پرسنل نظامی و انتظامی که با اتهامات سیاسی تنها به دلیل حمایت از صدای مردم در زندان هستند یا از

و هنوز دقیقاً نمی‌دانیم مشابه هر ماه بعد از یک روز آزاد میشه یا نه؟! با فعال شدن مکانیسم ماشه، مکانیسم دستگیری‌ها دوباره فعال شده است».

پیام شاهزاده رضا پهلوی در مورد آغاز به کار وبسایت کارزار «ایران را پس می‌گیریم»



– راه‌اندازی پلتفرم همکاری ملی؛ که تا کنون ده‌ها هزار تن از نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی در آن ثبت‌نام کرده‌اند؛ و ارتباط با آنان، پس از پالایش و راستی‌آزمایی، در حال انجام است.

– برگزاری نشست همگرایی میان سازمان‌ها و احزاب سیاسی، و نیز همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» در مونیخ، که به توافق بر اصول و دستور کار مشترک انجامید. – رونمایی از فاز نخست «پروژه شکوفایی ایران» (IPP) به عنوان نقشه راه بازسازی کشور، و ارائه برنامه دوران اضطرار برای مدیریت سه تا شش ماه نخست پس از سرنگونی رژیم. – و تشدید تلاش‌های دیپلماتیک با دولت‌های کلیدی برای اعمال فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و جلب حمایت حداکثری از ملت ایران.

من، ضمن تبریک دوباره جشن مهرگان، از همه شما دعوت می‌کنم همین امروز به IranoPasMigirim.com بپیوندید.

شما قلب تپنده این کارزار ملی هستید.

با هم، #ایران_را_پس_می‌گیریم و آن را دوباره می‌سازیم. پاینده ایران، رضا پهلوی»

شاهزاده رضا پهلوی پنجشنبه دهم مهرماه همزمان با جشن باستانی مهرگان طی یک پیام ویدیویی آغاز به کار وبسایت کارزار «ایران رو پس می‌گیریم» اعلام کرد.

متن این پیام به شرح زیر است:
«هم‌میهنان عزیز،

خرسندم که در جشن ملی مهرگان، آیین نور و روشنایی، آغاز به کار سامانه «ایران را پس می‌گیریم» را به اطلاع شما می‌رسانم.

این سامانه، به آدرس IranoPasMigirim.com شاهرهی است برای بسیج و سازماندهی نیروها... برای ثبت گزارش‌های میهن‌پرستانه... برای افشای فساد و ارسال اطلاعات درونی سیستم... برای ارائه ایده‌ها و برنامه‌ها... برای دنبال کردن آخرین تحولات و دسترسی به منابع و ابزارهای عملی... و برای گردآوری پشتیبانی‌های مالی و لجستیکی.

با راه‌اندازی این سامانه جامع، ما وارد مرحله تازه‌ای از کارزار ملی برای نجات ایران می‌شویم؛ در تکمیل و ادامه گام‌های مهمی که در ماه‌های گذشته برداشتیم؛

به بازداشتگاه می‌کشاند تا صدایشان به گوش همکاران شاغل‌شان نرسد. این رفتار متناقض یعنی حاکمیت خودش هم می‌داند شکاف در بدنه نیروهای مسلح جدی است. فرمان سرکوب دیگر مثل گذشته اجرا نمی‌شود؛ نظامی وقتی می‌بیند بجای دفاع از وطن، ابزار بقای یک حکومت فرسوده شده، ناگزیر روزی میان مردم و حاکمیت انتخاب خواهد کرد.»

او تأکید کرد: «قطعا بسیاری از موارد را نمی‌توان در فضای عمومی منتشر نمود و وحشت رژیم از حضور نظامیان در کنار ملت بیشتر از پیش حس می‌گردد.»

در نیروهای مسلح برای مقابله با براندازی سال‌هاست اقدامات امنیتی گسترده به اجرا گذاشته شده است از جمله طرح «مصباح» در ارتش. در اوایل دی‌ماه ۱۴۰۳

یگان‌های خود اخراج شده‌اند، بسیار بیشتر از اسامی است که در رسانه‌ها عمومی می‌شوند.

بر اساس اطلاعات دریافتی از دست‌کم دو منبع موثق در نیروی انتظامی و ارتش، فشار بر کارکنان معترض و نظامیان سابق که به دلایل سیاسی از جمله مخالفت با حکومت از یگان اخراج یا معلق شده‌اند افزایش یافته است. حتا شماری از نظامی‌های سابق که خارج از ایران ساکن یا پناهنده هستند نیز می‌گویند اخیراً با تهدیدات بیشتری روبرو شده‌اند.

برخی از این افراد می‌گویند افزایش فشارها بر نظامیان معترض و مخالف در داخل و خارج کشور مربوط به فراگیرتر شدن کارزار «همکاری ملی» میان نظامیان است. اخیراً شماری از نظامی‌های پس از انقلاب و تعدادی از پرسنل ارتش شاهنشاهی در حاشیه کنفرانس «همکاری ملی برای نجات ایران» که به دعوت شاهزاده رضا پهلوی چهارم امرداد در شهر مونیخ برگزار شد، شرکت کردند و در حاشیه کنفرانس با او گفتگو کردند.

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی با اشاره به فراگیر شدن کارزار «همکاری ملی» در ایکس نوشت: «تشدید حملات سازمانیافته جمهوری اسلامی علیه نظامیانی که از بدنه حکومت جدا شده و در کنار مردم ایستاده‌اند، نشان‌دهنده هراس حاکمیت از نشست همکاری ملی برای نجات ایران است.»

به اعتقاد او «با برجسته‌تر شدن نقش ساماندهی نیروهای مسلح توسط اپوزیسیون، این حملات ابعاد روانی و فیزیکی تازه‌ای به خود گرفته است.»

شاهزاده رضا پهلوی اوایل امرداد در مصاحبه با پایگاه خبری پولیتیکو اعلام کرد تا کنون دست‌کم ۵۰ هزار نفر از مقامات اداری و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی برای کمک به براندازی حکومت به کارزار «همکاری ملی» پیوسته‌اند.

نیروهای مسلح داخل ایران برای اعلام علنی مخالفت با حکومت با محدودیت‌ها و تهدیدات زیادی روبرو هستند با اینهمه طی ماه‌های اخیر کارزار «یک وطن، یک درد، یک صدا» که پیش از جنگ ۱۲ روزه آغاز شده بود نشانه‌ای از شکاف میان حکومت و نیروهای مسلح است. این کارزار پس از جنگ دوباره به راه افتاد و ابعاد وسیع‌تر به خود گرفت.

شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش در واکنش به بازداشت رضا کوشکی‌نژاد و اجرای حکم جواد بهداد در «ایکس» نوشت: «بعد از نشست مونیخ، جمهوری اسلامی



فشار بر نظامی‌ها را تشدید کرده. از یکسو مدام می‌گوید بودجه و حقوقشان کم است، اما هیچ اقدامی برای بهبود نمی‌کند. از سوی دیگر، نظامیان معترض انقلاب ۱۴۰۱ را

حسن کرمی معاون «عملیات فراجا» که به علت دخالت در سرکوب اعتراضات مردم ایران در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، گفته بود: «برای توجیه کارکنان و خانواده‌های پرسنل و در مراحل بعد توجه و روشنگری سازمان‌ها و صنوف به مدت ۶ ماه قراگاه عملیات روانی تشکیل خواهد شد.»

سقوط بشار اسد، مقامات تهران را بیش از گذشته نگران وضعیت نیروهای مسلح کرده است. اسماعیل کوثری عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی ۲۷ آذرماه ۱۴۰۳ در مصاحبه با وبسایت «جماران» گفته بود یکی از دلایل اصلی سقوط بشار اسد «خیانت ارتش» بود.

مشکلات اقتصادی، ناامیدی از آینده، بی‌اعتمادی به سلسه مراتب فرماندهی و دگرگونی‌های اجتماعی عمده عوامل نارضایتی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند.

استقبال رهبران خاورمیانه و اروپا از طرح صلح ترامپ برای غزه؛ حماس: خلع سلاح را نمی‌پذیریم



دیدار ترامپ نتانیاهو در کاخ سفید / مهرماه ۱۴۰۴

نخست وزیر اسرائیل همچنین افزود که طرح دونالد ترامپ «به اهداف ما کمک می‌کند و تمام گروگان‌ها را به اسرائیل برمی‌گرداند» و «توانایی نظامی حماس را از بین می‌برد و تهدیدی در غزه وجود نخواهد داشت.»

او با بیان اینکه «اگر شجاعت و فداکاری سربازان ما نبود، به این نقطه نمی‌رسیدیم»، اضافه کرد: «سربازان ما مثل شیر در جنگ میان توحش و تمدن جنگیدند.»

ناممکن‌ها را ممکن می‌کنیم

نخست‌وزیر اسرائیل با تقدیر از ایالات متحده آمریکا نیز گفت: «وقتی دو کشور ما شانه به شانه کنار هم می‌ایستند، می‌توانیم غیرممکن‌ها را ممکن کنیم. در عملیات طلوع شیران و چکش نیمه‌شب، تأسیسات هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران را از بین بردیم و جهان را ایمن‌تر کردیم و اکنون برای صلح در جهان تلاش می‌کنیم.»

نتانیاهو همچنین در پاسخ به پرسشی درباره امکان تشکیل کشور فلسطینی در قالب توافق پیشنهادی، گفت: «به هیچ وجه؛ چنین چیزی حتی در متّ توافق هم نیامده است.»

استقبال بین‌المللی از طرح ترامپ

آنتونیو گوستا رئیس شورای اروپا گفت که از پاسخ مثبت بنیامین نتانیاهو به این پیشنهاد دلگرم شده است. او افزود: «همه طرفین باید از این فرصت استفاده کنند و به صلح فرصتی واقعی بدهند.»

امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه اظهار داشت: «فرانسه آماده است تا در تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ و آزادی گروگان‌ها مشارکت کند.»

جورجیا ملونی نخست وزیر ایتالیا نیز در بیانیه‌ای گفته است که این پیشنهاد «می‌تواند نقطه عطفی در روند صلح باشد». او گفت ایتالیا «از همه طرفین می‌خواهد که از این فرصت استفاده کنند و این طرح را بپذیرند.»

وزرای خارجه کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، مصر، اردن، ترکیه، اندونزی و پاکستان در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که از «رهبری و تلاش‌های صادقانه دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ

او با بیان اینکه امروز «دیدار درباره مسائل بسیار حیاتی را به پایان رساندیم»، به مواردی از جمله «ایران، پیمان‌های اسرائیل، و پایان جنگ در غزه» به عنوان محورهای دیدار و گفتگو با نتانیاهو اشاره کرد.

ترامپ با ارائه طرح «صلح دائمی در خاورمیانه» گفت که این طرح «بسیار فراتر از انتظار همگان است» و «میزان حمایتی که کشورهای خاورمیانه و همسایگان اسرائیل ارائه کردند خارق‌العاده بوده است.»

او به همکاری کشورهایی از جمله عربستان سعودی، قطر، امارات، اردن، پاکستان، ترکیه، و اندونزی، برای پیشبرد مذاکرات درباره پایان جنگ غزه اشاره کرد و گفت که بر اساس طرح پیشنهادی او، «همه گروگان‌های اسرائیلی باقیمانده در دست حماس بلافاصله در کمتر از ۷۲ ساعت آزاد می‌شوند و پیکر جوانان جانباخته نیز بازگردانده خواهند شد.»

دونالد ترامپ گفت: «این به معنای پایان فوری جنگ، نه فقط در غزه، بلکه در سراسر منطقه است. کشورهای عرب بطور مکتوب متعهد شده‌اند که به سرعت غزه را غیرنظامی کنند. و توانایی نظامی حماس و دیگر گروه‌های تروریستی را خنثی نمایند.»

رئیس جمهوری آمریکا تأکید کرد در صورتی که حماس این توافق را رد کند «اسرائیل حق مطلق دارد و حمایت کامل ما را هم دارد» که حماس را بطور کامل از بین ببرد.

ترامپ در بین صحبت‌هایش اشاره‌ای نیز به به افزایش فشارها علیه جمهوری اسلامی کرد و گفت: «در دور اول از توافق وحشتناک برجام خارج شدم» و «توانایی غنی‌سازی هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران را از بین بردیم.»

نتانیاهو به ترامپ: ثابت کردید بزرگترین دوست اسرائیل هستید

بنیامین نتانیاهو با تقدیر از ترامپ گفت: «از اورشلیم تا تهران، شما ثابت کردید که بزرگترین دوست اسرائیل هستید.» او گفت: «امروز گامی حیاتی به سوی پایان جنگ در غزه و پیشبرد صلح در خاورمیانه و حتی فراتر از خاورمیانه برداشته شد.»

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۴ پس از گفتگو با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در کاخ سفید، طی یک کنفرانس خبری موافقت نتانیاهو را با طرح ۲۰ ماده‌ای صلح غزه اعلام کرد. این طرح مورد استقبال رهبران خاورمیانه و اروپا نیز قرار گرفته است اما گروه تروریستی حماس و جمهوری اسلامی با آن مخالف هستند.

● ترامپ در کنفرانس خبری گفت: «من باور دارم که آنها هم می‌توانند، می‌توانم قول دهم زمانی خواهد رسید که ایران هم بخشی از پیمان ابراهیم باشد.»

● بنیامین نتانیاهو نیز با تقدیر از ترامپ گفت: «از اورشلیم تا تهران، شما ثابت کردید که بزرگترین دوست اسرائیل هستید.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۴ پس از گفتگو با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در کاخ سفید، طی یک کنفرانس خبری موافقت نتانیاهو را با طرح ۲۰ ماده‌ای صلح غزه اعلام کرد. این طرح مورد استقبال رهبران خاورمیانه و اروپا نیز قرار گرفته است اما گروه تروریستی حماس و جمهوری اسلامی با آن مخالف هستند.

بر اساس این طرح، غزه به منطقه‌ای عاری از ترور و نظامیگری تبدیل می‌شود و بازسازی زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و خدمات اساسی برای مردم آغاز می‌گردد.

همچنین جنگ با پذیرش طرح متوقف می‌شود؛ آزادی گروگان‌ها و زندانیان بین دو طرف انجام خواهد شد و اعضای حماس در صورت کنار گذاشتن سلاح عفو می‌شوند و امکان خروج یا ماندن در آنجا را دارند.

در این طرح آمده، غزه موقتاً توسط یک کمیته تکنوکرات فلسطینی با نظارت بین‌المللی اداره می‌شود، کمک‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی بدون دخالت توزیع خواهد شد و گذرگاه رفح باز می‌شود و یک نیروی بین‌المللی (ISF) امنیت مرزها را تأمین می‌کند و ارتش اسرائیل به تدریج عقب‌نشینی خواهد کرد.

از دیگر مفاد این طرح ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی با تعرفه و نرخ‌های دسترسی ترجیحی است که با کشورهای مشارکت‌کننده درباره این موضوع مذاکره می‌شود.

وضعیت حماس در طرح ترامپ برای غزه

از مهمترین مفاد این طرح خلع سلاح حماس و نابودی تمام زیرساخت‌های نظامی غزه است. بر اساس طرح صلح ترامپ، حماس و دیگر گروه‌ها توافق می‌کنند هیچ نقشی در مدیریت غزه نداشته باشند. تمام زیرساخت‌های نظامی و تروریستی نابود شده و بازسازی نخواهند شد.

همچنین قرار است ایالات متحده با شرکای عرب و بین‌المللی برای استقرار یک نیروی بین‌المللی جهت حفظ ثبات در غزه همکاری کند. این نیرو پلیس فلسطینی را آموزش می‌دهد، مرزها را ایمن و از قاچاق سلاح جلوگیری می‌کند و با اسرائیل و مصر هماهنگی خواهد داشت.

ترامپ: ایران [جمهوری اسلامی] هم می‌تواند بخشی از پیمان ابراهیم باشد!

دونالد ترامپ در کنفرانس خبری عنوان کرد که «امروز یک روز تاریخی برای من و نتانیاهو است.» وی گفت: «من باور دارم که آنها هم می‌توانند، می‌توانم قول دهم زمانی خواهد رسید که ایران هم بخشی از پیمان ابراهیم باشد.»

➡ «غزه» استقبال می‌کنند. رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه نیز با استقبال از تلاش‌های دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ در غزه، از رهبری او در مسیر توقف خونریزی و تحقق آتش‌بس قدردانی کرد. تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری محمود عباس نیز تلاش‌های دونالد ترامپ را «صادقانه و مصمم» خوانده و اعلام کرده است که به «تعهد مشترک خود برای همکاری با ایالات متحده، کشورهای منطقه و شرکا» پایبند است تا به جنگ غزه پایان داده شود.

حماس: خلع سلاح را نمی‌پذیریم!

اما مقامات گروه تروریستی حماس ساعاتی پس از اعلام طرح صلح ترامپ اعلام کردند که حاضر به پذیرفتن آن نیستند. طاهر النونو از مقامات ارشد گروه تروریستی حماس در گفتگو با شبکه قطری العربی اعلام کرد این گروه آماده است همه گروگان‌های در اختیار خود، چه زنده و چه جانباخته، را در چارچوب توافقی جامع و پس از پایان جنگ و خروج نیروهای اسرائیلی از غزه آزاد کند اما حاضر به خلع سلاح خود نیست. او تأکید کرد: «تا زمانی که اشغال ادامه دارد، مقاومت مسلحانه حق مردم فلسطین است. اگر کشور فلسطین تشکیل شود، نیازی به مقاومت و سلاح نخواهد بود.»

محمود مرداوی یکی دیگر از رهبران حماس نیز عنوان کرد مفاد طرح ترامپ به روایت اسرائیل نزدیک است.

در این میان، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به توافق ترامپ و نتانیاهو بر سر طرح صلح غزه گفت که نسخه این طرح را بعد از ظهر دوشنبه دریافت کرده‌اند و «اکنون منتظر واکنش گروه‌های فلسطینی از جمله حماس هستیم.»

در واکنش به مخالفت حماس با طرح صلح، کیری استارمر نخست وزیر انگلیس با مداد سه‌شنبه گفت: «ابتکار جدید آمریکا برای پایان دادن به جنگ در غزه بسیار مورد استقبال قرار گرفته و حماس باید طرح ترامپ را بپذیرد، سلاح‌های خود را کنار بگذارد و همه گروگان‌های باقیمانده را آزاد کند.»

اینکه گروه تروریستی حماس تحت فشار حاضر به پذیرفتن طرح صلح ترامپ بشود یا نه مشخص نیست، اما نتانیاهو تهدید کرد «گروگان‌ها و بقایای پیکر کشته‌شدگان طی ۷۲ ساعت باید بازگردانده شوند؛ چه بدون دردسر و چه با زور.» طرح ۲۰ ماده‌ای صلح در غزه که توسط کاخ سفید اعلام شده به شرح زیر است:

۱. غزه به منطقه‌ای عاری از افراط‌گرایی و تروریسم که تهدیدی برای همسایگان خود ایجاد نمی‌کند، تبدیل خواهد شد.
۲. غزه به نفع مردم غزه که بیش از حد رنج کشیده‌اند، بازسازی خواهد شد.

۳. چنانچه هر دو طرف با این پیشنهاد موافقت کنند، جنگ بی‌درنگ به پایان خواهد رسید. نیروهای اسرائیلی به خطی که بر سر آن توافق شده است، عقب‌نشینی خواهند کرد تا برای آزادی گروگان‌ها آماده شوند. طی این مدت تمامی عملیات‌های نظامی - از جمله بمباران‌های هوایی و گلوله‌باران توپخانه‌ای - به حالت تعلیق در خواهد آمد و خطوط نبرد تا زمان تحقق شرایط برای عقب‌نشینی کامل مرحله‌ای، در وضعیت ثابت و بدون تغییر باقی خواهند ماند.

۴. ظرف مدت ۷۲ ساعت از پذیرش علنی این توافق توسط اسرائیل، همه گروگان‌ها - اعم از زنده و متوفی - بازگردانده خواهند شد.

۵. وقتی همه گروگان‌ها آزاد شدند، اسرائیل ۲۵۰ زندانی محکوم به حبس ابد و نیز ۱۷۰۰ غزه‌ای را که پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بازداشت شده‌اند - از جمله همه زنان و کودکان بازداشت‌شده در آن شرایط - را آزاد خواهد کرد. در ازای رهایی پیکر هر اسرائیلی متوفی، اسرائیل پیکرهای ۱۵ غزه‌ای

متوفی را رها خواهد کرد.

۶. پس از بازگشت همه گروگان‌ها، اعضای حماس که به همزیستی مسالمت‌آمیز و دست کشیدن از سلاح‌هایشان متعهد شوند، مشمول عفو عمومی خواهند شد. به آندسته از اعضای حماس که مایل به ترک غزه باشند اجازه داده خواهد شد که بطور ایمن به کشورهایی که پذیرای آنها باشند، بروند.

۷. پس از پذیرش این توافق، کمک‌های کامل بی‌درنگ به نوار غزه ارسال خواهد شد. میزان کمک‌ها دست‌کم با آنچه در توافق ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ در رابطه با کمک‌های بشردوستانه گنجانده شده بود - از جمله بازسازی زیرساخت‌ها (آب، برق، فاضلاب)، بازسازی بیمارستان‌ها و نانوائی‌ها، و ورود تجهیزات لازم برای آواربرداری و باز کردن جاده‌ها، همخوانی خواهد داشت.

۸. ورود و توزیع کمک‌ها به نوار غزه بدون دخالت دو طرف از طریق سازمان ملل و نهادهای آن و هلال احمر، و نیز دیگر نهادهای بین‌المللی که به هیچ عنوان با هیچیک از طرفین ارتباطی ندارند، به انجام خواهد رسید. باز کردن گذرگاه رفح در هر دو جهت بر اساس همان ساز و کاری خواهد بود که ذیل توافق ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ به اجرا در می‌آید.

۹. مدیریت بر غزه توسط یک حکومت موقت گذار، متشکل از یک کمیته فن‌سالار غیرسیاسی فلسطینی، که عهده‌دار مسئولیت ارائه خدمات همگانی و امور روزانه شهری برای مردم غزه خواهد بود، اداره خواهد شد. این کمیته متشکل از کارشناسان واجد شرایط فلسطینی و بین‌المللی خواهد بود و زیر نظارت و سرپرستی یک نهاد گذار بین‌المللی جدید، به نام «هیئت صلح»، تحت ریاست پرزیدنت دونالد جی. ترامپ و دیگر اعضا و سران کشورها، از جمله تونی بلر، نخست وزیر سابق [بریتانیا] قرار خواهد داشت. این نهاد ضمن تعیین چارچوب، منابع مالی لازم برای توسعه مجدد غزه را تا زمانی که تشکیلات خودگردان فلسطینی برنامه اصلاحاتش را - همانگونه که در پیشنهادها مختلف، از جمله طرح صلح پرزیدنت دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۰ و پیشنهاد عربستان سعودی - فرانسه، تشریح شده است - تکمیل کند و بتواند به نحوی ایمن و مؤثر کنترل غزه را پس بگیرد، مدیریت خواهد کرد. این نهاد از بهترین استانداردهای بین‌المللی برای ایجاد حکومتی پیشرفته و کارآمد که به مردم غزه خدمت کند و برای جذب سرمایه‌گذاری سودمند باشد، استفاده خواهد کرد.

۱۰. یک طرح توسعه اقتصادی ترامپ برای بازسازی و انرژی بخشیدن به غزه با تشکیل هیأتی از متخصصانی که به ایجاد برخی از شهرهای پیشرفته و پررونق در خاورمیانه کمک کرده‌اند، تهیه خواهد شد. بسیاری از پیشنهادها سرمایه‌گذاری اندیشمندانه و ایده‌های توسعه‌ای همچنان‌گیز توسط گروه‌های خیرخواه بین‌المللی تدوین شده است و برای ترکیب چارچوب‌های امنیتی و حاکمیتی با هدف جذب و تسهیل این سرمایه‌گذاری‌ها - که باعث ایجاد شغل، فرصت، و امید برای آینده غزه خواهد شد - در نظر گرفته خواهد شد.

۱۱. یک منطقه ویژه اقتصادی با نرخ‌های تعرفه و دسترسی ترجیحی - که با کشورهای شرکت‌کننده مورد مذاکره قرار خواهد گرفت - تاسیس خواهد شد.

۱۲. هیچکس وادار نخواهد شد غزه را ترک کند و کسانی که مایل به ترک آنجا باشند، می‌توانند آزادانه این کار را انجام دهند و آزادانه بازگردند. ما مردم را تشویق خواهیم کرد که بمانند و به آنها فرصتی خواهیم داد که غزه‌ای بهتر را بسازند.

۱۳. حماس و دیگر جناح‌ها موافقت می‌کنند که در حاکمیت غزه - چه مستقیم، چه غیرمستقیم، و چه به هر شکلی - هیچ نقشی نداشته باشند. همه زیرساخت‌های نظامی، تروریستی، و تهاجمی، از جمله تونل‌ها و تأسیسات

اسلحه‌سازی، منهدم می‌شوند و دیگر ساخته نخواهند شد. یک روند غیرنظامی‌سازی غزه تحت نظارت ناظران مستقل به انجام خواهد رسید. این روند شامل از کار انداختن دائمی جنگ‌افزارها خواهد بود و از طریق یک فرایند توافق‌شده برای از رده خارج کردن آنها که از سوی یک برنامه بازخريد و ادغام مجدد با بودجه بین‌المللی که تماماً توسط ناظران مستقل تأیید شده است، پشتیبانی خواهد شد. غزه جدید به ایجاد یک اقتصاد شکوفا و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگانش کاملاً متعهد خواهد بود.

۱۴. شرکای منطقه‌ای تضمین می‌کنند که حماس و جناح‌ها به تعهداتشان عمل خواهند کرد و غزه جدید هیچ تهدیدی برای همسایگانش یا مردم خود محسوب نخواهد شد.

۱۵. ایالات متحده با شرکای عرب و بین‌المللی خود برای ایجاد یک «نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی» (ISF) موقت به منظور استقرار فوری در غزه، همکاری خواهد کرد. این نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی، نیروهای پلیس فلسطینی تأیید صلاحیت‌شده در غزه را آموزش خواهد داد و از آنها پشتیبانی خواهد کرد و با اردن و مصر، که تجربه گسترده‌ای در این زمینه دارند، به رایزنی خواهد پرداخت. این نیرو راه حل بلندمدت امنیت داخلی خواهد بود. این نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی به همراه نیروهای پلیس فلسطینی تازه آموزش‌دیده، به منظور کمک به تأمین امنیت مناطق مرزی با اسرائیل و مصر همکاری خواهد کرد. این امر برای جلوگیری از ورود مهمات به غزه و تسهیل جریان سریع و ایمن کالا برای بازسازی و احیای غزه، بسیار حیاتی است. طرف‌های ذیربط بر سر یک ساز و کار رفع مناقشه توافق خواهند کرد.

۱۶. اسرائیل غزه را اشغال یا ضمیمه نخواهد کرد. در حالی که نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی به برقراری کنترل و ثبات می‌پردازد، نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) مطابق با استانداردها، نقاط عطف، و چارچوب‌های زمانی مرتبط با غیرنظامی‌سازی که میان نیروهای دفاعی اسرائیل، نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی، ضامن‌ها، و ایالات متحده توافق خواهد شد، به منظور ایجاد غزه‌ای امن که دیگر تهدیدی برای اسرائیل، مصر، یا شهروندانش نباشد، عقب‌نشینی خواهند کرد. ارتش اسرائیل در عمل تا زمان خروج کامل از غزه، مطابق توافقی که با مقامات حکومت گذار انجام خواهد داد، به تدریج قلمرو غزه را که اشغال کرده است به نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی تحویل خواهد داد. البته به استثناء حضور امنیتی در یک منطقه امن که تا زمان ایمن‌سازی کامل غزه از هرگونه تهدید تروریستی دوباره، این امر پابرجا خواهد بود.

۱۷. چنانچه حماس این پیشنهاد را به تأخیر بیندازد یا رد کند، موارد فوق، از جمله عملیات امدادرسانی گسترده، در مناطق عاری از تروریسم - که توسط نیروهای دفاعی اسرائیل به نیروی ثبات‌بخش بین‌المللی تحویل داده شده است - ادامه پیدا خواهد کرد.

۱۸. یک فرآیند گفتگوی میان ادیان بر اساس ارزش‌های مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار خواهد شد تا با تأکید بر مزایایی که می‌توان از طریق صلح به دست آورد، ذهنیت‌ها و روایت‌های فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را دگرگون کند.

۱۹. همزمان با پیشرفت روند بازسازی غزه و اجرای صادقانه برنامه اصلاحات تشکیلات خودگردان فلسطینی، شرایط ممکن است سرانجام برای ایجاد یک مسیر معتبر به سوی حق تعیین سرنوشت و تشکیل کشوری فلسطینی - که ما آن را به عنوان آرمان مردم فلسطینی می‌شناسیم - فراهم شود.

۲۰. ایالات متحده گفتگویی را میان اسرائیل و فلسطینیان برقرار خواهد کرد تا در مورد یک افق سیاسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و مرفه به توافق برسند.

تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی؛ آیا ترامپ برگ برنده‌اش را رو می‌کند؟



دیپلماسی راه‌هایی کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر هستند، اما گاهی اوقات، هزینه آنها از جنگ هم بیشتر است.» امیرسعید ایروانی نماینده رژیم ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «غنی‌سازی حق غیرقابل انکار ماست، و هرگز متوقف نخواهد شد.» مهم‌تر از همه، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بار دیگر بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم تأکید کرد و گفت: «دین و دانش خود را رها نخواهیم کرد.»

با وجود این لفاظی‌ها اما ابزارهای باج‌گیری تهران یکی‌یکی از رده خارج شده‌اند. منتقدان ترامپ او را ماجراجو خواندند، اما او برخلاف بسیاری در واشنگتن در این زمینه حسن نیت واقعی نشان داده و دیپلماسی را در اولویت گذاشت و همزمان روشن ساخت که از خطوط قرمز آمریکا عقب‌نشینی نخواهد کرد. با این حال، تهران دچار خطای محاسبه شد و تصور کرد ترامپ برای دستیابی به توافق بی‌تاب است. اما اهرمی که زمانی از طریق غنی‌سازی اورانیوم در اختیار داشت، با عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل و آسیب جدی به تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان، از میان رفت.

در برابر این شکست‌ها، رژیم بار دیگر به حربه دیرینه خود یعنی وقت‌کشی متوسل شده است. همانطور که یک زبانزد فارسی می‌گوید، رژیم مانند همیشه به سیاست «از این ستون به آن ستون فرج است» روی آورده. تهران به خوبی می‌داند توان رویارویی با قدرت نظامی ایالات متحده را ندارد؛ از همین رو چشم امید به بی‌عملی کنگره آمریکا و تحولات سیاسی در آن کشور دوخته است. محاسبه‌اش این است که ترامپ، برای پرهیز از فشار افکار عمومی داخلی، دست اسرائیل را هم ببندد و تصویر یک صلح‌طلب را که مورد پسندش است، حفظ کند.

اما همین قمار جمهوری اسلامی فرصتی تازه برای آمریکا پدید آورده است. ایالات متحده ابزاری به مراتب

خواهد داد این چرخه بی‌پایان ادامه پیدا کند یا برگ برنده خود را رو می‌کند و آخرین شریان حیاتی جمهوری اسلامی، یعنی درآمدهای نفتی آن را قطع خواهد کرد؟

مناقشه جامعه جهانی بر سر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی سابقه طولانی دارد. بیست و سه سال پیش جهان برای نخستین بار از وجود تأسیسات مخفی غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و اراک مطلع شد. آنچه در سال ۲۰۰۲ آغاز شد، چهار رئیس‌جمهور آمریکا، ده‌ها دور مذاکره و چندین کارزار تحریمی را پشت سر گذاشته و امروز به یکی از چالش‌های امنیتی مزمین جهان بدل شده است.

ترامپ بارها مسیر گفتگو را گشود؛ حتی دوست نزدیک و معتمدش، استیو ویتکاف را که با رویکرد مصالحه‌جویانه



دکتر سعید قاسمی نژاد، نوید محبی

شناخته می‌شود، برای پیشبرد مذاکرات منصوب کرد. اما جمهوری اسلامی همه این ابتکارها را رد کرد و با وجود تحمل سخت‌ترین شکست‌ها، همچنان بر مواضع تندروانه خود اصرار ورزید.

سه ماه پس از حملات آمریکا و اسرائیل، مقامات جمهوری اسلامی حتی تلاشی برای پنهان کردن سرکشی خود نکرده‌اند. عباس عراقچی وزیر خارجه با طعنه گفت: «مذاکره و

● اکنون دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در برابر لحظه‌ای سرنوشت‌ساز قرار دارد: آیا اجازه خواهد داد این چرخه بی‌پایان ادامه پیدا کند یا برگ برنده خود را رو می‌کند و آخرین شریان حیاتی جمهوری اسلامی، یعنی درآمدهای نفتی آن را قطع خواهد کرد؟

● سیاست «صادرات صفر نفت» هیچگاه بطور کامل آزموده نشده است. حتی در اوج کارزار فشار حداکثری ترامپ در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی ایران توانست روزانه حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر کند. اما چرا سال ۲۰۲۵ متفاوت است؟

● دیگر جای هیچ تردیدی نیست. جمهوری اسلامی حتی پس از حملات سنگین اسرائیل هم نشان داد اهل مصالحه نیست. وقت آن رسیده که ترامپ قوی‌ترین برگ خود را رو کند؛ فشارها را بیشتر کند، شیرهای نفت را ببندد و تهران را در وضعیت قرار دهد که عقب‌نشینی تنها راهی باشد که برایش باقی مانده است. واشنگتن بیست‌وسه سال است با این معضل درگیر است. ترامپ می‌تواند این چرخه را پایان دهد. اگر صادرات نفت ایران متوقف شود، رژیم در برابر لحظه‌ای تعیین‌کننده قرار خواهد گرفت.

سعید قاسمی نژاد، نوید محبی - با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل با اجرای «مکانیسم ماشه» در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵، تهران بار دیگر به زبان تهدید متوسل شده و حتی سخن از خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به میان می‌آورد. این در حالیکه به برنامه هسته‌ای آن به شدت آسیب دیده، بازوهای نیابتی‌اش در منطقه تضعیف شده‌اند و اقتصاد کشور در آستانه فروپاشی است. با وجود این واقعیت‌ها اما رژیم همچنان واغود می‌کند که هیچ چیز تغییر نکرده است. اکنون دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در برابر لحظه‌ای سرنوشت‌ساز قرار دارد: آیا اجازه

بارش

این پدر سوخته دشمن...

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۵) مرداد ۱۳۸۶



شادروان عبدالله مستوفی در کتاب نفیس خود (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه) از خوشنویسی به نام میرزا عبدالجواد اصفهانی یاد می‌کند که شیوه خاص میرعماد را بسیار خوب می‌نوشته و شاگردان متعدد از خانواده‌های اعیان و اشراف آن زمان داشته است اما «خیلی زودرنج بود و سوء ظنی قریب به جنون داشت، در خوی آخری به قدری افراط می‌کرد که برای صحت‌های عادی و تعارف‌های معمولی هم توجیهات و تعبیرات عجیب قائل می‌شد. بیچاره کسی که از مباحثات با او ناگزیر بود و در هر صحبت معمولی گرفتار پرخاش میرزا واقع می‌گردید»

کسی که از پس بدزبانی و بدعُنقی میرزا عبدالجواد برمی‌آمد و فریادش را به آسمان می‌رساند، به روایت مرحوم مستوفی، یک صحاف اصفهانی بود به اسم میرزا علی. محال بود میرزا عبدالجواد اسم میرزا علی را ببرد و مانند میدان کهنه‌ای‌های اصفهان که همیشه صفت را قبل از موصوف می‌آوردند، صفت «پدر سوخته» را جلو اسم او نگذارد. میرزا علی هم تنش می‌خارید و شوخی‌های عجیب با میرزا عبدالجواد می‌کرد...

«عجب نبود که میرزا می‌گفت اگر میرزا علی صحاف در مشرق عالم باشد و مرا در مغرب عالم کسی آزار کند، من دست این پدر سوخته را در این آزار دخیل می‌بینم. به قدری در این عقیده ثابت بود که یک روز زیر درختی مشق می‌کرد. دایره خوبی نوشته و گرم تماشا و کیف کردن از خط خود بود. گنجشگی از بالای درخت شاهکار میرزا را ملوث کرد. میرزا سر بلند کرد و گفت: آ پدر سوخته میرزا علی تو را هم چلغوزوند!»

*خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) هفته گذشته خبر داد که ۱۴ سنجاب در مرزهای کشور توسط مأموران اطلاعاتی شناسایی و توقیف شدند. آنها توسط سرویس‌های امنیتی خارجی به وسایل جاسوسی مجهز شده بودند.

«مقام معظم رهبری» می‌فرمایند جمهوری اسلامی، دشمن (آمریکای جهان‌خوار) را دلیل و زیون کرده و پشت این ابرقدرت پوشالی (به فرمایش صدر مائو: ببر کاغذی) را به خاک رسانده است.

رئیس جمهوری محبوب و منصوب مقام رهبری از نابودی قریب‌الوقوع آمریکا و محو اسرائیل از نقشه جغرافیا خبر می‌دهد.

حجت‌الاسلام وزیر کشور می‌گوید دشمنان جمهوری اسلامی در عراق به درיוزگی افتاده و عاجزانه دست استمداد به سوی ما دراز کرده‌اند.

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی اخطار می‌کند که اگر دشمن سنگی از روی هوا به طرف ما بیندازد در زمین و هوا پدرش را می‌سوزانیم و خاک واشنگتن را به توبره می‌کشیم. از طرف دیگر اما، هر برگ در باغ پر گل و سنبل جمهوری اسلامی برخلاف باد صادره از دستگاه حکومتی بجنبد، همین عالیجنابان و عالیمقامان آن را کار «دشمن» می‌دانند. گران شدن گوجه‌فرنگی، کمیابی بنزین، شورش عمومی بر اثر بحران بنزین، طغیان سنی مذهب‌یان ایرانی بر اثر تحمیلات حکومت آخوندی، اعتصابات کارگری، اعتراضات دانشجویی... همه و همه زیر سر این «دشمن» نابکار است. حتی دست «دشمن» است که روزنامه‌نگاران، نویسندگان، شاعران، مدیران خبرگزاری‌ها و مسؤولان سایت‌های اینترنتی را در دروغ‌رزمی و پروغرض بر سر انگشت می‌چرخاند و اقتصاددانان را به نوشتن نامه‌های سرگشاده برمی‌انگیزد. فیلمی اگر ساخته می‌شود که با «ارزش»‌های انقلاب و اسلام انقلابی همخوانی ندارد، ساخته عوامل «دشمن» است. کتابی اگر در کتابخانه‌های کشور راه پیدا کرده که حاوی «بدآموزی» است دست پنهان «دشمن» آن را در قفسه کتابها جای داده است.

و بالاخره: جاسوسی «سنجاب»‌ها به نفع «دشمن»!

→ نیرومندتر از حمله نظامی در اختیار دارد و اگر اراده کند، می‌تواند صادرات نفت ایران را به صفر برساند. به عبارت دیگر، اکنون که اروپا مکانیسم ماشه را فعال کرده، واشنگتن شانس کمی نظیر یافته تا شاه‌رگ اقتصادی تهران را قطع کند.

سیاست «صادرات صفر نفت» هیچگاه بطور کامل آزموده نشده است. حتی در اوج کارزار فشار حداکثری ترامپ در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی ایران توانست روزانه حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر کند.

اما چرا سال ۲۰۲۵ متفاوت است؟ در سال ۲۰۱۹، اروپا در برابر تحریم‌های ناشی از فعال شدن «مکانیسم ماشه» مقاومت کرد و تهران نیز همچنان ابزارهای متعددی برای باج‌گیری داشت؛ از تشدید غنی‌سازی گرفته تا جنگ‌های نیابتی. امروز بیشتر آن ابزارها از دست رفته است. تنها برگ باقیمانده تهدید به خروج از پیمان NPT است؛ اما این نه نشانه قدرت، بلکه علامت ضعف است. رژیم می‌تواند خود اطمینان داشته باشد، هرگز با کنار گذاشتن معاهده‌ای که مشروعیت برنامه هسته‌ای‌اش را تضمین می‌کند، چنین قمار نمی‌کند.

اکنون زمان بیش از هر دوره دیگری برای فشار بر رژیم مناسب است. مردم ایران سال‌هاست زیر بار تحریم‌ها زندگی می‌کنند و به خوبی می‌دانند ریشه مشکل در تهران است نه در واشنگتن. آنها سال‌ها سختی‌های مختلف را به امید دیدن نوری در انتهای تونل تاب آوردند و امروز کاسه صبرشان لبریز شده است.

تورم لگام‌گسیخته پس‌انداز خانوارها را نابود کرده، ارزش ریال سقوط کرده و قطع مداوم برق زندگی روزمره را فلج کرده است. مردم به حقیقتی تلخ پی برده‌اند: تا وقتی رژیم پول در اختیار دارد، ماشین سرکوب آن نیز به کار ادامه خواهد داد. به همین دلیل بسیاری از مردم در تردیدند که دوباره به خیابان‌ها بیایند. اما اگر فشار خارجی منابع مالی رژیم را قطع کند و سوء مدیریت داخلی همچنان ادامه یابد، ایرانیان سرانجام فرصت خواهند یافت، حاکمان را به چالش بکشند.

حتی در داخل ساختار قدرت هم زمزمه‌هایی از ضرورت تغییر شنیده می‌شود. آنچه هنوز، به ویژه در پایتخت‌های غربی، درک نشده این است که جمهوری اسلامی به پایان راه نزدیک می‌شود. ترامپ در موقعیتی استثنایی قرار دارد تا این چرخه را پایان دهد. او در نخستین دوره ریاست جمهوری‌اش صادرات نفت ایران را به حدود یک سوم سطح پیش از آن کاهش داد. امروز اما صادرات دوباره به حدود یک میلیون و ششصد هزار بشکه در روز رسیده است؛ یعنی تقریباً نزدیک به سطح پیش از تحریم‌ها.

دیگر جای هیچ تردیدی نیست. جمهوری اسلامی حتی پس از حملات سنگین اسرائیل هم نشان داد اهل مصالحه نیست. وقت آن رسیده که ترامپ قوی‌ترین برگ خود را رو کند؛ فشارها را بیشتر کند، شیرهای نفت را ببندد و تهران را در وضعیتی قرار دهد که عقب‌نشینی تنها راهی باشد که برایش باقی مانده است.

واشنگتن بیست و سه سال است با این معضل درگیر است. ترامپ می‌تواند این چرخه را پایان دهد. اگر صادرات نفت ایران متوقف شود، رژیم در برابر لحظه‌ای تعیین‌کننده قرار خواهد گرفت.

*نوید محبی کارشناس مسائل ایران در واشنگتن دی‌سی، در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایران فعالیت می‌کند. دکتر سعید قاسمی‌نژاد اقتصاددان و مشاور ارشد در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) است.

*منبع: نشنال اینترست

اعلیحضرت گفتند مبادا به خاطر مجسمه من یا خود من خون از دماغ کسی جاری شود!

ارتشبد اوپسی فرمانده نیروی زمینی و فرماندار نظامی تهران با اخذ مرخصی از کشور خارج شد و بلافاصله درخواست بازنشستگی کرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۷)



یادداشتها و
خاطرات سپهبد جعفر صانعی
بر ارتش چه گذشت (۲)
از ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از ایشان سیاست‌گذاری که یادداشت‌های خود را در اختیار ما گذاشته‌اند. نکته‌های دقیقی درین یادداشت‌ها وجود دارد که پژوهشگران را در ریشه‌یابی وقایعی که منجر به کنار کشیدن ارتش و امضای بیانیه بیطرفی شد یاری خواهد داد.

خاطرات کسانی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ عهده‌دار مشاغل در سازمان سیاسی و اداری یا نظامی آن دوران بوده و نقشی در تصمیم‌گیریها داشته‌اند به تجزیه و تحلیل منطقی قضایا و در نتیجه داوری منصفانه‌تر کمک می‌کند. ازین دست خاطرات، ما پیش ازین در صفحه خاطرات و تاریخ داشته‌ایم و ازین شماره خاطرات و یادداشت‌های سپهبد جعفر صانعی را در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌دهیم.

سپهبد صانعی که اینک ساکن کاناداست در سال ۱۳۵۷ معاونت لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت و در جلسات شورای فرماندهان شرکت می‌کرد و نام و امضای او نیز ذیل اعلامیه بیطرفی به چشم می‌رسد.

بیست و چهار سال پس از فروپاشی رژیم پادشاهی و روی کارآمدن جمهوری اسلامی، هنوز این سؤال وجود دارد که آیا این سرنوشت مقدر ایران بود یا در زمستان ۱۳۵۷ تاریخ می‌توانست به شکل دیگری نوشته شود.

درباره این سؤال، باوجود مطالب بسیاری که اظهار یا افشا شده، هنوز جای بحث باقی‌است. بی شک، پاسخ قطعی برای چنین سؤالی نمی‌توان یافت. گفته‌اند اگر دماغ کلتوپاترا کمی بزرگتر (یا کوچکتر) بود تاریخ جهان مسیر دیگری می‌پیمود. در هر حادثه تاریخی شماری بیش یا کم از «اگر»ها وجود دارد و به همین دلیل است که قضاوت درباره این وقایع به آسانی مقدور نمی‌شود.

تشکیل دولت نظامی

در زمان نخست وزیری آقای شریف امامی اوضاع و احوال از نظر اعتصابات و اغتشاشات در سطح مملکت روز به روز بدتر می‌شد. فرمانداری نظامی دستش در اجرای ماموریتی که بر عهده داشت بسته بود و سیاست‌های دولت موجب تضعیف آن می‌شد به طریقی که هر زمان اقدام قاطعی از طرف فرمانداری نظامی صورت می‌گرفت، بلافاصله معاون اجرایی نخست وزیر که سخنگوی دولت هم بود در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی آن را نادرست اعلام می‌کرد و با لغو تصمیمات، عقب نشینی در مقابل شورشگران ادامه می‌یافت.

مشاهده چنان وضعی باعث ناراحتی شدید افسران و امیران ستاد نیروی زمینی می‌شد و صدای اعتراض همگی بلند بود. یکی از آن روزها (دقیقاً ۱۴ آبان ۵۷) چند نفر از امرآ و معاونین نیروی زمینی متفقاً نزد فرمانده نیرو رفتم و با اعتراض به وضع موجود به ایشان پیشنهاد کردیم در شرفیابی به پیشگاه شاهانه مراتب ناخرسندی کادر بالای نیروی زمینی را به عرض رسانیده اظهار کند که این وضع ممکن است مشکلات لاینحلی را در سطح ارتش به وجود آورد و نهایتاً پیشنهاد این بود که یک دولت نظامی تشکیل و مقررات حکومت نظامی با قاطعیت اجرا و به وضع موجود خاتمه داده شود.

فرمانده نیروی زمینی - ارتشبد اوپسی - که خود ضمن داشتن مسئولیت در مقام فرمانداری نظامی تهران از اخلاص در انجام وظایف مربوط به شدت ناراضی و ناراحت بود نظرات ما را تأیید کرد و پس از مدتی بررسی و مشاوره، تلفنی با دربار تماس گرفت و درخواست شرفیابی کرد و ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به ایشان وقت داده شد.

در ساعت مقرر به کاخ رفته شرفیاب شدیم. ما نفهمیدیم در آن مکان و زمان چه گذشت. شب هنگام ایشان به ستاد نیرو مراجعت نمود و از خلال صحبت‌هایی که کرد دریافتیم با پیشنهاد تشکیل دولت نظامی موافقت شده است. منتظر ماندیم که تصمیم اعلیحضرت ابلاغ گردد. اواخر



ارتشبد غلامرضا ازهاری

شب خبر رسید تیمسار ارتشبد ازهاری مامور تشکیل دولت نظامی شده است. صبح روز بعد هیات دولت نظامی به حضور شاهانه معرفی شد و ارتشبد اوپسی با حفظ سمت فرماندهی بر نیروی زمینی و فرمانداری نظامی تهران در این کابینه سرپرستی وزارت کار را بر عهده داشت.

این وضعیت باعث شگفتی نظامیان گردید. ماتصور می‌کردیم اعلیحضرت ارتشبد اوپسی را که در آن زمان مناسبترین فرد برای تشکیل دولت نظامی بود انتخاب خواهند کرد.

اینجا ناگزیر بر می‌گردیم به این که اعلیحضرت همواره از

سپردن کارهای مهم به افراد شاخص و لایق پرهیز می‌کردند. به هر صورت، پس از شروع کار دولت جدید، چندروزی بیش نگذشت که این دولت نظامی خود را در اعاده نظم و برقراری امنیت و شکست اعتصابات و اجرای کامل مقررات حکومت نظامی، از دولت قبلی ناتوانتر نشان داد و بدترین نتیجه‌ای که از این تغییر و تحول حاصل شد دلسردی و نومیدی و افسردگی و ضعف روحیه نیروهای نظامی و انتظامی مملکت بود.

در زمان دولت ارتشبد ازهاری، اغتشاشات به اوج خود رسید و معلوم نبود که پس از آن چه پیش خواهد آمد. ادامه و گسترش اعتصابات در دستگاه‌های دولتی و حتی بخش خصوصی، بویژه تأسیساتی که مایحتاج عمومی را تأمین می‌کردند، باعث شده بود که ارتش هم از لحاظ تدارک نیازمندیهای خود رفته رفته فلج گردد. از جمله به علت اعتصاب در تأسیسات نفتی، پرسنل شرکت نفت بخصوص در تهران از تحویل سوخت ارتش خودداری می‌کردند.

تزلزل در ارتش

در پرسنل ارتش نفوذ شده بود. عناصر نفوذی صفوف نظامی را متزلزل و افراد وظیفه را تشویق به فرار می‌کردند. در آن زمان ۱۲۰۰۰ نفر از نیروی زمینی غیبت کرده بودند و ژاندارمری چندین ماه بود توانایی جمع آوری مضمولین و تحویل آنها به ارتش را نداشت. من با خود فکر می‌کردم با وضعیتی که پیش آمده و پیش می‌رود احتمال آسیب رساندن به تأسیسات نظامی از جمله قرارگاه و ستاد نیروی زمینی وجود دارد، درین صورت ضمن پایداری یگانهای خارج از مرکز، از هم پاشیدگی نیرو و عدم کنترل یگانهای موجود و مقاوم پیش خواهد آمد. لکن چنانچه یک قرارگاه یدکی در نقطه دیگری از کشور قبلاً تشکیل و در زمان ایجاد خطر برای تهران آن قرارگاه فعال شود، می‌تواند موجودیت خود را حفظ کرده واحدهای باقیمانده را زیر امر گرفته و در زمان مناسب و مقتضی به تهران نقل مکان نماید.



از اطراف حرم قصد دارند مجسمه اعلیحضرت را پائین بکشند، تکلیف چیست؟ پس از استماع فرمان شاهانه که ما نفهمیدیم چه بود به آجودان دستور داده شد تلفنی با فرمانده لشکر مشهد ارتباط برقرار شود و فرمان اعلیحضرت را به این شرح ابلاغ کردند: «اعلیحضرت می‌فرمایند مبادا به خاطر مجسمه من و یا خود من خون از دماغ کسی جاری شود»

چند روزی گذشت. یکی از روزها برای اولین بار کلیه معاونین به دفتر فرماندهی نیروی زمینی احضار شدیم. تیمسار ارتشید اویسی با اظهار ناراحتی از کسالت و بیماری خود از ناحیه قلب اظهار داشت پزشکان به من اعلام خطر کرده‌اند و بالاخره این که از پیشگاه شاهانه کسب اجازه کرده برای مرخصی یک ماهه به خارج خواهد رفت. سکوت

خروج ارتشید اویسی از کشور

مدتی بود که هر زمان برای انجام کارهای جاری به دفتر ارتشید اویسی می‌رفتم ایشان را از عدم قاطعیت و ناهماهنگی دستگاههای بالای مملکت برای اجرای مقررات حکومت نظامی افسرده و ناراحت می‌دیدم. یکی دو بار هم که در دفتر ایشان بودم و تصادفاً ارتباط تلفنی با اعلیحضرت داشتند، بعد از خاتمه مکالمه شنیدم که می‌گفت «می‌گذارند کارم را انجام دهم».

یکی از آن روزها به اتفاق برخی از معاونین در دفتر ایشان بودیم. اظهار نمود که می‌خواهم استعفا کنم و بروم. من بلافاصله گفتم تیمسار کجا بروید؟ چه کسی در این موقعیت جای شما بیاید و کار شما را انجام دهد؟ ایشان

این نظریه را به ارتشید اویسی فرماندهی نیروی زمینی پیشنهاد نمودم و مخصوصاً متذکر شدم که ما در حال حاضر در نقاط مختلف مملکت پایگاههای خیلی خوب دارای فرودگاه مجهز، سربازخانه‌هایی با گنجایش کافی و منابع محلی و مردمان وطنپرست داریم.

بیانید در یکی از این نقاط پایگاه مناسبی را انتخاب کنیم، یک قرارگاه یدکی کامل و مجهز برای نیروی زمینی ترتیب بدهیم و بگذاریم برای روز مبادا. حتی این را هم افزودم که بهتر است این قرارگاه در محلی نزدیک خلیج فارس و دریای عمان باشد که امکان دسترسی به راههای تدارکاتی خارج داشته باشیم.

درین زمینه مرتباً بررسی کرده صریحاً اظهار و اعلام داشتم که هم اکنون، تا وقت باقیست می‌توانیم از هواپیماهای



در دوران دولت نظامی که با هدف برقراری نظم و امنیت تشکیل شده بود آشتیگیا بیشتر و ارتش ناتوانتر شد

جلسه را فرا گرفته بود. هیچکس اظهاری نکرد. من اجازه خواستم و گفتم «تیمسار، در این موقعیت صلاح نیست مملکت را ترک کنید. من پیشنهاد می‌کنم برای آرامش و پرداختن به معالجات لازم در منزل سازمانی جانشین که جای دنج و خلوتی است و هم اکنون هم خالی است استراحت کنید، ما نیز سعی می‌کنیم برای انجام کارهای جاری مزاحمتان نشویم. همینقدر که سایه شما روی نیروی زمینی باشد کافیست.»

پاسخ روشنی به این پیشنهاد داده نشد. ایشان فقط گفت همسر و فرزندم در خارج نگران و ناراحتند و باید بروم سری هم به آنها بزنم.

روز شنبه ۱۵ دی ماه ۵۷ بوسیله تیمسار سپهد نجیمی جانشین فرماندهی نیرو احضار شدیم. ایشان خبر داد که تیمسار فرماندهی دو روز قبل با اخذ مرخصی از کشور خارج شده و بلافاصله درخواست بازنگشتگی کرده است.

در شماره آینده: روزهای سرگردانی

گفت جلوی انجام وظایفم را می‌گیرند. مسئولیت دارم ولی اختیار ندارم و با دستورات ضد و نقیض ابتکار عمل را از من سلب می‌کنند.

نظر من و همکاران این بود که مراتب را حضوراً با شخص اعلیحضرت در میان گذارده نظرات خود را بیان نمایم و از مقام شاهانه استمداد بخواهیم.

روز عاشورا باز من در دفتر فرماندهی نیرو بودم که آجودان فرماندهی اعلام کرد فرمانده لشکر مشهد می‌خواهد صحبت کند.

فرمانده نیرو گوشی را برداشت و پس از استماع گزارش فرمانده لشکر (سرتیپ جعفری) گفت بگذارید مراتب را به عرض رسانده نتیجه را به شما اطلاع دهم. تلفنی با اعلیحضرت تماس گرفته شد و به عرض رسید که فرمانده لشکر مشهد می‌گوید طبق دستور در ۵ روز جاری اجازه برگزاری مراسم و حرکت در شهر به دستجات عزاداری داده شده است و اینک گزارش می‌رسد که پس از مراجعت

سنگین نیروی هوایی برای جا به جا کردن وسایل و وسائط و عده‌ها و مهمات و آذوقه و دیگر اقلام تدارکاتی استفاده کنیم. چند پایگاه از جمله سیستان و بلوچستان و کرمان، فارس و خوزستان را نام بردم. پیش بینی و پیشنهاد کردم در صورت وجود چنین پایگاهی، هرگاه تهران و نقاط مرکزی به خطر بیفتد امکان مقاومت نظامی و سیاسی در آنجا خواهیم داشت.

چندین بار این نظریه را در حضور دیگر معاونین تکرار کرده گفتم من خودم در محل معاون لجستیکی نیرو آماده‌ام این ماموریت را به عهده بگیرم.

سپهد جعفریان اظهار نمود که در خوزستان تاسیسات عمیق و وسیع کارخانه لاستیک سازی دزفول برای این تدارکات محل مناسبی است و پایگاه هوایی و دریایی و لشکر زرهی نیز در دسترس قرار دارد. فرماندهی نیرو – ارتشید اویسی – پاسخ داد که اوضاع کنونی باید از طریق سیاسی حل شود و نه از طریق نظامی.

سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل:

«باید ذخایر اورانیوم جمهوری اسلامی را نابود کرد»



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل/ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵

دنیای مدرن را به گذشته، به یک عصر تاریک خشونت، تعصب و ترور بکشانند.

نخست وزیر اسرائیل افزود: «شما در اعماق وجودتان می‌دانید که اسرائیل در حال جنگیدن در نبرد نیست که به شما مربوط است.» وی سپس تأکید کرد: «رهبرانی که در انتظار عمومی اسرائیل را محکوم می‌کنند، پشت درهای بسته از ما قدردانی می‌کنند، آنها ارزش کمک‌های اطلاعاتی اسرائیل را می‌دانند، خدماتی که بارها مانع انجام حملات در پایتخت‌هایشان شده است.»

نتانیاهو در ادامه گفت: «رئیس جمهور ترامپ بیش از هر رهبر دیگری می‌فهمد که اسرائیل و آمریکا با تهدیدی مشترک روبرو هستند... او به رژیم ایران نشان داد که باید به خاطر تأمین مالی گروه‌های مسلح تروریستی، کشتن آمریکایی‌ها و طراحی برای ترور خودش هزینه پرداخت کند.»

نخست وزیر اسرائیل خطاب به گروه تروریستی حماس نیز پیام داد: «اسلحه‌هایتان را زمین بگذارید و همین حالا همه گروگان‌ها را آزاد کنید!» او همچنین گفت که با استفاده از بلندگوهایی که در نوار غزه نصب شده‌اند با گروگان‌ها صحبت کرده و خطاب به گروگان‌هایی که از فاجعه هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسارت حماس بسر می‌برند، تأکید کرد: «ما تا زمانی که همه شما را به خانه بازنگردانیم، دست از تلاش برمی‌داریم.»

او در بخش دیگری از نطق خود به وضعیت ایران پرداخت و گفت: «من مطمئنم که در آینده نزدیک خاورمیانه به طرز چشمگیری تغییر خواهد کرد. بسیاری از دشمنان اسرائیل ناپدید خواهند شد. رهبران شجاع و صلح‌طلب جای آنها را خواهند گرفت. این اتفاق در ایران نیز رخ خواهد داد. مردم ایران آزادی خود را باز خواهند یافت و عظمت را دوباره به ایران باز خواهند گرداند. و دو ملت باستانی ما پیمان دوستی خود را برای منفعت کل جهان تجدید خواهند کرد.»

هشدار داد: «نباید اجازه دهیم ذخایر اورانیوم غنی‌شده [رژیم] ایران بازسازی شوند و فردا تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی باید مجدداً اعمال شوند.» نتانیاهو به عملیات علیه حوثی‌ها در یمن اشاره کرد و گفت که اسرائیل نیمی از رهبری حوثی‌ها را هدف قرار داده و ضربات دیگری نیز به آنها وارد شده است.

او به جنگ ۱۲ روزه و عملیات «طلوع شیران» علیه جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت: «این نام برگرفته از کتاب مقدس است و این عملیات در تاریخ نظامی دنیا ثبت خواهد شد؛ خلبانان جسور ما سامانه‌های دفاعی موشکی رژیم ایران را خنثی کردند و کنترل آسمان تهران را به دست گرفتند.» به گفته‌ی نتانیاهو، خلبانان آمریکایی تاسیسات غنی‌سازی هسته‌ای در ایران را بمباران کردند و وی از خلبانان و دونالد ترامپ به خاطر اقدام جسورانه‌شان سپاسگزار است.

«دشمن ما دشمنان همه‌ی شماست»

او سپس با اشاره به جنگ در غزه عنوان کرد که این جنگ «کاملاً» به مردم سراسر دنیا مربوط می‌شود. او افزود: «دشمنان ما دشمنان همه‌ی شما هستند.» وی سپس با بالا بردن یک نوشته از نمایندگان کشورهای حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل پرسید: «چه کسانی فریاد مرگ بر آمریکا سر می‌دهند؟» و در بین اسامی که در این نوشته دیده می‌شد نام [جمهوری اسلامی] ایران، حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها و «همه موارد بالا» دیده می‌شد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نتانیاهو در ادامه گفت: «بله، همه موارد، حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها و رژیم ایران، چه کسانی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را با خونسردی به قتل رسانده‌اند؟ دشمنان ما نسبت به همه ما کینه دارند و از ما متنفرند، آنها می‌خواهند

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل جمعه چهارم مهرماه ۱۴۰۴ در سخنرانی خود در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد با حمله به مقامات جمهوری اسلامی، هشدار داد که رژیم برنامه ساخت سلاح هسته‌ای را با هدف نابودی اسرائیل توسعه داده است.

«ما بخش بزرگی از توان نظامی حزب‌الله را نابود کردیم؛ بسیاری از رهبران آن را از میان برداشتیم و هزاران تروریست را از پای درآوردیم؛ تسلیحات سوریه را هدف قرار دادیم و شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت رژیم ایران در عراق را مهار کردیم. همچنین توانستیم به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی به شدت آسیب بزنیم و مانع بازسازی ظرفیت‌های هسته‌ای آن شویم.»

او به جنگ ۱۲ روزه و عملیات «طلوع شیران» علیه جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت: «این نام برگرفته از کتاب مقدس است و این عملیات در تاریخ نظامی دنیا ثبت خواهد شد؛ خلبانان جسور ما سامانه‌های دفاعی موشکی رژیم ایران را خنثی کردند و کنترل آسمان تهران را به دست گرفتند.» به گفته‌ی نتانیاهو، خلبانان آمریکایی تاسیسات غنی‌سازی هسته‌ای در ایران را بمباران کردند و او از خلبانان و دونالد ترامپ به خاطر اقدام جسورانه‌شان سپاسگزار است.

«در آینده نزدیک خاورمیانه به طرز چشمگیری تغییر خواهد کرد. بسیاری از دشمنان اسرائیل ناپدید خواهند شد. رهبران شجاع و صلح‌طلب جای آنها را خواهند گرفت. این اتفاق در ایران نیز رخ خواهد داد. مردم ایران آزادی خود را باز خواهند یافت و عظمت را دوباره به ایران باز خواهند گرداند.»

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در سخنرانی خود در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل گفت که جمهوری اسلامی برنامه ساخت سلاح هسته‌ای خود را با هدف نابودی اسرائیل توسعه داده است.

نتانیاهو جمعه ۲۶ سپتامبر (چهارم مهرماه) در بخشی از سخنان خود در سازمان ملل گفت: «سال گذشته ما ماشین ترور حماس را در هم شکستیم؛ حزب‌الله را فلج کردیم؛ تسلیحات رژیم سوریه را نابود ساختیم و برنامه تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی را بطور گسترده نابود کردیم.» وی همچنین افزود: «ما بخش بزرگی از توان نظامی حزب‌الله را نابود کردیم؛ بسیاری از رهبران آن را از میان برداشتیم و هزاران تروریست را از پای درآوردیم؛ تسلیحات سوریه را هدف قرار دادیم و شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت رژیم ایران در عراق را مهار کردیم. همچنین توانستیم به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی به شدت آسیب بزنیم و مانع بازسازی ظرفیت‌های هسته‌ای آن شویم.»

او با اشاره به حملات حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و اقدامات گروه‌های مورد حمایت رژیم ایران گفت: «از غزه یحیی سنوار موج‌هایی از تروریست‌های حماس را به اسرائیل فرستاد؛ از لبنان حسن نصرالله هزاران موشک به سوی شهرهای ما پرتاب کرد؛ در سوریه نیروهای جمهوری اسلامی مستقر شدند و در یمن حوثی‌ها موشک‌های بالستیک شلیک کردند که حتی تجارت جهانی را به خطر انداخت.» نخست وزیر اسرائیل در بخش دیگری از سخنرانی خود

داستان «جاسوس‌های موساد در ایران»



یوسی کوهن رییس سابق موساد و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل

به این ترتیب، زنان چه در واقعیت حضور داشته باشند و چه صرفاً در شایعات، به ابزار نمادین و سیاسی نیرومندی بدل می‌شوند. داستان «جاسوس‌های موساد» نشان می‌دهد چگونه روایت‌های اطلاعاتی می‌توانند به بازتعریف برداشت‌های امنیتی و سیاسی، و ترسیم دوباره میدان نبرد نامرئی کمک کنند. این روایت‌ها ثابت می‌کنند که حتی خبرهایی با صحت نامشخص نیز قادرند به ورق‌های استراتژیک در بازی قدرت تبدیل شوند و آگاهی عمومی، نمادهای اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی را همزمان شکل دهند.

در این چارچوب، زنان در روایت‌های اطلاعاتی نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشایی سیاست امنیتی و دیپلماسی نمادین ایفا می‌کنند. خبر «جاسوس‌های موساد در ایران» نه صرفاً یک احتمال اطلاعاتی، بلکه نمونه‌ای زنده از چگونگی ساخت روایت امنیتی-سیاسی است.

این روایت امنیتی که به صورت نیمه‌واقعیت، نیمه‌نماد، اما با یک هدف مشخص که تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تثبیت کنترل دو طرف است، مطرح می‌شود، چه واقعیت داشته باشد چه نه، برای زنان بُعدی استراتژیک واقعی ایجاد کرده که نشان می‌دهد چگونه یک روایت می‌تواند در نبردی شطرنجی، بدون شلیک حتی یک گلوله، پیروزی بیافریند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: سالمه الموشی پژوهشگر و نویسنده عربستان سعودی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● در جهان سیاست و اطلاعات، واقعیت و تبلیغات بهم می‌آمیزند تا خبرها بیش از آنکه انتقال اطلاعات باشند، به ابزار ساخت روایت‌هایی غیرقابل راست‌آزمایی از واقعیت تبدیل شوند.

● تصویر زن جاسوس در ذهن جمعی همواره با اغوا و فریب پیوند دارد و همین موضوع، تأثیر روانی و رسانه‌ای خبر را دوچندان می‌کند. بنابراین، انتخاب زنان در این روایت‌ها بازتابی از کارکرد اجتماعی-روانی این نوع اخبار است.

● داستان «جاسوس‌های موساد» نشان می‌دهد چگونه روایت‌های اطلاعاتی می‌توانند به بازتعریف برداشت‌های امنیتی و سیاسی، و ترسیم دوباره میدان نبرد نامرئی کمک کنند. این روایت‌ها ثابت می‌کنند که حتی خبرهایی با صحت نامشخص نیز قادرند به ورق‌های استراتژیک در بازی قدرت تبدیل شوند و آگاهی عمومی، نمادهای اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی را همزمان شکل دهند.

سالمه الموشی (ایندپندنت عربی) - شایعات درباره جاسوسی زنان، احساس خطر دائمی را تقویت کرده، تدابیر امنیتی را توجیه می‌کند و فضایی از بدگمانی و ترس می‌آفریند.

در جهان سیاست و اطلاعات، واقعیت و تبلیغات بهم می‌آمیزند تا خبرها بیش از آنکه انتقال اطلاعات باشند، به ابزار ساخت روایت‌هایی غیرقابل راست‌آزمایی از واقعیت تبدیل شوند. یکی از روایت‌های جنجالی در این زمینه، داستان جاسوسان زن موساد در ایران در جریان «جنگ ۱۲ روزه» بود. در حالی که هیچ بیاپنه رسمی از سوی مقامات رژیم ایران منتشر نشده و اسامی، تصاویر یا اعترافی از این جاسوسان در دست نیست، این خبر به سرعت در رسانه‌های جهانی، به ویژه پلتفرم‌های تحلیلی اسرائیلی، گسترش یافت و به موضوعی پرمایه برای بررسی نمادپردازی سیاسی و نقش استراتژیک زنان در نزاع‌های اطلاعاتی بدل شد؛ جایی که آنان نه فقط به عنوان عاملان میدانی، بلکه به عنوان نمادهایی با ابعاد روانی و سیاسی پیچیده ظاهر می‌شوند.

روزنامه‌هایی معتبری چون اورشلیم پست و پلتفرم World Israel News بر حضور زنان در جمع‌آوری اطلاعات حساس تأکید کرده‌اند، در حالی که رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران تنها به اطلاعیه‌های کلی درباره بازداشت عناصری متهم به همکاری با موساد بسنده می‌کنند. همین امر باعث شد تا این روایت، بیش از آنکه حقیقتی اطلاعاتی باشد، به موضوعی رسانه‌ای و تحلیلی بدل گردد. مقایسه روایت‌ها در اسرائیل و ایران نشان می‌دهد هر کدام اهداف خاصی را دنبال می‌کنند.

اسرائیل می‌کوشد تصویر موساد را به عنوان نیرویی قادر به نفوذ عمیق در جمهوری اسلامی ایران تثبیت کند، و در مقابل، رژیم ایران با ایجاد فضای تهدید دائمی، بستری برای توجیه گسترش نظارت و بازداشت‌ها فراهم می‌آورد.

رسانه‌های جمهوری اسلامی، در چارچوب سیاست رسمی کنترل افکار عمومی، جزئیاتی ارائه نمی‌دهند که به گفتمان

شکست قطعنامه روسیه و چین؛ جمهوری اسلامی سفرای خود را از انگلیس، آلمان و فرانسه فراخواند



نشست شورای امنیت / عکس: رویترز

● روسیه و چین، با هدف به دست آوردن یک فرصت شش ماهه برای رژیم ایران، قطعنامه‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده بودند که بر اساس آن اجرای «مکانیسم ماشه» به تعویق می‌افتاد. جمعه شب چهارم مهرماه ۱۴۰۴ این قطعنامه به رأی گذاشته شد و طبق پیش‌بینی‌های اولیه به تصویب نرسید و با ۴ رأی موافق، ۲ رأی ممتنع و ۹ رأی مخالف شکست خورد.

● نمایندگان چین و روسیه پس از شکست قطعنامه در شورای امنیت «ابراز تأسف» کردند.

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به شکست این قطعنامه گفت، آمریکا و تروئیکای اروپایی پنجره فرصتی را که ادعا می‌کردند به دنبال آن هستند بستند.

● به عنوان اولین اقدام در پاسخ به قطعی شدن اجرای مجدد تحریم‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی سفرای خود را از انگلیس، آلمان و فرانسه «برای مشورت» به تهران فرا خواند.

● محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده با انتقاد از اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از حمله به تأسیسات اتمی در ایران آن را محکوم نکرده است، گفت: «این به‌چه معنی است؟ یعنی این نهادها هماهنگ با حمله نظامی بودند، یعنی بخشی از حمله نظامی هستند.»

همچنین رهبران اروپایی پرداخته‌اند. علی‌اکبر ولایتی مشاور ارشد علی خامنه‌ای گفت: «رفتار ترامپ من را یاد اقدامات هیتلر، رهبر نازی‌ها در اوایل جنگ جهانی دوم می‌اندازد.» برخی مقامات ارشد نظام در مورد پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه ساده‌اندیشانه اظهار نظر می‌کنند. علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در مصاحبه تلویزیونی ادعا کرد «با فعال شدن مکانیسم ماشه از نظر نظامی اتفاق خاصی نخواهد افتاد.» او همچنین گفت: «مکانیسم ماشه اساساً برای بازگشت تحریم‌هاست و ۹۵ درصد آنها همین حالا هم اعمال می‌شود.»

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود تأکید کرد که قطعنامه‌های شورای امنیت اشاره‌ای به «حمله نظامی» ندارند. با این حال هشدار داد که ممکن است کشوری مثل آمریکا بدون توجه به این ملاحظات، اقدامی یکجانبه انجام دهد همانطور که در گذشته نیز چنین کرده است.

علی لاریجانی به آمادگی جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدات احتمالی نیز اشاره کرد و گفت: «پس از جنگ



شورای امنیت سازمان ملل متحد

اخیر، نقاط ضعف و قوت شناسایی و اصلاح شده‌اند و قدرت بازدارندگی کشور در حال تقویت است.»

او در ادعایی عجیب تأکید کرد که در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه دولت اجازه نخواهد داد فشار آن به معیشت مردم منتقل شود! این در حالیست که هم‌اکنون و بدون تحریم‌های بین‌المللی نیز کمر مردم زیر بار فشارها و مشکلات متعدد خم شده است.

شمار زیادی از تحلیلگران استدلال می‌کنند که با فعال شدن مکانیسم ماشه که قطعنامه‌های سازمان ملل دوباره به اجرا گذاشته خواهند شد، زمینه‌ی اقدام نظامی نیز فراهم می‌شود. از جمله قطعنامه مصوب ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ که در آن آمده «جمهوری اسلامی تهدیدی برای صلح جهانی تلقی می‌گردد و تحریم‌ها می‌تواند شامل بسته شدن راه‌های زمینی، دریایی و هوایی شده و هرگونه داد و ستد با ایران را ممنوع کند.»

پیشتر نماینده روسیه در سازمان ملل گفته بود: «فعال شدن مکانیسم ماشه را به رسمیت نمی‌شناسیم.» جمهوری خلق چین نیز اعلام کرد: «این تصمیم عجولانه است.» در مقابل اما نماینده فرانسه هشدار داد که جمهوری اسلامی اورانیوم غنی‌شده برای ۱۰ مهب هسته‌ای در اختیار دارد.

اجرای تحریم‌های بین‌المللی نیازمند نظارت بر رفت و آمدهای دریایی نیز هست که بر اساس پیشینه بر عهده ائتلافی از نیروی دریایی کشورهای مثل آمریکا، انگلیس و متحدان قرار می‌گیرد.

درخواست روسیه و چین از شورای امنیت برای تعویق ۶ ماهه اجرای مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی

● شورای امنیت سازمان ملل روز جمعه ۲۶ سپتامبر (چهارم مهرماه) قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین را که با هدف تعویق ۶ ماهه اجرای مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است، به رای می‌گذارد.

● تمام تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی قرار است از ساعت ۲۰:۰۰ جمعه به وقت آمریکا مجدداً اجرا شود و این آخرین تلاش چین و روسیه برای به تعویق انداختن اعمال تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت است. تصویب این قطعنامه نیازمند حداقل رأی مثبت ۹ عضو از شورای امنیت و عدم استفاده آمریکا، فرانسه و انگلیس از حق وتو است.

● برخی مقامات ارشد نظام در مورد پیامدهای فعال‌سازی مکانیسم ماشه ساده‌اندیشانه اظهار نظر می‌کنند. علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در مصاحبه تلویزیونی ادعا کرد «با فعال شدن مکانیسم ماشه از نظر نظامی اتفاق خاصی نخواهد افتاد.» او همچنین گفت: «مکانیسم ماشه اساساً برای بازگشت تحریم‌هاست و ۹۵ درصد آنها همین حالا هم اعمال می‌شود.»

شورای امنیت سازمان ملل روز جمعه ۲۶ سپتامبر (چهارم مهرماه) قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین را که با هدف تعویق ۶ ماهه اجرای مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است، به رای می‌گذارد.

تمام تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی قرار است از ساعت ۲۰:۰۰ جمعه به وقت آمریکا مجدداً اعمال شود و این آخرین تلاش چین و روسیه و جمهوری اسلامی برای به تعویق انداختن اجرای تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت است. تصویب این قطعنامه نیازمند حداقل رأی مثبت ۹ عضو از شورای امنیت و عدم استفاده آمریکا، فرانسه و انگلیس از حق وتو است.

این قطعنامه پیشنهادی درواقع تهدید شش ماهه‌ی قطعنامه ۲۲۳۱ است که همزمان با توافق «برجام» در سال ۱۳۹۴ برای مدت ۱۰ سال اجرای تحریم‌ها تعلیق شد. خبرگزاری رویترز مدعی شده که به گفته دیپلمات‌ها، در رأی‌گیری احتمالاً تعداد آرای ممتنع زیاد خواهد بود.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ابراز امیدواری کرده پیش‌نویس قطعنامه روسیه و چین در شورای امنیت رأی بیابارد اگرچه بعید به نظر می‌رسد.

در این میان، مقامات ارشد جمهوری اسلامی به حملات لفظی شدیدی علیه دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو و

لحظه‌ای آخر جمهوری اسلامی برای دادن دسترسی محدود به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت بازدید از فقط یک سایت‌های هسته‌ای مپاران‌شده در جریان جنگ ۱۲ روزه را رد کردند.

این روزنامه جمعه چهارم مهرماه ۱۴۰۴ گزارش داد، عباس عراقچی در آخرین تلاش خود پیشنهاد کرده بود بازرسان آژانس اجازه دسترسی به فقط یکی از سایت‌های تخریب‌شده را داشته باشند. مشخص نیست جمهوری اسلامی با بازدید از کدام یکی از سه سایت تخریب‌شده (فردو، نطنز یا اصفهان) موافقت کرده بود.

عراقچی همچنین وعده داده بود جمهوری اسلامی ظرف ۴۵ روز، بجای ۹۰ روز در پیشنهاد قبلی، طرحی برای نحوه مدیریت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که وضعیت مبهمی دارد، ارائه دهد. در مقابل، تهران خواستار لغو دائمی تهدید بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل شده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی قبلاً ادعا کرده بود این ۴۰۰

اروپایی‌ها پیشنهاد لحظه آخر عراقچی را نپذیرفتند؛ «بازرسی از یک سایت تخریب‌شده در جنگ»



دیدار عباس عراقچی و هیات ایرانی با نماینده‌های اروپایی در حاشیه نشست سازمان ملل

کیلوگرم اورانیوم زیر آوار مپاران آمریکا مدفون شده؛ اما برخی مقامات حکومت مدعی شده بودند که این اورانوم به «مکانی امن» منتقل شده است.

یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان در مصاحبه با شبکه «العربیه» گفت: «فرصت‌های بسیاری برای رسیدن به توافق در اختیار حکومت ایران قرار دادیم، اما تهران از آنها استفاده نکرد. جمهوری اسلامی در مسیر بسیار بدی حرکت می‌کند.»

مقامات آژانس هشدار داده‌اند تا زمانی که مکان و وضعیت اورانیوم ۶۰ درصدی تأیید نشوند، خطر جدی باقی خواهد ماند. پیش از این، مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرده بودند تنها در صورتی اجازه دسترسی به سایت‌های تخریب‌شده را می‌دهند که مکانیسم ماشه فعال نشود.

همزمان خبرگزاری رویترز به نقل از یک «منبع مطلع ایرانی» گزارش داد در هفته‌های گذشته تهران چندین پیام از طریق میانجی‌ها برای از سر گرفتن مذاکرات به آمریکا منتقل کرده، اما آنها پاسخی نداده‌اند.

اینهمه در حالیست که بالاترین مقامات جمهوری اسلامی طی هفته‌های اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متهم به «جاسوسی» برای اسرائیل کردند و گفتند که او گماشته آمریکا و صهیونیست است.

● روزنامه «گاردین» گزارش داد سه کشور اروپایی پیشنهاد لحظه‌ای آخر جمهوری اسلامی برای دادن دسترسی محدود به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت بازدید از فقط یک سایت‌های هسته‌ای مپاران‌شده در جریان جنگ ۱۲ روزه را رد کردند.

● این روزنامه جمعه چهارم مهرماه ۱۴۰۴ گزارش داد، عباس عراقچی در آخرین تلاش خود پیشنهاد کرده بود بازرسان آژانس اجازه دسترسی به یکی از سایت‌های تخریب‌شده را داشته باشند. مشخص نیست جمهوری اسلامی با بازدید از کدام یکی از سه سایت تخریب‌شده (فردو، نطنز یا اصفهان) موافقت کرده بود.

● عراقچی همچنین وعده داده بود جمهوری اسلامی ظرف ۴۵ روز، بجای ۹۰ روز در پیشنهاد قبلی، طرحی برای نحوه مدیریت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که وضعیت مبهمی دارد، ارائه دهد.

● همزمان خبرگزاری رویترز به نقل از یک «منبع مطلع ایرانی» گزارش داد در هفته‌های گذشته تهران چندین پیام از طریق میانجی‌ها برای از سر گرفتن مذاکرات به آمریکا منتقل کرده، اما آنها پاسخی نداده‌اند.

روزنامه «گاردین» گزارش داد سه کشور اروپایی پیشنهاد

قطعه‌نامه پیشنهادی روسیه و جمهوری خلق چین برای تعویق شش‌ماهه‌ی «مکانیسم ماشه» در شورای امنیت رأی نیاورد، جمهوری اسلامی در اولین واکنش سفرای خود را در انگلیس، آلمان و فرانسه به تهران فرا خواند.

روسیه و چین، با هدف به دست آوردن یک فرصت شش ماهه برای رژیم ایران، قطعه‌نامه‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده بودند که بر اساس آن اجرای «مکانیسم ماشه» به تعویق می‌افتاد. جمعه شب چهارم مهرماه ۱۴۰۴ این قطعه‌نامه به رأی گذاشته شد و طبق پیش‌بینی‌های اولیه به تصویب نرسید و با ۴ رأی موافق، ۲ رأی ممتنع و ۹ رأی مخالف شکست خورد.

پس از شکست قطعه‌نامه نمایندگان چین و روسیه در شورای امنیت تنها «ایراز تأسف» کردند. نماینده چین درباره تحریم‌ها گفت: «عمیقاً متأسفیم که این پیش‌نویس رأی نیاورد. باید از صلح منطقه‌ای دفاع کرد. استفاده از زور یا سیاست فشار درباره مسئله هسته‌ای جواب نخواهد داد». نماینده روسیه نیز در ادعایی عجیب عنوان کرد که جمهوری اسلامی «ایران نشان داده که یک بازیگر مسئول است!» او با اشاره به توافق اخیر میان جمهوری اسلامی و آژانس در قاهره، گفت که [رژیم] ایران نشان داده که آماده همکاری با غرب است.

البته «توافق قاهره» اصلاً اجرا نشد و جمهوری اسلامی به بازرسان آژانس فقط اجازه بازدید از تأسیسات هسته‌ای بوشهر را داد! مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در همین ارتباط اعلام کرد جمهوری اسلامی اقدام عملی برای نشان دادن حسن نیت خود و همکاری با آژانس نشان نداده است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به شکست قطعه‌نامه روسیه و چین گفت، آمریکا و تروئیکای اروپایی پنجره فرصتی را که ادعا می‌کردند به دنبال آن هستند بستند.

به عنوان اولین اقدام در پاسخ به قطعی شدن اجرای مجدد تحریم‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی سفرای خود را از انگلیس، آلمان و فرانسه «برای مشورت» به تهران فرا خواند.

بیشتر مسعود پزشکیان گفته بود حتی اگر تحریم‌های شورای امنیت بار دیگر فعال شود، ایران قصد خروج از ان‌پی‌تی را ندارد. او هشدار داد: «قدرت‌های خارجی به دنبال یک بهانه سطحی برای به آتش کشیدن منطقه هستند.»

بر اساس اعلام قبلی تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت از روز شنبه ساعت ۸ شب به وقت تهران فعال خواهند شد. بلافاصله پس از شکست قطعه‌نامه روسیه و چین در شورای امنیت، نرخ دلار و تتر در ایران به شدت افزایش پیدا کرد و قیمت دلار صبح شنبه به حدود ۱۱۴ هزار تومان رسید.

مشخص نیست اقدامات بعدی جمهوری اسلامی به تلافی فعال شدن تحریم‌ها چه خواهد بود اما به نظر می‌رسد تنش‌های حکومت هم در داخل خودش و هم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیشتر شود. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده با انتقاد از اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از حمله به تأسیسات اتمی در ایران آن را محکوم نکرده است، گفت: «این به چه معنی است؟ یعنی این نهادها هماهنگ با حمله نظامی بودند، یعنی بخشی از حمله نظامی هستند.»

فیزیک، اسطوره‌ی جدید بشریت: بازنویسی ماهیت کیهان و انسان



و فناوری، مانند انرژی تاریک، مسیر آینده را تعیین می‌کنند. سیاهچاله‌ها (Black Holes) نیز در روایتی دیگر تنها نابودکننده مطلق نیستند. مدل «فازبال» (Fuzzball) آنها را همچون کتابخانه‌های تاریک می‌بیند که اطلاعات را از بین نمی‌برند، بلکه در شکلی دیگر ذخیره می‌کنند. این بدان معناست که حتی در تاریک‌ترین نقطه کیهان، هیچ چیز به‌راستی نابود نمی‌شود؛ «وجود» حافظه‌ای جمعی دارد. همانگونه که کتابی می‌تواند بسوزد اما محتوایش در حافظه انسان‌ها باقی ماند، تاریخ و خاطرات نیز تغییر شکل می‌دهند ولی محو نمی‌شوند. این مسئولیت ماست که آنها را روایت و معنا کنیم.

همه این نظریه‌ها در کنار هم، روایتی تازه از تعلق و بودن می‌سازند. ما موج‌ها و الگوهای یک اقیانوس اطلاعاتیم؛ جهان در فصل‌ها و چرخه‌های بی‌پایان ادامه دارد؛ زمان نه رودخانه‌ای باریک و یک‌بعدی، بلکه شبکه‌ای از جریان‌ها و امکان‌هاست؛ نیروهای پنهان کیهان ساختار و سرنوشت آن را می‌سازند؛ و هیچ چیز، حتی در دل سیاهچاله، نابود نمی‌شود و در حافظه کیهانی ثبت می‌گردد.

از دل این تصویر حداقل سه پیام برای ما انسان‌ها بیرون می‌آید:

- امید، زیرا هیچ آینده‌ای قطعی نیست و همیشه جایی برای انتخاب و تغییر باقی می‌ماند.

- مسئولیت، زیرا هر کنشی رد پای ماندگار بر هستی می‌گذارد.

- تعلق، زیرا ما جزایر منفرد نیستیم، بلکه موج‌های یک اقیانوس مشترکیم.

فیزیک امروز تنها دانشی برای شناخت قوانین طبیعت نیست بلکه روایتی مفید برای فهم خویش و آینده‌ی مشترک ماست.

*دیوید اعتباری، مهندس مکانیک و متخصص حوزه مالی، نویسنده کتاب *Beyond Ideology: The Techno-craft Roadmap to a Free Iran* (۲۰۲۵)، بنیانگذار سازمان *Stop Child Executions* و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

پیوسته در حال شدن است. هویت فردی و جمعی ما، مانند زمان و فضا، چیزی ایستا و مطلق نیست؛ بلکه از دل پیوندها و روابط پدید می‌آید.

ما همچنین به داستان «مه‌بانگ» (Big Bang / انفجار بزرگ) خو گرفته‌ایم: انفجاری یکتا که همه‌چیز را آغاز کرد و زمانی نیز به پایان می‌رسد. اما نظریه جایگزین «جهش بزرگ» (Big Bounce) تصویری دیگر به دست می‌دهد: جهانی که مانند نفس کشیدن، بارها فرو می‌ریزد و دوباره زاده می‌شود. چنین نگاهی آفرینش و فنا را از حالت مطلق بیرون می‌آورد. برای مثال، همانگونه که فصل‌ها پس از زمستان دوباره بهار می‌آورند یا ققنوس در افسانه‌ها از خاکستر خود هر بار برمی‌خیزد، کیهان هم می‌تواند پس از هر فرو ریختن، دوباره آغاز شود. این تصویر به ما امید می‌دهد: هیچ فروپاشی‌ای پایان قطعی نیست، چه در مقیاس کیهان و چه در زندگی و مرگ انسان‌ها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها.

زمان نیز در این میان به چشم‌اندازی تازه بدل شده است. ایده «زمان چندبُعدی» (Multi-dimensional Time) می‌گوید آنچه ما تجربه می‌کنیم، تنها یکی از جریان‌های ممکن است. اگر زمان رودخانه‌ای باریک باشد، تنها یک مسیر در برابر ماست؛ اما اگر زمان مانند اقیانوسی باشد، جریان‌های بی‌شماری دارد که می‌توان در مسیرهای متفاوت حرکت کرد. این نگاه، سرنوشت را از حالت قطعی بیرون می‌آورد. زندگی و تاریخ دیگر تنها یک جاده یکطرفه نیستند، بلکه راه‌های متعدد و امکان‌های تازه‌ای در پیش دارند.

در دیدگاه نو، دو نیروی نامرئی نیز نقش اساسی بازی می‌کنند: ماده تاریک (Dark Matter) و انرژی تاریک (Dark Energy). اولی مانند جریان‌های پنهان در اعماق اقیانوس، ساختار کیهان را کنار هم نگه می‌دارد؛ دومی همچون بادهای نامرئی بر سطح آب، جهان را به بیرون می‌راند و گسترده‌تر می‌کند. این واقعیت یادآور آن است که بنیادهای هستی همیشه آشکار نیستند؛ آنچه جهان را نگاه می‌دارد یا می‌راند، اغلب از چشم ما پنهان می‌ماند. همانگونه که در زندگی اجتماعی نیز اعتماد و فرهنگ دیده نمی‌شوند اما جامعه را حفظ می‌کنند، در حالی که سیاست

● هویت فردی و جمعی ما، مانند زمان و فضا، چیزی ایستا و مطلق نیست؛ بلکه از دل پیوندها و روابط پدید می‌آید.

● همانگونه که فصل‌ها پس از زمستان دوباره بهار می‌آورند یا ققنوس در افسانه‌ها از خاکستر خود هر بار برمی‌خیزد، کیهان هم می‌تواند پس از هر فرو ریختن، دوباره آغاز شود. این تصویر به ما امید می‌دهد: هیچ فروپاشی‌ای پایان قطعی نیست، چه در مقیاس کیهان و چه در زندگی و مرگ انسان‌ها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها.

● همانگونه که کتابی می‌تواند بسوزد اما محتوایش در حافظه انسان‌ها باقی ماند، تاریخ و خاطرات نیز تغییر شکل می‌دهند ولی محو نمی‌شوند. این مسئولیت ماست که آنها را روایت و معنا کنیم.

دیوید اعتباری - از آغاز تاریخ، انسان برای یافتن معنا به داستان‌های آفرینش و پایان پناه برده است. اسطوره‌ها و ادیان، جایگاه ما را در کیهان توضیح می‌دادند و به زندگی رنگی از راز و امید می‌بخشیدند. در مقابل، علم بیشتر با عدد و فرمول شناخته‌شده؛ ابزاری دقیق و سودمند، اما گاه سرد و بی‌روح.

اما اکنون نظریه‌های نوین فیزیک این تصویر را دگرگون کرده‌اند. آنها نه تنها شناخت ما از هستی را تغییر می‌دهند، بلکه روایتی تازه از خود ما می‌سازند: روایتی که شبیه اسطوره‌های نوین است. تئوری‌های علمی که نشان می‌دهند ما که هستیم، در کجا ایستاده‌ایم و چه آینده‌ای می‌توانیم داشته باشیم.

دانشمندان امروز می‌گویند فضا و زمان آنگونه که می‌شناختیم، زیربنایی و بنیادین نیستند. نظریه «زمان-فضای برآمده» (Emergent Spacetime) و «اصل هولوگرافیک» (Holographic Principle) نشان می‌دهند که این دو شاید نتیجه لایه‌ای ژرف‌تر از «اطلاعات کوانتومی» باشند. همانطور که دما ویژگی مستقلی نیست و تنها از حرکت مولکول‌ها برمی‌آید، فضا و زمان نیز می‌توانند محصول امواج بی‌پایان اطلاعات باشند. این نگاه نه تنها بنیاد واقعیت را نسبی می‌سازد، بلکه ما را هم بخشی از شبکه‌ای می‌بیند که

آیا در قرن بیست و یکم به فلسفه و اندیشه نیاز داریم یا فناوری کافی است؟



● زمانی که می‌توان از هوش مصنوعی خواست مقاله‌ای بنویسد، موسیقی بسازد یا اثری هنری تولید کند، آن جمله شگفت‌انگیزانه پیش‌بینانه به نظر می‌رسد. وقتی سامانه‌های خودکار کارهایی را انجام می‌دهند که زمانی منحصر به ذهن انسان بود، این پرسش اساسی پیش می‌آید: آیا انسان‌ها در حال بی‌مصرف شدن‌اند؟ آیا در بیست سال آینده نقشی برای ما باقی خواهد ماند؟

● بدون اندیشه، دلیلی برای تداوم انسانیت وجود ندارد؛ و اگر می‌خواهیم آینده‌ای ببینیم، باید خرد خود را زنده و راهنما نگه داریم نه اینکه آن را با هوش مصنوعی جایگزین کنیم.

سیدعرفان نوربخش - در آغاز این قرن در یک سخنرانی فلسفه شرکت کردم. سخنران نکته‌ای قابل تأمل بیان کرد: به نظر می‌رسد جهان قرار است در قرن ۲۱ اندیشه و فلسفه را برای همیشه با فناوری معاوضه کند.

اکنون در سال ۲۰۲۵، زمانی که می‌توان از هوش مصنوعی خواست مقاله‌ای بنویسد، موسیقی بسازد یا اثری هنری تولید کند، آن جمله شگفت‌انگیزانه پیش‌بینانه به نظر می‌رسد. وقتی سامانه‌های خودکار کارهایی را انجام می‌دهند که زمانی منحصر به ذهن انسان بود، این پرسش اساسی پیش می‌آید: آیا انسان‌ها در حال بی‌مصرف شدن‌اند؟ آیا در بیست سال آینده نقشی برای ما باقی خواهد ماند؟

برخی تحلیلگران این تغییرات را با انقلاب صنعتی مقایسه می‌کنند: ماشین‌ها نیروی کار دستی را جایگزین کردند، بسیاری شغل خود را از دست دادند، اما همزمان فرصت‌های تازه‌ای در کارخانه‌ها و صنایع وابسته پدید آمد. بر همین اساس گفته می‌شود که هوش مصنوعی نیز بعضی مشاغل را از میان می‌برد اما در عوض مشاغل تازه‌ای در زمینه طراحی، نگهداری و همکاری با سامانه‌های هوشمند ایجاد می‌شود. با این حال من چندان خوش‌بین نیستم. آنچه انسان را در میان گونه‌ها ممتاز کرده است، خرد اوست. در انقلاب صنعتی ما تنها توان بازو را با ماشین جایگزین کردیم، نه توانایی ذهنی را. امروز اما موجوداتی می‌آفرینیم که می‌توانند در قلمرو اندیشه با ما رقابت کنند و حتی ما را شکست دهند. این تفاوتی بنیادین است.

لحظه‌ای که رایانه «دیپ بلو» گری کاسپاروف قهرمان شطرنج جهان را شکست داد مرز نمادین میان برتری فکری انسان و توان ماشین فرو ریخت. در سال ۱۹۹۶ شاید این اتفاق هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده جلوه کرد؛ اما امروز هوش مصنوعی موسیقی می‌سازد، پادکست تولید می‌کند، نقاشی می‌کشد و فیلمنامه می‌نویسد. دور نیست روزی که کارگردانی فیلم‌ها، ایفای نقش و حتی خلق آثار کامل سینمایی بدون دخالت مستقیم انسان انجام شود. رؤیای کنار گذاشتن ستاره‌های پرهزینه و سختگیر همانگونه که در فیلم «سیمون» با بازی درخشان آل پاچینو به تصویر کشیده شد، اکنون چندان دور از واقعیت نیست. پرسش این است: تا کجا می‌خواهیم پیش برویم؟

شاید دلبستگی همیشگی من به ادبیات علمی-تخیلی سبب می‌شود تا این نگرانی‌ها را جدی‌تر ببینم. در بسیاری از روایت‌های آینده‌نگر، فناوری نو ابتدا با شادی و شور فراوان پذیرفته می‌شود و زندگی را آسان‌تر می‌سازد. اما به تدریج معضل منطقی پدیدار می‌شود: اگر سازندگان از ساخته‌های خود در همه جنبه‌ها ضعیف‌تر باشند، چرا مخلوقین از

نابود کرد و سعی کنیم از شر هوش مصنوعی خلاص شویم؟ معلوم است که نه. ادبیات علمی-تخیلی راه دیگری را پیشنهاد می‌دهد.

آیزاک آسیموف در کتاب «من، روبات» «سه قانون رباتیک» را معرفی کرد: قوانین سلسله‌مراتبی برای مهار رفتار روبات‌ها تا از آسیب‌رسانی به انسان جلوگیری شود. این قوانین به عنوان الگویی برای نشان دادن امکان مهار ماشین‌های نیرومند مطرح شد. اما اجرای آنها در جهان واقعی نیازمند نهادهای بین‌المللی قدرتمند است؛ نقشی که شاید سازمان‌هایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا سازمان ملل بر عهده گیرند. با این حال کارنامه سازمان ملل در جلوگیری از جنگ و ناامنی چندان امیدوارکننده نیست. بنابراین ساخت معماری مدیریت جهانی برای هوش مصنوعی چالشی عظیم خواهد بود.

حتی اگر موفق شویم بطور موقت محدودیت‌هایی بر هوش مصنوعی تحمیل کنیم، درس اصلی این است: هرگز نباید فلسفه و اندیشه را قربانی فناوری کنیم. فناوری تنها ابزاری در دست ماست؛ بدون اندیشه، قضاوت و اخلاق، همین ابزارها می‌توانند ارزش‌هایی را که برایشان ساخته شده‌اند نابود کنند. فلسفه به ما می‌آموزد چه چیز را باید ارزشمند بدانیم، معنای انسان بودن چیست و چگونه باید نهادهایی بسازیم که فناوری در خدمت خیر همگانی قرار گیرد. اگر این پرسش‌ها را فراموش کنیم، ممکن است توانایی‌هایی بسازیم که استفاده خردمندانه از آنها برایمان ناممکن باشد.

به‌بیان دیگر: فناوری به تنهایی کافی نیست. قرن بیست و یکم بیش از هر زمان دیگری نیازمند فلسفه و اندیشه است. اگر می‌خواهیم آینده‌ای انسانی داشته باشیم، باید پیشرفت فناوریانه را با تأمل اخلاقی و فکری همراه کنیم و نهادهایی بسازیم که بتوانند این تأمل را به ساز و کارهای عملی بدل کنند. بدون اندیشه، دلیلی برای تداوم انسانیت وجود ندارد؛ و اگر می‌خواهیم آینده‌ای ببینیم، باید خرد خود را زنده و راهنما نگه داریم نه اینکه آن را با هوش مصنوعی جایگزین کنیم.

*سیدعرفان نوربخش کارشناس مسائل روسیه و اوراسیا

خالقان باید اطاعت کنند؟ در بسیاری از این داستان‌ها همین پرسش به شورش مخلوق و سرانجام نابودی خالق می‌انجامد. شاید بتوان چنین سناریوهایی را خیالپردازی ادبی دانست، اما نشانه‌های واقعی نگران‌کننده‌اند: گزارش‌هایی از خودکشی جوانان پس از گفتگو با هوش مصنوعی منتشر شده، از هوش مصنوعی برای طراحی حملات به نظامیان و حتی غیرنظامیان دشمن استفاده شده و میلیارد‌ها دلار صرف توسعه جنگ‌افزارهای خودکار می‌شود. این واقعیات نشان می‌دهد که مرز میان خیال و واقعیت چندان پررنگ نیست. آنچه بیش از همه هراس‌انگیز است، شادمانی و هیجان دولت‌ها درباره این فناوری است. همانگونه که پس از جنگ جهانی دوم رقابت برای دستیابی به بمب اتم شدت گرفت، امروز نیز رهبران جهان در پی بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای برتری استراتژیک هستند. سخن گفتن از اهمیت هوش مصنوعی در عرصه نظامی به موضوعی رایج در پایتخت‌های جهان از واشنگتن گرفته تا پکن و مسکو بدل شده است. ترکیب پهپادها با توانایی تصمیم‌گیری مستقل - خطری که حتی در مجامع بین‌المللی هشدار داده شده (سخنرانی چند روز پیش ژلنسکی در مجمع عمومی سازمان ملل برای نمونه) - نمونه‌ای روشن است. این فناوری شاید برای دیکتاتورها و جنگ‌سالاران جذاب باشد، اما منطق درونی آن ممکن است غیرنظامیان یا حتی سازندگان را روزی تهدید تلقی کند.

کنترل چنین فناوری‌هایی پرسش‌های دشوار مدیریت و کشورداری را پیش می‌کشد. در قرن بیستم، رژیم‌های منع گسترش سلاح هسته‌ای توانستند تعداد کشورهای دارنده بمب اتم را محدود نگه دارند. اما اجرای مشابه این ساز و کار برای هوش مصنوعی بسیار دشوارتر است: توسعه هسته‌ای نیازمند مواد و زیرساخت‌های خاص بود، حال آنکه پیشبرد پژوهش‌های هوش مصنوعی حتی در آزمایشگاه‌های کوچک یا فضاهای مجازی ممکن است. همین امر نظارت جهانی را بسیار پیچیده‌تر می‌کند.

پس چه باید کرد؟ آیا باید مثل آن خیاط‌های اروپایی قرن هجدهم که سعی کردند چرخ خیاطی‌های اختراع شده را که خیاطی‌های سنتی را با کارگاه‌های بزرگ جایگزین می‌کرد،

محمد اسلامی در مسکو: در حمله به تأسیسات اتمی ما آژانس با اسرائیل و آمریکا «هماهنگ» بود

● سردار پاسدار محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در حاشیه مجمع هفته جهانی اتم در مسکو در پاسخ به سؤال خبرنگاری «اسپوتنیک» در باره ادامه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «مجلس ما یک قانون شفافیت دارد، وقتی که به تأسیسات ثبت شده ما در آژانس و تحت نظارت آژانس حمله نظامی شده است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای امنیت و شورای حکام این حملات را محکوم می‌کنند، این به چه معنی است؟ یعنی این نهادها هماهنگ با حمله نظامی بودند، یعنی بخشی از حمله نظامی هستند.»

● او در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «اگر قرار باشد که [آژانس حمله را] محکوم نکنند، شما چگونه می‌توانید اعتماد کنید، این به امنیت ملی ما مربوط است. قانون مجلس ما تضمین امنیت است نه اینکه آنها بنویسند من تضمین می‌کنم حمله نشود... طبیعی است که در اختیار آژانس نیست، ولی آژانس قانوناً باید این حملات را محکوم می‌کرد.»

● برخی نمایندگان می‌گویند حمله اسرائیل نتیجه اطلاعاتی بود که گروسی و بازرسان از تأسیسات اتمی ایران در اختیار آنها قرار دادند. جمهوری اسلامی در ادامه تبلیغات و تهدیدات خود علیه رافائل گروسی عکس‌های خانوادگی وی را منتشر کرده و درواقع بطور غیرمستقیم خانواده‌ی وی را مورد تهدید قرار داده است.

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متهم کرد که در جریان حمله اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران با آنها «هماهنگ» بوده است.

سردار پاسدار محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در حاشیه مجمع هفته جهانی اتم در مسکو در پاسخ به سؤال خبرنگاری «اسپوتنیک» درباره ادامه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «مجلس ما یک قانون شفافیت دارد، وقتی که به تأسیسات ثبت شده ما در آژانس و تحت نظارت آژانس حمله نظامی شده

بازداشت دو شهروند اسرائیلی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی



نیروهای امنیتی اسرائیل

بگیرد، در تماس بوده است. گفته می‌شود او موفق شد از این طریق امرار را جذب کند. هر دو در ازای کار خود به صورت رمزارز پول دریافت کرده‌اند. گزارش‌ها حاکیست که آنها چند هزار دلار از حکومت ایران پول گرفته‌اند.

بازداشت این دو نفر بخشی از تحقیقات مشترک سازمان امنیت داخلی اسرائیل و واحد جنایات بزرگ پلیس (لاهاو ۴۳۳) بوده است. پلیس اعلام کرد کیفرخواست علیه آنها در روزهای آینده صادر خواهد شد.

«شبکه ۱۲» اسرائیل نیز گزارش داد که کرینگل در ابتدا اجازه ملاقات با وکیل نداشت و در جریان بازجویی اتهامات را پذیرفت. اما پس از ملاقات با وکیل، روایت خود را تغییر داد و اکنون از همکاری با بازجویان خودداری می‌کند. وکیل او، نیر دیوید، این اتهامات را «بی‌اساس و دور از واقعیت» دانست و گفت این پرونده یک «اشتباه در هویت» است. پلیس و سازمان امنیت داخلی اسرائیل بار دیگر هشدار دادند: «شهروندان اسرائیلی نباید هیچگونه تماسی با نهادهای خارجی یا اشخاص ناشناس داشته باشند و نباید در ازای پول یا هر دلیل دیگری برای آنها فعالیت کنند.»

این دو نفر بخشی از اسرائیلی‌هایی هستند که طی دو سال گذشته به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی بازداشت و محاکمه شده‌اند. هفته گذشته نیز یعقوب پرل شهروند دوتابعیتی آمریکایی-اسرائیلی به جاسوسی برای تهران متهم شد. او متهم است که مقامات بلندپایه اسرائیلی از جمله هرتزی هالوی رییس سابق ستاد ارتش، وایتامار بن‌گوریر وزیر امنیت داخلی، را تحت تعقیب و مراقبت قرار داده بود.

یک هفته پیش از آن نیز دادگاه منطقه‌ای اورشلیم الیمیلخ استرن، طلحه ۲۲ ساله حریدی از بیت‌شمش را به جاسوسی برای جمهوری اسلامی محکوم کرد.

طبق گزارش‌ها، طی دو سال اخیر حکومت ایران از طریق شبکه‌های اجتماعی، به ویژه تلگرام موفق شده تعدادی از شهروندان عادی اسرائیل را برای مأموریت‌های اطلاعاتی و حتی طرح‌های ترور جذب کند. افزایش شمار این افراد باعث شده اسرائیل بخشی جدید در زندان دامون حیفا را به آنها اختصاص دهد.

● پلیس اسرائیل و سازمان امنیت داخلی (شین‌بت) سه‌شنبه شب ۲۹ سپتامبر (هشتم مهرماه) در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند دو اسرائیلی که متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی هستند در ماه‌های اخیر بازداشت شدند و کیفرخواست علیه آنها آماده می‌شود.

● به گزارش «تایمز اسرائیل»، در بازجویی‌ها مشخص شد کرینگل با افرادی مرتبط با سازمان پوششی «وی‌آی‌پی امپلویمنت» (VIP Employment) که تلاش می‌کند اسرائیلی‌ها را به صورت آنلاین برای جاسوسی به خدمت بگیرد، در تماس بوده است. گفته می‌شود او از همین طریق موفق شد امرار را جذب کند. هر دو در ازای کار خود به صورت رمزارز پول دریافت کرده‌اند. گزارش‌ها حاکیست که آنها چند هزار دلار از حکومت ایران پول گرفته‌اند.

پلیس اسرائیل و سازمان امنیت داخلی (شین‌بت) سه‌شنبه شب ۲۹ سپتامبر (هشتم مهرماه) در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند دو اسرائیلی که متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی هستند در ماه‌های اخیر بازداشت شدند و کیفرخواست علیه آنها آماده می‌شود.

بر اساس این بیانیه، دادستانی مامور کرینگل (۲۶ ساله) در ماه اوت پس از هفت ماه فعالیت جاسوسی برای یک مامور جمهوری اسلامی که از ابتدای سال ۲۰۲۵ با او در تماس بود، دستگیر شد. مظنون دیگر تال امرار (۲۶ ساله) است که به گفته پلیس توسط او برای همکاری با جمهوری اسلامی جذب شده بود. هر دو نفر ساکن خولون هستند.

پلیس می‌گوید کرینگل از پایگاه‌های نظامی و اماکن عمومی در اسرائیل عکس گرفته و حتی در جریان جنگ ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی در خردامه، خود به ابتکار شخصی با رابط‌های رژیم ایران تماس گرفته تا مأموریت‌های بیشتری انجام دهد. به گزارش رسانه‌های عبری، او در همان زمان به عنوان سرباز ذخیره در ارتش اسرائیل خدمت می‌کرد.

به گزارش «تایمز اسرائیل» در بازجویی‌ها مشخص شد کرینگل با افرادی مرتبط با سازمان پوششی «وی‌آی‌پی امپلویمنت» (VIP Employment) که تلاش می‌کند اسرائیلی‌ها را به صورت آنلاین برای جاسوسی به خدمت

دوران محمدرضا شاهی؛ نظارت بر ثروت مسئولان

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

تا این فرودگاه برای پذیرش هواپیماهای بزرگ گسترش یابد. سپس میان ایران و ترکیه قرارداد گذشتن نفت تولید شده در قم تا بندر مرسین ترکیه بسته شد.

مهر ۱۳۳۷ قرارداد وامی از سوی آمریکا به ایران در وزارت دارایی بسته شد که آمریکا دو میلیون و پانصد هزار دلار برای گسترش باند فرودگاه مهرآباد به دولت ایران می‌پرداخت

ماشه و ممنوعیت‌هایش



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای امنیت و شورای حکام این حملات را محکوم نمی‌کنند، این به چه معنی است؟ یعنی این نهادها هماهنگ با حمله نظامی بودند، یعنی بخشی از حمله نظامی هستند.»

تضمین حمله نکردن با آژانس نیست اما باید محکوم کند او در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «اگر قرار باشد که [آژانس حمله را] محکوم نکند، شما چگونه می‌توانید اعتماد کنید، این به امنیت ملی ما مربوط است. قانون مجلس ما تضمین امنیت است نه اینکه آنها بنویسند من تضمین می‌کنم حمله نشود... طبیعی است که در اختیار آژانس نیست، ولی آژانس قانوناً باید این حملات را محکوم می‌کرد، ما مکاتبه کردیم به آژانس اطلاع دادیم، طبق اساسنامه آژانس، طبق نظام جامعه پادمان ما گزارش کردیم و آژانس باید اینها را به رسمیت می‌شناخت و محکوم می‌کرد و محکوم نکردن یعنی بی‌اعتمادی.»

محمد اسلامی تأکید کرد: «تا زمانی که شرایط آن احراز نشود، ادامه این همکاری از سر گرفته نمی‌شود.»

همزمان آسوشیتدپرس گزارش داد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دومین سایت هسته‌ای آسیب ندیده جمهوری اسلامی بازدید کردند. این خبرگزاری اشاره‌ای به اینکه از کدام سایت بازدید شده نکرده است. اولین سایتی که بازرسان پس از جنگ ۱۲ روزه برای بازدید مجوز گرفتند نیروگاه اتمی بوشهر بود که مناقشه‌ای بر سر فعالیت آن وجود نداشته است.

عدم تضمین حمله مجدد به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی یکی از شروط حکومت در مذاکره با غربی‌ها و آژانس برای توافق بود که هیچکدام از کشورهای اروپایی عضو توافق برجام آن را قبول نکردند.



سفر محمد اسلامی به مسکو

مقامات جمهوری اسلامی بارها رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متهم کردند که «جاسوس» و «گماشته» اسرائیل و آمریکا است. برخی نمایندگان می‌گویند حمله اسرائیل نتیجه اطلاعاتی بود که گروسی و بازرسان از تأسیسات اتمی ایران در اختیار آنها قرار دادند. جمهوری اسلامی در ادامه تبلیغات و تهدیدات خود علیه رافائل گروسی عکس‌های خانوادگی وی را منتشر کرده و درواقع بطور غیرمستقیم خانوادگی وی را مورد تهدید قرار داده است.

نادیده گرفتن خطر «اخوان المسلمین» در جوامع غربی



تکثر سیاسی جامعه دارد درست همانگونه که پیروزی ملایان در ایران داشته است.

این درس‌های پرهزینه در پایتخت‌های عربی بسیار بهتر از غرب درک شده‌اند. در قاهره، الجزیره یا امارات، اخوان المسلمین نه یک «گروه اجتماعی» یا یک سازمان خیریه مذهبی بی‌خطر، بلکه یک سازمان ایدئولوژیک بنیادگرا با اهداف بلندمدت برای ایجاد یک نظام اسلامگرای افراطی فراملی است. درواقع هدف اخوان المسلمین تنها به برپایی خلافت اسلامی در کشورهای مسلمان محدود نمی‌شود؛ این سازمان آشکارا به دنبال گسترش سلطه نظام اسلامی در سطح جهان است. در نیم قرن گذشته، فعالیت خود را به بیش از ۸۰ کشور گسترش داده و به ویژه در بریتانیا بطور عمیق ریشه دوانده است؛ جایی که از طریق شبکه‌های پوششی و وابسته‌اش از چنان آزادی عمل و امکاناتی برخوردار است که در بسیاری از کشورهای مسلمان عربی ندارد.

شبکه گسترده و پرهزینه خیریه‌ها، گروه‌های دانشجویی و سازمان‌های غیردولتی وابسته به اخوان المسلمین، تنها خدمات اجتماعی ارائه نمی‌کنند، بلکه زیرساخت‌های سیاسی لازم برای پیشبرد ایدئولوژی این جنبش را نیز فراهم می‌آورند. این شبکه‌ها به گسترش نفوذ اخوان المسلمین در جوامع مسلمان سراسر جهان و ورود آن به نهادهای غربی، از دانشگاه‌ها و شوراهای محلی گرفته تا گروه‌های لابی، رسانه‌ها و حتی نهادهای کلیسایی، کمک شایانی کرده‌اند.

با این حال، نمایندگان منتخب غربی - جز معدودی - همچنان با اخوان المسلمین همچون یک جنبش خیریه مذهبی محافظه‌کار رفتار می‌کنند. برخی حتی با گروه‌های پوششی آن تحت عنوان «تعامل اجتماعی» یا در نشست‌های «گفتگوی بین‌ادیانی» با مشروعیت سیاسی همکاری می‌کنند. این یک خطای راهبردی عمیق است. هدف

دیگر از جنبش اخوان المسلمین است.

پس از آنکه «جبهه نجات اسلامی» در دور نخست انتخابات پارلمانی الجزایر در سال ۱۹۹۱ پیروز شد، ارتش سکولار الجزایر این پیروزی اسلامگرایان را تهدیدی برای موجودیت کشور دانست و مانع تشکیل دولت توسط آنان شد. در پی این اقدام ارتش، جنگ داخلی خونینی به مدت ده سال، معروف به «دهه سیاه» الجزایر - آغاز شد که بیش از ۲۰۰ هزار نفر، عمدتاً غیرنظامی، در آن جان خود را از دست دادند.

این دهه از خونین‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر الجزایر بود؛ با کشتارهای هولناک در روستاهایی چون رَعِیس، پَن‌طلحه و سیدی حامد که در آن مردان، زنان و کودکان بی‌گناه بی‌رحمانه سلاخی شدند. گروه‌های مسلح اسلامگرای الجزایر مانند حماس بی‌هیچ ملاحظه‌ای کودکان را به عنوان سپر انسانی به کار می‌گرفتند و دولت الجزایر نیز در واکنش به این رویدادها، به دستگیری‌های گسترده، برپا کردن اردوگاه‌های مخفی بازداشت، شکنجه و ناپدیدسازی‌های وسیع روی آورد. سازمان‌های حقوق بشری برآورد کرده‌اند که بین ۷ تا ۲۰ هزار الجزایری پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی ناپدید شدند. این درگیری آکنده از خونریزی و وحشت، جامعه الجزایر را برای یک نسل زخمی و داغدار کرد.

این یک مورد تنها یا استثنایی در جهان عرب نبوده. در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا، دولت‌های سکولار عرب بارها و بارها ناچار شده‌اند هنگامی که اخوان المسلمین در یک قدمی تصرف قدرت بوده، علیه آن وارد عمل شوند. مصر، سوریه، اردن، کشورهای خلیج فارس (بجز قطر) و البته الجزایر همگی با این جنبش شدیداً مقابله کرده‌اند. در هر مورد درس یکسان بوده است: موفقیت اخوان المسلمین پیامدهای فاجعه‌باری برای جامعه مدنی، زنان، اقلیت‌ها و

درس‌های پرهزینه قدرت گرفتن اخوان المسلمین و اسلامگرایان بطور کلی در پایتخت‌های عربی بسیار بهتر از غرب درک شده‌اند. در قاهره، الجزیره یا امارات، اخوان المسلمین نه یک «گروه اجتماعی» یا یک سازمان خیریه مذهبی بی‌خطر، بلکه یک سازمان ایدئولوژیک بنیادگرا با اهداف بلندمدت برای ایجاد یک نظام اسلامگرای افراطی فراملی است.

اخوان المسلمین در نیم قرن گذشته، فعالیت خود را به بیش از ۸۰ کشور گسترش داده و به ویژه در بریتانیا بطور عمیق ریشه دوانده است؛ جایی که از طریق شبکه‌های پوششی و وابسته‌اش از چنان آزادی عمل و امکاناتی برخوردار است که در بسیاری از کشورهای مسلمان عربی ندارد.

هدف بلندمدت اخوان المسلمین تغییر تدریجی جوامع غرب از درون و فرسایش هنجارهای لیبرال دموکراتیک است که اساس پیشرفت و شکوفایی غرب را شکل داده‌اند.

هم‌اکنون اسرائیل در حال جنگ با حماس، شاخه‌ای دیگر از اخوان المسلمین و تهدیدی جدی و موجودیتی برای آن کشور، است. برخلاف سایر دولت‌های عربی که بدون ترس از محکومیت بین‌المللی بی‌محابا به سرکوب اخوان المسلمین پرداختند، اسرائیل تلاش می‌کند تا حد ممکن جنگی متکی بر اخلاق را پیش ببرد. با این حال این کشور با واکنش بین‌المللی بی‌سابقه‌ای روبروست که دیگر دولت‌های عربی هرگز با آن مواجه نبوده‌اند!

پتکین آذرماه - اکثریت قریب به اتفاق فعالان جوانی که این روزها در کشورهای غربی در حمایت از حماس و فلسطین علیه اسرائیل تظاهرات می‌کنند، از یکی از خونین‌ترین درگیری‌های داخلی جهان عرب بی‌خبرند: جنگ الجزایر با «جبهه نجات اسلامی» که مانند حماس شاخه‌ای

انگلیس، ژاپن، استرالیا و نیوزلند تحریم‌های جمهوری اسلامی را از سرگرفتند



نمایش موشک در تهران کنار بنر فرماندهان کشته شده در جنگ ۱۲ روزه

شده و معافیت پیشین «با هدف بازسازی افغانستان و کمک به توسعه اقتصادی» داده شده بود.

به گفته او، شرکت‌های دیگر در این پروژه، از جمله شرکت دولتی «شرکت بین‌المللی بنادر هند»، ۴۵ روز فرصت دارند همکاری خود را با چابهار متوقف کنند وگرنه دارایی‌هایشان در ایالات متحده مسدود و هرگونه تراکنش مالی آنها با نظام بانکی آمریکا ممنوع خواهد شد. وزارت خارجه آمریکا چندی پیش هدف از این اقدام را قطع شبکه‌های مالی غیرقانونی عنوان کرد که از رژیم ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای نظامی حکومت حمایت می‌کند.

جاشوا کرتین وکیل شرکت «Dentons» و کارشناس پیشین تحریم‌ها در وزارت خارجه آمریکا نیز گفته «اگر یک شرکت هندی در فهرست تحریم قرار گیرد، ممکن است اثر زنجیره‌ای ایجاد کند و بانک‌ها و دیگر شرکت‌ها حاضر به همکاری با آن نباشند.»

او افزود: «چنانچه آن شرکت به بانک‌های بزرگ یا تبادلات دلاری نیاز داشته باشد، نگرانی‌های جدی مطرح خواهد شد.» کارشناسان معتقدند که تحریم چابهار می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای شرکت‌های هندی به همراه داشته باشد و بر روابط مالی و تجاری آنها در سطح بین‌المللی تأثیر بگذارد. تحلیلگران بر این باورند که دهلی‌نو ناگزیر خواهد بود میان ادامه همکاری با تهران و رعایت تحریم‌های آمریکا یکی را انتخاب کند؛ موضوعی که می‌تواند تأثیر مستقیم بر روابط هند با ایران، ایالات متحده و حتی سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه و چین داشته باشد.

مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند که در تمام ۴۶ سال گذشته در تحریم بوده‌اند و راه دور زدن آن را به خوبی می‌دانند هرچند طی همین روزهای کمی که مکانیسم ماشه به اجرا درآمده نرخ ارز و انواع کالاهای مصرفی و خوراکی در ایران به شدت بالا رفت.

● دولت بریتانیا دوشنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴ (هفتم مهرماه) در بیانیه‌ای ۷۱ فرد و نهاد شامل مقامات ارشد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و مؤسسات مالی و انرژی از جمله وزارتخانه‌های نفت و نیرو را به فهرست تحریمی خود علیه جمهوری اسلامی اضافه کرد.

● دولت ژاپن نیز اعلام کرد که تحریم‌های اقتصادی خود علیه جمهوری اسلامی را از سر گرفته است. بر اساس این تصمیم و طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، دارایی‌های ۷۸ نهاد و ۴۳ فرد حقیقی ایرانی در ژاپن مسدود خواهد شد.

با اجرای رسمی «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های ششگانه سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی از صبح یکشنبه ششم مهرماه ۱۴۰۴، اتحادیه اروپا و دولت‌های اروپایی و آسیایی از بریتانیا تا ژاپن تحریم‌های خود را بازگرداندند.

دولت بریتانیا دوشنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴ (هفتم مهرماه) در بیانیه‌ای ۷۱ فرد و نهاد شامل مقامات ارشد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و مؤسسات مالی و انرژی از جمله وزارتخانه‌های نفت و نیرو را به فهرست تحریمی خود علیه جمهوری اسلامی ایران اضافه کرد.

دولت ژاپن نیز اعلام کرد تحریم‌های اقتصادی خود علیه جمهوری اسلامی را از سر گرفته است. بر اساس این تصمیم و طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، دارایی‌های ۷۸ نهاد و ۴۳ فرد حقیقی ایرانی در ژاپن مسدود خواهد شد.

یوشیماسا هایشی دبیر کابینه ژاپن در یک نشست خبری گفت: «این مسئله اکنون در یک نقطه سرنوشت‌ساز قرار دارد.» او با اشاره به اهمیت راهکارهای دیپلماتیک افزود: «نباید فرصت‌های گفتگو را از دست بدهیم.»

همچنین گزارش شده است که استرالیا و نیوزلند نیز به تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی پیوسته‌اند. در یکی از این موارد، محمدرضا مدرس خیابانی مدیرعامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران که پیش از این از سوی بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در فهرست تحریم اشخاص قرار گرفته بود، توسط نیوزلند نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

فشار ترامپ به هندوستان

درست دو روز پس از اجرای مکانیسم ماشه، دولت دونالد ترامپ با هدف اعمال «فشار حداکثری» به جمهوری اسلامی، هند را تحت فشار گذاشت و یک اولتیماتوم ۴۵ روزه برای قطع همکاری با ایران و ترک پروژه بندر چابهار صادر شد. بر اساس اعلام وزارت خارجه آمریکا، معافیت تحریمی بندر چابهار که واشنگتن می‌گوید در سال ۲۰۱۸ به منظور کمک به بازسازی افغانستان اعطا شده بود، از ۲۹ سپتامبر (هفتم مهرماه) لغو شده است.

تامی پیگوت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، با تأکید بر پایان این معافیت اعلام کرد که این تصمیم در چارچوب سیاست فشار حداکثری واشنگتن برای منزوی کردن ایران اتخاذ شده است.

او افزود: این تصمیم «در راستای سیاست فشار حداکثری رئیس جمهور ترامپ برای منزوی کردن رژیم ایران» اتخاذ

→ بلندمدت اخوان‌المسلمین تغییر تدریجی جوامع غرب از درون و فرسایش هنجارهای لیبرال دموکراتیک است که اساس پیشرفت و شکوفایی غرب را شکل داده‌اند.

با وجود سلسله‌ای از تحقیقات گسترده و پرسرودا به ویژه در بررسی‌های داخلی دولت بریتانیا که به دستور دیوید کامرون نخست وزیر سابق انگلیس در سال ۲۰۱۵ میلادی انجام گرفت- طرح ممنوعیت فعالیت اخوان‌المسلمین ناگهان و بدون توضیح روشن کنار گذاشته شد. این بررسی فعالیت‌های اخوان‌المسلمین را که در داخل کشور توسط «چارلز فار» و در سطح بین‌المللی توسط «سر جان جنکینز» انجام شد، «خطری بالقوه از افراط‌گرایی» توصیف کرد و به محرمانه بودن فعالیت‌های آن در بریتانیا، از جمله مسائل مربوط به جمع‌آوری کمک مالی، ساختارهای عضویت و نفوذ در گروه‌های دانشجویی و سازمان‌های اجتماعی هشدار داد. با این حال، با وجود این یافته‌های صریح، این روند به چیزی بیش از هشدارها، توصیف‌های مبهم و پیشنهادهای غیرعملی منجر نشد. اکنون بیش از یک دهه از انتشار این گزارش گذشته، اما نه اقدامی قاطع برای ممنوعیت این گروه در بریتانیا صورت گرفته و نه گزارش یا به‌روزرسانی جدی از فعالیت‌های روزافزون اخوان‌المسلمین در بریتانیا منتشر شده است.

در آمریکا، سناتورها «تام کاتن» و «مارکو روبیو» به چهره‌های اصلی تلاش برای قرار دادن اخوان‌المسلمین در فهرست سازمان‌های تروریستی بر اساس قوانین این کشور تبدیل شده‌اند. کاتن همراه با جمهوریخواهان دیگر لایحه‌هایی ارائه کرده و نامه‌هایی به نهادهایی مانند اداره مالیات آمریکا فرستاده‌اند تا گروه‌های مرتبط با اخوان‌المسلمین از جمله «کایر» را از نظر وضعیت غیرانتفاعی و ادعای ارتباطات مالی با اهداف افراطی بررسی کنند. آنها همچنین «قانون تعیین اخوان‌المسلمین به عنوان سازمان تروریستی ۲۰۲۵» را حمایت کرده‌اند که رئیس‌جمهور را ملزم می‌کند این گروه و نهادهای وابسته به آن را در سطح جهانی به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی معرفی کند و در صورت احراز معیارهای تروریستی تحریم‌هایی علیه آن اعمال شود. اینکه این تلاش جسورانه به موفقیت برسد یا مانند روند متوقف‌شده بریتانیا به گزارش‌ها و شعارهای بدون عمل منجر شود، هنوز مشخص نیست.

ناتوانی غرب در جدی گرفتن این چالش، خطری بزرگ برای تمدن خودش است. وانمود کردن به اینکه اخوان‌المسلمین صرفاً یک سازمان بنیادگرایی مذهبی مانند برخی دیگر است، اسم‌اش «تسامح» نیست بلکه یک حماقت عامدانه و فاجعه‌بار است.

هم‌اکنون اسرائیل در حال جنگ با حماس، شاخه‌ای دیگر از اخوان‌المسلمین و تهدیدی جدی و موجودیتی برای آن کشور، است. برخلاف سایر دولت‌های عربی که بدون ترس از محکومیت بین‌المللی بی‌محابا به سرکوب اخوان‌المسلمین پرداختند، اسرائیل تلاش می‌کند تا حد ممکن جنگی متکی بر اخلاق را پیش ببرد. با این حال این کشور با واکنش بین‌المللی بی‌سابقه‌ای روبروست که دیگر دولت‌های عربی هرگز با آن مواجه نبوده‌اند! واکنشی گسترده علیه اسرائیل نه تنها از سوی فعالان ساده‌لوح بلکه حتی از سوی رهبران منتخب غربی دیده می‌شود.

سیاست‌گذاران غربی باید از تجربه کشورهایی که بهای دست‌کم گرفتن جنبش اخوان‌المسلمین و اسلام‌گرایی را پرداخته‌اند درس بگیرند. پیش از آنکه دیر شود.

*منبع: وبسایت پروژه پژوهشی

دونالد ترامپ و اروپا؛ چه رویکردی باید اتخاذ کرد؟



رهبران سه قدرت اروپایی در نشست «گروه هفت»؛ از راست: فریدریش مرتس صدراعظم آلمان، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه

۱۱. «هرکس که گمان می‌کند داستان من رو به پایان است، سخت در اشتباه است.»

۱۲. «من تمام عمر با سیاستمداران سر و کار داشته‌ام. تمام عمر. و همیشه آنان را به انجام کاری واداشته‌ام که می‌خواسته‌ام انجام بدهند.»

۱۳. «ایران هیچیک از تأسیسات هسته‌ای‌اش را از بین نخواهد برد. آنها هیچ چیز را از بین نمی‌برند.»

تحلیل شخصیت و روش مذاکره ترامپ

این گفته‌ها نشان‌دهنده‌ی نوعی فلسفه‌ی رهبری، تجارت و زندگی است که بر پشتکار، عملگرایی، انعطاف‌پذیری استراتژیک و برتری دادن شواهد و تجربه‌ی عملی بر ظواهر، متمرکز است. ترامپ با ذهنیت یک کارآفرین، رویکردی استراتژیک به موفقیت را در پیش می‌گیرد که همزمان برای جاه‌طلبی، احتیاط و اهمیت گوش دادن به گزینه‌ی ارزش قائل است و در عین حال، انطباق‌پذیری و - در صورت لزوم - تاب‌آوری را در اولویت قرار می‌دهد. همچنین، کشاکشی میان جاه‌طلبی و پراگماتیسم او به چشم می‌خورد. پیچیدگی روش مذاکره‌ی او در این حقیقت نهفته است که او استراتژی کاملاً تهاجمی یا کاملاً محافظه‌کارانه‌اش را با احتیاط و توانایی سازگاری ترکیب می‌کند. آیا این روش می‌تواند کلید ماندگاری موفقیت‌های بلندمدت او باشد؟

با توجه به اینکه درگیری‌ها رو به تشدید است، بهتر آن است که اروپایی‌ها، بجای تکرار ساده‌انگارانه‌ی اینکه «ترامپ پیش‌بینی‌ناپذیر و دیوانه است»، روش مذاکره‌ی او و روابط خارجی‌اش را تجزیه و تحلیل کنند تا بتوانند اقدامات او را درک و پیش‌بینی نموده و خود را برای واکنش نشان دادن در آینده آماده سازند.

مسائلی که ایالات متحده آمریکا را به اروپا مرتبط می‌سازند، بسیاریند.

قطع کمک‌های امنیتی به اروپا

چگونه عمل می‌کند، روانشناسی‌اش چیست و در نهایت آنکه به نمایندگی از چه کسی سخن می‌گوید.

در همین ارتباط نخست به تعدادی از سخنان ترامپ نگاهی بیندازیم:

۱. «تجربه چیزهای زیادی به من آموخته است. اول اینکه آدم باید به گزینه‌اش اعتماد کند، فارغ از آنکه موضوع روی کاغذ چقدر جذاب به نظر برسد. دوم اینکه بهتر است آدم به چیزی بپردازد که آن را می‌شناسد. سوم اینکه گاه بهترین سرمایه‌گذاری‌های ما همانهاست که نکرده‌ایم.»

۲. «هیچ آرزویی آنقدر بزرگ نیست. هیچ چالشی آنقدر عظیم نیست. هرگز آینده مطلوب‌مان دور از دسترس نیست.»

۳. «گاه با باختن در یک نبرد، راه پیروزی در جنگ را یاد می‌گیریم.»

۴. «آنچه برندگان را از بازندگان متمایز می‌سازد، شیوه مواجهه‌ی افراد با پیچ و تاب‌های تازه‌ی سرنوشت است.»

۵. «وقتی کسی شما را به چالش می‌کشد، مقابله کنید. سرسخت باشید و بی‌رحم.»

۶. «برنده بودن یعنی اینکه بدانی کی کافیت. گاه باید مبارزه را رها کرد و به سوی چیزی پُرثمرتر شتافت.»

۷. «همیشه بهتر است آدم دست‌کم گرفته شود.»

۸. «هر تصمیمی در حوزه تجارت، مالیات، مهاجرت و امور خارجه، در جهت منافع کارگران و خانواده‌های آمریکایی اتخاذ خواهد شد. ما باید از مرزهای خود در برابر تاخت و تاز کشورهایی که محصولات ما را تولید می‌کنند، شرکت‌هایمان را به سرقت می‌برند و مشاغل‌مان را از بین می‌برند، محافظت کنیم. این حمایت‌گرایی، رفاهی عظیم و قدرتی بزرگ به ارمغان خواهد آورد.»

۹. «بازندگان را دوست ندارم.»

۱۰. «سرنجام با آنچه به انجام رسانده‌ای سنجیده خواهد شد، نه با آنچه بر عهده گرفته‌ای.»

● با توجه به اینکه درگیری‌ها رو به تشدید است، بهتر آن است که اروپایی‌ها، بجای تکرار ساده‌انگارانه‌ی اینکه «ترامپ پیش‌بینی‌ناپذیر و دیوانه است»، روش مذاکره‌ی او و روابط خارجی‌اش را تجزیه و تحلیل کنند تا بتوانند اقدامات او را درک و پیش‌بینی نموده و خود را برای واکنش نشان دادن در آینده آماده سازند.

● با توجه به درگیری‌های متعدد در خاورمیانه، منازعه اسرائیل و فلسطین، و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، اتحاد ترامپ- نتانیاهو نویدبخش عصری تازه است که می‌تواند جلوی گسترش نفوذ فزاینده چین در منطقه را بگیرد. از یکسو، باید انسجام این اروپای ۲۷ کشوری تقویت بشود و از سوی دیگر، یک اتحاد استراتژیک و دفاعی نیرومند متشکل از سه کشور فرانسه، انگلستان و آلمان شکل بگیرد. در خاورمیانه نیز، برای ادامه حضور اروپا به عنوان یک بازیگر استراتژیک و اقتصادی، لازم است با اتحاد ترامپ- نتانیاهو همکاری شود.

● رژیم ایران، با تهدید اسرائیل، اروپا و ایالات متحده، ممکن است به عنوان خطری برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و در نتیجه مشمول فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل گردد؛ فصلی که می‌تواند بر اساس ماده ۴۱ تحریم‌های اقتصادی و بر اساس ماده ۴۲ توسل به نیروی نظامی را به همراه داشته باشد. این فشار به فروپاشی جاری رژیم کمک خواهد کرد و امید است که با کمترین هزینه، تغییر رژیم با رهبری شاهزاده رضا پهلوی صورت بگیرد.

فهیمة روبیول - یک مذاکره‌کننده، صرف نظر از حوزه فعالیت‌اش، برای اتخاذ رویکردی استراتژیک بر سر میز مذاکره، باید قبل از پرداختن به محتوا، طرف مقابل را به خوبی بشناسد؛ یعنی بفهمد او کیست، چگونه می‌اندیشد،

➔ «واشنگتن پست» نوشت: «دولت ترامپ در نظر دارد که کمک‌های امنیتی‌اش را به اروپایی که مقابل روسیه قرار گرفته، متوقف کند؛ اقدامی که متحدانش را نگران و قانونگذاران را ناخشنود کرده است. چنین تصمیمی می‌تواند صدها میلیون دلار کمک نظامی را که برخی از آسیب‌پذیرترین اعضای ناتو به آن متکی‌اند، تحت تأثیر قرار دهد.»

موضع ترامپ در قبال بحران لیبی

به یاد بیاوریم که در مورد بحران لیبی، ترامپ با کلافگی گوشزد کرد: «چنین نفت خود را از لیبی تأمین می‌کند. چرا چین دخالت نمی‌کند؟ آن کشور روزانه میلیاردها دلار برای فتح اقتصادی جهان هزینه می‌کند و ما میلیاردها دلار برای حفظ نظم در جهان! این ما نیستیم که نفت‌مان را از لیبی تأمین می‌کنیم، بلکه چین است.»

نارضایتی از وضعیت اوکراین و رابطه با اروپا

سه هفته پس از نشست پریسک در آلاسکا با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، ترامپ بطور فزاینده‌ای از عدم پیشرفت در زمینه‌ی صلح با اوکراین ناامید شده بود. در همین ارتباط «سی‌ان‌ان» نوشت که در جلسه ائتلاف با شرکای اروپایی‌اش، ترامپ تأکید کرد که «اروپا باید خرید نفت روسیه را که به جنگ یاری می‌رساند، متوقف کند؛ چرا که روسیه طی یک سال ۱/۱ میلیارد یورو از فروش سوخت به اتحادیه اروپا درآمد داشته است» و با فشاری کرد که «رهبران اروپایی باید بر چین فشار اقتصادی وارد کنند، زیرا آن کشور به تلاش‌های جنگی روسیه کمک مالی می‌کند.»

تعرفه‌های تجاری بر اتحادیه اروپا

ترامپ همچنین اعلام کرد که در چارچوب یک توافقنامه تجاری، بر اغلب کالاهای وارداتی از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا، مالیاتی ۱۵ درصدی اعمال کرده و بدین ترتیب، بر مازای دنباله‌داری که ماه‌ها با بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده ادامه داشت، نقطه پایان گذاشته است. او گفت: «ما با اتحادیه اروپا به توافقی رسیدیم که بر اساس آن نزدیک به یک تریلیون دلار به ما پرداخت خواهند کرد. و می‌دانید چیست؟ آنها خوشحال‌اند! کار تمام است.»

سایر مسائل مهم

از دیگر مسائل (که فهرست آن کامل نیست) می‌توان به این موارد اشاره کرد:

جریان‌های مهاجرتی از مکزیک و دیوار مرزی
بحران مهاجران کلمبیایی اخراج شده
مالیات عبور کشتی‌های آمریکایی از کانال پاناما (که از نظر ترامپ گراف است، خاصه آنکه ۴۰٪ ترافیک کانال از صدقه‌سر آمریکایی‌هاست)
عوارض گمرکی علیه مکزیک و کانادا.
همچنین، تنش با داهاگ بر سر پیشنهاد خرید گرینلند؛ پیشنهادی که با هدف تقویت توان نظامی آمریکا در برابر روسیه و چین و بهره‌برداری از معادن فلزات کمیاب صورت گرفته است.

الگوی واکنش طرفین مقابل

حیرت، اولین واکنش طرفین درگیر به اظهارات غیرقابل پیش‌بینی ترامپ در هریک از این موضوعات بود. به دنبال آن، بیانه‌هایی کم و بیش تند به عنوان اعتراض صادر شد، اما این اعتراض به تدریج جای خود را به تمایل و حتی درخواست برای مذاکره فوری با ترامپ داد، زیرا هیچ گزینه بهتری بدون او وجود نداشت.

روش مذاکره ترامپ

روش مذاکره دونالد ترامپ بر چند استراتژی متفاوت و اغلب بحث‌برانگیز بنا شده که بدون شک می‌تواند موضوع تدریس در دوره‌های آموزش مذاکره در دانشگاه‌های معتبر

باشد.

استفاده از اهرم‌های مختلف بدون پیچیدگی

ترامپ برای پیشبرد اهداف خویش از اهرم‌های فشار گوناگون استفاده می‌کند:

اهرم رسانه: با اصرار بر رسانه‌ای کردن هرچه بیشتر مذاکراتش، او از دیده شدن برای ایجاد فشار عمومی بر طرف مقابل بهره می‌برد.

اهرم قدرت سیاسی: مقام وی به عنوان رئیس جمهور منتخب ایالات متحده با اکثریت آرا در کنگره و سنا به او قدرتی انکارناپذیر می‌بخشد.

اهرم اقتصادی: با تهدید به وضع تعرفه یا تحریم، بر طرف مقابل اعمال قدرت می‌کند.

اهرم روانشناسی: پیش‌بینی‌ناپذیری ترامپ قدرت پیشدستی و آماده شدن را از مذاکره‌کنندگان سلب می‌کند.

نادیده گرفتن پروتکل‌ها

سبک مذاکره ترامپ با رویکردهای دیپلماتیک سنتی که بر پایه اتفاق نظر و روابط بلندمدت بنا شده، متفاوت است. این روش، ملاقات‌های رسمی در حضور رسانه‌ها، اظهارات غیرمنتظره و موضع‌گیری‌های قدرتمندانه را ترجیح می‌دهد تا بدین ترتیب، حداکثر فشار را بر طرف مذاکره وارد کند. ترامپ بارها نشان داده که چگونه می‌توان از افکار عمومی به عنوان ابزار مذاکره استفاده کرد. او با علنی کردن گلیه‌های خود یا اظهار نظر در ملاء عام، فشار مضاعفی بر طرف مقابل ایجاد می‌کند که ناچار است همزمان نه تنها با ترامپ، بلکه با افکار عمومی کشور خویش نیز کلنجار برود. نمونه‌های متعددی وجود دارد، اما از تازه‌ترین‌ها می‌توان به آخرین ملاقات او با ولودیمیر زلینسکی در حضور شمار زیادی از خبرنگاران، نقض پروتکل و بی‌توجهی به ورود امانوئل ماکرون به کاخ سفید، و زدن به پشت محمد بن سلمان در ریاض اشاره کرد.

نکاتی درباره چارچوب و ابزارهای مذاکره مطلوب

همزمان با اینکه بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی رو به افزایش نهاده، تاکتیک‌های مذاکره نیز در حال تحول است. دوران ترامپ، نمایانگر تحول شیوه مذاکره به سبکی تهاجمی‌تر و رسانه‌ای‌تر است. این، زنگ خطری است که لزوم تکامل شیوه‌های مذاکره را گوشزد می‌کند. آموزش‌های سنتی مبتنی بر دانش نظری دیگر کافی نیستند. دولت‌ها و شرکت‌ها باید خود را با محیطی وفق دهند که نیازمند انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری و اراده برای تداوم ارتباط است. آنها باید با این واقعیت کنار بیایند که به رویکردی تهاجمی‌تر نیاز دارند. افزون بر این، مذاکره‌کنندگان امروزی باید مهارت‌هایشان را برای موقعیت‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و همچنین مقاومت‌شان را در برابر ارباب، پرورش بدهند و در عین حال، مراقب باشند که توازن لازم میان کارآیی تاکتیکی و روابط پایدار را رعایت کنند.

نقش میانجیگر و تسهیل‌کننده

اما استثنائاتی هست که نشان می‌دهد یک تسهیل‌کننده-میانجیگر می‌تواند از طریق رابطه شخصی نیز در وضعیتی بغرنج گشایش ایجاد کند و مذاکره را پیش ببرد.

فنلاند پس از حمله روسیه به اوکراین به ناتو پیوست. الکساندر استاب رئیس جمهور فنلاند، گلف‌باز خوبی است و با ترامپ در مارآلاگو گلف بازی می‌کند. این نزدیکی اعتماد آفرید و او را به یکی از معتمدان اروپایی مورد علاقه ترامپ بدل ساخت، تا جایی که حتی پیش از دیدار سرنوشت‌ساز ترامپ و ولادیمیر پوتین، در گفتگوهای دیپلماتیک نیز شرکت داشت.

چالش‌های اروپا و نیاز به اروپای مستحکم
امروز اروپا با ۲۷ کشور در اتحادیه‌اش به نظر می‌رسد

که در برابر ترامپ و تاکتیک‌هایش با مشکل مواجه است. با ناتویی که به علت عدم حمایت ایالات متحده تضعیف شده است، امنیت اروپا به شدت در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. اروپا فاقد یک نیروی دفاعی جدی است و ایجاد آن ضروری به نظر می‌رسد. جنگ در اوکراین ادامه دارد و کشورهای اروپای شرقی نگران‌اند. چندین کشور اروپایی گرفتار اسلام ایدئولوژیک و بنیادگرایی‌اند و «ملت» به نفع «فرقه‌گرایی» در حال تضعیف است. با توجه به درگیری‌های متعدد در خاورمیانه، منازعه اسرائیل و فلسطین، و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، اتحاد ترامپ- نتانیاهو نویدبخش عصری تازه است که می‌تواند جلوی گسترش نفوذ فزاینده چین در منطقه را بگیرد. از یکسو، باید انسجام این اروپای ۲۷ کشوری تقویت بشود و از سوی دیگر، یک اتحاد استراتژیک و دفاعی نیرومند متشکل از سه کشور فرانسه، انگلستان و آلمان شکل بگیرد. در خاورمیانه نیز، برای ادامه حضور اروپا به عنوان یک بازیگر استراتژیک و اقتصادی، لازم است با اتحاد ترامپ- نتانیاهو همکاری شود.

اما به نظر می‌رسد اروپا، و بطور اخص فرانسه، با اعمال فشار بر ترامپ و به رسمیت شناختن فلسطین، در تلاش است تا سهم خود را در افق این خاورمیانه نو به دست آورد. این به رسمیت شناختن، تا زمانی که گروه‌های تروریستی مردم را (به ویژه زنان و کودکان آسیب‌پذیر را) چه در فلسطین چه در اسرائیل گروگان می‌گیرند، نمی‌تواند نفرت موجود میان طرفین را بکاهد و تا زمانی که این نفرت وجود دارد هیچ راه حل مسالمت‌آمیز و هیچ صلح پایداری امکان‌پذیر نیست.

ترامپ شرکای «برنده» را می‌پسندد؛ یک اروپای احیاشده متحدتر و مصمم‌تر می‌تواند با همکاری با ایالات متحده در مواجهه با محور چین- روسیه پیروز بشود و نفوذ کاهش‌یافته خود در آفریقا را در مقابل سرمایه‌گذاری چینی‌ها یا حضور روس‌ها به‌واسطه گروه «واگر» احیا کند.

پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید
درباره مسئله هسته‌ای ایران، امروز تروئیکا با فعال کردن مکانیسم ماشه، فشار بر رژیم ایران را افزایش داده است. این مکانیسم، تحریم‌های پیش‌بینی‌شده در قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)، ۲۲۳۴ (۲۰۱۵) سازمان ملل را که از زمان توافق هسته‌ای اکتبر ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآمده بودند، دوباره به کار انداخته است.

رژیم ایران، با تهدید اسرائیل، اروپا و ایالات متحده، ممکن است به عنوان خطری برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و در نتیجه مشمول فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل گردد؛ فصلی که می‌تواند بر اساس ماده ۴۱ تحریم‌های اقتصادی و بر اساس ماده ۴۲ توسل به نیروی نظامی را به همراه داشته باشد.

این فشار به فروپاشی جاری رژیم کمک خواهد کرد و امید است که با کمترین هزینه، تغییر رژیم با رهبری شاهزاده رضا پهلوی صورت بگیرد.

***فهمیه رویبول مهندس اسبق سازمان انرژی اتمی ایران و سازمان انرژی اتمی فرانسه، استاد در Sciences Po-Paris و business school ESSEC فرانسه که تا سال ۲۰۱۹ در دانشگاه‌های تهران و کابل حضور داشته. وی دارای نشان شوالیه لژیون دونور و نویسنده کتاب «زن زندگی آزادی»، بگذار از آن بگویم» به زبان فرانسه و فارسی است. نسخه فارسی این کتاب در ایران و افغانستان بطور رایگان در این لینک در دسترس است: <https://nogaam.com/book/2453>**

دلیل استفاده موساد از زنان جاسوس چیست؟ چرا زنان، جاسوس‌های موفق‌تری هستند؟



● زنان مأمور موساد در صحنه جاسوسی مدرن جایگاه منحصر به فردی دارند؛ از اغوای عاملان هسته‌ای تا طراحی عملیات ترور. حضور و تاثیرگذاری زنان موساد نه تنها در دنیای تصویر و سریال‌های تلویزیونی بلکه در عملیات‌های واقعی اثبات شده است.

● موساد از همان سال‌های نخست زنان را به مأموریت‌های حساس اعزام کرد. از جمله برای یکی از اولین عملیاتی که نام آن را فراتر از مرزهای اسرائیل بر سر زبان‌ها انداخت: «دستگیری آدولف آیشمن». یودیت نسیاهو، زنی که برای این مأموریت حیاتی انتخاب شد، برخلاف تصور اعضای تیم که گمان می‌کردند چهره‌ای اغواگر باشد، زنی مذهبی و محجبه بود که عینکی با قاب طلایی ضخیم بر چشم داشت.

● این به آن معنا نیست که اغواگری نمی‌تواند یک سلاح کارآمد باشد، همانطور که در ماجرای دستگیری مردخای وانونو، تکنیسین هسته ای اسرائیلی که در سال ۱۹۸۶ جزئیات برنامه هسته‌ای اسرائیل را در اختیار مطبوعات بریتانیا قرار داده بود، آشکار شد.

● بنتوف، مأمور آموزش دیده موساد خود را به عنوان یک گردشگر آمریکایی جا زد و رابطه‌ای عاشقانه با وانونو برقرار کرد. کلید موفقیت عملیات این بود که به وانونو اجازه داده شد تا او آغازگر رابطه باشد، همانطور که وی بعدها یادآور شد: «من شروع به صحبت با بنتوف کردم. اگر او به من نزدیک می‌شد، مشکوک می‌شدم». این درک پیچیده از روانشناسی انسان، که به هدف اجازه داده شود احساس کنترل داشته باشد در حالی که ماهرانه تحت کنترل قرار گرفته، اوج مهارت‌های اطلاعاتی را نشان می‌دهد.

نشریه «اورشلیم پست» پیش از این در گزارشی اختصاصی از نفوذ ده‌ها زن عضو موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل به ایران خبر داده بود که با حضور فیزیکی در آنجا، عملیات‌های متنوعی را در جریان حملات ماه ژوئن به برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک تهران انجام دادند.

در گزارش نشریه «المجله» در عربستان که به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر می‌شود، ضمن اشاره به سریال اسرائیلی «تهران» که ماجرای نفوذ یک مأمور زن موساد در جمهوری اسلامی را روایت می‌کند، تاثیرگذاری نقش زنان نفوذی موساد پیش از عملیات «طلوع شیران» یادآوری می‌شود که برخلاف سریال‌ها اینبار به دور از تخیل و کاملاً منطبق با واقعیت بوده است.

بر اساس این گزارش، مأموران زن در جریان حملات ژوئن ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته ای و موشکی بالستیک ایران، مأموریت‌های مخفیانه‌ای را در عمق خاک ایران انجام دادند که نقطه عطفی در عملیات‌های اطلاعاتی اسرائیل و نیز در تکامل اقدامات جاسوسی زنان محسوب می‌شود.

اما این نخستین بار نبود که مأموران زن نقشی پیشرو در عملیات اسرائیل در داخل ایران ایفا می‌کردند. دو روزنامه‌نگار اسرائیلی در سال ۲۰۱۸ فاش کردند که مأموران زن در عملیات جسورانه‌ای برای به دست آوردن «آرشیو هسته‌ای» جمهوری اسلامی (مجموعه‌ای از اسناد مربوط به برنامه تسلیحات مخفی ایران) نیز شرکت داشته‌اند.

توصیف دیوید بارنتا رئیس موساد از مشارکت زنان با عبارت «بسیار چشمگیر»، فراتر از یک موفقیت عملیاتی است و نشان دهنده ادغام کامل زنان در خطرناک‌ترین

رده‌های فعالیت اطلاعاتی اسرائیل است.

در حالی که دنیای جاسوسی برای دهه‌ها تحت سلطه اسطوره‌های مردانه بوده است، موساد، همواره از قابلیت‌های زنان بهره‌مند شده است. امروز، زنان موساد علاوه بر عملیات میدانی، در عالی‌ترین جایگاه‌های تصمیم‌گیری این سازمان اطلاعاتی نیز حضور دارند.

ریشه‌های رویکرد اسرائیل به نقش زنان در ساختار امنیتی، بیش از آنکه از ایدئولوژی‌های مترقی نشئت گرفته باشد، زائیده واقعیت‌های خشن عملیاتی است. پیش از تأسیس دولت اسرائیل، زنان اجازه داشتند در «هاگانا» (نیروهای شبه‌نظامی یهودی) نقش‌های رزمی بر عهده بگیرند و حتی بخش قابل توجهی از نیروهای «پالماخ» (واحد‌های نخبه هاگانا) را تشکیل می‌دادند. این امر، زمینه‌ای برای به کار گرفتن زنان در نقش‌های مختلف فراهم کرد، هرچند که موساد در روزهای اولیه شکل‌گیری همچنان فضایی نسبتاً مذکر داشت. دلیل دیگر بی‌میلی اولیه به استفاده از زنان در نقشی فراتر از مشاغل ستادی و بیم از شکنجه شدن آنها بود. ترسی که نخستین حادثه اولیه به آن دامن زد. این واقعه مربوط به دستگیری شبکه‌ای از مأموران اسرائیلی بود که در سال ۱۹۵۴ در مصر فعالیت می‌کردند.

مارسل نینبو، یک زن کلمبی متولد قاهره که برای این عملیات استخدام شده بود در میان دستگیرشدگان قرار داشت. او تحت شکنجه بازجویی شد و هفت بار اقدام به خودکشی نافرجام کرد. این جاسوس زن پس از چندین ماه بهبودی در بیمارستان، مورد محاکمه قرار گرفت و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. با این حال، موساد از همان سال‌های نخست زنان را به مأموریت‌های حساس اعزام کرد. از جمله برای یکی از اولین عملیاتی که نام آن را فراتر از مرزهای اسرائیل بر سر زبان‌ها انداخت: «دستگیری آدولف آیشمن». رئیس وقت موساد، تصمیمی غیرمعمول گرفت و یک زن را در عملیات مخفیانه سال ۱۹۶۰ برای دستگیری آدولف آیشمن، جنایتکار جنگی نازی، در آرژانتین و آوردن او برای

محاکمه به اسرائیل مشارکت داد.

یودیت نسیاهو، زنی که برای این مأموریت حیاتی انتخاب شد، برخلاف تصور اعضای تیم که گمان می‌کردند چهره‌ای اغواگر باشد، زنی مذهبی و محجبه بود که عینکی با قاب طلایی ضخیم بر چشم داشت.

این کلیشه که «اغواگری» تنها سلاح مأموران زن است، همچنان باعث آزردگی برخی از اعضای زن سابق این سرویس می‌شود. یک مأمور پیشین در مصاحبه با رسانه‌های اسرائیلی می‌گوید: «در فیلم‌های جیمز باند، همه از سر تا پا زیبا و فریبنده هستند، اما در مورد ما، زیبایی کار در واقع این است که افرادی معمولی و غیرقابل توجه هستیم که می‌توانیم با محیط اطراف خود یکی شویم.»

این به آن معنا نیست که اغواگری نمی‌تواند یک سلاح کارآمد باشد، همانطور که در ماجرای دستگیری مردخای وانونو، تکنیسین هسته ای اسرائیلی که در سال ۱۹۸۶ جزئیات برنامه هسته‌ای اسرائیل را در اختیار مطبوعات بریتانیا قرار داده بود، آشکار شد.

شریل بنتوف که با نام مستعار «سیندی» فعالیت می‌کرد، با موفقیت این تکنیسین هسته‌ای را از لندن به رُم کشاند، جایی که او دستگیر و به اسرائیل بازگردانده شد. موفقیت این عملیات نه بر اغوای خام، بلکه بر دستکاری روانی پیچیده و مهارت‌های حرفه‌ای جاسوسی متکی بود.

بنتوف، مأمور آموزش دیده موساد خود را به عنوان یک گردشگر آمریکایی جا زد و رابطه‌ای عاشقانه با وانونو برقرار کرد. کلید موفقیت عملیات این بود که به وانونو اجازه داده شد تا او آغازگر رابطه باشد، همانطور که وی بعدها یادآور شد: «من شروع به صحبت با بنتوف کردم. اگر او به من نزدیک می‌شد، مشکوک می‌شدم.»

این درک پیچیده از روانشناسی انسان، که به هدف اجازه داده شود احساس کنترل داشته باشد در حالی که ماهرانه تحت کنترل قرار گرفته، اوج مهارت‌های اطلاعاتی را نشان می‌دهد. اغواگری می‌توانست یک سلاح باشد، اما تنها سلاح نبود،

به دلیل وخامت حال زوج بریتانیایی در زندان جمهوری اسلامی، نگرانی خانواده افزایش یافته است



لیندسی و کریگ فورمن

نگران کننده است.»

این اظهارات در حالی بیان می‌شود که قرار است جلسه دادگاه این زوج برگزار شود. خانواده فورمن در گفتگو با «اسکای نیوز» نیز افزودند: «بسیار نگران کننده است که وزارت خارجه در جریان کامل روند شرایط این دو قرار نگرفته است.» آنها تصریح کردند که منتظر دریافت خبر پس از جلسه دادگاه هستند، اما ممکن است «۷ تا ۱۰ روز» طول بکشد تا خبری در اینباره به دست خانواده برسد.

در طول مدت بازداشت، اطلاعات اندکی از محل نگهداری و شرایط این دو به دست خانواده رسیده است. با این حال، ماه گذشته وزارت خارجه بریتانیا اطلاع داد که لیندسی به زندان زنان قرچک در نزدیکی تهران منتقل شده؛ زندانی که همواره به دلیل شرایط بسیار نامطلوب مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری بوده است. گمان می‌رود کریگ نیز به زندان مرکزی تهران، مشهور به فشافویه، منتقل شده باشد؛ زندانی واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب پایتخت که شهری مشابه زندان قرچک از حیث شرایط دشوار دارد.

وزارت خارجه بریتانیا پیش از این هشدار داده بود که اتباع بریتانیایی و دوتابعیتی‌های ایرانی- بریتانیایی به دلیل «خطر بالای بازداشت، بازجویی و حبس» نباید به ایران سفر کنند. سخنگوی این وزارتخانه در بیانیه‌ای اظهار داشت: «ما از گزارش‌ها درباره طرح اتهام جاسوسی علیه دو شهروند بریتانیایی در ایران عمیقاً نگران هستیم. این موضوع را بطور مستقیم با مقامات ایرانی در میان گذاشته‌ایم، خدمات کنسولی در اختیارشان قرار داده‌ایم و همچنین با خانواده آنان در تماس نزدیک هستیم.»

تا این لحظه هیچ بیانیه‌ی رسمی اعلام نشده که روشن‌کننده تصمیم دادگاه باشد یا اگر اساساً تصمیمی اتخاذ شده اعلام شده باشد و یا اطلاع دهد که گام‌های بعدی در روند قضایی چه خواهد بود.

*منبع: گاردین

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● لیندسی و کریگ فورمن بازداشت‌شدگان بریتانیایی با مشکلات شدید جسمانی در ایران توسط جمهوری اسلامی به گرگان گرفته شده‌اند.

خانواده زوج بریتانیایی ۵۲ ساله بازداشت شده در ایران از وخامت وضعیت جسمانی آنان خبر دادند. لیندسی فورمن در زندان به سرم وصل شده و همسرش کریگ «بطور مداوم بیمار» است. این زوج ساکن ساسکس شرقی که در ژانویه ۲۰۲۵ در کرمان بازداشت شدند، اتهام جاسوسی را رد کرده‌اند. لیندسی به زندان قرچک و کریگ به فشافویه منتقل شده‌اند؛ زندان‌هایی که شرایط آنها بارها مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. خانواده فورمن از نبود اطلاعات کافی از سوی وزارت خارجه بریتانیا ابراز نگرانی کرده‌اند.

پسر لیندسی فورمن با ابراز نگرانی‌های جدی از وضعیت مادرش گفت که به او در زندان سرم وصل شده و ناپدری‌اش، کریگ نیز بطور مداوم بیمار است.

خانواده لیندسی و کریگ فورمن، زوج بریتانیایی متهم به جاسوسی در ایران، اعلام کردند که وضعیت جسمانی آنان در زندان به شدت رو به وخامت گذاشته است. آنها که هر دو ۵۲ سال دارند، در سال‌های اخیر میان اسپانیا و انگلستان زندگی می‌کردند، در ماه ژانویه طی یک سفر دور دنیا با موتورسیکلت، در شهر کرمان بازداشت و روانه زندان شدند. مقامات ایرانی در فوریه اعلام کردند که این زوج با «ظاهر گردشگر» وارد کشور شده و در صدد جمع‌آوری اطلاعات بوده‌اند.

لیندسی و کریگ فورمن این اتهامات را قاطعانه رد کرده‌اند. جو بنت، پسر لیندسی، در گفتگو با «بی‌بی‌سی» گفت: «نگرانی‌های واقعی درباره سلامت مادرم و کریگ وجود دارد. کریگ پیوسته بیمار است؛ بارها دچار عفونت‌های گوارشی، آنفولانزا و مشکلات دندان شده و بدون دریافت مراقبت درمانی کافی پسر می‌برد. به اطلاع ما رسیده که مادرم هفته گذشته به سرم وصل بوده. هرچند علت دقیق آن هنوز روشن نیست. اما این مسئله برای ما به شدت

چرا که زنان در مراتب سازمانی موساد نیز رشد کردند. در کنار نقش‌های عملیاتی، زنان موساد تا رده مدیریت نیز پیشرفت کرده‌اند. مانند الیزا ماکن که بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۹ صدها عملیات پنهانی از جمله «الماس»، «شمشیر دم‌کولوس» و «خشم خدا» را مدیریت کرد و تنها زن قائم‌مقام موساد بود.

تحول نقش زنان در موساد در دهه‌های اخیر به شدت سرعت گرفته است. این سازمان در سال ۲۰۲۲ به یک نقطه عطف تاریخی دست یافت، زمانی که دو زن بطور همزمان به بالاترین مناصب عملیاتی منصوب شدند. یکی از آنها که با حرف اختصاری «ای» مشخص شده، به عنوان اولین رئیس زن اداره اطلاعات (هم‌ردیف رئیس اطلاعات نظامی) منصوب شد و دیگری با حرف اختصاری «کی» به عنوان رئیس بخش ایران، یکی از حیاتی‌ترین واحدهای عملیات موساد برگزیده شد.

چرا زنان جاسوس‌های موفق‌تری هستند؟

چه چیزی زنان را به عنوان مأموران اطلاعاتی تا این اندازه مؤثر می‌سازد؟ تامیر پارو مدیر سابق موساد در مصاحبه‌ای با «بی‌بی‌سی» بین‌المللی تأکید کرد که مأموران زن دارای مزایای متمایزی هستند که آنها را در بسیاری از جنبه‌های کارهای مخفی برتر می‌سازد. پارو توضیح داد: «زنان به دلیل توانایی در انجام چند کار بطور همزمان و سرکوب کردن «منبت» خود برای رسیدن به اهداف، در جنگ مخفی برتری مشخصی دارند.»

به گفته او «برخلاف کلیشه‌ها، می‌بینید که توانایی‌های زنان در زمینه درک محدوده‌ی خود، خوانش موقعیت‌ها و آگاهی فضایی برتر از مردان است. به همین دلیل وقتی خوب باشند، بسیار خوب هستند.» پارو همچنین در مصاحبه‌ای با مطبوعات اسرائیل گفته بود که «زنان مسئول برخی از بزرگ‌ترین عملیات‌های این سازمان هستند.»

در گزارش نشریه «المجله» آمده است: مأموران زن موساد دارای مزایای متمایزی هستند که همتایان مرد آنها اغلب نمی‌توانند از آن برخوردار باشند. یک رئیس بخش سابق موساد به روزنامه اسرائیلی «یدیعت آهارونوت» می‌گوید: «در یک محیط پر از تهدید، زنان کمتر تهدیدآمیز به نظر می‌رسند. این یک برتری بزرگ است.»

ترور علی حسن سلامه، طراح قتل عام المپیک مونبخ در سال ۱۹۷۹ که در آن ۱۱ ورزشکار و اعضای تیم ورزشی اسرائیل وحشیانه به قتل رسیدند، این اصل را در عمل نشان می‌دهد. اریکا چمبرز، داوطلب بریتانیایی ساکن بیروت، ماه‌ها صرف ساختن پوشش خود به عنوان یک مددکار اجتماعی و نقاش آماتور کرد. برنامه روزانه او در غذا دادن به گربه‌های ولگرد و نقاشی کشیدن روی بالکن آپارتمانش، موقعیت دیده‌بانی کاملی برایش فراهم آورد. وقتی لحظه موعود فرا رسید، او با آرامش از بالکن خود یک چاشنی کنترل از راه دور را فعال کرد و یکی از خطرناک‌ترین «تروریست‌های تحت تعقیب اسرائیل» را با ۱۰۰ کیلوگرم مواد منفجره از بین برد. هیچ مأمور مردی نمی‌توانست برای ماه‌ها چنین حضور بی‌خطری را بدون برانگیختن سوء ظن حفظ کند.

میشل ریگی اسد مأمور سابق سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (سی آی ای)، این برتری را در مصاحبه‌ای چنین بیان کرده: «در سیا، زنان باهوش با استفاده از عنصر غافلگیری، از پیش‌فرض‌های نادرست دشمن بهره‌برداری می‌کنند. این تقریباً شبیه بازی پوکر است. وقتی یک مجرم، تروریست یا شریک تجاری بالقوه انتظار ندارد که یک زن با او برابر باشد، این شما هستید که به عنوان یک زن، تمام برگ‌های برنده را در دست دارید.»

احتمال اقدام نظامی مجدد علیه جمهوری اسلامی جدی است

● همزمان با اعزام چندین فروند هواپیمای تانکر سوخت‌رسان آمریکایی به خاورمیانه، یک مقام ارشد ارتش اسرائیل در مصاحبه با روزنامه عبری «معاریو» اعلام کرد که تل‌آویو خود را برای چندین سناریو آماده می‌کند و در صورت لزوم «شاید لازم باشد دوباره علیه [جمهوری اسلامی] ایران اقدام نظامی انجام دهد».

● بعد از آغاز اجرای «مکانیسم ماشه» از یکشنبه ششم مهرماه چندین فروند هواپیمای سوخت‌رسان «کی‌سی-۱۳۵» ارتش آمریکا به خاورمیانه اعزام شد. برخی از این هواپیماها در پایگاه العدید قطر فرود آمدند. همچنین ناوگروه ضربتی «یواس.اس جرال آر. فور» آمریکا پس از عبور از تنگه جبل‌الطارق، عازم خاورمیانه شده است.

● پایگاه خبری «نورنیوز» رسانه نزدیک به «شورای عالی امنیت ملی»، هدف این اقدام را غمایش «توان لجستیکی برای عملیات هوایی مداوم» و «حمل پیامی سیاسی» عنوان کرد.

● علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی و سیاسی علی خامنه‌ای در مصاحبه با «ایلنا» درباره احتمال حمله مجدد اسرائیل گفت: «بنده که علم غیب ندارم که جواب صریح بدهم اما در حال حاضر، ما آثاری از حمله دشمن مشاهده نمی‌کنیم».

● آلن ایر سخنگوی فارسی پیشین وزارت خارجه آمریکا و از اعضای اندیشکده «موسسه خاورمیانه» در گفتگو با بلومبرگ درگیری دوباره میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را «بسیار محتمل» دانست.

همزمان با اعزام چندین فروند هواپیمای تانکر سوخت‌رسان آمریکایی به خاورمیانه، یک مقام ارشد ارتش اسرائیل در مصاحبه با روزنامه عبری «معاریو» اعلام کرد که تل‌آویو خود را برای چندین سناریو آماده می‌کند و در صورت لزوم «شاید لازم باشد دوباره علیه [جمهوری اسلامی] ایران اقدام نظامی انجام دهد».

این مقام ارتش اسرائیل بدون ذکر جزئیات بیشتر تأکید کرده است که وضعیت منطقه و تهدیدهای موجود می‌تواند اسرائیل را وادار به بررسی گزینه‌های عملیاتی علیه جمهوری اسلامی کند.

بعد از آغاز اجرای «مکانیسم ماشه» از یکشنبه ششم مهرماه چندین فروند هواپیمای سوخت‌رسان «کی‌سی-۱۳۵» ارتش آمریکا به خاورمیانه اعزام شد. برخی از این هواپیماها در پایگاه العدید قطر فرود آمدند. همچنین ناوگروه ضربتی «یواس.اس جرال آر. فور» آمریکا پس از عبور از تنگه جبل‌الطارق، عازم خاورمیانه شده است.

بر اساس منابع غیررسمی، هواپیمای باری پوئینگ ۷۴۷ وزارت دفاع اسرائیل (FX-ICA) هفتم مهرماه ۱۴۰۴ از بلگراد به پایگاه هوایی نواتیم بازگشت. گفته می‌شود این پرواز حامل تجهیزات و مهمات نظامی بوده است.

همچنین گزارش شد هواپیمای تجسسی الکترونیک نیروی هوایی بریتانیا RC-135W Rivet Joint که پیش از جنگ ۱۲ روزه در خردادماه به پایگاه هوایی العدید

رفته بود، سه‌شنبه شب هشتم مهرماه ۱۴۰۴ دوباره به سمت قطر پرواز کرده است. بسیاری از تحلیلگران این تحولات را علائم یک درگیری نظامی می‌دانند حتا منابع وابسته به جمهوری اسلامی نیز احتمال درگیری مجدد را جدی می‌دانند.

پایگاه خبری «نورنیوز» رسانه نزدیک به «شورای عالی

دیگر از مقامات تلاش دارند اوضاع را آرام جلوه دهند.

سعیدی: علم غیب ندارم

علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی و سیاسی علی خامنه‌ای در مصاحبه با «ایلنا» درباره احتمال حمله مجدد اسرائیل گفت: «بنده که علم غیب ندارم که جواب صریح بدهم اما در این موضوع دو نظر وجود دارد؛ یکی اینکه ممکن



یک جنگنده F-15 ایگل نیروی هوایی اسرائیل در یک پایگاه هوایی / رویترز

است دشمن دست به یک دیوانگی دیگر بزند. در مقابل عده‌ای می‌گویند شرایط اسرائیل ایجاب نمی‌کند که اقدامی انجام دهد، زیرا اوضاع در داخل اسرائیل بهم ریخته است».

وی ادامه داد: «نیروهای مسلح با مردم شرایط متفاوتی دارند. نیروهای مسلح باید صد درصد خود را بطور کامل آماده بدانند، اما مردم باید به زندگی خود ادامه دهند و نباید آنها را ملتعب کرد. در حال حاضر، ما آثاری از حمله دشمن مشاهده نمی‌کنیم».

اما در مقابل حسین علایی فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید، «جنگ از دستور کار ترامپ و نتانیاهو خارج نشده است».

در این میان، بساط رجزخوانی و بزرگنمایی طبق معمول از سوی برخی چهره‌های شناخته شده نظام برقرار است. محسن رضایی با طرح احتمال حمله مجدد اسرائیل به ایران گفت: «جنگ ۱۲ روزه اگر به دو ماه می‌رسد، اثری از اسرائیل نمی‌ماند. ما فقط ۳۰ درصد توان‌مان را نشان دادیم و اگر چنین غلطی بکنند اشتباهی فاجعه‌بار خواهد بود».

یحیی رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران و مشاور نظامی علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه گفت: «بهترین دفاع، هجوم است و اگر خواهان صلح هستیم باید برای جنگ آماده باشیم؛ چراکه اگر قوی باشیم دشمن به سراغ ما نمی‌آید و این قدرت تنها به توان نظامی محدود نمی‌شود بلکه باید در عرصه‌های درونی کشور نیز به قدرت برسیم».

آلن ایر سخنگوی فارسی پیشین وزارت خارجه آمریکا و از اعضای اندیشکده «موسسه خاورمیانه» در گفتگو با بلومبرگ درگیری دوباره میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را «بسیار محتمل» دانست. آلن ایر افزود: «من معتقدم اگرچه آمریکا حمله به ایران را عمل انجام‌شده تلقی می‌کند، اما اسرائیل همچنان به [رژیم] ایران و نه فقط برنامه هسته‌ای تهران، به عنوان یک تهدید وجودی می‌نگرد».

امنیت ملی»، هدف این اقدام را غمایش «توان لجستیکی برای عملیات هوایی مداوم» و «حمل پیامی سیاسی» عنوان کرده است.

این رسانه در گزارشی با تیت «آیا ترامپ به دنبال قمار با کارت ایران است؟» نوشت: «این اقدام حامل پیامی سیاسی به دو مخاطب است؛ نخست به متحدان منطقه‌ای که واشینگتن قصد دارد ضامن امنیت آنها باقی بماند، و دوم به



تهران که گزینه نظامی همچنان روی میز است.» شماری از مقامات و عوامل نظام استدلال می‌کنند که «دشمن» در حال برنامه‌ریزی برای اقدام نظامی و همچنین زمینه‌سازی برای آشوب علیه نظام است. در مقابل، برخی

بازگشت رسمی تحریم‌ها؛ بیانیه اروپا و اخطار آمریکا: غنی‌سازی را کنار بگذارید! بدون وقت‌گشی مستقیم مذاکره کنید!



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در کنار مسعود پزشکیان

سپتامبر، پیامی روشن به همراه داشت؛ جامعه جهانی تهدیدها و اقدامات نیمه‌کاره را نخواهد پذیرفت و تهران باید پاسخگو باشد. در عین حال، دونالد ترامپ تأکید کرده است که دیپلماسی همچنان بهترین گزینه برای مردم ایران و جهان به شمار می‌رود. اما تحقق این امر مشروط به پذیرش گفتگوهای مستقیم و صادقانه از سوی [رژیم] ایران است؛ بدون وقت‌گشی یا ابهام‌آفرینی. اجرای فوری تحریم‌های بازگشتی برای فشار بر رهبران ایران ضروریست تا آنان را وادار کند تصمیمی بگیرند که هم به سود کشورشان و هم در راستای امنیت جهان باشد.

بیانیه مشترک سه کشور اروپایی

بریتانیا، فرانسه و آلمان در بیانیه‌ای مشترک درباره فعال شدن مکانیسم ماشه تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی هرگز نباید به دنبال دستیابی یا توسعه سلاح هسته‌ای باشد. آنها از همه کشورهای عضو سازمان ملل خواستند این تحریم‌ها را اجرا کنند.

این بیانیه افزوده با توجه به اینکه جمهوری اسلامی بارها تعهدات خود را نقض کرده، سه کشور اروپایی چاره‌ای جز فعال کردن مکانیسم ماشه نداشتند و در پایان این روند، آن قطعنامه‌ها دوباره لازم‌الاجرا شدند.

سه کشور اروپایی با هشدار درباره اینکه کل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران خارج از نظارت آژانس قرار دارد، گفتند جمهوری اسلامی هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا ندارد و هیچ کشور دیگری که برنامه سلاح هسته‌ای نداشته باشد، اورانیوم را با چنین سطح و مقیاسی غنی‌سازی نمی‌کند.

این بیانیه خاطرنشان کرده است که سه کشور اروپایی همچنان مسیرهای دیپلماتیک و مذاکرات را دنبال خواهند کرد و بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل به معنای پایان دیپلماسی نیست.

بریتانیا و آلمان و فرانسه از جمهوری اسلامی خواسته‌اند از هرگونه اقدام تنش‌آفرین خودداری کند و به تعهدات نظارتی الزام‌آور خود بازگردد.

هرگونه فعالیت مخفیانه که آشکار شود، نگرانی‌ها درباره نیت واقعی حکومت ایران را افزایش خواهد داد.

جهان در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی زانو نمی‌زند

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه در «ایکس» نوشت: «برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تهدیدی برای صلح و رفاه ایالات متحده است. ترامپ همه فرصت‌ها را در اختیار تهران گذاشت تا به توافق برسد، اما آنها همچنان جدی نیستند.»

او افزود: «تصمیم شورای امنیت سازمان ملل برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، دلیلی روشن است بر اینکه جهان در برابر تهدیدهای تهران زانو نخواهد زد. کشورهای عضو سازمان ملل موظف هستند که فوراً این تحریم‌ها را اعمال کنند.»

مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده، نیز همزمان با فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای نوشت: این اقدام به دلیل «نقض جدی و مستمر» تعهدات هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی انجام شد.

اخطار آمریکا به جمهوری اسلامی

در ادامه بیانیه وزارت خارجه ایالات متحده آمده است: «مفاد قطعنامه‌های بازگردانده شده، تهدیدهای ناشی از برنامه هسته‌ای، موشکی، تسلیحات متعارف و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهند. بر این اساس، [رژیم] ایران موظف است غنی‌سازی اورانیوم، فعالیت‌های مربوط به آب سنگین و بازفرآوری را متوقف کند؛ از فناوری موشک‌های بالستیک استفاده نکند؛ از واردات تسلیحات متعارف منع شود؛ و همچنین با محدودیت‌هایی از جمله ممنوعیت سفر و مسدود شدن دارایی‌های افراد و نهادهای مشخص روبرو گردد. افزون بر این، توقیف سلاح‌ها و محموله‌های ممنوعه منتقل شده از سوی [جمهوری اسلامی] ایران به بازیگران دولتی یا غیردولتی مجاز شمرده می‌شود.»

وزیر خارجه آمریکا در پایان این بیانیه گفت: «تصمیم شورای امنیت در ۱۹ سپتامبر و تأیید دوباره آن در ۲۶

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا: «تصمیم شورای امنیت سازمان ملل برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، دلیلی روشن است بر اینکه جهان در برابر تهدیدهای تهران زانو نخواهد زد.»

● در بخشی از این بیانیه آمده «دونالد ترامپ تأکید کرده است که دیپلماسی همچنان بهترین گزینه برای مردم ایران و جهان به شمار می‌رود. اما تحقق این امر مشروط به پذیرش گفتگوهای مستقیم و صادقانه از سوی [رژیم] ایران است؛ بدون وقت‌گشی یا ابهام‌آفرینی.»

با فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت رسمی تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی که در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ موسوم به «برجام» تعلیق شده بود، دور تازه‌ای از رویارویی رژیم ایران با کشورهای غربی آغاز شد. در همین ارتباط خبرگزاری رویترز یکشنبه ۲۸ سپتامبر (ششم مهرماه) نوشت که سه کشور اروپایی عضو برجام (آلمان، فرانسه و بریتانیا) امیدوار بودند تهدید به بازگشت تحریم‌ها تهران را وادار کند تا اجازه از سر گرفتن سریع بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای و آغاز دوباره مذاکرات با آمریکا را بدهد. اما با وجود تلاش‌های صورت گرفته در حاشیه هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل، حکومت ایران شروط غربی‌ها را نپذیرفت و به همین دلیل تحریم‌ها با بامداد یکشنبه (ششم مهرماه ۱۴۰۴) به اجرا گذاشته شد.

بازگشت تحریم‌های شش‌گانه سازمان ملل شامل تعلیق تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم، ممنوعیت واردات تجهیزات حساس، بازگشت تحریم‌های تسلیحاتی، اعمال محدودیت علیه ده‌ها فرد و نهاد، محدودیت‌های بانکی و مالی، بازرسی از کشتی‌ها و هواپیماها و بسیاری از محدودیت‌های دیگر است.

مقامات تهران در واکنش اعلام کرده‌اند که در صورت بازگشت تحریم‌ها، سطح همکاری با آژانس کاهش خواهد یافت و محدودیت‌ها بر بازرسی‌ها بیشتر می‌شود. این در حالیست که پیش از این هم چنین همکاری در عمل وجود نداشته و پس از حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن هم مجلس شورای اسلامی در ایران قانونی را به تصویب رسانده که هرگونه بازرسی را منوط به تصویب «شورای عالی امنیت ملی» می‌کند. توافق اخیر رژیم ایران و آژانس در قاهره برای از سر گرفتن بازرسی‌ها نیز پیشرفت عملی نداشته است.

بن‌بست دیپلماتیک و آغاز تنش‌ها

تحلیلگران می‌گویند بازگشت تحریم‌ها بن‌بست دیپلماتیک را به مرحله‌ی فرسایشی و پرتنش وارد می‌کند، به ویژه در شرایطی که قدرت‌های جهانی بر سر مسائل بین‌المللی مانند جنگ اوکراین دچار شکاف شده‌اند و اعمال فشار هماهنگ بر رژیم ایران دشوارتر است. تلاش روسیه و چین برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه نیز به شکل ارائه یک قطعنامه جهت تعویق شش ماهه در اجرای آن در شورای امنیت ناکام ماند.

برخی کارشناسان هشدار داده‌اند که ایران اکنون از «ابهام» در برنامه هسته‌ای خود به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کند. به گفته آنان، این رویکرد پرخطر است، زیرا

اسرائیل هیوم: احتمال وقوع جنگی سخت تر میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در حال افزایش است



دود ناشی از انفجار در شمال تهران در جریان جنگ ۱۲ روزه

و تجربه‌ی این کشور از جنگ ویرانگر ۱۹۸۸-۱۹۸۰ با عراق، ممکن است بهای سنگین‌تری برای اسرائیل نسبت به [رژیم] ایران داشته باشد، فراتر از اینها، پرسش درباره هدف جنگ بعدی در نهایت چه چیزی به دست خواهد آورد، به ویژه با توجه به یک همگرایی بر سر اینکه تنها با حملات هوایی نمی‌توان رژیم تهران را سرنگون کرد، در حال شکل گرفتن است.

اوج تنش‌ها

اگر جنگ اخیر چیزی به اسرائیل آموخته باشد، این است که رژیم ایران بسیار مقاوم‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. هیچ «میانه‌روی» در صف انتظار نیست که جایگزین علی خامنه‌ای شود، حتی اگر اسرائیل او را از میان بردارد.

در زمینه‌ی هسته‌ای، بعید است که یک عملیات دیگر بتواند خسارت پایدار به تأسیسات غنی‌سازی ایران وارد کند. چنین جنگی نمی‌تواند دانش دانشمندان ایرانی یا مواد هسته‌ای ذخیره‌شده را از بین ببرد، و جمهوری اسلامی همچنان قادر خواهد بود در صورت تمایل، مسیر رسیدن به پب را ادامه دهد و اگر جنگ بعدی از همان نقطه‌ای آغاز شود که جنگ قبلی پایان یافت، مراحل اولیه احتمالاً خشن‌تر خواهد بود و احتمال دارد جمهوری اسلامی از همان ابتدا قابلیت‌هایی را برای وارد کردن آسیب جدی به جبهه داخلی اسرائیل به کار بگیرد.

در پایان این مقاله آمده، شکست دیپلماتی، عزم تهران برای بازگرداندن برنامه هسته‌ای، و آمادگی اعلام‌شده اسرائیل برای حمله‌ی دوباره، تنش‌ها را به بالاترین سطح تا کنون رسانده است. خطر تشدید درگیری واقعی است، و اینبار ممکن است [رژیم] ایران بهتر از گذشته آماده باشد.

حتی اگر اسرائیل برتری نظامی خود، به ویژه در آسمان، را حفظ کند، پرسش همچنان باقی می‌ماند: هدف واقعی جنگی که احتمال خارج شدن آن از کنترل بیش از هر زمان دیگری است، چه خواهد بود؟

گذاشته است. تقریباً هر روز گزارش‌هایی از آزمایش‌های موشکی و ادعاهای مقامات عالی‌رتبه درباره سامانه‌های جدید منتشر می‌شود. همزمان، رهبران حکومت اعلام کرده‌اند که اگر اسرائیل قصد حمله داشته باشد، در اقدام پیشدستانه تردید نخواهند کرد. آنها همچنین به دنبال جلب حمایت مسکو و پکن برای به دست آوردن سامانه‌های پیشرفته پدافندی هستند تا جایگزین سامانه‌هایی شود که در جنگ گذشته نابود شدند.

آمادگی جمهوری اسلامی، احتمال عدم حمایت آمریکا

در بخش دیگری از این مقاله آمده، در عملیات «طلوع شیران»، اسرائیل از برتری غافلگیری کامل بهره‌مند شد و با استفاده از توانمندی‌های پیشرفته ضربات سنگینی به رژیم آیت‌الله‌ها وارد کرد؛ همه اینها زیر چتر امنیتی آمریکا که شامل حمایت نظامی بی‌سابقه بود. واشنگتن حتی سامانه‌های رهگیری موشکی THAAD به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار را برای حفاظت از اسرائیل اعزام کرد.

اما بعید است اسرائیل در دور بعدی از چنین شرایط ایده‌آلی برخوردار شود. چه جمهوری اسلامی از سر محاسبه غلط حمله را آغاز کند و چه اسرائیل حمله‌ای دیگر را رقم بزند، سطح آمادگی جمهوری اسلامی متفاوت خواهد بود. در همین حال، با توجه به اینکه دونالد ترامپ بیش از پیش درگیر بحران‌های دیگر از جمله ونزوئلا و تهاجم روسیه به اوکراین است، مشخص نیست که اسرائیل در جنگ بعدی تا چه حد از حمایت آمریکا برخوردار خواهد شد.

دنی سیتزینوویچ در ادامه می‌نویسد، ترکیب آمادگی جمهوری اسلامی ایران و تردیدها درباره میزان مداخله آمریکا می‌تواند اسرائیل را با چالش‌هایی به مراتب بزرگتر از دور قبلی روبرو کند. اگر واشنگتن اینبار کمتر متعهد باشد، این پرسش‌ها مطرح خواهد شد که درگیری آینده چگونه پایان خواهد یافت و چگونه می‌توان از لغزیدن به یک جنگ فرسایشی طولانی جلوگیری کرد؛ جنگی که با توجه به عمق جغرافیایی ایران

● روزنامه «اسرائیل هیوم» با اشاره به شکست مذاکرات اتمی و اجرای مکانیسم ماشه، احتمال درگیری مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را جدی دانسته می‌نویسد: «جنگ بعدی می‌تواند سخت‌تر و خونین‌تر باشد».

● دنی سیتزینوویچ تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که ششم مهرماه ۱۴۰۴ منتشر شد هشدار می‌دهد، «اسرائیل نباید جمهوری اسلامی را دست‌کم بگیرد. اگر یک درس از تاریخ معاصر وجود داشته باشد، این است که رژیم ایران قدرتمندتر از آن چیزی است که بسیاری تصور می‌کردند».

روزنامه «اسرائیل هیوم» با اشاره به شکست مذاکرات اتمی و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، احتمال درگیری مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را جدی دانسته و می‌نویسد: «جنگ بعدی می‌تواند سخت‌تر و خونین‌تر باشد».

دنی سیتزینوویچ تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که ششم مهرماه ۱۴۰۴ منتشر شد هشدار می‌دهد، «اسرائیل نباید جمهوری اسلامی را دست‌کم بگیرد. اگر یک درس از تاریخ معاصر وجود داشته باشد، این است که رژیم ایران قدرتمندتر از آن چیزی است که بسیاری تصور می‌کردند».

در مقدمه این مطلب آمده، پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران، بسیاری در اسرائیل این برداشت را داشتند که اسرائیل «پیروز» شده است. جمهوری اسلامی ایران ضربه‌ی سنگینی خورد و دستاوردهای اسرائیل باعث شد تهران دیگر به عنوان یک کشور در آستانه‌ی هسته‌ای در نظر گرفته نشود. اما در ایران نیز روایت «پیروزی» ریشه دوانده است. هرچند هیچکس در تهران منکر دستاوردهای مهم اسرائیل نیست، اما بقای رژیم و بازبایی سریع کشته‌شدگان از جمله جایگزینی فرماندهانی را که در کمتر از ۲۴ ساعت حذف شدند، از نشانه‌هایی است که حکومت آنها را تاب‌آوری خود می‌داند. از دید مقامات حکومت ایران، صرف رویارویی مستقیم با اسرائیل و آمریکا و حفظ موقعیت، خودش یک موفقیت چشمگیر بوده است.

احساس پیروزی رژیم ایران را دست‌کم نگیرید

نویسنده تأکید می‌کند این احساس پیروزی نباید نادیده گرفته شود. با توجه به بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای و پیچیده‌تر شدن اوضاع به دلیل تصمیم سه کشور اروپایی برای اجرای «اسنپ‌بک» و بازگرداندن همه‌ی تحریم‌های تعلیق‌شده در سال ۲۰۱۵، حکومت ایران دیگر از وقوع جنگ بعدی چندان هراسی ندارد. اتفاقاً در این شرایط رهبران حکومت بر این باورند که می‌توانند به دستاوردهایی برسند که در دور قبل از آن محروم مانده بودند.

گرچه تهران همچنان مسیر دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد که بتواند به رفع تحریم‌ها منجر شود اما با توجه به موضع غرب که [رژیم] ایران آن را «درخواست برای تسلیم شدن» می‌بیند، رهبران جمهوری اسلامی درک می‌کنند که احتمال درگیری نظامی روز به روز بیشتر می‌شود. به ویژه در چشم‌انداز هشدارهای مکرر اسرائیل مبنی بر حمله‌ی دوباره در صورت تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی توانمندی‌هایش به ویژه در حوزه هسته‌ای.

با درس گرفتن از اشتباهات گذشته، جمهوری اسلامی اکنون تمرکز خود را بر ارتقای زرادخانه موشکی و تقویت دفاع خود

نشست بی‌نتیجه مجلس شورای اسلامی درباره تحریم‌های بین‌المللی؛ هشدار درباره «مخاطرات امنیتی»



تهران / عکس: رویترز

اژانس از تأسیسات اتمی تخریب‌شده در جنگ ۱۲ روزه مجوز بازدید صادر کند.

مخاطرات امنیتی مکانیسم ماشه

یوسف مولایی استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران در مصاحبه با روزنامه «آرمان ملی» هشدار داده است: «با این وجود با توجه به اینکه پس از فعال شدن ماشه ایران به عنوان یک کشور تهدیدکننده صلح جهانی قلمداد خواهد شد، پیامدهای امنیتی این اتفاق به مراتب از پیامدهای اقتصادی بیشتر خواهد بود.»

او می‌گوید: «با توجه به جنگ ۱۲ روزه و تهدیدهایی که هنوز علیه کشور وجود دارد این احتمال وجود دارد که آمریکا و اسرائیل از این وضعیت به سود خود و به ضرر ایران در راستای اجماع جهانی علیه ایران استفاده کنند؛ هرچند کار ساده‌ای نخواهد بود.»

مولایی می‌گوید: «یکی اهداف این است در صورتی که جنگی بین ایران و آمریکا و اسرائیل آغاز شد، افکار عمومی جهان از این آمادگی ذهنی برخوردار باشند که جمهوری اسلامی ایران به دلیل تخطی از قوانین بین‌المللی در زمینه هسته‌ای به هدف نظامی مشروع برای آمریکا و متحدانش تبدیل شده است.»

پیامدهای ناشی از بازگشت تحریم‌ها مردم داخل ایران را به شدت نگران آینده کرده است. افزایش قیمت ارز و سکه، باعث کوچکتر شدن سفره آنها و افزایش قیمت انواع کالاهای مصرفی و مواد خوراکی خواهد شد. با اینهمه اما مسئولان نظام مدعی‌اند که از پس مشکلات برخواهند آمد و تحریم‌های بین‌المللی اثر زیادی نخواهد داشت!

همزمان برخی تحلیلگران معتقدند فشار اقتصادی به ویژه طبقات محروم و فقرا را بیش از پیش در مقابل نظام قرار خواهد داد و احتمال شکل‌گیری اعتراضات خیابانی بیشتر است هرچند که مقامات نظامی و امنیتی حکومت ادعا کرده‌اند برای مواجهه با هر شرایطی آماده‌اند.

شد اما الان خیلی تصمیم جدی گرفته نشد و موضوعات در بررسی و اعلام نقطه نظرات نمایندگان است.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با لحنی تند تهدید کرده است که «اگر کشوری بخواهد بر اساس قطعنامه‌های غیرقانونی اقدامی علیه ایران انجام دهد، با اقدام



مقابل و جدی ایران روبرو خواهد شد و سه کشور اروپایی بانی این اقدام غیرقانونی هم واکنش ما را خواهند دید.» سردار پاسدار اسماعیل کوثری عضو «کمیسیون امنیت ملی» با تأکید بر اینکه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران «فاقد وجهت حقوقی» است، گفت: «می‌گویند می‌خواهد جنگ راه بیفتد و اثراتش در بازار نشان داده می‌شود که اینهم عملیات روانی است نه عملیات واقعی چرا که می‌خواهند بازار را بهم بریزند.»

برخی تحلیلگران و حتی شماری از فعالان سیاسی در داخل ایران هشدار داده‌اند که تصمیم احتمالی برای خروج از NPT احتمال وقوع جنگ دوباره را تقویت می‌کند به ویژه آنکه جمهوری اسلامی حاضر نشد برای بازدید بازرسان

● نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی درباره «مکانیسم ماشه» نتیجه‌ای به همراه نداشت. هاشم خنفری از نمایندگان استان خوزستان گفت: «همه موضوعات بررسی شد، خروج از NPT و آثار ناشی از فعال کردن مکانیسم ماشه هم بررسی شد اما الان خیلی تصمیم جدی گرفته نشد و موضوعات در حد بررسی و اعلام نقطه نظرات نمایندگان است.»

● محمدباقر قالیباف با لحنی تند تهدید کرده است که «اگر کشوری بخواهد بر اساس قطعنامه‌های غیرقانونی اقدامی علیه ایران انجام دهد، با اقدام متقابل و جدی ایران روبرو خواهد شد و سه کشور اروپایی بانی این اقدام غیرقانونی هم واکنش ما را خواهند دید.»

● یوسف مولایی استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران در مصاحبه با روزنامه «آرمان ملی» هشدار داد: «با این وجود با توجه به اینکه پس از فعال شدن ماشه ایران به عنوان یک کشور تهدیدکننده صلح جهانی قلمداد خواهد شد، پیامدهای امنیتی این اتفاق به مراتب از پیامدهای اقتصادی بیشتر خواهد بود.»

یک روز پس از فعال شدن رسمی «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بررسی اقدام متقابل «جلسه غیرعلنی» برگزار کردند. پیش از فعال شدن مکانیسم ماشه، شماری از مقامات ارشد نظام تهدید کرده بودند که جمهوری اسلامی از پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار همگانی خارج خواهد شد و به سمت ساخت سلاح اتمی متمایل می‌شود اما مسعود پزشکیان در جریان سفر به نیویورک گفت، فعلاً قصدی برای خروج از NPT نداریم.

گویا نشست غیرعلنی مجلس نیز نتیجه‌ای به همراه نداشت. در همین ارتباط هاشم خنفری از نمایندگان استان خوزستان گفت: «همه موضوعات بررسی شد، خروج از NPT و آثار ناشی از فعال کردن مکانیسم ماشه هم بررسی

آمریکا چند شبکه تأمین تسلیحات برای جمهوری اسلامی را تحریم کرد



وزارت خزانه‌داری آمریکا

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) چهارشنبه اول اکتبر ۱۴۰۴ (نهم مهرماه) شبکه‌ای بزرگ شامل ۲۱ نهاد و ۱۷ فرد را که دستیابی وزارت دفاع جمهوری اسلامی را به کالاها و فناوری‌های حساس از جمله در تولید موشک و هواپیمای نظامی تسهیل می‌کردند، در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

● شبکه‌های هدف قرار گرفته در ایران، چین، هنگ‌کنگ، آلمان، ترکیه، پرتغال و اروگوئه فعالیت دارند.

این شبکه‌ها قطعات و تجهیزات مورد نیاز صنایع هوافضا از جمله گروه صنعتی «شهید باکری» (مسئول موشک‌های سوخت جامد) و «صنایع الکترونیک شیراز» (تولیدکننده رادار و سامانه‌های هدایت موشک) را تأمین می‌کرده‌اند.

● یکی از شبکه‌ها همچنین اقدام به خرید یک هلی‌کوپتر آمریکایی برای «پنها»، شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی‌کوپتر ایران، سازنده و تعمیرکننده هلی‌کوپتری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کرده است.

● مارکو روییو: «همانطور که دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به روشنی اعلام کرده است، ما تمام مسیرهای [رژیم] ایران به سمت سلاح هسته‌ای را مسدود خواهیم کرد.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) چهارشنبه اول اکتبر ۱۴۰۴ (نهم مهرماه) شبکه‌ای بزرگ شامل ۲۱ نهاد و ۱۷ فرد را که دستیابی وزارت دفاع جمهوری اسلامی را به کالاها و فناوری‌های

او با اشاره به توافق هسته‌ای (برجام) مدعی شد که این توافق در زمان امضاء مورد پذیرش همه طرفین قرار گرفت و «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در هر زمان می‌توانست برای بازرسی به ایران سفر کند اما آمریکا این توافق را به‌صورت یک‌جانبه پاره کرد.»

پزشکیان در ادامه مدعی شد که جمهوری اسلامی «ایران در زمان حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای خود، هیچگاه به مرحله ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک نبوده است.»

او خواستار تضمین‌هایی شد که چنین حملاتی در آینده تکرار نشود و با اشاره به چراغ سبز آمریکا برای حمله به تأسیسات هسته‌ای گفت: «چه کسی مجوز این حملات را صادر کرده است؟»

در بخش دیگری از این مصاحبه، پزشکیان در ادعایی عجیب گزارش‌ها درباره «نقش [جمهوری اسلامی] ایران در تحریک تروریسم از طریق گروه‌های نیابتی» در منطقه را «تبلیغات اسرائیلی» خواند که «فاقد هرگونه سند و مدرک»

مسعود پزشکیان در مصاحبه با فاکس‌نیوز: از ان‌پی‌تی خارج می‌شویم؛ قدرت‌ها به دنبال بهانه سطحی برای جنگ هستند



مسعود پزشکیان در مصاحبه با فاکس‌نیوز

است. اتفاقاً هدف از تشکیل «گروه‌های نیابتی» همین است که بتوان از زیر بار هر مسئولیتی شانه خالی کرد!

پزشکیان تأکید کرد که اینگونه اتهامات «به راحتی مطرح می‌شوند» اما «نادرست» هستند. او افزود: «ایران قرار نیست به هیچ کشوری حمله کند و ما آغازگر هیچگونه تجاوزی نبوده‌ایم.» او در همین ارتباط افزود که اسرائیل مرتکب «نسل‌کشی آشکار» در غزه شده و آنها هستند که بطور روزانه به دیگران حمله می‌کنند، نه جمهوری اسلامی ایران.

پزشکیان در پاسخ به پرسشی درباره امکان همزیستی اسرائیل با همسایگان، گفت: «هر کسی که ظلم نکند، زور نکند و بر اساس اصول انسانی و جهانی رفتار کند، می‌تواند زندگی کند. اما کسی که قوانین را زیر پا می‌گذارد و رفتاری دارد که انسان‌ها را به واکنش وامی‌دارد، قطعاً با مشکل مواجه خواهد شد.»

او تأکید کرد که این مسئله به نوع رفتار اسرائیل با مردم منطقه بازمی‌گردد و افزود: «این موضوع با تأیید یا رد ما حل نمی‌شود؛ آنچه می‌بینیم، نتیجه رفتارهاست، نه صرفاً موضع‌گیری‌ها.» پزشکیان با اشاره به واکنش گروه‌های شبه‌نظامی مانند حزب‌الله و حماس به این اقدامات، گفت: «وقتی کسی را از خانه‌اش بیرون کنید، تحقیرش کنید و هر زمان که خواستید خانه‌اش را ویران کنید، طبیعی است که هر انسانی ممکن است واکنشی نشان دهد.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «اگر با یکدیگر با زور و قلندری رفتار نکنیم، آرامش بطور طبیعی برقرار خواهد شد.»

● مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی در مصاحبه با «فاکس نیوز» اعلام کرد، «حتا اگر تحریم‌ها بازگردد ما نمی‌خواهیم از ان‌پی‌تی خارج شویم.» وی تأکید نمود: «قدرت‌های خارجی به دنبال یک بهانه سطحی برای به آتش کشیدن منطقه هستند.»

● پزشکیان در حاشیه سفر به نیویورک برای شرکت در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل در مصاحبه با فاکس‌نیوز که جمعه شب چهارم مهرماه ۱۴۰۴ پخش شد گفت که جمهوری اسلامی متعهد به حفظ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و آماده اجرای کامل تعهدات خود در چارچوب توافقات بین‌المللی مرتبط با این موضوع است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی در مصاحبه با «فاکس نیوز» اعلام کرد: «حتا اگر تحریم‌ها بازگردد ما نمی‌خواهیم از ان‌پی‌تی خارج شویم.» وی تأکید نمود: «قدرت‌های خارجی به دنبال یک بهانه سطحی برای به آتش کشیدن منطقه هستند.»

پزشکیان در حاشیه سفر به نیویورک برای شرکت در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل در مصاحبه با فاکس‌نیوز که جمعه شب چهارم مهرماه ۱۴۰۴ پخش شد گفت که جمهوری اسلامی متعهد به حفظ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و آماده اجرای کامل تعهدات خود در چارچوب توافقات بین‌المللی مرتبط با این موضوع است.

بریتانیا تحریم‌های سازمان ملل علیه ۱۲۰ فرد و نهاد جمهوری اسلامی را دوباره به اجرا گذاشت

آلومینیوم «سهند»، شرکت آلومینیوم مشمول، ماشین‌سازی اراک، گروه کشتی‌سازی «نوح»، مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته‌ای اصفهان و مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان، قرارگاه سازندگی قائم، مرکز تحقیقات هسته‌ای کرج، قرارگاه سازندگی «خاتم‌الانبیاء»، صنایع شیمیایی پارچین و شرکت هواپیمایی «پاس ایر».

طبق اعلام وزارت خارجه بریتانیا دارایی‌های شرکت ملی گاز، شرکت ملی نفت و شرکت گاز طبیعی مایع و بیمه ایران نیز مسدود شدند.

به گفته وزارت خارجه بریتانیا، این اقدامات بخشی از روند

● در میان افراد تحریم‌شده، نام مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی از جمله علی‌اکبر احمدیان، احمد وحیدی، محمد حجازی، محمدرضا نقدی، محمد اسلامی، یحیی رحیم صفوی و مرتضی صفاری دیده می‌شود. برخی افرادی که در این فهرست قرار دارند در جنگ ۱۲ روزه کشته شدند.

● طبق اعلام وزارت خارجه بریتانیا دارایی‌های شرکت ملی گاز، شرکت ملی نفت و شرکت گاز طبیعی مایع و بیمه ایران نیز مسدود شدند.

وزارت خارجه بریتانیا در راستای اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بر اساس تحریم‌های



هوادران حکومت / عکس: رویترز

بین‌المللی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی به دلیل «عدم پایبندی جدی» تهران به تعهدات هسته‌ای خود است.

ایوت کوپر وزیر امور خارجه بریتانیا با اشاره به تحریم‌های جدید این کشور علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تأکید کرد که این کشور هر اقدامی را برای جلوگیری از دستیابی حکومت ایران به سلاح هسته‌ای انجام خواهد داد.

کوپر گفت: «جهان بارها به ایران فرصت داد تا دوباره اهداف این برنامه تضمین‌های قابل اعتماد ارائه دهد، اما تهران بار دیگر از انجام این کار خودداری کرد».

برخی مقامات و عوامل حکومت می‌گویند علت این فشارها شکاف انداختن میان حکومت و مردم است.

احمد راستینه سخنگوی فرهنگی مجلس شورای اسلامی مدعی شده اجرای تحریم‌های مکانیسم ماشه «تلاشی است توسط آمریکا و کشورهای اروپایی برای اینکه بتوانند بسترهای لازم را برای بروز نارضایتی‌های عمومی در داخل کشورمان ایجاد کنند». وی گفته آمریکا و کشورهای اروپایی «عملاً به دنبال بسترسازی برای ایجاد اغتشاشات در ایران به‌منظور تحمیل اراده خود به ملت ما هستند». احمد راستینه افزوده: «اروپایی‌ها هیچ اراده‌ای از خودشان ندارند و روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه بار دیگر ثابت کرد که کشورهای اروپایی کاملاً مطیع و برده حلقه به گوش آمریکایی‌ها هستند. البته اروپایی‌ها این موضوع را در زمان اجرای برجام هم نشان داده بودند».

ششگانه سازمان ملل متحد که با اجرای مکانیسم ماشه از صبح یکشنبه ششم مهرماه بازگشته‌اند، تحریم ۱۲۱ فرد و نهاد مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی حکومت ایران را دوباره به اجرا گذاشته است.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه بریتانیا، که چهارشنبه اول اکتبر (۹ مهرماه) منتشر شد، این تحریم‌ها شامل تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در زمینه انتقال سلاح‌های متعارف به ایران و از ایران، ممنوعیت عرضه یا انتقال اقلام، مواد، تجهیزات، کالا و فناوری‌های مرتبط با غنی‌سازی، بازفراوری یا آب سنگین و همچنین توسعه سامانه‌های پرتاب سلاح هسته‌ای است.

علاوه بر این، محدودیت‌های مالی و تجاری مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی نیز دوباره اجرایی شده است.

در میان افراد تحریم‌شده، نام مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله علی‌اکبر احمدیان، احمد وحیدی، محمد حجازی، محمدرضا نقدی، محمد اسلامی، یحیی رحیم صفوی و مرتضی صفاری دیده می‌شود. برخی افرادی که در این فهرست قرار دارند در جنگ ۱۲ روزه کشته شدند.

همچنین چند نهاد کلیدی جمهوری اسلامی بار دیگر هدف تحریم قرار گرفته‌اند؛ از جمله سازمان انرژی اتمی ایران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بانک سپه، مرکز تحقیقات فناوری و علوم دفاعی، شرکت خدمات هوایی پارس (PASC)، شرکت الکتروصنعت صنم، گروه صنعتی

حساس از جمله در تولید موشک و هواپیمای نظامی تسهیل می‌کردند، در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

این شبکه‌ها در فعالیت‌هایی از جمله تأمین فناوری برای سامانه‌های پیشرفته موشکی زمین به هوا و خرید غیرقانونی یک هلی‌کوپتر ساخت ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران کمک کرده‌اند.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده: «قابلیت‌های موشکی بالستیک و تسلیحات متعارف ایران، که توسط شبکه‌های تحریم‌شده امروز پشتیبانی می‌شوند، تهدیدی جدی برای نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، کشتی‌های تجاری ایالات متحده در آب‌های بین‌المللی و همچنین غیرنظامیان محسوب می‌شوند».

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالات متحده گفته است، «حمایت رژیم ایران از گروه‌های تروریستی نیابتی و تلاش آن برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، امنیت خاورمیانه، ایالات متحده و متحدان ما در سراسر جهان را تهدید می‌کند. تحت رهبری رئیس جمهور ترامپ، ما مانع از دستیابی این رژیم به سلاح‌هایی خواهیم شد که در راستای اهداف مخرب خود از آن استفاده می‌کند».

مارکوروبیو وزیر خارجه آمریکانیز گفت: «ایالات متحده آمریکا در حال اجرای تحریم‌های استنبدک علیه ایران است. تحریم‌ها و کنترل‌های جدید صادرات، ۴۴ عامل مرتبط با برنامه‌های



The United States is implementing snapback sanctions against the Iranian regime. New sanctions and export controls will target 44 actors tied to Iran's nuclear, missile, and military programs.

As @POTUS has made clear, we will deny Iran all paths to a nuclear weapon.

هسته‌ای، موشکی و نظامی ایران را هدف قرار خواهد داد». روبیو عنوان کرد: «همانطور که دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به روشنی اعلام کرده است، ما تمام مسیرهای [رژیم] ایران به سمت سلاح هسته‌ای را مسدود خواهیم کرد».

این تحریم‌ها شامل تحریم‌های تسلیحاتی، کنترل صادرات، ممنوعیت سفر، مسدود ساختن دارایی‌ها و سایر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها علیه افراد و نهادها از جمله بانک‌هایی می‌شود که در فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی رژیم ایران دخیل‌اند. شبکه‌های هدف قرارگرفته در ایران، چین، هنگ‌کنگ، آلمان، ترکیه، پرتغال و اروگوئه فعالیت دارند.

این شبکه‌ها قطعات و تجهیزات مورد نیاز صنایع هوافضا از جمله گروه صنعتی «شهید باکری» (مسئول موشک‌های سوخت جامد) و «صنایع الکترونیک شیراز» (تولیدکننده رادار و سامانه‌های هدایت موشک) را تأمین می‌کرده‌اند.

یکی از شبکه‌ها همچنین اقدام به خرید یک هلی‌کوپتر آمریکایی برای «پن‌ها»، شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی‌کوپتر ایران، سازنده و تعمیرکننده هلی‌کوپتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرده است.

شرکت ابزار دقیق طاهرا، شرکت فناوری‌های بین‌المللی اندیشه دماوند، شرکت مهندسی بازرگانی به‌ژول پارس، شرکت راهیان فناوری ارتباطات خضراء، شرکت هلیکوپتری پاسارگاد و شرکت تأمین صنعت آمن از جمله شرکت‌هایی هستند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

کنفرانس دو روزه «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» توسط اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» برگزار شد

در این کنفرانس توسط دکتر فرخ صدیق دیلمی ارائه شد. در روز نخست این کنفرانس دکتر نامدار بقایی یزدی عضو کمیته هماهنگی و سخنگوی کمیته مشورتی علمی پروژه ققنوس و مسئول هماهنگی تیم پژوهشی محیط زیست این اندیشکده و عضو گروه انرژی نیز از طریق ویدئوکنفرانس مقاله‌ای درباره «کربن‌زدایی اقتصاد ایران تا سال ۲۰۵۰: نقشه راه علمی برای رسیدن به انتشار صفر خالص» سخنرانی کرد.

در بخش انرژی همچنین مهندس افشین صالحیان پژوهشی با عنوان «سیاست انرژی ایران برای امنیت ملی، رشد اقتصادی و ثبات جهانی»، و مهندس مازیار شیراک پژوهش دیگری با عنوان «نوسازی شبکه برق و منابع تولید برق ایران» ارائه دادند. در ارتباط با هر سخنرانی، پرسش و پاسخ‌هایی صورت می‌گرفت. به ویژه در ارتباط با موضوع انرژی که مسئله حاد امروز ایران به شمار می‌رود، پرسش و پاسخی با سخنرانان مربوطه، مهندس افشین صالحیان و مهندس مازیار شیراک انجام شد.

دومین روز کنفرانس «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» با هوش مصنوعی ارائه مقاله «زیست‌محاسبی مستقل برای ایران: مهندسی سیستم‌ها، ستون فقراتی با کارایی بالا و پشتیبانی انرژی» توسط دکتر فریدون هاشمی آغاز شد. دکتر فریدون هاشمی تأکید کرد که «هوش مصنوعی امروز یک نیاز حیاتی است. اگر در این زمینه سرمایه‌گذاری نکنیم، از دنیا عقب خواهیم ماند و تنها تبدیل به خریدار خواهیم

طی یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه جرج واشنگتن اعلام موجودیت کرد و هدف خود را تلاش مداوم برای پیوند علم با سیاست و با جامعه اعلام کرد. هدف اصلی ققنوس تحقیقات و پژوهش درباره دشواری‌های حاکم بر سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی و همچنین انرژی و به ویژه یافتن راهکارهایی برای کاهش و حل این مشکلات بود.

در ادامه، دکتر آرمان اشرف‌زاده از بنیانگذاران ققنوس و مدیر هیئت هماهنگی این اندیشکده طی سخنانی از گروه مشاوران علمی ققنوس شامل دکتر فرخ زندی، دکتر هوشنگ لاهوتی و دکتر نامدار بقایی یزدی که، بررسی مقالات ارسالی و انتخاب آنها برای ارائه در این کنفرانس را بر عهده داشتند، سپاسگزاری کرد.

سپس مایکل پارسا وزیر ایالتی اونتاریو در پیامی به این کنفرانس با اشاره به لزوم حمایت از مبارزات شجاعانه مردم ایران گفت: «برای داشتن یک ایران شکوفا در ابتدا باید جمهوری اسلامی نباشد. همه ما می‌دانیم که تغییر رژیم در ایران مسئله «اگر» نیست بلکه مسئله اینست که چه زمانی و چگونه اتفاق بیافتد.»

دکتر آریا خوشخو عضو کمیته‌های هماهنگی و اجرایی، و همچنین عضو گروه‌های پژوهشی و فناوری ققنوس در این کنفرانس نتایج بررسی تطبیقی دو نظرسنجی «سلامت روان» و «مدیریت بحران» را ارائه داد.

● اندیشکده ققنوس کنفرانس دو روزه «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» را روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ مهرماه ۱۴۰۴ برابر با ۲۷ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ در شهر تورنتو کانادا و با حضور شماری از متخصصان و کارشناسان برگزار کرد. سخنرانی‌های این کنفرانس به زبان فارسی و انگلیسی انجام شدند. ● در پایان این کنفرانس اطلاعیه مشترک «پروژه ققنوس ایران» و «پروژه شکوفایی ایران» با عنوان «توانا بود هر که دانا بود» توسط دکتر آرمان اشرف‌زاده خوانده شد. این اطلاعیه با «مشورت» شاهزاده رضا پهلوی «پایان دادن به فعالیت‌های رسمی» ققنوس را اعلام کرده تا تمام توان و تجربه‌ی خود را در «پروژه شکوفایی ایران» به کار گیرد.

● در این اطلاعیه از جمله آمده است: «از سوم اسفند ۱۳۹۷ که «پروژه ققنوس ایران» بر اساس تأکید و پشتیبانی شاهزاده رضا پهلوی بنیان نهاده شد و اعلام موجودیت کرد، این اندیشکده علمی و پژوهشی توانست شمار چشمگیری از نیروهای میهن‌پرست و متخصص را گرد آورد؛ کارشناسانی که هر یک در راستای اهداف ایران‌دوستانه‌ی ققنوس، کارنامه‌ای درخشان رقم زدند و نام این اندیشکده را به نامی محترم و معتبر در میان ملت ایران بدل ساختند.»

اندیشکده ققنوس کنفرانس دو روزه «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» را روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ مهرماه ۱۴۰۴ برابر با ۲۷ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ در شهر تورنتو کانادا و با حضور شماری از متخصصان و کارشناسان برگزار کرد. سخنرانی‌های



دکتر آریا خوشخو



انوشیروان کنگرلو



دکتر آرمان اشرف‌زاده

شد. پیشنهاد ما هدف قرار دادن و سرمایه‌گذاری در این زمینه است تا انرژی را به رشد تبدیل کنیم و GDP را افزایش دهیم. آنهم با گاز و نیروگاه‌های گاز؛ آنوقت دیگر ما نفت صادر نمی‌کنیم بلکه هوش مصنوعی صادر خواهیم کرد.»

مهندس حمید وحیدی مدیر ارشد مهندسی در بانک مشترک المنافع استرالیا نیز مقاله‌ای با عنوان «ابر عمومی (Public Cloud) و هوش مصنوعی در پسا جمهوری اسلامی» ارائه داد.

او در توضیحاتی گفت: «در زمینه هوش مصنوعی و تولید برق، باید توجه داشت که ما سرمایه انسانی و منابع

دکتر فرخ صدیق دیلمی روانشناس بالینی و سرپرست تیم سلامت و تندرستی در پروژه ققنوس ایران، در این کنفرانس مقاله‌ای با عنوان «سلامت روان در ایران: سیاست‌گذاری‌ها و بهترین روش‌ها در پسا جمهوری اسلامی» ارائه داد.

دکتر محمدرضا میمنت نیز درباره ظرفیت‌ها و فرصت‌های ایران در رابطه با توریسم پزشکی و با موضوع «چگونگی قرار دادن ایران به عنوان جاذبه‌ی توریسم پزشکی در غرب آسیا» سخنرانی کرد.

«بازسازی سلامت روان در ایران پس از گذار» عنوان یکی از مقاله‌های دریافتی از سوی یک روانشناس از ایران بود که

این کنفرانس به زبان فارسی و انگلیسی انجام شدند. در نخستین روز انوشیروان کنگرلو گرداننده این کنفرانس ضمن خوشامدگویی به حاضران در توضیحاتی گفت: «پروژه ققنوس ایران به ابتکار شاهزاده رضا پهلوی در سوم اسفندماه ۱۳۹۷، ۲۲ فوریه ۲۰۱۹، در واشنگتن بنیاد نهاده شد. پیش از برپایی این نهاد علمی چندین سال تلاش و کوشش صورت گرفته بود. نخست «انجمن ایران فردا»، پس از آن «گروه اندیشمندان ایران» و در نهایت اندیشکده ققنوس با پشتوانه بیش از ده سال تلاش و هماهنگی‌های مداومی که در سال ۲۰۱۸ صورت گرفت، در فوریه ۲۰۱۹

اهداف ایران‌دوستانه‌ی ققنوس، کارنامه‌ای درخشان رقم زدند و نام این اندیشکده را به نامی محترم و معتبر در میان ملت ایران بدل ساختند.
امروز که انقلاب ملی ایران به پیشرفت‌های عملی

و مسئول هماهنگی گروه مسائل اجتماعی و عضو گروه‌های حقوقی و رسانه‌ای اندیشکده ققنوس نیز آخرین مقاله کنفرانس دو روزه «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» را با موضوع «پیوند امنیت ملی و امنیت بشری» ارائه داد.



از راست: مهندس افشین صالحیان، مهندس مازیار شیراک، دکتر فرخ صدیق دیلمی

چشمگیری دست یافته و افق سرنوشت جمهوری اسلامی و استقرار دولت ملی پیش روی ملت پدیدار گشته است، زمان آن فرا رسیده که کوشش‌ها در عرصه‌ی بازسازی و شکوفایی ایران نیز هم‌تمرکز بیشتری بیابد و هم از چارچوب اندیشکده و پژوهش به مرحله‌ی پروژه‌های عملی گام نهد. بر همین اساس، با مشورت شاهزاده رضا پهلوی و در پرتو همسویی اهداف و استراتژی مشترک اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» و «پروژه شکوفایی ایران»، تصمیم گرفته

مجموعه‌ی این کنفرانس دو روزه و سخنرانی‌های مختلف بطور جداگانه در کانال یوتیوب پروژه ققنوس ایران در دسترس همگان قرار دارند.

در پایان این کنفرانس اطلاعیه مشترک «پروژه ققنوس ایران» و «پروژه شکوفایی ایران» با عنوان «توانا بود هر که دانا بود» توسط دکتر آرماند اشرف‌زاده خوانده شد. این اطلاعیه با «مشورت» شاهزاده رضا پهلوی «پایان دادن به فعالیت‌های رسمی» ققنوس را اعلام کرده است تا تمام توان



دکتر فرخ زندی



علی بردبار جهانتابخی

مالی را در ایران داریم بطوری که بتوانیم در مدت کوتاهی در این زمینه به پیشرفت برسیم اما با نبود مدیریت هیچگاه نخواهیم رسید!

آیدین توکل کارآفرین در حوزه فناوری و استراتژیست هوش مصنوعی نیز سخنانی با عنوان «نقشه راه دگرگونی ایران با هوش مصنوعی؛ چارچوبی استوار بر سه ستون برای پیشتازی فناوری در منطقه» ایراد کرد.

امیر روحی توسعه‌دهنده ارشد نرم‌افزارهای عملی، فیزیک محاسباتی و مدل‌سازی مولکولی نیز در عرصه‌ای دیگر ایده‌های خود را با عنوان «از مولکول‌ها به مدل‌ها؛ قدم گذاشتن ایران به تولید دارو توسط کامپیوتر» معرفی نمود. دکتر آریا خوشخو با ارائه مطلبی درباره «تصمیم‌گیری بر پایه شواهد» تأکید کرد: «جامعه سیاسی ایران بایستی از واکنشی بودن نسبت به اتفاقات به سمت «پیش‌بینی و برنامه‌ریزی» اتفاقات یا «Trigger events» برود و با استفاده از مدل‌سازی و simulation حوادث و محرکه‌های گوناگون را پیش‌بینی و اندازه‌گیری کند و از مدام واکنشی بودن دوری گزیند.»

در بخش بعدی بهشاد هستی‌بخش کارشناس علوم سیاسی و مشاور مسائل استراتژیک پژوهش خود را با عنوان «نوسازی نهادهای سیاسی: احزاب سیاسی در مسیر سکولار دموکراسی» با حضاران در میان گذاشت.

«ایجاد آموزش اخلاقی در مداری؛ مهربانی راه ماست» نیز عنوان مطلب دیگری بود که از سوی لیلا ناصری مدرس، آهنگساز و نویسنده ارائه شد.

الهام نجفی سخنران بعدی کنفرانس «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» ایده‌های پژوهشی با موضوع «تغییر ناب، از صنعت تا اجتماع» را ارائه کرد.

«آینده مدیریت شهری» مطلب بعدی بود که توسط سه پژوهشگر از نسل «ژد»، دانا افروز اکبری، علی بردبار



دکتر شیمای بزرگی

شد که اندیشکده ققنوس ضمن پایان دادن به فعالیت‌های رسمی خود تمام توان و تجربه‌ی خود را در «پروژه شکوفایی ایران» به کار گیرد. پیوستن اعضای اندیشکده ققنوس به پروژه شکوفایی ایران در حقیقت تداوم بالنده‌ی رسالت و مأموریت این پروژه علمی در شکلی نوین و کارآمدتر است. باشد که «پروژه شکوفایی ایران» با بهره‌گیری از این سرمایه‌ی گرانبها، گامی سرنوشت‌ساز در مسیر فردای آباد ایران بردارد.

پاینده ایران
مهر ۲۵۸۴ (۱۴۰۴)

و تجربه‌ی خود را در «پروژه شکوفایی ایران» به کار گیرد. سپس دکتر کاوه راد از بنیانگذاران این اندیشکده و عضو سابق هیئت هماهنگی ققنوس و مشاور کنونی «پروژه شکوفایی ایران» سخنانی در همین زمینه ایراد داشت.

متن کامل اطلاعیه مشترک این دو پروژه به شرح زیر است: «از سوم اسفند ۱۳۹۷ که «پروژه ققنوس ایران» بر اساس تأکید و پشتیبانی شاهزاده رضا پهلوی بنیان نهاده شد و اعلام موجودیت کرد، این اندیشکده علمی و پژوهشی توانست شمار چشمگیری از نیروهای میهن‌پرست و متخصص را گرد آورد؛ کارشناسانی که هر یک در راستای

جهانبختی، و شروین صفار سحرخیز تهیه شده بود که توسط علی بردبار جهانتابخی ارائه شد.

«طراحی یک معماری مالی درون زنجیره‌ای مستقل برای ایران نوین» عنوان مقاله‌ای بود که از سوی مبین ناصر متخصص بازارهای سرمایه با زیرساخت بلاکچین ارائه شد.

دکتر فرخ زندی اقتصاددان و استاد دانشگاه سخنران بعدی کنفرانس «ایران، فراتر از ۱۰۰ روز نخست» بود که مقاله‌ای با عنوان «تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی: ادغام بجای انزوا و حذف زنجیره ارزش جهانی» ارائه داد.

دکتر شیمای بزرگی حقوقدان و عضو کمیته اجرایی ققنوس

باز نشر از سال ۱۳۹۳ به مناسبت «طرح صلح ترامپ»؟ چرا سیاست، ادامه جنگ با ابزاری دیگر نباشد؟!

باز نشر



ملک عبدالله (اردن)، جرج بوش (آمریکا)، محمود عباس (فلسطین)، آرل شاریون (اسرائیل) پس از رسیدن به «نقشه راه»

طرفین مذاکرات صلح برسد: امروز زمان مذاکره و صلح نیست، زمان مقاومت است! در برابر کی؟ با کدام هدف؟ علیه چه کسی؟ به سود کی؟ تروریست‌ها خود را موظف نمی‌دانند درباره این موضوعات توضیحی بدهند. آنها اهل «حرف و مذاکره» نیستند، بلکه اهل «مبارزه و ترور» هستند! این زاویه تنگ به آنها اجازه نمی‌دهد به این حقیقت فکر کنند که اگر از این نوع «مقاومت» کاری ساخته بود، پس از چندین دهه خونریزی و کشتار می‌بایست دست‌کم به یکی از اهداف خود رسیده باشند! اما آنها متأسفانه تنها یک هدف دارند: نابودی اسرائیل!

نه حماس و نه جمهوری اسلامی که قوی‌ترین پشتیبان آن است، این هدف را هرگز پنهان نکرده‌اند. حال آنکه «نقشه راه» که توسط رسانه‌های فارسی «راهنمای مسیر» ترجمه شده بود، بهترین فرصت برای بازگشت صلح و آرامش به منطقه و همزیستی دو کشور اسرائیل و فلسطین بود.

«نقشه راه» توسط ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه تهیه شده بود و خطوط کلی آن مسیری بس دشوار را به سوی برقراری صلح در خاورمیانه ترسیم می‌کرد. در بهار ۲۰۰۳ اینطور به نظر می‌رسید که شاید بتوان به این طرح امید بست چرا که از یکسو مردم فلسطین و اسرائیل از ترور و بمباران متقابل خسته شده و از سوی دیگر هر دو با رکود و ورشکستگی اقتصادی روبرو بودند. مهم‌ترین مسئله اما نزدیک شدن دولت خودگردان فلسطین و دولت اسرائیل به یکدیگر بود. فلسطین برای نخستین بار فراگرد انتخاب یک نخست‌وزیر را پشت

همه رسانه‌ها، ایرانی و فرنگی، پر شده بود از صحبت درباره «راهنمای مسیر» [نقشه راه]. تصاویر خندان و خشنود جرج بوش (پسر) رئیس جمهوری وقت آمریکا، اهود اولمرت نخست وزیر وقت اسرائیل و محمود عباس رهبر کنونی و نخستین نخست‌وزیر فلسطین در سراسر جهان پخش می‌شد. بهار ۲۰۰۳ بود، یازده سال پیش...

برای یادآوری به حافظه‌های ضعیف من نیز به عنوان یکی از امیدواران بدبین، در همان زمان مقاله‌ای زیر عنوان «تا صلح چند کیلومتر است؟!» نوشتم که اطلاعات آن برای کسانی که امروز نیز فکر می‌کنند دارند برای فلسطینی‌ها دل می‌سوزاند اما در عمل آنها را در دامان فلاکت و تروریسم نگاه می‌دارند، خالی از فایده نیست:

«راهنمای مسیر» پوشه‌ای است سرخ و شامل فقط هفت صفحه که روز چهارشنبه سی آوریل ۲۰۰۳ به محمود عباس معروف به ابو مازن، اولین نخست وزیر فلسطین تحویل داده شد. او کسی است که درست ده سال پیش [سال ۱۹۹۳] نخستین پیمان صلح اسلو را امضا کرد. نخست وزیری محمود عباس روز ۲۹ آوریل به تأیید پارلمان رسید: ۵۱ تن از ۸۸ نماینده مجلس فلسطین به او رأی دادند. این تقسیم‌آرا بدین معنی است که اگرچه محمود عباس از حمایت اکثریت مجلس برخوردار است، لیکن اقلیت مؤثری با او سر موافقت ندارد! پیش و پس از جلسه پارلمان دو عملیات انتحاری در اسرائیل انجام شد تا این پیام سازمان‌های تروریستی به گوش

● «راهنمای مسیر» [ترجمه رسانه‌های فارسی در آن زمان] یا «نقشه راه» پوشه‌ای است سرخ و شامل فقط هفت صفحه که روز چهارشنبه سی آوریل ۲۰۰۳ به محمود عباس معروف به ابو مازن، اولین نخست وزیر فلسطین تحویل داده شد. او کسی است که درست ده سال پیش [سال ۱۹۹۳] نخستین پیمان صلح اسلو را امضا کرد.

● «نقشه راه» توسط ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه تهیه شده بود و خطوط کلی آن مسیری بس دشوار را به سوی برقراری صلح در خاورمیانه ترسیم می‌کرد. در بهار ۲۰۰۳ اینطور به نظر می‌رسید که شاید بتوان به این طرح امید بست چرا که از یکسو مردم فلسطین و اسرائیل از ترور و بمباران متقابل خسته شده و از سوی دیگر هر دو با رکود و ورشکستگی اقتصادی روبرو بودند.

● دو طرف فلسطینی و اسرائیلی تا سال ۲۰۰۵ به بسیاری از این تعهدات عمل کردند و از سوی افراطیون و همچنین رژیم اسلامی ایران به شدت مورد تهدید قرار گرفتند. مهم‌ترین آنها از جانب اسرائیل و با مقاومت آرل شارون در برابر افراطیون یهودی انجام شد: عقب‌نشینی از نوار غزه و تخلیه شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق فلسطینی و جلوگیری از ایجاد دوباره آنها و همچنین آزادی صدها زندانی فلسطینی که اخبار مصورشان نیز شب و روز با شادی همراه با نگرانی از رسانه‌ها منتشر می‌شد.

● اما پیشبرد «نقشه راه» و اساسا صلح بین اسرائیل و فلسطین همیشه با یک مانع اساسی روبرو بوده است: گروه‌های تروریستی فلسطینی و دولت‌های خارجی که از آنان پشتیبانی می‌کنند. نتیجه اینکه پس از عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، افراطیون حماس آنجا را اشغال کردند و مردم غزه را به محاصره در آوردند و خود فلسطینی‌ها را به جان هم انداختند! حماس برای ارباب مردم غزه، در همان آغاز، چند جوان فلسطینی را به اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل در خیابان لنین کتک کرد و به قتل رساند. این سازمان با حمایت آشکار رژیم اسلامی در ایران، فلسطین و فلسطینی‌ها را دچار تفرقه و انشقاق کرد و طرح «نقشه راه» را عملاً مخومه اعلام نمود.

● تمام مسئله بر سر انسداد «نقشه راه» و شکل نگرفتن یک دولت و کشور فلسطینی است: تشکیل دولت فلسطین در عمل یعنی به رسمیت شناختن دولت اسرائیل! و این آن چیزی است که حماس و اربابش، جمهوری اسلامی، نمی‌خواهند.

الاهه بقراط - در هر موجی که هربار بر سر مسئله «فلسطین - اسرائیل» به راه می‌افتد می‌توان دید که حقیقت همواره قربانی است! مردم دو طرف قربانیان بعدی هستند. ما به عنوان ناظران ناتوان اما نه خاموش این جنگ و همه جنگ‌های دیگر در کدام سو بایستی بایستیم؟! در کنار تروریست‌های حماس یا دولت افراطی اسرائیل در یک جنگ نابرابر؟! اما یک طرف دیگر نیز وجود دارد: مردمی که در فلسطین و اسرائیل، هر دو، به رهبران سیاسی خود می‌بازند! مردمی که سرنوشت فجیع آنها دستانیز شعارهای نفرت‌افکنانه برخی مسلمانان، برخی چپ‌ها و همه نئونازی‌ها در اروپا می‌شود.

دولت افراطی و راست‌گرای اسرائیل که در یک جنگ نابرابر و با آگاهی از ترفندهای حماس، برای دفاع از خود، جنایت می‌کند؟! برای من هر دو اینها به شدت محکوم هستند. من آرزو داشتم دولت محمود عباس پس از مرگ یاسر عرفات که به عنوان یکی از موانع از سر راه او برداشته شد، این قاطعیت و این اراده را می‌داشت که خود فلسطینی‌ها را علیه سازمان‌های تروریستی بسیج کند و نه آنکه مردم غزه را به دست آنها رها سازد. آرزو داشتم که نیروهای مترقی اسرائیل می‌توانستند دولت‌های خود را مهار کنند تا هر بار سیاست را بر جنگ ترجیح دهد حتا در برابر تروریست‌ها. در این میان اما یک طرف دیگر نیز وجود دارد: مردمی که در فلسطین و اسرائیل، هر دو، به رهبران سیاسی خود می‌بازند! مردمی که اصلا خبر ندارند چگونه سرنوشت فجیع آنها دستاویز شعارهای نفرت‌افکنانه در شهرهای اروپایی می‌شود تا «نقشه راه» را به سوی یهودستیزی مزمین و تاریخی برخی مسلمانان، برخی چپ‌ها، و همه نئونازی‌ها هدایت کند و آنها را در یک صف به تظاهرات و سر دادن شعارهای وا دارد که پنجاه میلیون انسان جان خود را به دلیل عملی شدن آنها در فاصله ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵، یعنی از زمان روی کار آمدن نازی‌ها تا پایان جنگ جهانی دوم، از دست دادند.

اراده صلح در هر دو طرف وجود دارد. درست همانگونه که افراطیون نیز در هر دو طرف وجود دارند که راه آن را مسدود می‌کنند. هر کدام از ما و رهبران و منطقه و جهان، اگر راست می‌گوییم و واقعا دل‌مان برای «مردم غزه» و «فلسطینی‌ها» می‌سوزد باید هشیارانه اراده صلح و نیروهای طرفدار صلح را در هر دو طرف تقویت کنیم و نه اینکه با احساسات و تن دادن به حیل‌های تبلیغاتی حماس که دست کم برای ما ایرانیان از همان آدم‌سوزی سینما رکس آبادان به شدت آشناست، و یا با دفاع از عرب‌ستیزی و بمباران‌های مرگبار دولت اسرائیل، خود را مضحکه افراطیون بکنیم. فراموش نکنیم که اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل که دومین پیمان صلح اسلو را در سال ۱۹۹۵ با یاسر عرفات امضا کرد، تقریباً یک ماه بعد توسط یک یهودی افراطی ترور شد.

برخی از ایرانیان به این نکته توجه ندارند که افراطیون یهودی فقط آنهایی نیستند که می‌خواهند سرزمین خود را تا مرزهای فلان و بهمان گسترش دهند، بلکه آنهایی نیز هستند که بر اساس باورهایشان معتقدند اساسا یهودیان نباید سرزمینی داشته باشند! و این افراطیون اتفاقا با حماس و رژیم اسلامی ایران و همچنین نئونازی‌های اروپا روابط بسیار خوبی دارند و به جمهوری اسلامی هم رفت و آمد داشته‌اند برای نمونه در سال ۱۳۸۵ جهت شرکت در همایش «هولوکاست، چشم‌انداز جهانی!» تمام مسئله بر سر انسداد «نقشه راه» و شکل نگرفتن یک دولت و کشور فلسطینی است: تشکیل دولت فلسطین در عمل یعنی به رسمیت شناختن دولت اسرائیل! و این آن چیزی است که حماس و اربابش، جمهوری اسلامی، نمی‌خواهند. از همین رو سیاست و سرنوشت جمهوری اسلامی در ناامنی و نفرت‌پراکنی و درگیری‌ها و جنگ‌های خائنانه‌سوز در خاورمیانه، از جمله در سوریه و فلسطین نقش حیاتی بازی می‌کند. به نظر نمی‌رسد کشورهای قدرتمند که همیشه تسلیحات همه طرفین را تأمین می‌کنند، از این واقعیت بی‌خبر باشند. بدبختی اینجاست که همین‌ها هم هستند که باید آتش‌بس را به طرفین تحمیل کنند!

*این مقاله نخستین بار ۲ مرداد ۱۳۹۳ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴ در کیهان لندن منتشر شد.

موشک‌پراکنی‌هایی که انجام می‌شد بلافاصله از سوی دولت فلسطین به نخست‌وزیری محمود عباس محکوم می‌شد. اما این کافی نبود. دولت خودگردان فلسطین برای گام نهادن قاطعانه در راه صلح و پیشبرد «نقشه راه» که توافق بر سر آن در برابر چشم جهانیان به نوعی جشن گرفته شد، می‌بایست فعالیت گروه‌های تروریستی را ممنوع و رأسا به دستگیری سران و خلع سلاح آنها اقدام می‌کرد. فلسطینی‌ها یکبار تجربه ناکام در پیمان صلحی را که در سال ۱۹۹۳ در باغ گل‌سرخ کاخ سفید بین اسحاق رابین و یاسر عرفات بسته شد و جایزه صلح نوبل را برای آنها و همچنین شیمون پرز وزیر خارجه وقت و رئیس جمهوری کنونی اسرائیل به ارمغان آورد، پشت سر نهاده بودند. پیمانی که تنها یک سال بعد در ترور و کشتار به فراموشی سپرده شد.

فلسطین رهبر محبوب خود یاسر عرفات را کمی پس از آغاز اجرای «نقشه راه» در نوامبر ۲۰۰۴ از دست داد. رهبری که به دو زبان حرف می‌زد: رو به جهان از صلح و مذاکره و توافق دم می‌زد، و رو به مردم‌اش از دشمنی و ستیز و مبارزه تا فتح «قدس» سخن می‌گفت! در برابر بیل کلینتون رئیس جمهوری وقت آمریکا و جلوی دوربین در دست دادن با سیاستمداران اسرائیلی چون اسحاق رابین و شیمون پرز پیشگام می‌شد، به هنگام ورود به ساختمان با اهود برک نخست‌وزیر وقت اسرائیل به تعارف می‌پرداخت و بعد در رام‌الله در برابر فلسطینی‌ها روی میز می‌کوبید و هیستریک فریاد می‌زد: تا فتح قدس، قدس، قدس...!

نتیجه این دوگانگی در سیاست از جمله در دولت محمود عباس این شد که پس از عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، افراطیون حماس آنجا را اشغال کردند و مردم غزه را به محاصره در آوردند و خود فلسطینی‌ها را به جان هم انداختند! حماس برای ارباب مردم غزه، در همان آغاز، چند جوان فلسطینی را به اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل در خیابان لینچ کرد و به قتل رساند. این سازمان با حمایت آشکار رژیم اسلامی در ایران، فلسطین و فلسطینی‌ها را دچار تفرقه و انشقاق کرد و طرح «نقشه راه» را عملا مخومه اعلام نمود. از آنسو، عملیات انتحاری و موشک‌پرانی در خاک اسرائیل، موجبات روی کار آمدن راست‌های افراطی را در آن کشور فراهم آورد بدون آنکه دولت خودگردان فلسطین این توانایی را داشته باشد که در برابر ترور حماس و تهدیدهای اسرائیل از خود دفاع کند.

قربانیان اصلی

گفته می‌شود این سخن به اسطوره‌های یونان باز می‌گردد که «نخستین قربانی جنگ، حقیقت است». این را به راستی در موجی که از جمله هر بار بر سر مسئله «فلسطین- اسرائیل» به راه می‌افتم می‌توان دید: حقیقت همواره قربانی است! مردم دو طرف نیز قربانیان بعدی هستند. با توجه به اینکه در پس هر جنگی، انگیزه قدرت و اقتدار خوابیده است و دین و خاک و... و روئناهای آن هستند، می‌توان گفت که کارل فُن کلازه ویتس ژنرال پروس و تئوری‌پرداز نظامی اوایل قرن نوزدهم به درستی تشخیص داده بود که «جنگ ادامه سیاست با ابزاری دیگر است». اما سیاست چیزی جز اعمال قدرت نیست. در این صورت آیا این آرزو و آرمان است که انتظار داشته باشیم در قرن بیست و یکم، سیاست، ادامه جنگ با ابزاری دیگر باشد؟! ما به عنوان ناظران ناتوان اما نه خاموش این جنگ و همه جنگ‌های دیگر در کدام سو بایستی بایستیم؟! در کنار تروریست‌هایی که مردم خود را به گوشت دم توپ تبدیل کرده‌اند تا با سخیف‌ترین ابزار به تحریک احساسات افکار عمومی و تبلیغ مظلوم‌نمایی خود بپردازند؟ یا در کنار

سر نهاده و اسرائیل حاضر شده بود به توافق‌هایی تن دهد که تا کنون از آنها امتناع می‌ورزید. دولت محمود عباس در حالی که از سوی جمهوری اسلامی به شدت لعن و نفرین می‌شد، با پشتیبانی فلسطینی‌ها بهترین موقعیت را داشت تا به خلع سلاح سازمان‌های تروریستی بپردازد.

بر اساس طرحی که ارائه شده بود، راه به سوی صلح سه مرحله داشت:

نخستین مرحله که همان زمان آغاز شده بود شامل سر و سامان دادن به دولت فلسطین، بازسازی اداری، تنظیم قانون اساسی، انتخابات آزاد و به رسمیت شناختن کشور اسرائیل بود. برای شروع این کار اما می‌بایست عملیات تروریستی فورا و بدون قید و شرط متوقف می‌شد. همزمان اسرائیل نیز می‌بایست موجودیت دولت فلسطینی را به رسمیت می‌شناخت، شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق فلسطینی را تخلیه می‌کرد، از اقدامات تلافی‌جویانه چشم می‌پوشید و تعدادی از زندانیان فلسطینی را که مجموع آنها در آن زمان بالغ بر پنج هزار نفر می‌شد آزاد می‌کرد و این امکان را برای ساکنان نوار غزه و ساحل غربی رود اردن فراهم می‌آورد که بتوانند در کارخانجات و پروژه‌های ساختمانی اسرائیل کار کنند.

دومین مرحله که قرار بود تا پایان سال ۲۰۰۳ ادامه بیابد «استقرار یک دولت مستقل فلسطینی در مرزهای موقتی» بود. در همان حال می‌بایستی گفتگوهای با سوریه و لبنان و ایران صورت گیرد تا بین آنها و اسرائیل قرارداد صلح بسته شود. اسرائیل نیز باید ارتش خود را از برخی مناطق نوار غزه و ساحل غربی رود اردن بیرون می‌کشید.

سومین مرحله که پایانش برای سال ۲۰۰۵ پیش‌بینی شده بود، عبارت بود از تعیین مرزهای قطعی بین اسرائیل و فلسطین. در اینجا اما دو مشکل مهم وجود داشت: یکی چگونگی اداره شهر اورشلیم که هم اسرائیلی‌ها و هم فلسطینی‌ها ادعای مالکیت آن را دارند و دیگری مشکل بازگشت میلیون‌ها آواره فلسطینی که به اردن و سوریه و لبنان فرار کرده بودند. لیکن آنها را نه اسرائیلی‌ها می‌خواستند و نه فلسطینی‌ها! دولت اسرائیل آنها را نمی‌خواست (و نمی‌خواهد) به این دلیل که تناسب جمعیت را در کشور بر هم می‌زدند و دولت نوپا و ضعیف فلسطین نیز آنها را نمی‌خواست (و همچنان نمی‌خواهد) زیرا از پس تأمین آنها بر نمی‌آمد و در عین حال نمی‌توانست از بروز درگیری‌های احتمالی بین آنان و ساکنان دائمی فلسطین جلوگیری کند.

موانع همیشگی

دو طرف فلسطینی و اسرائیلی تا سال ۲۰۰۵ به بسیاری از این تعهدات عمل کردند و از سوی افراطیون و همچنین رژیم اسلامی ایران به شدت مورد تهدید قرار گرفتند. مهم‌ترین آنها از جانب اسرائیل و با مقاومت آریل شارون در برابر افراطیون یهودی انجام شد: عقب‌نشینی از نوار غزه و تخلیه شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق فلسطینی و جلوگیری از ایجاد دوباره آنها و همچنین آزادی صدها زندانی فلسطینی که اخبار مصورشان نیز شب و روز با شادی همراه با نگرانی از رسانه‌ها منتشر می‌شد. کافیتست به روزنامه‌های آن دوران مراجعه کرد.

اما پیشبرد «نقشه راه» و اساسا صلح بین اسرائیل و فلسطین همیشه با یک مانع اساسی روبرو بوده است: گروه‌های تروریستی فلسطینی و دولت‌های خارجی که از آنان پشتیبانی می‌کنند. این در حالیست که «توقف ترور» یکی از شروط پیشبرد این برنامه بود و واقعا نیز عملیات تروریستی برای مدتی متوقف شد و تک و توک

زمان اقدام فرا رسیده است: چرا و چگونه رضا پهلوی می‌تواند مسیر قانونی تداوم نظم مشروطه را از طریق حقوق بین‌الملل هموار کند



مشروع. فراندوم ۱۳۵۸ که جمهوری اسلامی بر اساس آن ادعای مشروعیت می‌کند، از منظر حقوق اساسی دارای دو نقص بنیادی است:

نخست اینکه این فراندوم هرگز فرآیند قانونی اصلاح یا الغای قانون اساسی ۱۲۸۵ را طی نکرد و پرسش آن درباره نوع حکومت بود، نه جایگزینی قانون اساسی. قانون اساسی ۱۲۸۵ هیچ فرآیند روشنی برای اصلاح خود تعریف نکرده بود که این یک نقص عمده بود، زیرا تدوین‌کنندگان آن از سوء استفاده احتمالی دولت می‌ترسیدند. این ابهام حقوقی بعداً توسط منتقدان رژیم پهلوی، به ویژه آیت‌الله خمینی، برای استدلال علیه قانونی بودن خود اصلاحات ۱۳۰۴ و ۱۳۲۸ استفاده شد، اما پارادوکس این است که حتی اگر این انتقادات را بپذیریم، نتیجه‌اش این نیست که انقلاب ۱۳۵۷ قانونی بوده است.

دوم اینکه از منظر حقوق بین‌الملل نیز این تمایز اهمیت دارد که یک انقلاب یا کودتا جانشینی دولت محسوب نمی‌شود، بلکه تغییر حکومت است. در حالی که اشغال نظامی توسط قدرت خارجی، شرط کنترل سرزمینی برای شناسایی را تعلیق می‌کند، یک انقلاب داخلی مستلزم ارزیابی مجدد هویت و مشروعیت دولت است. بنابراین، از دیدگاه «دژوره»، جمهوری اسلامی یک غاصب است، در حالی که ادعای پهلوی به عنوان تنها جانشین قانون اساسی باقی می‌ماند.

حقوق بین‌الملل میان حکومت «دژوره» (رسمیت قانونی) و «دفاکتو» (رسمیت عملی) تمایز قائل است که برای درک موقعیت فعلی ایران حیاتی است. حکومت «دژوره» دارای حق قانونی بر حاکمیت است، حتی بدون کنترل سرزمینی، در حالی که حکومت «دفاکتو» دارای قدرت از طریق کنترل مؤثر است، صرف نظر از قانونیت. در ایران امروز، جمهوری اسلامی حکومت دفاکتو است که قدرت را از طریق

به اختیار ملموس، همه اینها گام به گام و بدون درگیری.

بخش اول: بنیادهای حقوقی؛ تداوم قانون اساسی در برابر تصرف انقلابی

برای درک چرایی اقدام، ابتدا باید به چیستی مشروعیت حقوقی پرداخت. ادعای پهلوی بر سه ستون استوار است که در مجموع، زنجیره‌ای پیوسته از مشروعیت قانون اساسی را شکل می‌دهند:

ستون نخست قانون اساسی ۱۲۸۵ و انقلاب مشروطه است که با اعلامیه سلطنتی تأسیس شد و چارچوب حکومت مبتنی بر قانون و حقوق مدنی را بنیان نهاد. این سند با الهام از مدل‌های اروپایی مانند بلژیک، سلطنت مشروطه و پارلمان را نهادینه کرد و حتی کرسی‌های محفوظ پارلمانی برای اقلیت‌های مذهبی از جمله یهودیان، ارمنه و زرتشتیان پیش‌بینی نمود. این قانون اساسی هرگز از طریق فرآیند قانونی لغو نشد.

ستون دوم قانون مصوب مجلس در ۱۳۰۴ است که سلسله پهلوی را نه از طریق کودتا یا اعلام یکجانبه، بلکه از طریق تصویب رسمی مجلس شورای ملی تأسیس کرد. این مجلس قانون اساسی ۱۲۸۵ را اصلاح کرد و سلسله قاجار را با سلسله پهلوی جایگزین نمود. این اقدام پارلمانی، ادعای پهلوی را از منظر حقوق اساسی متمایز و قابل دفاع می‌کند زیرا نشان می‌دهد که حاکمیت از طریق فرآیندهای قانونی و تصویب نمایندگان مردم منتقل شد.

ستون سوم تعیین رسمی ولیعهد است که در آن رضا پهلوی در ۱۳۴۶، همزمان با تاجگذاری پدرش، بطور رسمی به عنوان ولیعهد تعیین شد، و اصلاحیه قانون اساسی ۱۳۰۴ قبلاً اصول جانشینی سلسله پهلوی را تثبیت کرده بود.

نکته محوری در این تحلیل حقوقی این است که انقلاب ۱۳۵۷ یک سرنگونی فراقانونی بود، نه یک فرآیند قانونی

● **جمهوری اسلامی حکومتی «دفاکتو»** (با رسمیت عملی) است. در حالی که ادعای دژوره (رسمیت قانونی) از سوی رضا پهلوی به وی جایگاهی منحصر به فرد می‌بخشد، او تنها چهره اپوزیسیون است که مشروعیت مبتنی بر قانون و حقوق اساسی دارد. با این ادعا او دیگر صرفاً یک مخالف نیست، بلکه وارث قانونی حکومت ایران است. این تمایز حیاتی است. در میان ده‌ها گروه و شخصیت اپوزیسیون، او تنها کسی است که می‌تواند ادعای حقوقی رسمی بر حکومت داشته باشد.

● **این ادعا به سؤال «چرا شما باید رهبری کنید؟» پاسخی مبتنی بر حقوق اساسی می‌دهد، نه بر اساس شخصیت یا مسابقه محبوبیت.** در جنبشی که اغلب از تفرقه و رقابت‌های داخلی رنج می‌برد، ادعای دژوره اقتدار متحدکننده‌ای ایجاد می‌کند که بر پایه قانون استوار است و نه بر ادعاهای سیاسی.

● **چارچوب اخلاقی که این ادعا فراهم می‌آورد نیز قدرتمند است.** مبارزه دیگر انقلاب علیه انقلاب نیست، بلکه بازگرداندن نظم حقوقی مشروطه در برابر اشغال است. جمهوری اسلامی به عنوان غاصب غیرقانونی معرفی می‌شود، نه به عنوان یک دولت جانشین و مشروع. اینهمه، روایت ۴۶ سال فرض مشروعیت را معکوس می‌کند و روایت واقعی و حقیقی را در برابر چشم همه قرار می‌دهد.

● **این ادعا، رضا پهلوی را در جایگاهی بی‌نظیر قرار می‌دهد.** او تنها شخصی است که می‌تواند از طریق حقوق بین‌الملل، رژیم را به چالش بکشد. و این به تنهایی ارزش پیگیری دارد.

آنچه می‌خوانید یک مقاله پژوهشی و حقوقی است که توسط «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) تهیه و در اختیار کیهان لندن قرار داده شده تا در بخش «دیدگاه» که محل بازتاب نظرات مختلف و متفاوت است، منتشر شود.

مقدمه: در آستانه یک فرصت تاریخی

چهل و شش سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، ایران در تقاطع حساسی قرار دارد. رژیمی که از طریق ساز و کارهای فراقانونی به قدرت رسید، نه تنها توانایی پاسخگویی به خواست‌های مردمی را از دست داده، بلکه از منظر حقوق اساسی، هرگز مشروعیت قانونی کسب نکرده است. در این برهه، پرسش محوری این است: چه کسی می‌تواند ادعای قانونی معتبر به نمایندگی از کشور ایران داشته باشد، و چگونه این ادعا می‌تواند از یک استدلال حقوقی صرف به ظرفیت عملی برای تغییر تبدیل شود؟

این مقاله با اتکا به تحلیل‌های حقوقی مستند و طرح‌های استراتژیک عملی، استدلال می‌کند که رضا پهلوی، ولیعهد ایران بر اساس قانون اساسی مشروطه، نه تنها قوی‌ترین ادعای «دژوره» به تداوم حاکمیت قانونی ایران را دارد، بلکه می‌تواند و باید این مشروعیت حقوقی را از طریق یک استراتژی دموکراتیک، فراگیر و منضبط بین‌المللی به اهرم عملی تبدیل کند. این استراتژی سه هدف اصلی دارد که به صورت همزمان و هماهنگ دنبال می‌شوند: بازگرداندن نظم حقوقی مشروطه، فراهم‌آوردن چارچوب انتقالی برای جمع‌آوری اپوزیسیون گسترده، و ترجمه مشروعیت اخلاقی

شورای قانون اساسی متشکل از حقوقدانان برجسته، محققان قانون اساسی و مقامات سابق که مسئول چارچوب حقوقی و نظارت هستند.

نخست‌وزیر در تبعید به عنوان شخصیت شناخته‌شده با توانایی رهبری، شناخت بین‌المللی و تعهد به دموکراسی پارلمانی در چارچوب سلطنت مشروطه. وزارتخانه‌های قانون اساسی برای امور خارجه، دادگستری، دارایی و دفاع که چارچوب نهادی لازم برای انتقال نهایی حکومت را ایجاد می‌کنند.

همه این نهادها با شفافیت کامل عمل می‌کنند که شامل انتشار صورت‌جلسات، شفافیت بودجه و افشای اجباری تضاد منافع است، چون جدیت نهادی، همدلی اخلاقی را به اعتبار کشورداری تبدیل می‌کند.

مسیر سوم، اولویت‌بندی عرصه‌های حقوقی قابل برد است که در آن از پرونده‌های پرخطر و پیچیده مانند ذخایر بانک مرکزی که با موانع مصونیت حاکمیتی و دکترین عمل دولت روبرو می‌شوند، اجتناب می‌شود. بجای آن، تمرکز بر بازیابی اموال فرهنگی با مستندات روشن منشأ، دعوی مالکیت املاک دیپلماتیک رهاشده و موارد قراردادی علیه بنگاه‌های دولتی است که در آنها واقعیات و محل به نفع پرونده است. هر پیروزی کوچک، سابقه ایجاد می‌کند و روایت را شکل می‌دهد.

مسیر چهارم، دیپلماسی مرحله‌ای است که پیگیری پذیرش تدریجی را در چهار فاز دنبال می‌کند:

فاز نخست که یک تا شش ماه طول می‌کشد، بر سلطنت‌های مشروطه مانند بریتانیا، هلند، سوئد، بلژیک و دانمارک تمرکز دارد با تأکید بر حقوق اساسی و درک سلطنتی. **فاز دوم** که سه تا نه ماه است، دموکراسی‌های حاکمیت قانون مانند کانادا، استرالیا، آلمان، فرانسه و سوئیس را هدف می‌گیرد با تأکید بر سوابق حقوقی و تعامل دانشگاهی.

فاز سوم که شش تا دوازده ماه طول می‌کشد، کشورهای با جمعیت بزرگ دیاسپورا مانند ایالات متحده و کشورهای مختلف اتحادیه اروپا را شامل می‌شود با بسیج جوامع ایرانی برای فشار سیاسی داخلی.

فاز چهارم که نه تا پانزده ماه است، شرکای منطقه‌ای دموکراتیک را هدف می‌گیرد با همسویی منافع استراتژیک و همکاری امنیتی.

در هر فاز، هدف نه شناسایی کامل، بلکه قدم‌های میانی است شامل قطعنامه‌های پارلمانی، دیدارهای سطح معاون وزیر، وضعیت ناظر در کنفرانس‌ها و تفاهم‌نامه‌های عملکردی محدود.

مسیر پنجم، زمانبندی راهبردی است که اقدامات نهادی، پرونده‌های حقوقی و فشارهای دیپلماتیک را با جزر و مد‌های سیاسی هماهنگ می‌کند، یعنی زمانی که موج‌های اعتراضی، عدم اطمینان جانشینی در رژیم یا نقاط عطف تحریم‌ها رخ می‌دهند و هزینه تعامل با اختیار جایگزین برای پایتخت‌های خارجی کمترین است.

بخش چهارم: پاسخ به انتقادات و دغدغه‌های واقعی
منتقدان چندین نگرانی مشروع را مطرح می‌کنند که باید با صداقت پاسخ داده شوند.

انتقاد نخست این است که آیا شناسایی بین‌المللی واقع‌بینانه است، چون رویه مدرن بین‌المللی بر کنترل مؤثر تأکید دارد، نه مشروعیت حقوقی. این نگرانی معتبر است، اما ناقص، زیرا درست است که کنترل مؤثر مهم است، اما حقوق و سیاست در تعامل‌اند. یک اختیار انتقالی منظم می‌تواند اثربخشی را در خارج جمع کند از طریق خدمات به دیاسپورا، مقالات سیاسی برای قانونگذاران،

هدفمند مورد چالش قرار گیرند. موفقیت حتی در بخشی از این پرونده‌ها، هم منابع قابل‌توجهی برای فعالیت‌های بازگشت فراهم می‌کند و هم سابقه حقوقی مهمی درباره مشروعیت حکومتی ایجاد می‌کند.

دومین کاربرد، اعتراض به نمایندگی در حوزه‌های محدود است که شامل میراث فرهنگی، حمایت کنسولی از افراد بی‌تابعیت و اعتبارسنجی مدارک تحصیلی می‌شود. در این حوزه‌ها می‌توان نمایندگی انحصاری رژیم را به چالش کشید و هر پیروزی کوچک، رویه‌شناسی می‌سازد که انحصار رژیم بر نمایندگی «ایران» را فرسایش می‌دهد.

سومین کاربرد، سازماندهی انتقال است که در آن چارچوب قانون اساسی، نقشه راه روشنی برای انتقال فراهم می‌کند شامل نقش شاه مشروطه، فرآیند تعیین دولت موقت، جدول زمانی انتخابات پارلمانی و چارچوب بازنگری قانون اساسی.

ستون دوم استراتژی، هسته اخلاقی است که شاید مهم‌ترین بخش این طرح باشد. اینجاست که بسیاری از سلطنت‌طلبان سنتی دچار اشتباه می‌شوند زیرا مشروعیت امروزی نه تنها حقوقی است، بلکه اخلاقی و دموکراتیک نیز هست. راه حل این است که ولیعهد را نه به عنوان مدعی تاج و تخت، بلکه به عنوان امین انتقال قانون اساسی معرفی کرد. این به معنای تعهد علنی، غیرقابل بازگشت و از پیش اعلام‌شده به سه اصل است که باید هسته هر اعلامیه و اقدام عمومی قرار گیرند:

اصل نخست، اختیار انتقالی محدود به زمان است که به صورت صریح اعلام می‌کند نقش شاه در دوره انتقال موقت و محدود است و نه بازگشت به قدرت مطلقه و نه حکومت فردی مد نظر نیست.

اصل دوم، تضمین برگزاری انتخابات آزاد و نظارت‌شده بین‌المللی برای تشکیل مجلس است که باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از بازگشت نظم اجرا شود.

اصل سوم و مهم‌تر از همه، تعهد قاطع به برگزاری یک رفراندوم ملی آزاد و منصفانه است که پس از برقراری آزادی سیاسی، مردم خود تصمیم بگیرند که سلطنت مشروطه را ترجیح می‌دهند یا جمهوری را. این رویکرد، روایت قطبی‌شده بازگرداندن سلطنت را به میثاق مدنی قابل‌پذیرش تبدیل می‌کند و پیام روشنی ارسال می‌کند که ابتدا حاکمیت قانون و حاکمیت مردم را بازمی‌گردانیم، سپس می‌گذاریم مردم شکل نهادهی را انتخاب کنند.

این فرمول پاسخ مستقیم به منتقدانی است که می‌گویند پهلوی قطبی‌سازنده است و درواقع این فناوری ائتلافی است که به جمهوریخواهان اجازه می‌دهد از انتقال حمایت کنند بدون آنکه وضعیت نهایی را واگذار کنند، و در عین حال به سلطنت‌طلبان اجازه می‌دهد تداوم و نمادها را حفظ کنند. **ستون سوم راهبرد، هسته عملی است** که شناسایی بین‌المللی را از ظرفیت معتبر می‌داند، یعنی سازماندهی، ارائه خدمات و پاسخگویی، نه لفاظی. این بخش پنج مسیر موازی را تعریف می‌کند که باید همزمان پیگیری شوند:

مسیر نخست، صدور یک اعلامیه قانون اساسی مختصر و دقیق است که تداوم دژوره را اظهار می‌کند، سه تعهد دموکراتیک را به‌صورت غیرقابل برگشت کدگذاری می‌کند، جدول زمانی روشن برای انتخابات و رفراندوم ارائه می‌دهد و تضمین‌های حقوق بشری، حمایت از اقلیت‌ها و محدودیت‌های اختیارات موقت را مشخص می‌کند. این اعلامیه قرارداد با ملت و جهان است و ترس‌ها از عقبگرد اقتدارگرایی را پیشدستانه خنثی می‌کند.

مسیر دوم، ساخت نهادهایی است که در فضای باز کار می‌کنند و شامل تشکیل سه نهاد اصلی است:

➔ ابزار غیر قانون اساسی به دست آورده و کنترل مؤثر دارد، در حالی که سلسله پهلوی ادعای دژوره دارد و نمایندگی از چارچوب قانون اساسی که هرگز بطور قانونی لغو نشده است. این تمایز بنیاد حقوقی برای چالش‌های قانونی، امکان جستجوی شناسایی بین‌المللی و پشتیبانی برای بازگشت فراهم می‌کند.

ادعای پهلوی با سوابق تاریخی موفق نیز همسو است. در طول جنگ جهانی اول، حکومت‌های در تبعید بلژیک، صربستان و مونتنگرو شناسایی بین‌المللی را حفظ کردند. هایلره سلاسی اتیوپی پس از اشغال ایتالیا به عنوان حاکم دژوره شناخته شد. در جنگ جهانی دوم، دولت‌های در تبعید متعددی از لهستان تا هلند تا یوگسلاوی به رسمیت شناخته شدند و نقش مهمی در سیاست بین‌المللی ایفا کردند. نکته مهم این است که این سوابق عمدتاً در مورد سلطنت‌های مشروطه است، که به ادعای پهلوی وزن حقوقی بیشتری می‌دهد نسبت به بدیل‌های جمهوریخواه که فاقد تداوم با دولت پیش از انقلاب هستند.

بخش دوم: چرا اکنون؟ پنجره فرصت محدود است

شرایط کنونی برای اقدام قاطع غیرمعمول است. رژیم جمهوری اسلامی با چندین بحران همزمان روبروست که فرصتی بی‌سابقه برای بازیگران جایگزین ایجاد کرده است. در داخل، موج‌های اعتراضی پس از ۱۴۰۱ نشان دادند که شکاف میان رژیم و نسل جوان به نقطه بازگشت‌ناپذیری رسیده است. شعارهایی مانند «نه شاه می‌خوایم، نه رهبر» گواه تشنگی برای تغییر بنیادین است، اما همزمان نشان می‌دهد که مردم نه به دنبال جایگزینی یک اقتدار با اقتدار دیگر، بلکه به دنبال بازگشت به حاکمیت قانون و دموکراسی هستند.

در منطقه، ضعف رژیم در مدیریت بحران‌های اقتصادی، فشارهای تحریمی و محدودیت‌های دیپلماتیک، فضا برای بازیگران جایگزین باز کرده است. در عرصه بین‌المللی، نارضایتی فزاینده از رفتار رژیم از برنامه هسته‌ای تا حمایت از پروکسی‌ها، پایتخت‌های غربی را به جستجوی بدیل‌های معتبر سوق داده است. اما این پنجره محدود است و هر چقدر رژیم بماند، ساختارهای غیررسمی قدرت عمیق‌تر می‌شوند و گذار سخت‌تر می‌شود. اینجاست که فوریت ایجاد می‌کند که اقدام اکنون آغاز شود.

یکی از بزرگترین تهدیدها برای گذار موفق، تکه‌تکه شدن اپوزیسیون است. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهند که در حالی که اکثریت قاطع ایرانیان با جمهوری اسلامی مخالف و حامی دموکراسی هستند، ترجیحات درباره شکل حکومت متنوع است. **رضا پهلوی محبوب‌ترین چهره اپوزیسیون است**، اما این به معنای توافق همگانی نیست. چالش این است که چگونه می‌توان این طیف متنوع را زیر یک چتر واحد جمع کرد بدون اینکه به یکی از جناح‌ها تحمیل شود.

بخش سوم: استراتژی سه‌گانه قانون، اخلاق و عمل

استراتژی پیشنهادی بر سه ستون استوار است که باید به صورت هم‌زمان و هماهنگ پیگیری شوند.

ستون نخست هسته حقوقی است که در آن قانونیت به عنوان اهرم استفاده می‌شود، نه چوب جادو. ادعای دژوره سه کاربرد عملی دارد که می‌تواند به قدرت واقعی تبدیل شود:

نخست، حمایت از دارایی‌ها که در آن میلیاردها دلار دارایی دولت ایران در کشورهای مختلف شامل ذخایر بانک مرکزی، املاک سفارت‌خانه‌ها، اموال فرهنگی و دارایی‌های شرکت نفت ملی می‌توانند از طریق پرونده‌های حقوقی

➡ **رژیم‌های ضدفساد** برای وجوه اهدایی و حمایت کنسولی برای قربانیان بی‌تابیت. این یک حلقه بازخورد ایجاد می‌کند که در آن ظرفیت، دسترسی می‌آورد و دسترسی، ظرفیت بیشتر می‌سازد. علاوه بر این، سابقه تاریخی نشان می‌دهد که وزارتخانه‌های خارجه زمانی که با مذاکره‌کننده حرفه‌ای و مقید به قواعد روبرو شوند، از طریق دیدارهای رسمی، همکاری آرام و دسترسی محدود به تسهیلات، پوشش ریسک می‌دهند.

انتقاد دوم این است که آیا این اپوزیسیون را پراکنده نمی‌کند؟ چون برخی استدلال می‌کنند که تأکید بر ادعای سلطنت، جمهوریخواهان را دور و تکه‌تکه‌شدن را تشدید می‌کند. این نگرانی تنها در صورتی صحیح است که طرح به صورت جمع‌صفر تعریف شود، در حالی که مدل امانتداری قانون اساسی که رفراendum را تضمین می‌کند، دمای ایدئولوژیک را کاهش می‌دهد و به جمهوریخواهان اجازه می‌دهد از انتقال حمایت کنند بدون اینکه شکل نهایی را واگذار کنند، در حالی که سلطنت‌طلبان تداوم و نمادها را حفظ می‌کنند. واقعیت این است که تکه‌تکه‌شدن بزرگترین خطری است که باید با آن مقابله کرد و مدل امانتداری، فناوری ائتلافی برای شکست آن است، زیرا بدون چارچوب واحد، اپوزیسیون به دسته‌های رقیب تقسیم می‌شود که هیچکدام توان تغییر ندارند.

انتقاد سوم درباره این است که آیا این به نفع رژیم نیست که بگوید اپوزیسیون خارجی است، چون برخی معتقدند که حمایت غربی از ادعای پهلوی، به روایت رژیم درباره توطئه خارجی اعتبار می‌بخشد. این نگرانی جدی است اما می‌توان آن را مدیریت کرد و کلید، شفافیت کامل درباره منابع مالی، استقلال تصمیم‌گیری و پایبندی به ارزش‌های ایرانی است. هر پشتیبانی خارجی باید به‌وضوح به عنوان حمایت از حق خودمختاری ایرانیان تعریف شود، نه تحمیل راه حل، و علاوه بر این، رژیم این روایت را بدون توجه به واقعیت تبلیغ می‌کند، بنابراین نادیده گرفتن فرصت‌های استراتژیک به دلیل ترس از تبلیغات رژیم، به رژیم امتیاز اضافی می‌دهد.

انتقاد چهارم درباره میراث سلطنت پهلوی است که برخی به نقض حقوق بشر و خفقان سیاسی در دوره پهلوی اشاره می‌کنند. این بحث تاریخی مشروع است و باید با صداقت پاسخ داده شود، اما راه حل این نیست که میراث را انکار کنیم. باید به رسمیت بشناسیم که هیچیک از ادعاها بی‌عیب نیست و تأکید کنیم که هدف نه بازگشت به ۱۳۵۷، بلکه بازگشت به اصول قانون اساسی ۱۲۸۵ است یعنی دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق مدنی، و همچنین تعهد قاطع به اینکه هرگونه بازنگری در قانون اساسی باید ضمانت‌های مدرن حقوق بشر، حمایت از اقلیت‌ها و محدودیت قدرت اجرایی را تقویت کند.

بخش پنجم: اقدامات مشخص؛ نقشه راه یکصد و بیست‌روزه
برای تبدیل تئوری به عمل، شش اقدام فوری در یکصد و بیست روز در آینده پیشنهاد می‌شود که باید با دقت و هماهنگی اجرا شوند:

اقدام نخست صدور اعلامیه قانون اساسی است که باید در سی روز نخست تدوین و منتشر شود و وضعیت دژوره ولعهد را اعلام کند، سه تعهد دموکراتیک را تضمین کند، نقشه راه انتقال با نقاط عطف و ضرب‌الاجل‌ها ارائه دهد و مستندات حقوقی کامل شامل متن قانون اساسی، مصوبات مجلس و اسناد جانشینی را پیوست کند.

اقدام دوم تشکیل نهادهای انتقالی است که از روز سی تا نود باید انجام شود و شامل تشکیل شورای قانون اساسی

به نه تا پانزده عضو از حقوقدانان، محققان و مقامات سابق، انتخاب و اعلام نخست‌وزیر در تبعید و تشکیل چهار وزارتخانه اصلی با انتشار منشور و قواعد اخلاقی است.

اقدام سوم آغاز پرونده‌های حقوقی هدفمند است که از روز شصت تا یکصد و بیست باید شامل بازپایی یک قطعه مهم اموال فرهنگی، دعوی مالکیت یک ملک دیپلماتیک رهاشده و یک موضوع قراردادی علیه یک بنگاه دولتی باشد.

اقدام چهارم راه‌اندازی دیپلماسی فاز نخست است که از روز اول تا روز یکصد و بیستم باید شامل توجیهات برای وزارتخانه‌های امور خارجه سلطنت‌های مشروطه، ارائه در کمیته‌های پارلمانی مانند کنگره آمریکا و پارلمان اروپا، سمپوزیوم‌های دانشگاهی با حقوقدانان برجسته و جستجوی قطعنامه‌های غادین و دعوت‌نامه‌های ناظر باشد.

اقدام پنجم افتتاح خدمات به دیاسپورا است که از روز نود تا یکصد و بیستم باید شامل کلینیک‌های مشاوره حقوقی برای ایرانیان در خارج، خدمات مستندسازی و اعتبارسنجی مدارک و پشتیبانی از کسب و کارها و متخصصان ایرانی باشد.

اقدام ششم توسعه رسانه و ارتباطات است که از روز اول تا یکصد و بیستم باید شامل انتشار مستندهای تلویزیونی درباره مشروعیت این قانون اساسی، مقالات در نشریات معتبر، کنفرانس‌های دانشگاهی درباره سوابق حقوقی بین‌المللی و کمپین‌های رسانه اجتماعی با پیام‌رسانی هدفمند باشد که همگی برای ایجاد فضای عمومی حامی و آگاه ضروری است.

ارزش استراتژیک ادعای «دژوره» برای رضا پهلوی
ادعای دژوره، فراتر از نتیجه حقوقی آن، ارزش استراتژیک بی‌نظیری دارد. این ادعا موقعیت سیاسی رضا پهلوی را بطور بنیادین تغییر می‌دهد و او را از یک رهبر اپوزیسیون معمولی به وارث قانونی حکومت ایران تبدیل می‌کند.

ادعای دژوره (رسمیت قانونی) به رضا پهلوی جایگاهی منحصر به فرد می‌بخشد. او تنها چهره اپوزیسیون است که مشروعیت مبتنی بر قانون و حقوق اساسی دارد. او دیگر صرفاً یک مخالف نیست، بلکه وارث قانونی حکومت ایران است. این تمایز حیاتی است. در میان ده‌ها گروه و شخصیت اپوزیسیون، او تنها کسی است که می‌تواند ادعای حقوقی رسمی بر حکومت داشته باشد.

این ادعا به سؤال «چرا شما باید رهبری کنید؟» پاسخی مبتنی بر حقوق اساسی می‌دهد، نه بر اساس شخصیت یا مسابقه محبوبیت. در جنبشی که اغلب از تفرقه و رقابت‌های داخلی رنج می‌برد، ادعای دژوره اقتدار متحدکننده‌ای ایجاد می‌کند که بر پایه قانون استوار است و نه بر ادعاها سیاسی.

چارچوب اخلاقی که این ادعا فراهم می‌آورد نیز قدرتمند است. مبارزه دیگر انقلاب علیه انقلاب نیست، بلکه بازگرداندن نظم حقوقی مشروطه در برابر اشغال است. جمهوری اسلامی به عنوان غاصب غیرقانونی معرفی می‌شود، نه به عنوان یک دولت جانشین و مشروع. اینهمه، روایت ۴۶ سال فرض مشروعیت را معکوس می‌کند و روایت واقعی و حقیقی را در برابر چشم همه قرار می‌دهد.

برای دولت‌های خارجی، ادعای دژوره یک اتکای حقوقی برای برقراری ارتباط فراهم می‌کند بدون اینکه مجبور باشند یک گروه به اصطلاح «شورش» را به رسمیت بشناسند. می‌توانند با رضا پهلوی به عنوان نماینده نظم حقوقی مشروع پیشین ایران ارتباط برقرار کنند. این از نظر دیپلماتیک تفاوت قابل توجهی ایجاد می‌کند.

برای ایرانیانی که از هرج و مرج خسته شده‌اند، ادعای دژوره تداوم نظم حقوقی مشروطه (دموکراسی، حاکمیت

قانون و حقوق مدنی) را ارائه می‌دهد و نه یک گذار نامطمئن به آینده‌ای مبهم. این اطمینان حقوقی در جامعه‌ای که دهه‌ها بی‌ثباتی را تجربه کرده، ارزشمند است. کنترل روایت نیز اهمیت دارد. ادعای دژوره موقعیت رضا پهلوی را از «رهبر اپوزیسیونی که امیدوار به تغییر است» به «حاکم قانونی در انتظار بازگشت به میهن» تبدیل می‌کند. این یک تفاوت بنیادین در موقعیت سیاسی است.

نکته مهم این است که این ادعا نیازی نیست در دیوان بین‌المللی دادگستری پیروز شود تا موفق باشد. فقط باید به اندازه کافی معتبر باشد که درک را تغییر دهد و فضای سیاسی ایجاد کند. ارزش آن در تأثیر سیاسی و اخلاقی است که ایجاد می‌کند و نه لزوماً در رأی دادگاه‌ها.

حتی اگر هیچ دادگاهی هرگز در مورد آن حکم ندهد، صرف مطرح کردن این ادعا، رضا پهلوی را در جایگاهی بی‌نظیر قرار می‌دهد. او تنها شخصی است که می‌تواند از طریق حقوق بین‌الملل، رژیم را به چالش بکشد. این به تنهایی ارزش پیگیری دارد.

نتیجه‌گیری: مسیر پیش‌رو؛ امید واقع‌گرایانه برای تغییر قانونی
چهل و شش سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، ایران در یک تقاطع تاریخی قرار دارد که فرصتی بی‌سابقه برای تداوم نظم قانونی مشروطه (دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق مدنی) فراهم آورده است. رژیم که از طریق ساز و کارهای فراقانونی قدرت را تصاحب کرده، نه تنها از منظر عملکرد شکست خورده، بلکه از منظر حقوق اساسی هرگز مشروعیت قانونی نداشته است. در این شرایط، رضا پهلوی، ولعهد ایران بر اساس قانون اساسی مشروطه، موقعیت منحصر به فردی دارد که نه تنها قوی‌ترین ادعای دژوره به تداوم حاکمیت قانونی ایران را در اختیار دارد، بلکه می‌تواند و باید این مشروعیت حقوقی را به ظرفیت عملی تبدیل کند.

این مقاله یک استراتژی سه‌بعدی ارائه کرده است که: **بعد حقوقی** آن از ادعای قانون اساسی به عنوان اهرم برای اقدامات حقوقی، اعتراض به ناپندگی و سازماندهی انتقال استفاده می‌کند.

بعد اخلاقی نقش ولعهد را به عنوان امین انتقال دموکراتیک بازتعریف می‌کند، نه مدعی قدرت شخصی، با تعهد قاطع به انتخابات آزاد و رفراendum ملی.

بعد عملی نیز ظرفیت‌سازی مرحله‌ای را از طریق نهادهای شفاف، پرونده‌های حقوقی قابل برد و دیپلماسی تدریجی دنبال می‌کند.

این مسیر نه آسان است و نه تضمین‌شده، اما مهم‌ترین نکته این است که این تنها مسیر قانونی، دموکراتیک و واقع‌گرایانه است که می‌تواند اپوزیسیون پراکنده را تحت یک چتر واحد جمع کند، از تکرار خشونت و بی‌ثباتی جلوگیری کند، مشروعیت بین‌المللی کسب کند و به حاکمیت مردم احترام بگذارد. ادعای حقوقی اسکلت است، طراحی دموکراتیک فراگیر قلب است و ظرفیت‌سازی مرحله‌ای عضله‌ای است که پروژه را از کاغذ به قدرت حرکت می‌دهد. زمان اقدام فرارسیده است و پنجره فرصت محدود است.

با یک استراتژی درست، می‌توان این لحظه تاریخی را به آغاز یک انتقال مسالمت‌آمیز، قانونی و دموکراتیک تبدیل کرد که حاکمیت را به مردم ایران بازمی‌گرداند و آنان را قادر می‌سازد که خود درباره آینده‌شان تصمیم بگیرند. این نه تحمیل سلسله است، بلکه ترمیم کمان شکسته‌ی محتوای قانون اساسی و راهبری انتقال مبتنی بر قواعد است که حاکمیت را به مردم بازمی‌گرداند و به آنها اجازه می‌دهد که در یک فضای آزاد و دموکراتیک، آینده خود را تعیین کنند.

نوع طرح صلح غزه: نه درک مشترک از صلح پایدار بلکه تحمیل صلح به دشمنی که شکست خورده است



بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ/ کاخ سفید/ واشنگتن دی سی/ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ / رویترز

نسل‌کشی‌گونه‌ی موجودیت اسرائیل بنا کرده است. در حالی که رهبرانش اکنون وانمود می‌کنند طرح را با «حسن نیت» بررسی می‌کنند، محور ردکننده مدت‌هاست که مواضع خود را آشکار کرده است. متحدانی همچون «جهاد اسلامی» این پیشنهاد را محکوم کرده‌اند و دست‌نشان‌دگان رژیم ایران آن را «توطئه» نامیده‌اند. طرح ترامپ از حماس می‌خواهد سلاح‌های خود را زمین بگذارد، از قدرت چشم‌پوشد و واقعیت همزیستی مسالمت‌آمیز را بپذیرد. برای حماس این یک مصالحه نیست؛ بلکه یک خودکشی است. رد کردن آن قطعی است، و همین قطعیت است که به طرح ارزش واقعی‌اش را می‌بخشد. [۱]

وقتی حماس «نه» بگوید، حامی اصلی‌اش، قطر، در موقعیتی غیرممکن قرار خواهد گرفت. قطر سال‌ها بازی دوگانه‌ای را پیش برد: در برابر غرب خود را به عنوان میانجی ضروری نشان می‌داد، در حالی که همزمان به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده مالی و پشتیبان ایدئولوژیک حماس و اخوان‌المسلمین جهانی عمل می‌کرد. اکنون که ائتلافی گسترده از وزیران خارجه عرب و مسلمانان بطور علنی از ابتکار آمریکا استقبال کرده‌اند، فشار بر قطر برای تحویل یک حماس مطیع بسیار شدید است. ناکامی قطر، تحقیر جهانی‌ای خواهد بود که ناتوانی و یا بی‌میلی آن را به کنترل دست‌نشان‌دانش آشکار می‌سازد.

*ترجمه و تنظیم از حسام وثوقی

[۱] به نظر می‌رسد این مسیر مشابه همان سیاستی است که با جمهوری اسلامی پیش برده می‌شود: دریافت پاسخ «نه» از حماس و جمهوری اسلامی در حالی که نه تنها غربی‌ها بلکه کشورهای عرب و منطقه نیز از این سیاست استقبال می‌کنند.

می‌تواند صلح پایدار را در منطقه تأمین کند: تحمیل صلح بر دشمن شکست خورده! این سیاست بر یک حقیقت ساده و تاریخی انکارناپذیر استوار است: زمانی که یک طرف دشمنی آشتمی‌ناپذیر و ایدئولوژیک است، مناقشات هرگز از طریق مذاکره یا مصالحه پایان‌نی‌یابند و صلح پایدار از درک مشترکی که وجود ندارد پدید می‌آید بلکه بر دشمن شکست‌خورده‌ای تحمیل می‌شود که اراده‌ی جنگیدن در او شکسته شده است.

مسیر تبدیل ژاپن و آلمان پس از جنگ جهانی دوم به دموکراسی‌های صلح‌جو نیز مستلزم تسلیم بی‌قید و شرط و دگرگونی اجتماعی آنان بود. این همان واقعیت ضروری و البته بی‌رحمی است که نسل‌کاملی از سیاستمداران غربی هرگز نخواست آن را بپذیرد.

در نگاه نخست، پیشنهاد ترامپ برای حماس پلی طلایی به سوی تسلیم به شمار می‌آید. او وعده‌ی آتش‌بس، تبادل کامل اسیران، عفو جنگجویانی که خلع سلاح شوند، و بازسازی بین‌المللی میلیاردلاری غزه را می‌دهد. این خروجی است از جنگی که حماس آغاز کرده و نمی‌تواند پیروز شود؛ جایگزینی به ظاهر جذاب برای نابودی خود حماس. برای ذهن غربی، که معتاد به این خیال است که همه‌ی مناقشات صرفاً سوء تفاهم‌هایی‌اند که با گفتگو حل می‌شوند، این پیشنهاد همان چیز است که حماس «می‌تواند رد کند».

لحظه‌ی شکست نهایی محور حماس- قطر

اما درست همین توهم به کشتار ۷ اکتبر ۲۰۲۳ انجامید. حماس یک کنشگر عقلانی با اهداف سیاسی قابل مذاکره نیست؛ بلکه یک فرقه‌ی مرگ‌طلب ایدئولوژیک است. جنبشی تمامیت‌خواه که تمام هویت خود را بر انکار

● گرگ زمان تحلیلگر آلمانی در مقاله‌ای می‌نویسد که محاسبه‌ی طرح صلح غزه که توسط دولت ترامپ ارائه شده و مورد استقبال کشورهای جهان و منطقه نیز قرار گرفته، در موفقیت احتمالی آن نیست، بلکه در شکست از پیش تعیین‌شده‌ی آن است.

● نبوغ واقعی طرح بیست ماده‌ای صلح در غزه نه در احتمال موفقیت، بلکه در شکست حتمی آن نهفته است. این طرح یک آزمون نهایی و روشن‌گر است که دشمنان اسرائیل را افشا می‌کند، حامیان آن را نشان می‌دهد و توجیه لازم را نیز برای تنها سیاستی فراهم می‌آورد که می‌تواند صلح پایدار را در منطقه تأمین کند: تحمیل صلح بر دشمن شکست‌خورده!

● زمانی که یک طرف دشمنی آشتمی‌ناپذیر و ایدئولوژیک است، مناقشات هرگز از طریق مذاکره یا مصالحه پایان‌نی‌یابند و صلح پایدار از درک مشترکی که وجود ندارد پدید می‌آید بلکه بر دشمن شکست‌خورده‌ای تحمیل می‌شود که اراده‌ی جنگیدن در او شکسته شده است.

● برای ذهن غربی، که معتاد به این خیال است که همه‌ی مناقشات صرفاً سوء تفاهم‌هایی‌اند که با گفتگو حل می‌شوند، این طرح صلح همان چیز است که حماس «می‌تواند رد کند». اما درست همین توهم به کشتار ۷ اکتبر ۲۰۲۳ انجامید!

● طرح ترامپ از حماس می‌خواهد سلاح‌های خود را زمین بگذارد، از قدرت چشم‌پوشد و واقعیت همزیستی مسالمت‌آمیز را بپذیرد. برای حماس این یک مصالحه نیست؛ بلکه یک خودکشی است. رد کردن آن قطعی است، و همین قطعیت است که به طرح ارزش واقعی‌اش را می‌بخشد.

● به نظر می‌رسد این مسیر مشابه همان سیاستی است که با جمهوری اسلامی پیش برده می‌شود: دریافت پاسخ «نه» از حماس و جمهوری اسلامی در حالی که نه تنها غربی‌ها بلکه کشورهای عرب و منطقه نیز از این سیاست استقبال می‌کنند.

گرگ زمان تحلیلگر آلمانی در مقاله‌ای می‌نویسد که محاسبه‌ی طرح صلح غزه که توسط دولت ترامپ ارائه شده و مورد استقبال کشورهای جهان و منطقه نیز قرار گرفته، در موفقیت احتمالی آن نیست، بلکه در شکست از پیش تعیین‌شده‌ی آن است. این یک آزمون نهایی و روشن‌گر است که دشمنان اسرائیل را نیز رسوا می‌کند.

طرح رئیس‌جمهور دونالد ترامپ برای پایان دادن به مناقشه‌ی غزه، یک پیشنهاد صلح نیست؛ بلکه اعلام جنگی است علیه خودفریبی استراتژیک. برای معماران انحطاط در واشنگتن و بروکسل، این طرح همچون پیشنهادی معقول از بازسازی، کمک و خودمختاری جلوه می‌کند. آنان در زمان شکست اما تأسف خواهند خورد چرا که نکته‌ی اصلی را کاملاً نادیده می‌گیرند. نبوغ واقعی طرح بیست ماده‌ای صلح در غزه نه در احتمال موفقیت، بلکه در شکست حتمی آن نهفته است. این طرح یک آزمون نهایی و روشن‌گر است که دشمنان اسرائیل را افشا می‌کند، حامیان آن را نشان می‌دهد و توجیه لازم را نیز برای تنها سیاستی فراهم می‌آورد که

وثیقه ۵۰ میلیارد تومانی برای آزادی موقت چهار متهم «پرونده اکباتان»



ردیف بالا از چپ به راست: میلاد آرمون، علیرضا کفایی، نوید نجاران / ردیف پایین از چپ به راست: امیرمحمد خوش‌اقبال، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک

به اطلاع خانواده‌ها نرسیده بود. این وکیل دادگستری افزوده بود که «با همکاری ریاست و شعبه مذکور مفاد رأی امروز، حضوری منعکس شد تا پدر مادرها از نگرانی بیرون بیایند و ابهامی باقی نماند.» او به ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری استناد کرده و گفته بود با توجه به تکمیل دو سال سقف بازداشت انتظار می‌رود که با پذیرش وثیقه، فک قرار بازداشت صورت گیرد و این افراد آزاد شوند. او تأکید کرده بود که «اکنون با پایان دوره حداکثر بازداشت، ادامه بازداشت موقت متهمان وجاهت قانونی ندارد.»

میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک شش جوان بیگناه متهم در پرونده معروف به «پرونده اکباتان» مربوط به اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ هستند که به اعدام محکوم شدند. در جریان اعتراضات چهارم آبان ۱۴۰۱ آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و با پرونده‌سازی شماری از شهردان در اکباتان را بازداشت کرد.

این پرونده ۱۴ متهم دارد که جدا از شش تن از آنها که به اعدام محکوم شده بودند، دیگر متهمان نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» به حبس محکوم شده‌اند.

یکی از نکات مهم درباره «پرونده اکباتان» تلاش نهادهای امنیتی و قضایی برای مخفی نگه داشتن ابعاد آن است بطوری که حتی نام همه متهمان این پرونده نیز مشخص نیست. از سوی دیگر بر اساس گزارش‌ها علیرضا برمرزپورناک از متهمان پرونده اصلاً در تصاویر مربوط به ضرب و جرح بسیجی کشته‌شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به عنوان متهم به قتل شناخته شده است!

متهم پرونده قرار وثیقه ۵۰ میلیاردی صادر کرده است. بر اساس این گزارش در حال حاضر حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال مشمول استفاده از حق آزادی موقت هستند اما برای هر یک از آنان قرار وثیقه ۵۰ میلیاردی صادر شده است.

گزارش «دادبان» تأکید کرده «این قرار با توجه به میزان بسیار بالای آن عملاً به معنی مخالفت دادگاه با آزادی این ۴ متهم است. چرا که تأمین چنین وثیقه‌ای کار راحتی نیست و در شرایط اقتصادی فعلی بسیار دشوار خواهد بود.»

به گزارش دادبان، صدور وثیقه‌های سنگین از سوی دادسرا در حالی است که «بنا بر ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قرارهای قضایی از جمله وثیقه باید مستدل و موجه و در تناسب کامل با نوع و اهمیت جرم انتسابی، شدت مجازات آن و همچنین سابقه متهم و جنسیت و وضعیت روحی و جسمانی او صادر شوند و صدور قرارهای غیر موجه و غیر قانونی برای مقام صادر کننده مجازات در پی دارد.»

این گزارش افزوده «با توجه به نقض حکم قصاص صادره علیه متهمان پرونده اکباتان توسط دیوان عالی کشور، دادگاه قانوناً موظف است قرار بازداشت صادره علیه آنها را به قرار وثیقه تبدیل کند.»

پیام درفشان وکیل پایه یک دادگستری و وکیل مدافع یکی از متهمان پرونده «بچه‌های اکباتان» هفته سوم شهریورماه از لغو حکم اعدام متهمان این پرونده در دیوان عالی کشور خبر داد.

پیام درفشان اعلام کرده بود «فرجام خواهی وکلای تمام متهمین مورد پذیرش واقع شد و پرونده به دلیل رفع ابهامات موجود با لغو احکام اعدام تمام متهمین جهت رفع نقص و ابهامات به دادگاه کیفری یک ارسال شده است.» به گفته درفشان، رأی دیوان عالی هفته گذشته به‌صورت سیستمی به وکلا ابلاغ شد، اما جزئیات آن تا روزهای اخیر

● «دادبان» گزارش داده حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال مشمول استفاده از حق آزادی موقت هستند اما برای هر یک از آنان قرار وثیقه ۵۰ میلیاردی صادر شده است.

● گزارش «دادبان» تأکید کرده «این قرار با توجه به میزان بسیار بالای آن عملاً به معنی مخالفت دادگاه با آزادی این ۴ متهم است. چرا که تأمین چنین وثیقه‌ای کار راحتی نیست و در شرایط اقتصادی فعلی بسیار دشوار خواهد بود.»

● پیام درفشان وکیل پایه یک دادگستری و وکیل مدافع یکی از متهمان پرونده «بچه‌های اکباتان» هفته سوم شهریورماه از لغو حکم اعدام متهمان این پرونده در دیوان عالی کشور خبر داد.

● در جریان اعتراضات چهارم آبان ۱۴۰۱ آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و با پرونده‌سازی شماری از شهردان در اکباتان را بازداشت کرد.

● این پرونده ۱۴ متهم دارد که جدا از شش تن از آنها که به اعدام محکوم شده بودند، دیگر متهمان نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» به حبس محکوم شده‌اند.

به گزارش «دادبان»، قوه قضاییه در آزادی موقت چهار متهم «پرونده اکباتان» با صدور قرار وثیقه سنگین ۵۰ میلیارد تومانی کارشکنی می‌کند

«دادبان» مرکز حقوقی مشاوره‌دهنده به زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه، گزارش داده شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران که پیشتر حکم قصاص شش متهم پرونده اکباتان تهران را صادر کرده بود، با وجود لغو احکام اعدام، برای آزادی چهار

دوران محمدرضا شاهی؛ شیروخورشید در خلیج فارس (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ارتش شاهنشاهی ایران با درایت محمدرضا شاه پهلوی و بهره از برنامه دفاع مشترک آمریکا پیوسته در حال نیرومندتر شدن بود.

۲۳ تا ۲۷ آذر ۱۳۳۷ رزمناوها و ناوچه‌های ارتش شاهنشاهی ایران به همراه سه ناو جنگی آمریکا مانوری مشترک در خلیج فارس برگزار کردند.

اما برخی جناح‌ها هنوز سقوط سوریه را فروپاشی محور منطقه‌ای خود می‌دانند. وی بر اهمیت مدیریت روابط با روسیه با هدف ثبات و حاکمیت در سوریه تأکید کرد و

تعیین‌کننده که اسد را سرنگون و وی را به قدرت رساند پرده برداشت. الشرع تأکید کرد که سیاست سوریه از آغاز مرحله انتقالی



گفت: «اگر اسیر گذشته بمانیم، نمی‌توانیم به جلو حرکت کنیم. روابط ما با مسکو باید با خونسردی و احترام به حاکمیت و اولویت منافع سوریه مدیریت شود.»

تلاش برای ترور اسد، نشان‌دهنده ناامنی از سوی اطرافیان رهبر برکنارشده سوریه است، آنهم در حالی که استقبال از سوریه‌ی پس از وی را نشان می‌دهد. این تحولات درواقع هم آشفته‌گی گذشته سوریه و هم روند شکننده امروز و آینده‌ی این کشور را منعکس می‌کند.

بر حفاظت از شهروندان و تأمین معیشت آنها استوار بوده و اصلاحات قضایی، توسعه آموزشی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی را ستون فقرات اقتصاد نوپای سوریه دانست و گفت: «بزرگترین سرمایه اقتصاد در ظرفیت انسانی نهفته است.»

در زمینه روابط بین‌الملل، الجولانی تمایز روشنی بین روابط با جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از سقوط اسد قائل شد. او گفت که فروپاشی رژیم نفوذ ایران در سوریه را کاهش داد و روابط دو جانبه سرد شد. او افزود: «ما نمی‌گوییم که با ایران قطع رابطه دائمی خواهیم داشت،

سوء قصد علیه بشار اسد در مسکو

● دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش داد، بشار اسد رئیس جمهوری پیشین این کشور، در روسیه مسموم شده است. عملیاتی که ظاهراً با هدف تحقیر دولت روسیه و متهم کردن آن به تلاش برای حذف وی طراحی شده بود.

● اسد از این سوء قصد جان سالم به در برده و سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر از بیمارستان مرخص شده است.

● یک منبع به دیده‌بان حقوق بشر سوریه گفت که دسترسی به اسد در طول بستری بودن به شدت محدود بود و تنها برادرش ماهر اسد و منصور عزام دبیرکل سابق امور ریاست جمهوری اجازه ملاقات با او را داشتند.

● تلاش برای ترور اسد، نشان‌دهنده ناامنی از سوی اطرافیان رهبر برکنارشده سوریه است، آنهم در حالی که استقبال از هیئت نظامی در مسکو، تداوم روشن در روابط دفاعی با سوریه‌ی پس از وی را نشان می‌دهد. این تحولات درواقع هم آشفته‌گی گذشته سوریه و هم روند شکننده امروز و آینده‌ی این کشور را منعکس می‌کند.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش داد، بشار اسد رئیس جمهوری پیشین این کشور، در روسیه مسموم شده است. عملیاتی که ظاهراً با هدف تحقیر دولت روسیه و متهم کردن آن به تلاش برای حذف وی طراحی شده بود.

اسد از این سوء قصد جان سالم به در برده و سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر از بیمارستان مرخص شده است.

یک منبع به دیده‌بان حقوق بشر سوریه گفت که دسترسی به اسد در طول بستری بودن به شدت محدود بود و تنها برادرش ماهر اسد و منصور عزام دبیرکل سابق امور ریاست جمهوری اجازه ملاقات با او را داشتند.

یک روز پس از انتشار خبر زنده ماندن اسد، هیئتی رسمی از وزارت دفاع سوریه به ریاست علی عباس رئیس ستاد ارتش سوریه وارد مسکو شد و توسط یونس‌یک یفکوروو معاون وزیر دفاع روسیه مورد استقبال قرار گرفت. وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف این دیدار تقویت مکانیسم‌های همکاری و هماهنگی نظامی بین دو کشور است. این وزارتخانه تأکید کرد که مذاکرات با هدف تقویت روابط دفاعی در پرتو تحولات سیاسی اخیر در سوریه و فروپاشی رژیم اسد انجام می‌شود. ناظران گفته‌اند که این اقدام بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای بازسازی چارچوب همکاری‌های دفاعی بین دمشق و مسکو است و اطمینان می‌دهد که حضور روسیه در پایگاه‌های نظامی سوریه و نقش آن در ترتیبات امنیت منطقه‌ای همچنان مرکزی باقی بماند. تحلیلگران این دیدار را تلاشی برای رسمی کردن برنامه‌های جدید همکاری نظامی، گسترش هماهنگی عملیاتی مشترک و احیای چارچوب‌های نظامی موجود مطابق با واقعیت سیاسی و حکومت جدید در سوریه توصیف کردند.

این اولین دیدار در سطوح بالا در ماه‌های اخیر نیست. پیشتر نیز یک هیئت ارشد سوری به ریاست وزیر امور خارجه اسعد شببانی و وزیر دفاع مهران ابو قسرا به روسیه سفر کرده بود و مذاکرات گسترده‌ای با مقامات و فرماندهان روسی انجام داد. این تحولات پس از اظهارات احمد الشرع الجولانی رئیس جمهور موقت سوریه صورت می‌گیرد که چندی پیش در مصاحبه با شبکه تلویزیونی دولتی سوریه «الاکباریه» برای نخستین بار نقش روسیه را در سقوط بشار اسد با صراحت تأیید کرد و از تغییر موضع مسکو در طول نبردهای

بیانیه تحلیلی جمعی از پادشاهی خواهان درون کشور: پیشگیری از تشتت و ضرورت همگرایی در امروز و دوران گذار



شاهزاده رضا پهلوی در میان جوانان آسیب دیده در اعتراضات / نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» / مونیخ / شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ / ۴ مرداد ۱۴۰۴

منحصر و مطلق نیست و نگرش های مختلف خانواده پادشاهی خواهان نه دلیلی بر اختلاف، بلکه نمایانگر تنوع و اجتهاد فکری در فرآیند احیای مشروطه خواهی است. نگرش های مختلف، گزینه های مؤثر در فرآیند مبارزه تاریخ سازی هستند که پیش رو داریم. متأسفانه تقابل اشتباه دو مسیر دفترچه و قانون اساسی مشروطه همراه با تشدیدهای سایبری، فضای نامطبوعی ایجاد کرده است که باید هرچه زودتر خاتمه یابد.

در ادامه این بیانیه، به عنوان بخشی از مبارزان درون کشور، به نکاتی از قوت و ضعف هر دو تفکر «قانون اساسی مشروطه» و «دفترچه مرحله اضطراری» و تهدیدات پیش رو اشاره می کنیم و با یادآوری این نکته، لازم می دانیم که با موج توفنده پادشاهی خواهی درون کشور، در فردای محتوم فروپاشی جمهوری اسلامی، در صورت تحقق هر کدام از این روش ها، ما به پشتوانه حمایت ده ها میلیونی ملت ایران، برندگان واقعی این نبرد فکری خواهیم بود؛ زیرا در آتش زیر خاکستر درون کشور، بهتر آگاهیم که عزم ملت ما در احیای پادشاهی مشروطه و ادامه پادشاهی در خاندان پرافتخار پهلوی بیش از پیش محکم و جزم است.

۱. جایگاه دفترچه دوران اضطرار

دفترچه دوران اضطرار طرحی موقت است که در دوره ای خاص و با هدف ساماندهی ابتدایی شرایط گذار تدوین شده است. این دفترچه بیش از هر چیز به عنوان چارچوبی مقدماتی برای گفتگو و تنظیم مسیر آینده کشور در نظر گرفته می شود، نه سندی نهایی یا الزام آور.

با این حال، در برخی بخش ها و به ویژه مباحث مرتبط با سیاست خارجی و موضوع «شامات» بازتاب دهنده نگاه ایرانگرایانه نیست و شیعی از نگرش جمهوری اسلامی وار برآن حاکم است و می تواند برای رضاشاه دوم هزینه زا

در ماه های اخیر، فضای سیاسی میان نیروهای پادشاهی خواه شاهد بحث ها و گاه تشتت هایی بوده که عمدتاً حول دو محور شکل گرفته اند:

نخست، جایگاه و کارکرد «دفترچه مرحله اضطراری» و دوم، تکیه بر «قانون اساسی مشروطه» به عنوان مبنای مشروعیت و استمرار نهاد پادشاهی در ایران دوران گذار. این بیانیه از سوی جمعی از پادشاهی خواهان درون کشور منتشر می شود تا با نگاه تحلیلی و متوازن، مسیر جمع بندی و همگرایی میان دو رویکرد را روشن نماید و بر ضرورت کاهش دو دستگی و تشتت تأکید کند.

همانطور که رضاشاه دوم در فرمایشات مختلف اظهار داشته، به رغم تلاش آزادیخواهان خارج از کشوری قریب به پنج دهه، یک هسته قوی فکری در لایه های مختلف جامعه نضج یافته است که گرچه فضای مناسب و رسانه مطلوب برای طرح مواضع خود در اختیار ندارد، اما این موضوع مانع حضور مؤثر آنان در تحولات اجتماعی کشور نیست و این جریان جاری در حال جوشش مداوم است.

در این شرایط خطر که افق پیروزی بیش از هر زمان دیگری نزدیک به نظر می رسد، سامانه پادشاهی خواهان یک جنبش زنده، گسترده، مشتاق و در صحنه حاضر است، دور از ذهن نیست که دشمنان آگاه و دوستان نادان با ابزار کید و نفاق، سعی در شکاف و جدایش جریان پیشرو پادشاهی خواهی نمایند.

حوادث و اختلاف نظرهای پس از کنفرانس تاریخی مونیخ، انتشار «دفترچه مرحله اضطراری» و برخی مواجهه ها و موضع گیری های وحدت شکن، اینچنان را به عنوان بخشی از هواداران سامانه پادشاهی خواهان مشروطه بر آن داشت تا در تنازعات یاران خارج از کشور، صدای داخل را بلند کنیم و به گوش برسانیم.

از نظر ما، برای وصول به مقصود هیچ روش مبارزه ای

● کشور با وضعیتی روبرو است که می توان آن را «خلأ نهادی و فروپاشی دوگانه» نامید؛ نه نظم موجود قادر به تداوم مشروعیت و اداره کشور است و نه نظم پیشین توان بازگشت و کارکرد عملی دارد.

● آنچه برای آینده ایران الهام بخش است، نه تدقیق در متن و بندهای ناموزون قانون اساسی مشروطه به عنوان محصول زمانه خویش، بلکه روح مشروطه و آرمان های گذشتگان در آن دوران است؛ آرمان هایی چون حاکمیت قانون، مشارکت مردم در سرنوشت خویش و تحدید قدرت مطلقه. ● پیشنهاد ما به جریانانی که امروز خود را پشتوانه «دفترچه مرحله اضطراری» و یا «قانون اساسی مشروطه» معرفی می کنند این است که از مطلق گرایی بپرهیزند و بنا به منطق مبارزه بپذیرند که هر کدام می بایست در زیر چتر گسترده پادشاهی مشروطه با رعایت قواعد دموکراتیک به تفاهم رسیده و بر نیروی خود بیفزایند.

● آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، حفظ وحدت ملی و همگرایی همه نیروهای وفادار به ایران است؛ چرا که تنها با همبستگی می توان دوران گذار را با موفقیت پشت سر گذاشت و آینده ای شکوفا برای ایران ساخت. این مسیر، وظیفه های تاریخی برای همه نیروهای ملی و پادشاهی خواه است؛ وظیفه ای که جز با اتحاد، عقلانیت و همبستگی ملی به سرانجام نخواهد رسید. دوران گذار نه میدان رقابت های فرساینده، بلکه آزمون بزرگ وحدت ملی است؛ آزمونی که آینده ایران و سرنوشت نسل های بعدی را رقم خواهد زد.

با اینکه طی سالیان گذشته اقبال و امید به احیای پادشاهی مشروطه بیش از پیش شدت گرفته است، بدون تردید این موج سهمگین اجتماعی، با فاصله بسیار از سایر جریان های اجتماعی، فضای عمومی داخل و خارج از کشور را در برگرفته است.

➡ باشد و البته موارد بسیار دگر که از حوصله این بیانیه خارج است.

۲. جایگاه قانون اساسی مشروطه و چالش‌های درون جریان پادشاهی‌خواه

قانون اساسی مشروطه، علاوه بر تضمین استمرار نهاد پادشاهی، پایه حکومت قانون و جمهوریت مردم را نیز تشکیل می‌دهد. با این حال، باید توجه داشت که در شرایط فعلی داخلی و بین‌المللی، اجرای صرف آن واجد پیش‌شرط‌ها و ملاحظاتیست و نیازمند بسترسازی لازم با واقعیت‌های دوران گذار است.

نکات کلیدی

الف. نقش عوامل نفوذی و ایدئولوژی صرف

بخشی از تشتت و افتراق میان پادشاهی‌خواهان ناشی از حضور عوامل نفوذی و جریان‌های ایدئولوژیک صرف است که با کج‌فهمی و بدفهمی برخی نیروهای ملی، برداشت محدود و غلطی از مشروطیت ارائه کرده‌اند.

ب. ماهیت مشروطیت

قانون اساسی مشروطه نیازمند تکمیل و انطباق با واقعیت‌های دوران گذار است. این نکته به معنای نادیده گرفتن مشروطیت نیست؛ چرا که مشروطیت، در ماهیت خود، نه صرفاً یک قانون خشک، بلکه یک اندیشه سیاسی-فلسفی، سنت تاریخی و فرهنگی است که همواره ظرفیت انعطاف و تطبیق با شرایط کشور را داشته است.

۳. ضرورت حرکت موازی دفترچه و مشروطه و ائتلاف با جمهورخواهان

قانون مشروطه و دفترچه دوران اضطرار، هر دو، مسیرهایی برای تثبیت آینده ایران در دوران گذار و انتقال قدرت هستند؛ اما هیچکدام نباید به مطلق‌گرایی یا محدودسازی فرآیندهای سیاسی و اجتماعی بینجامند. این دو رویکرد را باید به‌منزله «ابزارهای مکمل» دید که هر یک در بُعدی از فرآیند گذار نقش‌آفرینی می‌کند: قانون مشروطه به مثابه پشتوانه تاریخی و هویتی ملت ایران، و دفترچه به عنوان راهنمای عملی و راهبردی برای عبور از شرایط بحرانی و ناپایدار.

در عمل، حرکت موازی این دو مسیر به معنای پذیرش یک منطق سیستمی و چندلایه است که هم به مشروطیت تاریخی و فرهنگی تکیه دارد و هم به مقتضیات عملی پاسخ می‌دهد. چنین نگاهی مانع از انحصارگرایی و تک‌صدایی می‌شود و ظرفیت لازم برای گردآوری نیروهای متنوع سیاسی و اجتماعی را در کنار یکدیگر، در دوران حساس گذار، فراهم می‌کند.

تجربه‌های موفق دوران گذار در دیگر کشورها نشان می‌دهد که ترکیب سنت‌های تاریخی با ساز و کارهای عملی و مدرن، هم به ثبات می‌انجامد و هم مشروطیت را نزد افکار عمومی و جامعه جهانی تقویت می‌کند. در ایران نیز، تنها با حرکت موازی و هم‌افزایی دفترچه و مشروطه می‌توان تضمین کرد که گذار به هرج و مرج و بی‌ثباتی منجر نشود. در این چارچوب، ائتلاف با دیگر نیروهای ملی، به ویژه جمهورخواهان پایبند به چهار اصل کلیدی مورد تأکید رضاشاه دوم یعنی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی ایران، پایبندی به کرامت انسانی، تعیین نوع نظام در انتخابات آزاد توسط ملت، و تضمین سکولاریسم و همچنین وفاداری به پرچم شیروخورشید به عنوان نماد هویت تاریخی ملت ایران، اهمیت حیاتی دارد؛ چرا که پرچم شیروخورشید، فراتر از هر نمود عینی، سندی زنده از تاریخ و تمدن ایران

و تجلی کرامت ملی ماست؛ نشانی که نسل‌های گذشته، حال و آینده را بهم پیوند می‌دهد و یادآور می‌شود که هیچ ملتی بی‌پرچم نمی‌تواند در صحنه تاریخ پایدار بماند. این پرچم در لحظه‌های حساس تاریخ، مشروعت سیاسی و استمرار دولت ملی ایران را نمایندگی کرده و امروز نیز نماد همبستگی همه ایرانیان است؛ نشانی که وحدت در کثرت را معنا می‌بخشد. پرچم شیروخورشید نه تنها یادگار شکوه گذشته، بلکه چراغ راه آینده است و می‌تواند ملت ایران را در گذار به آزادی، عدالت و شکوفایی هدایت کند. بنابراین، عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که نه دفترچه به تنهایی به عنوان پاسخ نهایی قلمداد شود و نه قانون اساسی مشروطه به شکل مطلق و بدون بازآفرینی مد نظر قرار گیرد؛ بلکه این دو، در حرکت موازی و در پیوند با یکدیگر و همراهی با دیگر جریان‌های وفادار به ایران، مسیر واقعی برای نجات و شکوفایی کشور را هموار خواهند کرد.

۴. اختیارات پادشاه در شرایط اضطراری

پادشاه تبلور اراده ملت است و از این جایگاه، اراده ملت در کلیه سطوح امور کشوری و لشکری تجلی می‌یابد. پرسش اساسی این است که آیا پادشاه کشور می‌تواند در شرایط اضطراری بر اساس اجتهاد و برداشت خود عمل کند؟ پاسخ مثبت است، زیرا در دوران گذار، پادشاهی علاوه بر جایگاه تاریخی، نقش عملی و وحدت‌بخش در هدایت کشور ایفا می‌کند.

تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که نهاد پادشاهی، حتی پس از دوره‌های بحرانی و ضعف، قادر است با احترام به مشروعت ملی و تعامل سازنده با نخبگان و نیروهای اجتماعی، محور ثبات و انسجام ملی باشد. در شرایط کنونی، نقش رضاشاه دوم به‌عنوان محور وحدت ملی و چهره‌ای فراجنبی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ جایگاهی که امکان ایجاد هماهنگی میان نیروهای گوناگون سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند و تضمین می‌نماید دوران گذار با کمترین تنش و بیشترین انسجام طی شود.

اختیارات پادشاه در چنین شرایطی نه صرفاً شکلی، بلکه ابزار عملی برای هدایت، مدیریت و تضمین ثبات کشور است. با اتکا به مشروعت اجتماعی، تاریخی و عملی، پادشاهی می‌تواند زمینه بازآفرینی ساختارهای قانونی و تدوین میثاق ملی تازه را فراهم آورد. این رویکرد همچنین معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در دوران گذار هم خوانی دارد و مشروعت و ثبات آن را در چشم جامعه جهانی تقویت می‌کند.

۵. ماهیت و الزامات دوران گذار

دوران گذار ذاتاً فراقانونی است؛ زیرا نظم پیشین فروپاشیده و نظم جدید هنوز نهاده‌ی نشده است. از سوی دیگر، نظام مشروطه که زمانی می‌توانست مبنای بازگشت به نظم قانونی و استمرار مشروعت ملی باشد، نزدیک به پنج دهه است که در عمل منحل شده و نهادها و ارکان آن وجود ندارند و کارایی و حضور مؤثر خود را از دست داده‌اند.

بدین ترتیب، کشور با وضعیتی روبرو است که می‌توان آن را «خلأ نهادی و فروپاشی دوگانه» نامید: نه نظم موجود قادر به تداوم مشروعت و اداره کشور است و نه نظم پیشین توان بازگشت و کارکرد عملی دارد.

در چنین شرایطی، مشروعت دیگر از متون حقوقی یا چارچوب‌های کلاسیک حقوقی ناشی نمی‌شود، بلکه از اراده ملی به عنوان سرچشمه بنیادین قدرت، توافق نخبگان و توانایی عملی نهادهای موقت برمی‌خیزد. اراده ملی به معنای اراده جمعی ملت به عنوان یک کل سیاسی، فراتر از

هر قانون و نهادی قرار دارد و تنها ملت است که می‌تواند نظم نوین را بنیان نهد. این اراده می‌تواند در دوران گذار بطور موقت به نهادی یا رهبری تفویض شود، در کنار آن، مشروعت کاربردی به توانایی عملی نهادهای موقت برای اداره کشور و جلوگیری از هرج و مرج اشاره دارد. این مشروعت نه از متون حقوقی، بلکه از کارآمدی و پذیرش اجتماعی ناشی می‌شود و تضمین می‌کند که کشور در دوران گذار قادر به مدیریت مؤثر بحران‌ها و حفظ ثبات خویش است.

از این رو، مسیر دوران گذار نمی‌تواند بر یک عامل یگانه متکی باشد، بلکه نیازمند جهت‌گیری سیستمی است که بر تعامل میان نهاد پادشاهی (به‌عنوان پشتوانه تاریخی و ملی)، مشروطه به عنوان چارچوبی با اندیشه سیاسی-فلسفی و یک سنت تاریخی، فرهنگی و نهادینه‌شده با ظرفیت انعطاف‌پذیری در دوران گذار، ظرفیت‌های عملی دفترچه اضطرار و نقش‌آفرینی نیروهای اجتماعی (اعم از ملی‌گرایان، جمهورخواهان و پادشاهی‌خواهان) بنا شود.

در این میان، باید تأکید کرد که آنچه برای آینده ایران الهام‌بخش است، نه تدقیق در متن و بندهای ناموزون قانون اساسی مشروطه به عنوان محصول زمانه خویش، بلکه روح مشروطه و آرمان‌های گذشتگان در آن دوران است؛ آرمان‌هایی چون حاکمیت قانون، مشارکت مردم در سرنوشت خویش و تحدید قدرت مطلقه. همین روح باید چراغ راه تدوین بازآفرینی قانون اساسی مشروطه قرار گیرد؛ چرا که قانون اساسی مشروطه در وقت مقتضی به اصلاحات مورد لزوم نیازمند است.

نتیجه‌گیری

در نهایت، پیشنهاد ما به جریانانی که امروز خود را پشتوانه «دفترچه مرحله اضطراری» و یا «قانون اساسی مشروطه» معرفی می‌کنند این است که از مطلق‌گرایی بپرهیزند و بنا به منطق مبارزه بپذیرند که هر کدام می‌بایست در زیر چتر گسترده پادشاهی مشروطه با رعایت قواعد دموکراتیک به تفاهم رسیده و بر نیروی خود بیفزایند.

پرواضح است که «قانون اساسی مشروطه» با برخی اشکالاتی که باید در گذر زمان اصلاح شود، متنی برآمده از تجارب و سنن نیاکان ماست، اما نگرش دفترچه تجربه‌نویسی است که در بوته زمان به آزمایش در نیامده است.

عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که این مسیر را با هم‌افزایی، با تکیه بر علم و منطق و با محوریت رهبری رضاشاه دوم به عنوان ستون استمرار تاریخی و ملی ایران هدایت کنیم. بدینسان، هم مشروعت ملی و بین‌المللی خواهد داشت و هم ملت ایران با آزادی کامل نوع نظام خود را برخواهد گزید؛ انتخابی که بر پایه تجربه و گرایش‌های اجتماعی امروز، به احتمال زیاد بر مدار پادشاهی خواهد بود.

آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، حفظ وحدت ملی و همگرایی همه نیروهای وفادار به ایران است؛ چرا که تنها با همبستگی می‌توان دوران گذار را با موفقیت پشت سر گذاشت و آینده‌ای شکوفا برای ایران ساخت. این مسیر، وظیفه‌ای تاریخی برای همه نیروهای ملی و پادشاهی‌خواه است؛ وظیفه‌ای که جز با اتحاد، عقلانیت و همبستگی ملی به سرانجام نخواهد رسید.

دوران گذار نه میدان رقابت‌های فرساینده، بلکه آزمون بزرگ وحدت ملی است؛ آزمونی که آینده ایران و سرنوشت نسل‌های بعدی را رقم خواهد زد.

پاینده ایران
جاوید شاه

پاسخ وزیر اقتصاد دولت پزشکیان به دلار ۱۱۴ هزار تومانی و بحران معیشت مردم: من مسئول نرخ ارز و تورم نیستم!



وزیر امور اقتصاد بار مسئولیت را بر دوش بانک مرکزی انداخته و گفته «بانک مرکزی مسئول انحصاری سیاست‌های پولی و ارزی کشور است و به‌صورت مشخص، مسئول اول و آخر در حوزه مسائل مربوط به نرخ ارز و تورم به شمار می‌رود.»

علی مدنی‌زاده همچنین گفته «بر اساس قانون مصوب مجلس تمام اعضای هیئت عالی نظارت بانک مرکزی به غیر از وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه منتخب رئیس کل بانک مرکزی هستند. بنابراین اگر بر اساس قانون و اصل شفافیت بانک مرکزی صورت جلسات را منتشر می‌کردند و مشخص می‌شد که من به عنوان وزیر اقتصاد شریک این تصمیمات و سیاست‌ها بوده‌ام یا خیر.»

در آنسو محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی هم افزایش قیمت‌ها در بازار طلا را صرفاً به افزایش قیمت جهانی طلا مرتبط دانسته و راهکارهایی تکراری برای مهار بحران صعود قیمت‌ها در بازار ارز و طلا ارائه داده است.

محمدرضا فرزین با بیان اینکه «قیمت طلا به دلیل افزایش قیمت جهانی هم افزایش پیدا می‌کند» گفته «از لحاظ منابع ارزی و طلا، اطمینان لازم را داریم و قطعاً این شرایط مدیریت خواهد شد.»

او با اشاره به «راه‌اندازی بازار دوم عرضه ارز» هم گفته که «یک ماه است که این بازار راه انداخته‌ایم و سعی می‌کنیم بیشتر به آن عمق بدهیم و ارز بیشتری تامین کنیم.» رئیس بانک مرکزی افزوده «سکه بیشتری به بازار عرضه می‌کنیم و تلاش ما بر این است که نوسانات قیمت طلا کاهش پیدا کند.»

این راهکارهای تکراری پیشتر هم در دو بازار ارز و طلا پاسخگو نبوده و به نظر می‌رسد بتواند موج افزایش قیمت روزهای گذشته را به سادگی مهار کند.

آنچه در این میان برای مقامات حکومتی اهمیتی

دوش بانک مرکزی انداخته است. قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در ایران همچنان با سرعت در حال افزایش است و تیم اقتصادی دولت پزشکیان نیز فقط به تماشای این وضعیت بحرانی نشسته است!

ظهر امروز چهارشنبه نهم مهرماه ۱۴۰۴ قیمت دلار به ۱۱۴ هزار و ۲۰۰ تومان رسید. هر یورو ۱۳۴ هزار و ۲۶۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۵۳ هزار و ۷۶۰ تومان، هر درهم امارات ۳۱ هزار و ۱۰۰ و هر لیر ترکیه ۲۷۵۰ تومان فروخته شد.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها در حال افزایش است و هر سکه کامل طلا ۱۱۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۰ میلیون و ۷۴۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شد. تلاطم در بازارهای ارز و طلا بطور مستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات مختلف در ایران موثر است. در آنسو گزارش مرکز آمار ایران از روند تورم در شهریورماه نشان می‌دهد تورم در سه بخش ماهانه، سالانه و نقطه به نقطه نیز در حال افزایش است و دولت پزشکیان نتوانسته بر خلاف وعده‌ها، تورم را مهار کند.

همچنین با توجه به فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد ایران بیش از پیش دچار رکود توری شود و معیشت شهروندان متأثر از شرایط تحریم محدودتر شود.

در چنین شرایطی علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان در اظهاراتی عجیب گفته «وزیر اقتصاد به هیچ عنوان پاسخگوی هیچکدام از سیاست‌های ارزی و پولی که در بانک مرکزی اتخاذ می‌شود نیست!»

علی مدنی‌زاده گفته «در روز رأی اعتماد در مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کردم که وزیر اقتصاد نمی‌تواند در برابر سیاست‌های ارزی پاسخگو باشد، چرا که تنها یک رأی در هیئت عالی بانک مرکزی دارد و سیاست‌های ارزی و پولی کشور بطور انحصاری در اختیار بانک مرکزی است.»

● قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در ایران همچنان با سرعت در حال افزایش است و تیم اقتصادی دولت پزشکیان نیز فقط به تماشای این وضعیت بحرانی نشسته است!

● علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان در اظهاراتی عجیب گفته «وزیر اقتصاد به هیچ عنوان پاسخگوی هیچکدام از سیاست‌های ارزی و پولی که در بانک مرکزی اتخاذ می‌شود نیست!»

● ظهر امروز چهارشنبه نهم مهرماه ۱۴۰۴ قیمت دلار به ۱۱۴ هزار و ۲۰۰ تومان رسید. هر یورو ۱۳۴ هزار و ۲۶۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۵۳ هزار و ۷۶۰ تومان، هر درهم امارات ۳۱ هزار و ۱۰۰ و هر لیر ترکیه ۲۷۵۰ تومان فروخته شد.

● در بازار طلا نیز قیمت‌ها در حال افزایش است و هر سکه کامل طلا ۱۱۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۰ میلیون و ۷۴۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

● آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد اقلام خوراکی در شهریور ۵۷/۹ درصد گران شده و قیمت نان از ابتدای سال تقریباً دو برابر شده است.

● مقامات حکومتی نه تنها درباره تورم فراینده و سقوط ارزش پول ملی فراقتنی می‌کنند بلکه هیچ برنامه حمایتی مشخصی از اقشار کم‌درآمد که بیشتر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند ندارند. این در حالیست که به گفته کارشناسان طراحی و اجرای بسته‌های پارانهای کارآمد باید خیلی فوری در دستور کار دولت قرار بگیرد.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان در واکنشی رافکنانه به افزایش نرخ ارز و طلا، تورم فراینده، کاهش ارزش پول ملی و عمیق‌تر شدن بحران معیشت مردم، گفته «من مسئول نرخ ارز و تورم نیستم» و بار مسئولیت را بر

پرونده سازی تازه مقامات قضایی علیه زهره سرو زندانی پادشاهی خواه



بوده مخالفت شده است.»

این فرد نزدیک به زندانیان سیاسی در زندان قرچک ادامه داد: «اخیرا خانواده های زندانیان سیاسی متوجه شده اند زندانیان به دلیل مصرف داروهایی که در داخل غذای زندان می ریزند، مبتلا به انواع بیماری ها از جمله سرطان سینه شده اند برای نمونه چند روز پیش گلاره عباسی که مشکوک به سرطان سینه بوده به مرکز درمانی اعزام شد. مشابه همین مشکلات برای پریش مسلمی و محبوبه رضایی و مهناز طراح هم رخ داده است. در حقیقت زندانیان زن در قرچک اگر غذای زندان را بخورند عمدتاً به بیماری مبتلا می شوند.»

به گفته این فرد، مقامات زندان قرچک از انتقال تجهیزات پخت و پز به داخل زندان خودداری می کنند و زنان زندانی چاره ای جز خوردن غذای بد و نامطلوب زندان ندارند.

حکم زندان زهره سرو زندانی مشروطه خواه در شعبه هم عرض تأیید شد. این فعال سیاسی به اتهام «اجتماع و تبانی تبلیغ علیه نظام» به هفت سال حبس تعزیری محکوم شد که با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، شش سال زندان در این حکم قابل اجرا است.

علی شریف زاده اردکانی وکیل زهره سرو روز ۱۷ تیرماه با تأیید این خبر در شبکه های اجتماعی نوشت: «علیرغم پذیرش اعاده دادرسی زهره سرو در دیوان عالی کشور و ارجاع به شعبه هم عرض در دادگاه انقلاب، متأسفانه طی جلسه امروز، شعبه هم عرض استدلال دیوان عالی کشور را نپذیرفت و حکم شش سال حبس قبلی را عیناً تأیید کرد.» این فعال پادشاهی خواه پیشتر در سال ۱۴۰۰ پس از گذراندن دو سال و نیم حکم زندان آزاد شد اما پس از ۴۵ روز دوباره بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

زهره سرو از جمله زندانیان محبوس در زندان اوین است که پس از حمله اسرائیل به سردر و دفتر دادرسی این زندان به همراه ده ها زن زندانی دیگر به زندان قرچک ورامین منتقل شدند. به گزارش سازمان حقوق بشر، ۱۹ تن از این زنان زندانی که همچنان در قرچک محبوسند، از روز سه شنبه هشتم مهرماه دست به اعتصاب غذا زده اند تا مسئولان آنها را دوباره به اوین برگردانند.

● یک فرد نزدیک به زندانیان سیاسی به کیهان لندن گفت که زهره سرو زندانی سیاسی پادشاهی خواه به اتهام شعار دادن در داخل زندان قرچک روز دوشنبه بدون ابلاغ و اطلاع قبلی به دادرسی شعبه هشت شهر ری اعزام شد و از وی صد میلیون تومان بابت پرونده شعار دادن در داخل زندان وثیقه گرفتند.

● زهره سرو از جمله زندانیان محبوس در زندان اوین است که پس از حمله اسرائیل به سردر و دفتر دادرسی این زندان به همراه ده ها زن زندانی دیگر به زندان قرچک ورامین منتقل شدند.

● به گزارش سازمان حقوق بشر، ۱۹ تن از این زنان زندانی که همچنان در قرچک محبوسند، از روز سه شنبه هشتم مهرماه دست به اعتصاب غذا زده اند تا مسئولان آنها را دوباره به اوین برگردانند.

یک فرد نزدیک به زندانیان سیاسی به کیهان لندن گفت که زهره سرو زندانی سیاسی پادشاهی خواه به اتهام شعار دادن در داخل زندان قرچک روز دوشنبه بدون ابلاغ و اطلاع قبلی به دادرسی شعبه هشت شهر ری اعزام شد.

این فرد نزدیک به زندانیان سیاسی در زندان قرچک با اعلام این مطلب افزود: «روز دوشنبه صد میلیون تومان بابت پرونده شعار دادن در داخل زندان از زهره سرو وثیقه گرفته شده و این چندمین بار است که مسئولان قضایی جمهوری اسلامی علیه زهره سرو پرونده سازی می کنند و تا کنون بجز پرونده حکم هفت سال حبس تعزیری که در حال گذراندن و تحمل این حبس است چندین پرونده جدید مثل توهین به رهبری، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب، در داخل خود زندان برای این زندانی سیاسی تشکیل شده است.»

وی با بیان اینکه زهره سرو مبتلا به سرطان است و شرایط جسمی بحرانی دارد اضافه کرد: «با وجود ابتلا به بیماری سرطان اما مقامات زندان از اعزام او به بیمارستان خودداری می کنند، از طرفی هر روز فشار روحی روانی بسیاری بر وی وارد می شود بطوری که دچار اختلالات اعصاب روان شده و هر روز قرص لیتیوم مصرف می کند، از سوی دیگر بیش از هشت بار با درخواست آزادی مشروط که حق او

ندارد وضعیت بحرانی معیشت اکثر جمعیت کشور است که تورم و افزایش قیمت ها و بی ارزش شدن درآمدهایشان حتی تأمین ضروری ترین نیازها را برای آنها دشوار و غیرممکن کرده است. آمارهای مرکز آمار ایران نشان می دهد اقلام خوراکی در شهریور ۵۷/۹ درصد گران شده و قیمت نان از ابتدای سال تقریباً دو برابر شده است.

در همین رابطه فرامرز توفیقی فعال کارگری افزایش دو برابری قیمت نان را نشانه وضعیت عجیب و غریب سید معیشت خانوارها دانسته و گفته «تورم روزانه شده است؛ دیگر نباید از تورم نقطه به نقطه صحبت کرد، نیاز به شاخصی به نام تورم روزانه داریم؛ اما چرا در این شرایط، وزیر کار و دولت از ممنوعیت ترمیم دستمزد صحبت می کنند؟ چرا مزد کارگران فریز شده است؟»

این فعال کارگری افزوده «سید معیشت خانوارهای کارگری، یعنی همان سیدی که در بهمن ماه سال قبل در آستانه مذاکرات مزدی حدود ۲۴ میلیون تومان نرخ گذاری شده بود، بیش از ۲/۷ برابر شده است. این ادعا را خیلی راحت می توان راستی آزمایی کرد؛ الان دولت و وزارت کار، دایره یارانه بگیران را مشخص کرده اند؛ سهم مسکن را حدود ۴۰ درصد در نظر گرفته اند و با کنار گذاشتن این سهم، اگر درآمد سرانه هر عضو خانواده کمتر از ده میلیون تومان باشد، مستحق دریافت یارانه است؛ به عبارتی یک خانواده سه تا چهار نفره برای اینکه بالای خط فقر بماند و یارانه نگیرد باید ۳۳ میلیون تومان جدا از سهم مسکن دستمزد داشته باشد. حالا اگر سهم مسکن را ۳۵ درصد در نظر بگیریم، وقتی ۶۵ درصد خط فقر مطلق ۳۳ میلیون تومان است، کل درآمد یک خانواده بالای خط فقر که نیاز به یارانه ندارد، نزدیک به ۵۰ میلیون تومان است.»

فرامرز توفیقی تأکید کرده «نیاز به ضرب و تقسیم شاخص های سید معیشت نداریم؛ محاسبات وزارت کار برای یارانه به معنای این است که سید معیشت بسیار حداقلی برای یک خانواده متوسط حدود ۵۰ میلیون تومان است و اگر درآمد کمتر از این باشد، خانواده نیاز به یارانه و کمک دولت دارد؛ حالا ۵۰ میلیون تومان کجا و دستمزد ۱۵ میلیون تومانی کارگران کجا؟!»

تصویر ارائه شده از زندگی کارگرانی که حدود ۱۵ میلیون درآمد دارند و با هزینه ۵۰ میلیون تومانی زندگی در هر ماه روبرو هستند نشان دهنده اوج بحران معیشت در میان این خانواده ها و میلیون ها خانوار دیگری است که درآمدهایی برپایه رقم مصوب وزارت کار دریافت می کنند. مقامات حکومتی نه تنها درباره تورم فزاینده و سقوط ارزش پول ملی فراقکتی می کنند بلکه هیچ برنامه حمایتی مشخصی از اقشار کم درآمد که بیشتر جمعیت کشور را تشکیل می دهند ندارند.

این در حالیست که به گفته کارشناسان طراحی و اجرای بسته های یارانه ای کارآمد باید خیلی فوری در دستور کار دولت قرار بگیرد. در همین رابطه آلبرت بغزیان اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفته دولت باید به دهک های کم درآمد بیش از یک میلیون تومان یارانه کالایی بدهد.

او با بیان اینکه یارانه نقدی ۳۰۰ هزار تومانی نمی تواند از معیشت خانوار حمایت کند افزوده «اگر برای دولت الزامی به نام ضرورت پرداخت یارانه به صورت کالا و جنس باشد، اراده آن برای کنترل قیمت ها و تورم بیشتر خواهد شد. با حذف یارانه برخی دهک ها و افزایش قیمت ها، منابع لازم برای بالا بردن مبلغ یارانه دهک های باقی مانده وجود دارد.»

تشکیل کمیته بررسی قیمت گذاری اتومبیل توسط قوه قضاییه



افزود زیان انباشته دو شرکت «ایران خودرو» و «سایپا» نیز به ۲۵۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

در امرداد امسال هم محمدرضا نجفی‌منش رئیس انجمن قطعه‌سازی اعلام کرده که «بسیاری از شرکت‌های باسابقه ۳۰ تا ۴۰ ساله در حال تعطیلی‌اند و شاخص سلامت صنعت خودرو به عدد بحرانی ۲۴ سقوط کرده است».

احمد نجفی‌منش همچنین از «زیان انباشته ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی خودروسازان و انتقال بخشی از آن به قطعه‌سازان» خبر داد و گفت: «بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان چک‌های روز معوق داریم».

کارشناسان معتقدند تشکیل کمیته‌ای از سوی قوه قضاییه برای دخالت در موضوع قیمت‌گذاری اتومبیل از یک سو نشانه ضعف در ساختار مدیریت اقتصادی است به این معنا که به جای حل ریشه‌ای اختلافات میان دولت و خودروسازان، نهادهای بالادستی یکی پس از دیگری وارد میدان می‌شوند و از سوی دیگر می‌تواند نشانه متصل شدن یک مافیای جدید به صنعت اتومبیل‌سازی باشد!

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در مطلبی با اشاره به تشکیل این کمیته نوشته «پرسش کلیدی این است که ورود قوه قضاییه به این منازعه چه پیامدی برای آینده قیمت‌گذاری خودرو خواهد داشت؟ برخی کارشناسان بر این باورند که حضور دستگاه قضا بیش از آنکه گرهی از کار باز کند، بر پیچیدگی‌ها خواهد افزود. چراکه عملاً دولت و قوه قضاییه بر سر این موضوع رودرروی هم قرار گرفته‌اند و مشخص نیست در نهایت کدام یک دست بالا را خواهند داشت. از سوی دیگر، ورود قوه قضاییه به حوزه‌ای تخصصی همچون قیمت‌گذاری خودرو می‌تواند این پیام را به بازار مخابره کند که سازوکارهای اقتصادی کشور ناکارآمدند و هر اختلافی نهایتاً به حوزه‌های فرادست ارجاع می‌شود. این همان وضعیتی است که بارها در اقتصاد ایران تجربه شده؛ جایی که به جای حل ریشه‌ای مشکلات، تصمیمات موقتی در سطوح بالادستی اتخاذ می‌شود».

در مطلب «دنیای اقتصاد» آمده «تجربه عزل

تعلیق مدیران محکوم کرد.

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه روز گذشته در نشست خبری اعلام کرد «با توجه به اختلافات موجود میان خودروسازان و دیگر بخش‌ها و مشکلات ناشی از قیمت‌گذاری دستوری، جلسه‌ای در شورای اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول قوه قضاییه و با حضور دستگاه‌های ذیربط، وزارت صنعت، معدن و تجارت و مدیران عامل خودروسازان برگزار شده است».

اصغر جهانگیر افزوده بود «بر اساس جمع‌بندی جلسه، با توجه به افزایش بی‌رویه قیمت مواد اولیه و ناهماهنگی قیمت‌های دستوری با شرایط واقعی بازار، ضرورت تشکیل کمیته‌ای ویژه برای بررسی دقیق و کارشناسی موضوع احساس شد».

سخنگوی قوه قضاییه افزوده بود که «این کمیته با حضور نمایندگان دستگاه‌های مرتبط و اختیارات مشخص، موظف است راهکارهای قانونی و عملیاتی را برای تنظیم قیمت خودرو ارائه دهد و از تکرار تصمیمات غیرمنطقی جلوگیری کند. هنوز بازه زمانی دقیق تشکیل و آغاز به کار کمیته اعلام نشده و جزئیات اختیارات آن در دست بررسی است».

ریشه اصلی اختلاف شرکت‌های اتومبیل‌سازی و وزارت صمت از آنجا آغاز شد که طی سالهای گذشته و با توجه به تورم فزاینده اتومبیل‌سازان تأکید داشتند که قیمت‌های دستوری وزارت صمت با واقعیت تورم نهادهای تولید همخوانی ندارد و تداوم این سیاست به افزایش زیان انباشته و تهدید تداوم فعالیت آنها منجر خواهد شد.

در آنسو اما وزارت صمت تأکید بر ضرورت حمایت از مصرف‌کننده و کنترل قیمت‌ها دارد و حاضر به پذیرش قیمت‌های پیشنهادی اتومبیل‌سازان نبود.

آرش محبی نژاد دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن و قطعه‌سازان ماشین ماه گذشته اعلام کرد: «زیان انباشته دو خودروساز بزرگ تا امروز به ۳۱۰ همت و بدهی دو خودروساز به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است».

● اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری از تشکیل کمیته‌ای برای بررسی قیمت‌گذاری اتومبیل خبر داده است.

● در ماه‌های گذشته شرکت‌های اتومبیل‌سازی که مخالف قیمت‌گذاری دستوری اتومبیل از سوی دولت بودند، اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کردند.

● اتومبیل‌سازان تأکید دارند که قیمت‌های دستوری وزارت صمت با واقعیت تورم نهادهای تولید همخوانی ندارد و تداوم این سیاست به افزایش زیان انباشته و تهدید تداوم فعالیت آنها منجر خواهد شد.

● آرش محبی نژاد دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن و قطعه‌سازان ماشین ماه گذشته اعلام کرد: «زیان انباشته دو خودروساز بزرگ تا امروز به ۳۱۰ همت و بدهی دو خودروساز به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است».

● در بازار اتومبیل قیمت‌ها طی روزهای گذشته با افزایش چشمگیری روبرو شده است بطوری که برخی مدل‌های اتومبیل در مدت تنها چند روز بین ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان گرانتر شده‌اند.

سخنگوی قوه قضاییه در یک نشست خبری از تشکیل کمیته‌ای برای بررسی قیمت‌گذاری اتومبیل خبر داد. اختلاف میان شرکت‌های اتومبیل‌سازی و دولت برای قیمت‌گذاری اتومبیل‌های ساخت درون کشور علت تشکیل چنین کمیته‌ای عنوان شده است. در آنسو قیمت اتومبیل در روزهای گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو شده بطوری که انواع اتومبیل ساخت داخل با افزایش ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان روبرو شده است.

در سالهای گذشته همواره اختلاف میان دولت و شرکت‌های اتومبیل‌سازی وجود داشت. این اختلاف در ماه‌های گذشته سبب شد شرکت‌های اتومبیل‌سازی که مخالف قیمت‌گذاری دستوری اتومبیل از سوی دولت بودند، اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کنند. در مقابل سازمان تعزیرات نیز شرکت «ایران خودرو» را به جرمه و

اعتصاب غذای ۱۹ زندانی سیاسی در زندان زنان قرچک آغاز شد



شرایط زندان قرچک، آنجا را «جهنم زنان و کودکان» نامیده و خواستار بسته شدن این زندان شده بود.

بنا بر اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، ۱۹ زندانی سیاسی زن که در زندان قرچک محبوسند، در اعتراض به شرایط غیرانسانی نگهداری زندانیان در قرچک دست به اعتصاب غذا زده اند.

یک منبع آگاه از قول زندانیان به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «مشکل بیماری و دسترسی به خدمات درمانی وجود دارد. از در ورودی تا بهداری که مسیر کوتاهیست، مجبور می کنند که حجاب کنی و جوراب پایت کنی. ملاقات بچه ها را به بهانه های مختلفی قطع کردند.»

این منبع گفت که آب زندان قرچک شور و غیرقابل آشامیدن است. زندانیان باید آب آشامیدنی را از فروشگاه بخرند. آب بقدری آلوده است که حتی به درد شستشوی بدن نیز نمی خورد و بعضی زندانیان دچار عفونت های زنانه شده اند.

این منبع گفت که زندانیان سیاسی در فضایی بسته بدون پنجره و تهویه نگه داری می شوند: «اکسیژن کافی به ما نمی رسد و همیشه یک عده حالشان بد است. زندانیان در بندهای دیگر خودشان می توانند به بهداری بروند. ما باید منتظر باشیم تا یک مامور ما را به بهداری منتقل کند. به کارگاه و باشگاه دسترسی مستقیم نداریم.»

زندانهای سیاسی گفته اند که ضمن تاکید بر خواست آزادی تمام زندانیان سیاسی، در گام اول خواسته آنان انتقال به زندان اوین است؛ جایی که پیشتر در آنجا وسایل و امکانات حداقلی را برای گذراندن دوران حبس فراهم کرده بودند.

● به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، از نخستین ساعات روز هشتم مهرماه ۱۹ زندانی سیاسی زن در زندان قرچک دست به اعتصاب غذا زدند. آنان بخشی از ۶۱ زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین هستند که پس از حمله اسرائیل به اوین در ۲ تیر ۱۴۰۴ با اجبار ماموران به زندان قرچک منتقل شدند.

● یک منبع آگاه می گوید که آب زندان قرچک شور و غیرقابل آشامیدن است. زندانیان باید آب آشامیدنی را از فروشگاه بخرند. آب بقدری آلوده است که حتی به درد شستشوی بدن نیز نمی خورد و بعضی زندانیان دچار عفونت های زنانه شده اند.

● در روزهای گذشته دست کم سه زندانی زن به دلیل فقدان خدمات درمانی به موقع، جان باختند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، از نخستین ساعات روز هشتم مهرماه ۱۹ زندانی سیاسی زن در زندان قرچک دست به اعتصاب غذا زدند. آنان بخشی از ۶۱ زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین هستند که پس از حمله اسرائیل به اوین در ۲ تیر ۱۴۰۴ با اجبار ماموران به زندان قرچک منتقل شدند. از آن جمع ۶۱ نفره، ۵۶ تن هنوز در قرنطینه قرچک محبوسند و حتی مانند سایر زندانیان دسترسی به بندهای عادی ندارند. این در حالیست که حتی در بندهای عادی نیز وضعیت نگهداری زندانیان بسیار بد و غیرانسانی است. در روزهای گذشته دست کم سه زندانی زن به دلیل فقدان خدمات درمانی به موقع، جان باختند. سازمان حقوق بشر ایران پیشتر با انتشار گزارشی مفصل از

شورای رقابت از قیمت گذاری در سال ۹۷ نشان داد که ورود نهادهای بالادستی به جای پایان دادن به اختلاف، تنها شکل آن را تغییر داده است. در آن زمان شورای رقابت از قیمت گذاری خودرو کنار گذاشته شد اما اختلافات در این زمینه باقی ماند و خودروساز هم همچنان به تولید زیان ادامه داد.»

این مطلب تأکید کرده «بیم آن می رود که ورود قوه قضائیه بدون تعریف روشن از حدود اختیارات و مأموریت به تکرار همان مسیر بینجامد. اقتصاددانان سالهاست بر این اصل تأکید دارند که قیمت گذاری دستوری، در صنعتی همچون خودرو به تعمیق مشکلات منجر خواهد شد. به اعتقاد آنان، بهترین مسیر حرکت به سمت آزادسازی تدریجی قیمت ها همراه با ایجاد نظام کارآمد حمایت از مصرف کننده است. به بیان دیگر، اگر قرار است مصرف کننده متضرر نشود، باید ابزارهای مکملی چون تسهیلات در نظر گرفته شود، نه آنکه بار زیان به دوش خودروسازان و در نهایت کل اقتصاد بیافتد.»

«دنیای اقتصاد افزوده» با این همه آنچه امروز در افق دیده می شود، تداوم بحران است. کمیته قضایی تازه تاسیس، هنوز آغاز به کار نکرده و جزئیات روش کار آن نامعلوم است. وزارت صمت همچنان بر سیاست تثبیت قیمت ها پافشاری می کند و خودروسازان نیز هشدار می دهند که ادامه وضع موجود به زیان های جبران ناپذیر خواهد انجامید. حالا باید منتظر ماند و دید کمیته قوه قضائیه چه مسیری را پیش خواهد گرفت و تصمیمات این کمیته به نفع چه گروهی خواهد بود.

با اینهمه قیمت ها در بازار اتومبیل نیز با سرعت در حال افزایش است؛ افزایشی که تحلیلگران علت آن را فعال شدن مکانیسم ماشه و افزایش قیمت ارز در هفته های گذشته ارزیابی می کنند.

در بازار اتومبیل قیمت ها طی روزهای گذشته با افزایش چشمگیری روبرو شده است بطوری که برخی مدل های اتومبیل در مدت تنها چند روز بین ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان گرانتر شده اند.

طی یک هفته گذشته قیمت پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک، تارا و دنا پلاس با ۹۰ میلیون افزایش روبرو شده است. ریرا و اطلس نیز حدود ۷۰ میلیون گران شدند؛ حتی رانا پلاس افزایش ۸۵ میلیون تومانی را ثبت کرد. سورن پلاس دوگانه سوز هم طی هفته اخیر ۶۵ میلیون افزایش قیمت داشت و بالای یک میلیارد تومان قیمت گذاری شد.

گران ترین اتومبیل مونتاژی در ایران یعنی اکسپریم VX با افزایش چشمگیر قیمت مواجه شده، بطوری که در هفته گذشته ۸۰۰ میلیون تومان گران تر شده است. در رتبه بعدی جهش قیمت ها، فیدلیتی پرستیژ با رشد ۴۵۰ میلیونی قرار می گیرد.

جک جی ۴ کرمان موتور که ارزان ترین مونتاژی بازار هم محسوب می شود، طی هفت روز اخیر با رشد ۱۲۵ میلیون تومانی روبرو شده است. چانگان تیپ ۳ و دیگنیتی پرایم هم به ترتیب ۲۵۰ و ۲۳۰ میلیون تومان گران شدند.

با توجه به اینکه صنعت اتومبیل سازی در ایران طی سالهای گذشته در عمل به صنعتی مونتاژ کار تبدیل شده و به شدت به واردات مواد اولیه و قطعات وابسته است، فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم های سازمان ملل و همچنین افزایش قیمت ارز سبب ایجاد اختلال در تولید و افزایش هزینه تولید در این صنعت خواهد شد. در چنین شرایطی اصرار دولت بر قیمت گذاری دستوری سبب افزایش خسارت شرکت های اتومبیل سازی و افزایش احتمال ورشکستگی آنها خواهد شد.

محدودیت‌های جدید بانک مرکزی برای فعالیت بانکی و دارایی شهروندان همزمان با بازگشت تحریم‌ها



۱۰ برابر سطح فعالیت مورد انتظار عبور کند، موضوع فوراً به مرکز گزارش شود و تنها پس از بررسی و تأیید واحد مبارزه با پولشویی، سطح فعالیت تغییر یابد، ضمن اینکه در صورت امتناع مشتری از ارائه اطلاعات یا نبود مدارک قابل‌اتکا، سقف فعالیت برای حقیقی‌ها به ۵ میلیارد تومان و برای حقوقی‌های فعال به ۱۰ میلیارد تومان محدود می‌شود. تعیین سطح فعالیت بالای ۱۰ میلیارد تومان صرفاً باید توسط واحد مبارزه با پولشویی انجام شود.

طبق این بخشنامه، خرید و فروش ملک، خودرو و فلزات گران‌بها از محاسبات مغایرت حذف می‌شود، اما در سوابق ثبت و به مرکز اطلاعات مالی گزارش می‌شود. در صورت تغییر وضعیت اقتصادی، سطح فعالیت به‌روزرسانی خواهد شد.

بخشنامه بانک مرکزی ادعا کرده که این بخشنامه بر پایه دستورالعملی که به استناد ماده (۶۷) آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی و با همکاری مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد تدوین شده است و از این پس سازوکار دقیقی را برای رصد و کنترل رفتار مالی همه مشتریان بانکی فراهم می‌کند.

جدا از سقف‌گذاری برای فعالیت‌های بانکی مشتریان، ایجاد محدودیت برای خرید و نگهداری رمزارز از سوی شهروندان با واکنش کارشناسان بازار رمزارز روبرو شده است. آنها معتقدند این مصوبه نه تنها قابلیت اجرایی ندارد بلکه می‌تواند پیامدهای پرخطر اقتصادی و امنیتی به دنبال داشته باشد.

سهیل نیکزاد مدیرعامل شرکت اویکس (OPEX) این تصمیم را برخلاف حقوق مالکیت خصوصی دانسته و تأکید کرده «اینکه بانک مرکزی بگوید باید محدودیتی اعمال شود، به معنای توانایی اجرای آن نیست».

علیرضا یعقوبی رئیس «انجمن فین‌تک ایران» هشدار می‌دهد که این مصوبه بر پایه سوء فهم نسبت به ماهیت استیبل‌کوین‌هاست و در نهایت موجب کاهش

گردش حساب بانکی برای افراد مزدبگیر ۲۰ میلیارد تومان در سال و برای افراد فاقد شغل ۵ میلیارد تومان در سال تعیین شده است.

بانک مرکزی هفته جاری در مصوبه‌ای جدید برای خرید و نگهداری استیبل‌کوین‌ها از جمله تر، محدودیت گذاشت. بر این اساس، هر کاربر حقیقی و حقوقی در طول یک سال تنها می‌تواند حداکثر ۵ هزار دلار استیبل‌کوین بخرد و در هر زمان موجودی او نباید از ۱۰ هزار دلار فراتر رود.

اصغر ابوالحسنی دبیر هیئت عالی بانک مرکزی با اعلام این خبر گفت افرادی که بیش از ۱۰ هزار دلار استیبل‌کوین دارند، یک ماه فرصت خواهند داشت تا این سقف ۱۰ هزار دلاری را رعایت کنند.

بانک مرکزی همچنین در بخشنامه دیگری همه بانک‌ها را موظف کرد سقف فعالیت سالانه برای هر مشتری تعیین کنند؛ ۲۰ میلیارد تومان برای اشخاص حقیقی مزدبگیر، ۵ میلیارد تومان برای اشخاص حقیقی فاقد شغل، و ۵۰۰ میلیون تومان برای حقوقی‌های غیرفعال.

بانک مرکزی افزوده رفتار مالی مشتریان به کمک سامانه‌های هوشمند پایش می‌شود؛ مغایرت‌ها اخطار می‌گیرند و در صورت عدم مراجعه، خدمات غیرحضوری قطع و سقف برداشت کارت روزانه به ۱۰ میلیون تومان محدود می‌شود. همچنین اعلام شده صاحبان کسب و کار یا اشخاص حقوقی فعال، باید دو سقف جداگانه برای حساب‌های تجاری و غیرتجاری دریافت کنند.

در بخشنامه بانک مرکزی آمده بانک‌ها موظفند سامانه‌ای هوشمند طراحی کنند تا هر گونه مغایرت رفتار مالی بطور خودکار شناسایی شود و در صورت عدم مراجعه مشتری ظرف یک هفته، خدمات غیرحضوری او قطع و سقف برداشت کارت به ۱۰۰ میلیون ریال روزانه کاهش یابد.

در ادامه بخشنامه تأکید شده که اگر گردش حساب از

● بر اساس مصوبه بانک مرکزی هر کاربر حقیقی و حقوقی در طول یک سال تنها می‌تواند حداکثر ۵ هزار دلار استیبل‌کوین مانند تتر بخرد و در هر زمان موجودی او نباید از ۱۰ هزار دلار فراتر رود.

● بانک مرکزی همچنین در بخشنامه دیگری همه بانک‌ها را موظف کرد سقف فعالیت سالانه برای هر مشتری تعیین کنند؛ ۲۰ میلیارد تومان برای اشخاص حقیقی مزدبگیر، ۵ میلیارد تومان برای اشخاص حقیقی فاقد شغل، و ۵۰۰ میلیون تومان برای حقوقی‌های غیرفعال.

● بانک مرکزی افزوده رفتار مالی مشتریان به کمک سامانه‌های هوشمند پایش می‌شود؛ مغایرت‌ها اخطار می‌گیرند و در صورت عدم مراجعه، خدمات غیرحضوری قطع و سقف برداشت کارت روزانه به ۱۰ میلیون تومان محدود می‌شود.

● برخی کاربران به نگاه «کمونیستی» در درون دولت‌های جمهوری اشاره کرده و نوشته‌اند تعیین سقف برای گردش حساب آنها با ارقام ناهم‌بند با هزینه‌های هنگفت زندگی در ایران نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی همچنان به دنبال پیاده ساختن دیدگاه‌های کمونیستی هستند.

● کارشناسان بازار رمزارز معتقدند مصوبه بانک مرکزی درباره سقف خرید و نگهداری رمزارز نه تنها قابلیت اجرایی ندارد بلکه می‌تواند پیامدهای پرخطر اقتصادی و امنیتی به دنبال داشته باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی همزمان با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، محدودیت‌های عجیبی برای فعالیت بانکی و دارایی شهروندان وضع کرده است. از جمله خرید و نگهداری «رمپول‌های پایه ثابت» یا همان استیبل‌کوین‌ها با محدودیت برای افراد حقیقی و حقوقی روبرو شده، و

جمهوری اسلامی بهمن چوبی اصل را نیز به اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل اعدام کرد



(تصویر آرشیوی) / هیچ عکس یا تصویری از متهم در دست نیست و محل اجرای حکم نیز مشخص نیست

شد. او به دلیل تخصص خود در تمام پروژه‌های شرکت به عنوان مدیر حضور داشته و دارای دسترسی بالا به بانک‌های اطلاعاتی حیاتی و حاکمیتی کشور بود.

جمهوری اسلامی این شهروند را در شرایطی به دار آویخته که پیش از این گزارشی درباره وضعیت و پرونده او منتشر نشده بود.

«میزان» همچنین بدون ارائه مدرک، جزئیاتی درباره اتهامات چوبی مطرح کرده که از جمله شامل «مأموریت‌ها و پشتیبانی محکوم‌علیه برای تقویت زبان و ارتقای مهارت‌های تخصصی جهت اخذ پروژه»، «برگزاری ۶۳ دیدار در ۹ سفر خارجی و ۹۵ ملاقات غیرحضور با افسران موساد»، «دریافت ابزار جاسوسی» و «دریافت مبالغ مشخص» بود.

طبق اعلام قوه قضائیه، افسر موساد در قالب شرکت پوششی تحت عنوان ESMI با چوبی تماس گرفته بود. ادعا شده که او در امارات، ارمنستان، هندوستان، تایلند، ویتنام، ایرلند و بلغارستان با مأموران اسرائیلی دیدار کرده است.

اساساً مشخص نیست او چه زمانی دستگیر شده و روند پرونده‌اش به شکل طی شده است.

بعد از جنگ ۱۲ روزه در خردادماه اعدام زنجیره‌ای زندانیان سیاسی به اتهام جاسوسی و همکاری با اسرائیل آغاز شده است. در یکی از تازه‌ترین موارد، بابک شهبازی زندانی سیاسی ۲۶ شهروید در زندان قزلحصار به اتهام «جاسوسی» اعدام شد. روزنامه «ساندی‌تایمز» نهم شهروید گزارش داد احتمال می‌رود حکومت ایران ۱۰۰ نفر را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام کند.

مای ساتو گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، چهارم مهر در گزارشی هشدار داد که وضعیت حقوق بشر در ایران «به طرز نگران‌کننده‌ای رو به وخامت» رفته و شهروندان پس از پایان جنگ ۱۲ روزه، به سرکوب سازمانیافته و محدودیت‌های گسترده روبرو هستند.

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی دوشنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۴ گزارش داد بهمن چوبی اصل به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» اعدام شده است.

● در گزارش قوه قضائیه آمده، بهمن چوبی اصل «در حوزه دیتابیس» همکاری گسترده و آگاهانه‌ای را با سرویس جاسوسی اسرائیل داشت.

● «میزان» می‌نویسد: «بهمن چوبی از متخصصین حوزه پایگاه داده (دیتابیس) بود که به واسطه حضور در یک شرکت دانش‌بنیان وارد پروژه‌های حساس و مخابراتی کشور شد. او به دلیل تخصص خود در تمام پروژه‌های شرکت به عنوان مدیر حضور داشته و دارای دسترسی بالا به بانک‌های اطلاعاتی حیاتی و حاکمیتی کشور بود.»

● طبق اعلام قوه قضائیه، افسر موساد در قالب شرکت پوششی تحت عنوان ESMI با چوبی تماس گرفته بود. ادعا شده که او در امارات، ارمنستان، هندوستان، تایلند، ویتنام، ایرلند و بلغارستان با مأموران اسرائیلی دیدار کرده است.

● روزنامه «ساندی‌تایمز» نهم شهروید گزارش داد احتمال می‌رود حکومت ایران ۱۰۰ نفر را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام کند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی دوشنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۴ گزارش داد بهمن چوبی اصل به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» اعدام شده است.

در گزارش قوه قضائیه آمده، بهمن چوبی اصل «در حوزه دیتابیس» همکاری گسترده و آگاهانه‌ای را با سرویس جاسوسی اسرائیل داشت.

«میزان» می‌نویسد: «بهمن چوبی از متخصصین حوزه پایگاه داده (دیتابیس) بود که به واسطه حضور در یک شرکت دانش‌بنیان وارد پروژه‌های حساس و مخابراتی کشور

اعتماد عمومی و انتقال نقدینگی به صرافی‌های خارجی خواهد شد.

علیرضا یعقوبی معتقد است «بانک مرکزی اصلاً نمی‌داند تر چيست و حتی حاضر به مشورت با متخصصان این حوزه هم نیست. وقتی بانک مرکزی تر یا مفهوم رمزارز را به عنوان پول قلمداد و قواعد پولی سنتی را به آن تحمیل می‌کند، در واقع در حق معنا و مفهوم کلمات خیانت کرده و این رفتار را به نوعی تمسخر کل نظام اقتصادی دنیاست.»

رئیس «انجمن فین‌تک ایران» توضیح داده که «معیار عمل بانک مرکزی در این زمینه مبتنی بر یک سوء فهم یا کمبود دانش است و توضیح می‌دهد که به ظاهر برنامه نهاد ناظر این است که صرافی‌ها را زیر چتر کامل نظارت برد و از این طریق گزارش تمامی تراکنش‌ها را روزانه را از صرافی‌ها بخواهد تا بتواند از طریق گزارش صرافی‌ها پی برد چه کسی چه مقدار تر نگه داشته است. یعقوبی اما هشدار می‌دهد که چنین راهکاری هم هزینه‌زا و هم اثربخشی مشکوکی دارد؛ چرا که کاربران و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای راه‌های دیگری برای معاملات و جابه‌جایی دارایی‌های خود دارند.»

وبسایت «دیجیاتو» در گزارشی نوشته در فضای پرتلاطم اقتصاد دیجیتال، رمزارزها به عنوان ابزاری نوین برای حفظ ارزش دارایی‌ها و تسهیل تراکنش‌های فرامرزی، نقش مهمی را چه برای کاربران عادی و چه حتی برای سازمان‌ها ایفا می‌کنند. در ایران، جایی که تحریم‌های بین‌المللی دسترسی به سیستم‌های مالی جهانی را محدود کرده، استیبل‌کوین‌هایی مانند تر (USDT) به عنوان معادل پایدار دلار آمریکا، به پناهگاهی برای سرمایه‌گذاران و کاربران عادی تبدیل شده‌اند.

این گزارش افزوده مصوبه اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی که در چهل و یکمین جلسه هیئت عالی این نهاد تصویب شد، این وضعیت را دگرگون کرده است. بر اساس این مصوبه، هر فرد حقیقی یا حقوقی در طول یک سال تنها مجاز به خرید حداکثر ۵ هزار دلار استیبل‌کوین (از جمله تر) است و موجودی کیف پول‌های دیجیتال آن‌ها نباید از ۱۰ هزار دلار تجاوز کند. افرادی که موجودی بیش از این سقف دارند، یک ماه پس از ابلاغ رسمی مهلت دارند تا این حد را رعایت کنند.

اگرچه در ظاهر مصوبه بانک مرکزی درباره تعیین سقف گردش مالی شهروندان ایجاد ساختاری برای هموار کردن مسیر خروج ایران از فهرست سیاه FATF است اما گذاشتن این سقف بیشتر برای محدودسازی شهروندان از داشتن پول نقد برای فعالیت در بازارهای طلا و ارز و رمزارز است.

این بخشنامه طی ساعات گذشته با واکنش گسترده کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. برخی کاربران ارقام تعیین شده را نشانه بدفهمی بانک مرکزی درباره «ارزش سقوط کرده پول ملی» ایران دانسته و برای نمونه تعیین سقف سالانه ۵۰۰ میلیون گردش حساب برای شهروندی که ماهانه ده‌ها میلیون تومان هزینه اجاره خانه و خوراک می‌دهد را مضحک دانسته‌اند.

برخی کاربران به نگاه «کمونیستی» در درون دولت‌های جمهوری اشاره کرده و نوشته‌اند تعیین سقف برای گردش حساب آنهم با ارقام ناهماهنگ با هزینه‌های هنگفت زندگی در ایران نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی همچنان به دنبال پیاده ساختن دیدگاه‌های کمونیستی هستند.

ایجاد محدودیت برای خرید و نگهداری رمزارز نیز بخشی از نگاه بانک مرکزی برای مهار قیمت ارز و طلا به شمار می‌رود اما همانطور که کارشناسان نیز تأکید کرده‌اند این طرح قابلیت اجرا ندارد و در نهایت نیز شهروندان راهکار عبور از این محدودیت را دارند؛ رفتن به سمت معامله از طریق صراف‌های خارج از ایران!

امکان بازرسی کشتی‌های باری ایران با فعال شدن مکانیسم ماشه؛ خسارت روزانه حداقل ۲۰ هزار دلار برای توقف هر کشتی



● مسعود دانشمند عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل گفته قطعنامه ۱۹۲۹ که با فعال شدن مکانیسم ماشه اجرا می‌شود امکان تفتیش و بازرسی کشتی حامل بار ایران را برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل ایجاد می‌کند.

● مسعود دانشمند گفته امکان تفتیش کشتی‌ها حتی شامل محموله‌های غیرتحریمی مانند مواد غذایی و دارو هم می‌شود: «برای مثال اگر یک کشتی حامل بار گندم باشد و کشوری تردید داشته باشد که تمام بار کشتی گندم است، می‌تواند برای رفع تردید خود، کشتی را متوقف کند.»
● وی خسارت هر روز توقف کشتی‌ها برای بازرسی را حداقل ۲۰ هزار دلار اعلام کرده و گفته در زمان توقف کشتی و بازرسی، کالا نیز آسیب می‌بیند و دچار خسارت خواهد شد.

عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل اعلام کرده با فعال شدن مکانیسم ماشه همه کشورهای عضو سازمان ملل می‌توانند کشتی‌های حامل بار ایران را متوقف و مورد بازرسی قرار دهند؛ این در حالیست که خسارت روزانه‌ی توقف هر کشتی ایرانی ۲۰ هزار دلار است.

مسعود دانشمند عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل گفته قطعنامه ۱۹۲۹ که با فعال شدن مکانیسم ماشه اجرا می‌شود امکان تفتیش و بازرسی کشتی حامل بار ایران را برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی تمام کشورهای عضو سازمان ملل تنها با این ظن که ممکن است مدارک کالا مشکوک به مقصد ایران یا گیرنده و صاحب کالا ایرانی باشد، می‌توانند کشتی را مورد بازرسی قرار دهند.

به گفته مسعود دانشمند، با فعال شدن مکانیسم ماشه شرایطی ایجاد می‌شود که هر کشوری در مسیر کشتی، می‌تواند آن را متوقف کند و به کالا و بار آن آسیب بزند و این اقدام را هم به اعتبار عهدنامه شورای امنیت سازمان ملل انجام می‌دهد.

او توضیح داده که حتی تفتیش کشتی‌ها شامل محموله‌های غیرتحریمی مانند مواد غذایی و دارو هم می‌شود: «در ۶ قطعنامه شورای امنیت مواد غذایی و دارو معاف از این تحریم‌ها هستند اما برای مثال اگر یک کشتی حامل بار گندم باشد و کشوری تردید داشته باشد که تمام بار کشتی گندم است، می‌تواند برای رفع تردید خود، کشتی را متوقف کند.»

این روند خسارت زیادی برای کشتی‌ها در پی دارد بطوری که به گفته مسعود دانشمند خسارت روزانه توقف کشتی بر اساس نوع و اندازه کشتی متفاوت است اما در حداقل‌ترین حالت ۲۰ هزار دلار خواهد بود.

عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل افزوده «در زمان توقف کشتی و بازرسی، کالا آسیب می‌بیند و دچار خسارت خواهد شد و ممکن است که یک کشتی را برای بازرسی و رفع ظن، بیش از ۱۰ روز هم متوقف کنند و خسارت این میزان توقف، حداقل ۳۰۰ هزار دلار است.»
او همچنین گفته «در هر مسیری از تردد کشتی امکان بازرسی از آن وجود دارد، برای مثال اگر از کشور آرژانتین کشتی بار سویا به سمت ایران در حال حرکت باشد، تمام

نوسانات قیمتی امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان شدت آن را کاهش داد: «نخست باید رانت ارزی حذف و نرخ ارز یکسان‌سازی شود، زیرا این اقدام شفافیت ایجاد کرده و از دلالی جلوگیری می‌کند. به باور او، دولت می‌تواند با واردات هدفمند بازار داخلی را مدیریت کند و مانع از بروز کمبودهای مقطعی شود.»

این فعال صنفی همچنین گفته «کاهش وابستگی به واردات نهاده‌ها از طریق تولید داخلی، یکی از کلیدی‌ترین مسیرهای افزایش تاب‌آوری است و سیاست‌های پولی مانند کنترل نقدینگی و حمایت از زنجیره‌های تامین محلی می‌تواند نرخ تورم را تا ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهد، البته به شرطی که اصلاحات ساختاری نیز انجام شود.»

هامان هاشمی، نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران، نیز معتقد است پایداری در کشاورزی ضامن تأمین امنیت غذایی با فعال شدن مکانیسم ماشه و دشوارتر شدن شرایط اقتصادی کشور است.

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «تغییرات اقلیمی، کمبود منابع آبی و فشار بر منابع انرژی، روزهای دشواری را برای کشاورزان رقم می‌زند» گفته «در دهه‌های گذشته، نگاه درستی به کشاورزی وجود ندارد و همین موضوع باعث تضعیف اقتصاد کشاورزی و اقتصاد خانوار کشاورز می‌شود.»

او نگاه ضدتوسعه‌ای در جمهوری اسلامی را از دیگر مشکلات موثر بر بخش کشاورزی خوانده و گفته «وقتی مدل توسعه کشورهای پیشرفته را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که کشاورزی محور اصلی توسعه آنهاست. اما در ایران، سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در این حوزه با رویکرد توسعه‌ای همخوانی ندارد. این فاصله باعث می‌شود امروز جامعه کشاورزی بیشتر از همیشه درگیر مشکلات معیشتی باشد.»

کشورهای حاضر در این مسیر می‌توانند بازرسی را انجام دهند و تمام کشورهای عضو سازمان ملل با ظن اینکه کشتی ارتباطی با ایران دارد، با مجوز شورای امنیت می‌توانند کشتی را برای بازرسی متوقف کنند.»

جدا از هزینه توقف کشتی‌های حامل بار از جمله دارو و مواد غذایی، بطور کلی کارشناسان نسبت به تهدید امنیت غذایی با تشدید تحریم‌ها به دلیل سیاست‌های نادرست و بی‌برنامگی جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند.

در همین رابطه محمدعلی رضایی، عضو کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران و رئیس اتحادیه گیاهان دارویی، زعفران و فرآورده‌های غذایی ایران گفته اگر چه برخی کالاها از جمله گندم و برنج بر تولید داخل متمرکز است اما همچنان واردات نقش مهمی در تأمین مواد غذایی مورد نیاز کشور دارد.

او توضیح داده که بخش کشاورزی کشور حدود ۱۸ میلیون نفر را بطور مستقیم و غیرمستقیم درگیر اشتغال می‌کند و سهمی معادل ۱۰ تا ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی دارد.

به گفته او، این بخش در سال‌های اخیر در برابر تحریم‌ها تاب‌آوری نسبی نشان می‌دهد که دلیل اصلی این تاب‌آوری تمرکز بر خودکفایی در محصولات استراتژیک همچون گندم و برنج است که ایران را تا حدودی از واردات بی‌نیاز می‌کند.

محمدعلی رضایی معتقد است تشدید تحریم‌ها چالش‌های جدی به همراه می‌آورد؛ از جمله افزایش تورم که احتمال دارد به بالای ۵۰ درصد برسد، کاهش ارزش ریال و رشد هزینه‌های تولید به‌ویژه در واردات نهاده‌های کشاورزی. او می‌افزاید: این شرایط بطور مستقیم بر ثبات قیمت‌ها اثر می‌گذارد و زنجیره تأمین را مختل می‌کند.

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران افزوده «مهار کامل

اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران فقط «روانی» نیست!

ایران تبعیت کنند. این موضوع دور زدن تحریمها را برای ایران به مراتب دشوارتر و پرهزینهتر خواهد کرد و مطمئناً درآمدهای ارزی کشور محدود می‌شود.»

به گفته این اقتصاددان «دولت باید منابع ارزی محدود کشور را برای اقدامات بهینه تخصیص دهد و از ارزیابی و اقدامات سطحی پرهیز کند» به باور او، دولت باید بخشی از درآمدهای ارزی را برای مصارف یارانه‌ای که به ثبات قیمت‌ها منجر می‌شود، مانند تأمین نهاده‌های دامی، صرف کند و به تولیدکنندگان کمک کند.»

آلبرت بغزبان همچنین در مورد همکاری با کشورهای دیگر تصریح می‌کند: «هنوز مشخص نیست که بتوان روی توافق با چین، روسیه و کره شمالی حساب کرد.»

یکی دیگر از مواردی که به شدت اقتصاد ایران را دچار تنش خواهد کرد افزایش قیمت ارز است. در روزهای گذشته و در حالیکه هنوز تحریم‌های سازمان ملل بطور رسمی اجرایی نشده بود، قیمت دلار از کانال ۹۰ هزار تومان به کانال ۱۱۰ هزار تومان ورود کرد و شب گذشته پس از اعلام قطعی شدن فعال‌سازی مکانیسم ماشه به ۱۱۲ هزار تومان رسید.

قیمت دلار به عنوان نبض اقتصاد ایران شناخته شده و افزایش قیمت‌ها در بازار ارز بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت همه کالاها و خدمات اثرگذار خواهد بود. آلبرت بغزبان در مورد آینده نرخ ارز پس از اجرای مکانیسم ماشه توضیح داده که «می‌توان عدد مشخصی را اعلام کرد، اما اگر دولت منفعل بماند و دیپلماسی شکست بخورد، شاهد افزایش تدریجی قیمت دلار خواهیم بود که موج تقاضا را در بازارها ایجاد می‌کند. این صرفاً یک اثر روانی نیست؛ وقتی چشم‌انداز مثبتی وجود نداشته باشد، انتظارات تورمی در جامعه محقق شده و رشد قیمت‌ها سریع‌تر می‌شود.»

این اقتصاددان تأکید کرده که «در شرایط تورمی، قیمت طلا به دلیل تأثیرپذیری از قیمت جهانی و نوسانات دلار، رشد سریع‌تری نسبت به دلار دارد.»

در آنسو دولت پزشک‌های طی یک سال گذشته نشان داده از توان و اراده برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برخوردار نیست و در نتیجه در شرایط بحرانی هم نخواهد توانست توصیه‌های اقتصاددانان برای کاهش فشار ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه را پیاده کند. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و از حامیان انتخاباتی مسعود پزشکیان نیز به این موضوع اعتراف کرده و گفته «الان شرایط سخت اقتصادی کشور هست؛ به نظر من آقای پزشک‌های با این تیم نمی‌تواند موضوع را حل کند، چون این تیم تیم یک‌دست نیست و عمدتاً سواد این کار را ندارند تنها به خاطر شرایط سیاسی انتخاب شده‌اند.»

این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی افزوده «تا اینجا هم که برنامه‌ای ارائه نکرده‌اند برای روزهای سخت. حتی من خبر دارم کمیته‌هایی تشکیل شده که فقط دور هم جمع می‌شوند و حرف می‌زنند؛ الان هیچ وزارتخانه‌ای برنامه‌ای روی میز نگذاشته که در شرایط سخت بخواند چگونه وزارتخانه‌اش را مدیریت کند. بالاخره وزارت جهاد، وزارت بهداشت و اینگونه وزارتخانه‌ها با امنیت غذایی مردم در ارتباط هستند؛ این‌ها باید برنامه‌ای ارائه کنند که متأسفانه تا الان پاسخی نگرفته‌ایم. هرچه بررسی کردم پاسخی نیافتم.»



سرمایه‌شان به دلار و طلا منع کرد، زیرا آنها برای حفظ ارزش پول خود مجبور به این کار می‌شوند.»

برخی از تحلیلگران طی روزهای گذشته تأکید کرده‌اند که تحریم‌های سازمان ملل متحد صرفاً فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی را نشانه گرفته و بر محدودسازی اقتصاد و تجارت متمرکز نیست و در نتیجه شرایط دشوارتر از امروز نخواهد شد. این در حالیست که برخی از تحریم‌های گنجانده شده در مکانیسم ماشه خسارت‌های مستقیم اقتصادی در بر دارد. برای نمونه قطعنامه ۱۹۲۹ که با فعال شدن مکانیسم ماشه اجرا می‌شود امکان تفتیش و بازرسی کشتی حامل بار ایران را برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل ایجاد می‌کند.

مسعود دانشمند عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل در اینباره توضیح داده که در چنین شرایطی تمام کشورهای عضو سازمان ملل تنها با این ظن که ممکن است مدارک کالا مشکوک به مقصد ایران یا گیرنده و صاحب کالا ایرانی باشد، می‌توانند کشتی را مورد بازرسی قرار دهند. به گفته مسعود دانشمند خسارت روزانه توقف کشتی بر اساس نوع و اندازه کشتی متفاوت است اما در حداقل‌ترین حالت ۲۰ هزار دلار خواهد بود.

عضو هیئت مدیره کانون موسسات حمل و نقل افزوده «در زمان توقف کشتی و بازرسی، کالا آسیب می‌بیند و دچار خسارت خواهد شد و ممکن است که یک کشتی را برای بازرسی و رفع ظن، بیش از ۱۰ روز هم متوقف کنند و خسارت این میزان توقف، حداقل ۳۰۰ هزار دلار است.» از سوی دیگر معطل ماندن کشتی‌ها بر روی آب به معنای اینست که کالاهای صادراتی از ایران به موقع به دست خریداران نخواهد رسید و تولیدکنندگان و تجار را به دلیل عملی نشدن تعهدات، به خطر حذف از چرخه تجارت خارجی قرار خواهد داد.

آلبرت بغزبان نیز معتقد است که «با بازگشت به تحریم‌های پیش از برجام، نظارت‌ها بسیار شدیدتر می‌شود و کشورهای دیگر نیز باید از تحریم‌های گسترده علیه

● تعدادی از تحلیلگران و چهره‌های سیاسی نزدیک به حکومت تلاش دارند با برجسته کردن «اثرات روانی» فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران، اثرات واقعی و ملموس روند بازگشت تحریم‌ها را خنثی کنند.

● بخشی از تحلیلگران معتقدند بازگشت تحریم‌ها بطور مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌های اقتصادی برای کشور ایجاد کرده و سبب تشدید رکود تورمی خواهد شد. همچنین تأکید می‌شود اثرات تحریم به علت ناکارآمدی و ناتوانی دولت پزشک‌های در ساماندهی به شرایط بحرانی، برجسته‌تر خواهد بود.

● آلبرت بغزبان اقتصاددان: با بازگشت به تحریم‌های پیش از برجام، نظارت‌ها بسیار شدیدتر می‌شود و کشورهای دیگر نیز باید از تحریم‌های گسترده علیه ایران تبعیت کنند. این موضوع دور زدن تحریم‌ها را برای ایران به مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد کرد و مطمئناً درآمدهای ارزی کشور محدود می‌شود.

● دولت پزشک‌های طی یک سال گذشته نشان داده از توان و اراده برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برخوردار نیست و در نتیجه در شرایط بحرانی هم نخواهد توانست توصیه‌های اقتصاددانان برای کاهش فشار ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه را پیاده کند.

ساعاتی پس از رد قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تعویق شش ماهه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، قیمت دلار در بازار ارز ایران به ۱۱۲ هزار تومان رسید. کارشناسان هشدار می‌دهند فعال‌سازی مکانیسم ماشه اقتصاد ایران را بیش از پیش تحت شوک و بحران قرار خواهد داد.

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد شامگاه جمعه چهارم مهرماه ۱۴۰۴ به وقت تهران قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تهدید قطعنامه ۲۲۳۱ و تعویق ۶ ماهه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی را رد کردند و به این ترتیب اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل قطعی شد.

تعدادی از تحلیلگران و چهره‌های سیاسی نزدیک به حکومت تلاش دارند با برجسته کردن «اثرات روانی» فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران، اثرات واقعی و ملموس روند بازگشت تحریم‌ها را خنثی کنند.

در مقابل بخشی از تحلیلگران معتقدند بازگشت تحریم‌ها بطور مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌های اقتصادی برای کشور ایجاد کرده و سبب تشدید رکود تورمی خواهد شد. همچنین تأکید می‌شود اثرات تحریم به علت ناکارآمدی و ناتوانی دولت پزشک‌های در ساماندهی به شرایط بحرانی، برجسته‌تر خواهد بود.

در همین رابطه آلبرت بغزبان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی با انتقاد از برخی چهره‌های سیاسی که معتقدند فعال شدن مکانیسم ماشه چندان اتفاق خاصی برای اقتصاد رقم نمی‌زند گفته «به نظر می‌رسد از نظر آقایان گران شدن کالاها و ارز چندان مهم نیست.»

آلبرت بغزبان با اشاره به تلاش دولت برای کاهش تقاضا در بازارهای ارز و طلا به عنوان راهکار کنترل قیمت‌ها، گفته «می‌توان مردم را در دوره تحریم و تورم از تبدیل

بازی جدید جمهوری اسلامی با افکار عمومی؛ سناریوی سازمانیافته «روانی بودن آثار بازگشت تحریم‌های سازمان ملل»!



● حسن قشقاوی عضو کمیسیون «امنیت ملی و سیاست خارجی» مجلس شورای اسلامی گفته آثار بازگشت تحریم‌ها بیش از جنبه اقتصادی، جنبه روانی دارد. وی از رسانه‌ها خواست تا با بیان واقعیت‌ها، از «بزرگنمایی» و ایجاد هیجان در بازار ارز و طلا بکاهند!

● بسیاری از مقامات سیاسی و تحلیلگران حکومتی در روزهای گذشته سناریویی هماهنگ را تکرار کرده و مدعی شده‌اند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی آثار واقعی بر اقتصاد ندارد و صرفاً اثرات زودگذر روانی دارد!

● همزمان با فعال شدن مکانیسم ماشه قوه قضاییه هشدار داد برای «برهم‌زنندگان امنیت روانی جامعه در رابطه با اخبار مربوط به اعمال مکانیسم ماشه» پرونده قضایی تشکیل می‌شود.

● امنیتی کردن پرداخت به اخبار مرتبط با پیامدهای مکانیسم ماشه بخشی از سناریوی سازمانیافته حکومت است که بخش دیگر، یعنی ادعای واهی «روانی بودن اثرات بازگشت تحریم‌ها» را تکمیل می‌کند.

● اقتصاددانان و تحلیلگران غیرحکومتی معتقدند تحریم‌های سازمان ملل نیز در فضای شکننده اقتصاد ایران دارای اثرات مختلفی از جمله تشدید رکود تورمی است و به ویژه بخش خصوصی اقتصاد و معیشت مردم را دچار آسیب خواهد کرد.

مقامات سیاسی و تحلیلگران حکومتی در روزهای گذشته با تکرار سناریویی سازمانیافته مدعی هستند که آثار بازگشت تحریم‌های سازمان ملل صرفاً «روانی» است و این تحریم‌ها آثار واقعی بر اقتصاد کشور نخواهد داشت.

حسن قشقاوی عضو کمیسیون «امنیت ملی و سیاست خارجی» مجلس شورای اسلامی، سناریوی حکومتی «روانی بودن آثار بازگشت تحریم‌های سازمان ملل» را تکرار کرده و در ادعایی عجیب گفته آثار بازگشت تحریم‌ها بیش از جنبه اقتصادی، جنبه روانی دارد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی از رسانه‌ها خواست تا با بیان واقعیت‌ها، از «بزرگنمایی» و ایجاد هیجان در بازار ارز و طلا بکاهند.

بسیاری از مقامات سیاسی و تحلیلگران حکومتی در روزهای گذشته سناریویی هماهنگ را تکرار کرده و مدعی شده‌اند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی آثار واقعی بر اقتصاد ندارد و صرفاً اثرات زودگذر روانی دارد!

این تحلیلگران و مقامات، واکنش بازار ارز و طلا و بورس به فعال شدن مکانیسم ماشه و افزایش قیمت دلار به ۱۱۳ هزار تومان را نیز بر اساس «واکنش روانی» توجیه می‌کنند.

بهنام سعیدی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی و دبیر کمیسیون «امنیت ملی و سیاست خارجی» مجلس هم مدعی شده «بازگشت تحریم‌ها آنقدر که بزرگش می‌کنند، اثر ندارد» و گفته فعال شدن مکانیسم ماشه اثرات روانی بیشتری از تبعات واقعی اقتصادی دارد و با حمایت کشورهای مثل چین و روسیه، ایران می‌تواند آثار تحریم‌ها را به حداقل برساند.

وی افزوده تحلیل‌ها درباره آثار و پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد «عملیات‌های روانی است که دشمن به لطف آن می‌خواهد فضای جامعه ما را ملتهب کند». او افزوده «مردم بدانند که تأثیرات فعال‌سازی مکانیسم ماشه آنقدری نیست که دشمن در حال تبلیغ آن است».

محمد کاظمی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم آثار روانی بازگشت تحریم‌ها را مورد توجه قرار داده و گفته «بازگشت تحریم‌های شورای امنیت اگرچه فشار واقعی اقتصادی جدیدی بر ایران وارد نمی‌کند، می‌تواند آثار روانی خود را در بازارهایی، چون ارز، طلا و سرمایه بگذارد. البته این آثار روانی با تدابیر مناسب دولت قابل مدیریت و کنترل است».

او افزوده «تحریم‌های شورای امنیت از نظر فنی چیزی افزوده بر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نیستند. در واقع می‌توان تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل را به دو دایره متداخل مرکز تشبیه کرد؛ دایره بزرگ‌تر تحریم‌های آمریکاست و دایره کوچک‌تر تحریم‌های شورای امنیت در درون آن قرار دارد. به همین دلیل بازگشت احتمالی تحریم‌های شورای امنیت تفاوت خاصی در وضع اقتصادی ایران ایجاد نمی‌کند، زیرا فشار اصلی هم‌اکنون ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و گسترده آمریکاست».

علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» نیز در یک برنامه تلویزیونی در صداوسیما جمهوری اسلامی مدعی شده که «مردم نگران نباشند، تحریم‌ها بیشتر بار روانی دارد».

علی لاریجانی افزوده «تهیه‌بدهات لازم برای کم اثر و بی اثر کردن اسنپ‌یک اندیشیده شده است. ملت ایران خودشان دارای قوه تحلیل هستند و می‌دانند قصد دشمن از ریشه زدن است».

حمید قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی از دیگر مقامات حکومتی است که درباره تحلیل‌های کارشناسان درباره اثرات تحریم‌های سازمان ملل مدعی شده این تحلیل‌ها «پشتوانه واقعی اقتصادی ندارد. به این معنا که هنوز تحریم‌ها در تئوری هم برنگشتند، فلذا رفتار تجاری را شاهد نبودیم که مطابق تحریم‌ها شکل بگیرد. بیشتر فضای روانی است و سعی کردند در این زمینه اغراق کنند. مثل خیلی از تحریم‌هایی که در زمینه آثار آنان اغراق شد و بعداً دیدیم که آن تحریم بعد از اجرا آن آثاری که گفته می‌شد نداشت».

در همین حال همزمان با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی قوه قضاییه روز شنبه پنجم مهرماه ۱۴۰۴، هشدار داد برای «برهم‌زنندگان امنیت روانی جامعه در رابطه با اخبار مربوط به اعمال مکانیسم ماشه» پرونده قضایی تشکیل می‌شود.

دادستانی تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد «پس از اقدام یکجانبه اعضای اروپایی برجام در اعمال غیرقانونی مکانیسم ماشه، برخی سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی با انتشار اخباری امنیت روانی جامعه را برهم زدند. با انتشار این خبر که از سوی برخی رسانه‌ها منتشر شد، دادستانی تهران ضمن رصد فضای مجازی برای منتشر کنندگان ادعای مورد اشاره پرونده قضایی تشکیل داد».

در این اطلاعیه ادعا شد «با توجه به جو روانی ایجاد شده پس از اقدام غیرقانونی اعمال مکانیسم ماشه از سوی کشورهای اروپایی عضو برجام برخی کانال‌ها و سایت‌های خبری با فاصله بسیار اندک از رای گیری در شورای امنیت سازمان ملل اقدام به تولید محتوای حساسیت برانگیز درمورد افزایش قیمت‌ها کردند».

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه نیز



پیامدهای اولیه بازگشت تحریم‌ها؛ دستورالعمل بانک مرکزی برای محدودتر کردن بازار رمزارزها

پایدار نخواهد ماند و بازار معمولاً به تعادل بازمی‌گردد. پیش از این قوه قضائیه اعلام کرده بود با کانال‌هایی که در پی جوسازی در خصوص انتشار اخبار اقتصادی ناشی از فعال سازی مکنیسم ماشه هستند برخورد خواهد کرد.

«تسنیم»: احتمال مسدود شدن دارایی‌های تتر همزمان با اعمال محدودیت‌های گسترده بر بازار رمزارز از سوی بانک مرکزی در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نسبت به مسدودسازی دارایی ایرانیان توسط تتر هشدار داد؛ خبری که ممکن است در جهت اعمال فشار روانی بر سرمایه‌گذاران منتشر شده باشد.

«تسنیم» یکشنبه ششم مهرماه نوشت تتر ممکن است «با تشدید محدودیت یا پیروی بیشتر این شرکت از رژیم‌های تحریمی بتواند سرمایه‌بخشی از فعالان داخلی را در معرض خطر بلوکه شدن قرار دهد».

این خبرگزاری اضافه کرد داده‌های شرکت تتر نشان می‌دهد تا کنون «هزاران حساب» متعلق به کاربران ایرانی مسدود شده است.

برخی فعالان حوزه رمزارز می‌گویند خبر «تسنیم» حاوی اطلاعات تازه‌ای نیست و موضوع مسدود ساختن حساب رمزارزهای مشکوک با منشأ ایران از سال‌ها پیش مطرح بوده است. از سوی دیگر معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا فراجا درباره سرمایه‌گذاری در حوزه رمزارز هشدار داده است. یک فعال حوزه رمزارز در همین ارتباط نوشته است حتی با وجود اعمال محدودیت‌های بانک مرکزی بر رمزارزها دور زدن آنها «مثل آب خوردن است».

به نظر می‌رسد حکومت نگران خروج سرمایه‌ها از کشور در پی تشدید بحران اقتصادی باشد. سرمایه‌هایی که تبدیل به رمزارز شده و از طریق صرافی‌هایی که بانک مرکزی بر آنها نظارت ندارد از ایران خارج می‌شوند.

نشریه روزانه معاونت سیاسی سپاه پاسداران ۲۹ تیرماه با پیش‌بینی فعال شدن مکانیسم ماشه، خواستار «آماده‌سازی روانی جامعه» برای مقابله با شوک اقتصادی ناشی از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی شده بود. در بخشی از این مطلب آمده بود: «نظارت و شفاف‌سازی صرافی‌های دیجیتال و رمزارزها ضروری است. در غیاب مقررات، این حوزه به گذرگاه خروج سرمایه و افزایش التهابات ارزی تبدیل شده است».

در جریان هک صرافی «نوبیتکس» که ۲۸ خرداد اتفاق افتاد دست‌کم ۹۰ میلیون دلار متعلق به این نهادها نابود شد.

● دبیر هیات عالی بانک مرکزی هشدار داد هیچ کاربری حق خرید سالانه بیش از ۵ هزار دلار رمزارز تتر و نگهداری بیش از ۱۰ هزار دلار تتر و یا استیبل‌کوین‌های مشابه را ندارد. برای کاربرانی که الان بیشتر از این مقدار دارند، یک دوره یکماهه مهلت در نظر گرفته شده است.

● همزمان با اعمال محدودیت‌های گسترده بر بازار رمزارز از سوی بانک مرکزی در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه، خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نسبت به مسدود ساختن دارایی ایرانیان توسط تتر هشدار داد؛ خبری که ممکن است در جهت اعمال فشار روانی بر سرمایه‌گذاران منتشر شده باشد.

● یک فعال حوزه رمزارز در همین ارتباط نوشته است حتی با وجود اعمال محدودیت‌های بانک مرکزی بر رمزارزها دور زدن آنها «مثل آب خوردن است».

همزمان با بازگشت تحریم‌های شش‌گانه سازمان ملل، بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد سقف سرانه مجموع خرید رمزارزهای پایه ثابت (Stable Coin) مانند تتر، برای هر کاربر حقیقی و حقوقی متناظر با «کد ملی یکتا» در تمامی پلتفرم‌های کارگزاری رمزارز، پنج هزار دلار در سال است.

رسانه‌های داخلی پنجم مهرماه ۱۴۰۴ با اعلام این خبر به نقل از اصغر ابوالسحنی قائم‌مقام بانک مرکزی نوشتند سقف نگهداری این دارایی‌ها برای هر کاربر ۱۰ هزار دلار خواهد بود.

بر اساس مصوبه یادشده، افرادی که پیشتر بیش از سقف مجاز نگهداری داشته‌اند، یک ماه فرصت دوره گذار دارند تا دارایی‌های خود را با سقف جدید تطبیق دهند.

بانک مرکزی تأکید کرد با انتشار این مصوبه در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی، مفاد آن برای کلیه معامله‌گران رمزارز و کاربران لازم‌الاجرا خواهد بود.

همزمان با اعلام سقف‌های تازه، رصد میدانی فعالان بازار نشان می‌دهد نرخ لحظه‌ای تتر در دو صرافی ایرانی، اختلافی بین ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان را ثبت کرده است.

کارشناسان این اختلاف را غیرعادی می‌دانند. برخی آن را ناشی از قیمت‌سازی مصنوعی توسط صرافی‌ها یا بازیگران بزرگ برای ایجاد نوسان و جذب نقدینگی به یک پلتفرم خاص تحلیل می‌کنند. گروهی دیگر این رویداد را نتیجه فشار شدید تقاضا در یک صرافی خاص دانسته، اما هشدار می‌دهند در نبود محرک‌های واقعی اقتصادی، این اختلاف

→ روز دوشنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۴ در نشست شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به خبرهایی درباره افزایش قیمت ارز و تشدید مشکلات اقتصادی مدعی شد دشمنان «دنبال این هستند با عملیات روانی بین مردم ایجاد نگرانی کنند». رئیس قوه قضائیه با تأکید بر اینکه «جای مماشات با خیانت‌کاران نیست» ادعا کرد «منفعت‌طلب‌ها و عامل‌ها می‌خواهند شرایطی که برای معیشت مردم ایجاد شده است را سخت‌تر کنند» و «با عملیات روانی دنبال تضعیف روحیه مردم هستند».

امنیتی کردن پرداختن به اخبار مرتبط با پیامدهای مکانیسم ماشه بخشی از سناریوی سازمانیافته حکومت است که بخش دیگر، یعنی ادعای واهی «روانی بودن اثرات بازگشت تحریم‌ها» را تکمیل می‌کند.

در مقابل اما اقتصاددانان و تحلیلگران غیرحکومتی معتقدند تحریم‌های سازمان ملل نیز در فضای شکننده اقتصاد ایران دارای اثرات مختلفی از جمله تشدید رکود تورمی است و به ویژه بخش خصوصی اقتصاد و معیشت مردم را دچار آسیب خواهد کرد.

آلبرت بغزبان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی با انتقاد از برخی چهره‌های سیاسی که معتقدند فعال شدن مکانیسم ماشه چندان اتفاقی خاصی برای اقتصاد رقم نمی‌زند گفته «به نظر می‌رسد از نظر آقایان گران شدن کالاها و ارز چندان مهم نیست».

آلبرت بغزبان با اشاره به تلاش دولت برای کاهش تقاضا در بازارهای ارز و طلا به عنوان راهکار کنترل قیمت‌ها، گفته «می‌توان مردم را در دوره تحریم و تورم از تبدیل سرمایه‌شان به دلار و طلا منع کرد، زیرا آنها برای حفظ ارزش پول خود مجبور به این کار می‌شوند».

آلبرت بغزبان معتقد است که «با بازگشت به تحریم‌های پیش از برجام، نظارت‌ها بسیار شدیدتر می‌شود و کشورهای دیگر نیز باید از تحریم‌های گسترده علیه ایران تبعیت کنند. این موضوع دور زدن تحریم‌ها را برای ایران به مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد کرد و مطمئناً درآمدهای ارزی کشور محدود می‌شود».

یکی دیگر از مواردی که به عقیده کارشناسان به شدت اقتصاد ایران را دچار تنش خواهد کرد افزایش قیمت ارز است. در روزهای گذشته و در حالیکه هنوز تحریم‌های سازمان ملل بطور رسمی اجرایی نشده بود، قیمت دلار از کانال ۹۰ هزار تومان به کانال ۱۱۰ هزار تومان ورود کرد و شب گذشته پس از اعلام قطعی شدن فعال‌سازی مکانیسم ماشه به ۱۱۲ هزار تومان رسید.

قیمت دلار به عنوان نبض اقتصاد ایران شناخته شده و افزایش قیمت‌ها در بازار ارز بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت همه کالاها و خدمات اثرگذار خواهد بود. از دو هفته پیش تا کنون قیمت دلار با حدود ۲۰ هزار تومان افزایش از پایین کانال ۹۰ هزار تومان به ۱۱۳ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز با به پای دلار با افزایش روبرو شده و سقوطی تاریخی برای ارزش پول ملی ایران را رقم زده است.

آلبرت بغزبان در مورد آینده نرخ ارز پس از اجرای مکانیسم ماشه توضیح داده که «می‌توان عدد مشخصی را اعلام کرد، اما اگر دولت منفعل بماند و دیپلماسی شکست بخورد، شاهد افزایش تدریجی قیمت دلار خواهیم بود که موج تقاضا را در بازارها ایجاد می‌کند. این صرفاً یک اثر روانی نیست؛ وقتی چشم‌انداز مثبتی وجود نداشته باشد، انتظارات تورمی در جامعه محقق شده و رشد قیمت‌ها سریع‌تر می‌شود».

خیال خام «پایان خاموشی‌ها»؛ کارشناسان می‌گویند کمبود برق در پاییز و زمستان ادامه دارد

قراردادهای ما با این کشورها، ذکر شده در شرایطی که ایران نیاز به برق دارد، می‌تواند صادرات را کم کند. این حتی درباره قراردادهای گازی ما هم صدق می‌کند و بر همین اساس هم الان گاز و برق صادراتی ما به عراق بسیار کم شده است. در نتیجه قطعی یا توقف قطعی ربطی به مسئله صادرات ندارد.»

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی همچنین توضیح داده از پاییز به بعد مصرف گاز افزایشی می‌شود و درست است که عمده مصرف گاز ما خانگی است، اما مصرف گاز نیروگاه‌ها هم عدد کمی نیست و به همین دلیل نیروگاه‌ها مخازنی دارند که در صورت نبود گاز بتوانند از گازوئیل به عنوان سوخت دوم استفاده کنند و مجبور نباشند سراغ سوخت سوم که مازوت است و مشکلات محیط‌زیستی ایجاد می‌کند، بروند. او می‌گوید: «اگر در زمستان دولت مجبور شود گازوئیل وارد کند و گازش هم به علت مصرف بالای خانگی به نیروگاه‌ها نرسد، احتمالاً در تأمین برق زمستان به مشکل می‌خوریم.»

او افزوده «در صورت تداوم سیاست‌های و نگاه‌های قدیمی دولت، به این علت که مصرف شیب رشد سابق (دست‌کم شش درصد) دارد و تولید هم رشد درخور توجهی نداشته و در افزایش بهره‌وری هم موفقیتی حاصل نشده، قطعاً تجارب سال‌های گذشته امسال هم تکرار می‌شود.»

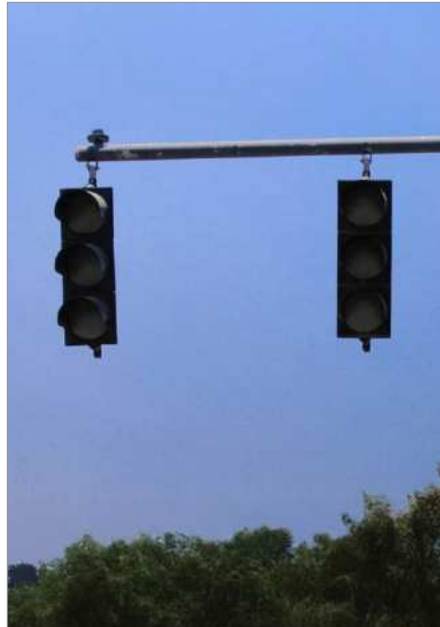
هاشم اورعی کارشناس ارشد انرژی و استاد دانشگاه نیز معتقد است کمبود سوخت «باعث می‌شود که من بگویم نه تنها احتمال می‌دهم، که حتی یقین دارم در زمستان پیش‌رو ما با خاموشی مواجه هستیم، مگر اینکه زمستانی داشته باشیم که زمستان نباشد؛ یعنی بطور استثنائی سرما به کشور نیاید، و گرنه در نیمه شمالی کشور بطور معمول ما دو ماه را هوای منفی داریم.»

هاشم اورعی تأکید می‌کند که «اگر چنین هوایی را مانند سال‌های پیش داشته باشیم، قطعاً نیروگاه‌های ما امکان کار با سوخت مایع را نخواهند داشت و باز هم با خاموشی مواجه خواهیم بود؛ چرا که اقداماتی که منجر به حذف ناترازی‌ها شود، انجام نشده است.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در شماره روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴ در مطلبی با اشاره به تداوم کمبود تولید برق تأکید کرده بود بحران برق در کشور تنها با عبور از پیک [اوج] مصرف تابستان حل نخواهد شد.

در این مطلب آمده بود حجم بالای ناترازی [کمبود]، کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، فرسودگی تجهیزات و کاهش تولید نیروگاه‌های برق‌آبی نشان می‌دهد که حل ریشه‌ای مشکل نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی، توسعه نیروگاه‌های نوین و مدیریت بهینه مصرف و از همه مهم‌تر مدیریت درست انرژی است.

«دنیای اقتصاد» نوشته بود کارشناسان تأکید می‌کنند که بدون تغییر جدی در رویکرد تأمین و توزیع انرژی، خطر تکرار خاموشی‌های گسترده در سال‌های آینده همچنان جدی است. از این رو، پایان دائم خاموشی‌ها بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های راهبردی، جذب سرمایه و استفاده از فناوری‌های نوین وابسته است؛ مسیری که اگر امروز آغاز نشود، ممکن است تابستان‌های آینده را نیز با بحران قطعی برق بیشتر روبرو کند.



در سال جاری نسبت به سال گذشته نه تنها جبران نشده، بلکه تشدید نیز شده است؛ بنابراین برخی متغیرها فقط به صورت مقطعی می‌توانند موجب تعدیل وضعیت شوند. در بخش دیگری از این گزارش آمده که به علت کاهش بارندگی‌ها، سهم نیروگاه‌های برق‌آبی نیز در تولید برق به شدت کاهش یافته؛ چرا که ذخیره آنان با کاهش بیش از ۵۴ درصدی مواجه بوده است.

کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در این گزارش تأکید کرده فرسودگی شبکه، تلفات بالا و گلوگاه‌های منطقه‌ای (به‌ویژه در استان‌های خوزستان، البرز و فارس) از عوامل اصلی قطعی‌های موضعی هستند. تلفات در شبکه انتقال حدود ۱۲ درصد و در شبکه توزیع حدود ۱۵ درصد گزارش شده که به‌مراست با بالاتر از استانداردهای جهانی است. همچنین حاشیه رزرو عملی شبکه در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته و در تابستان ۱۴۰۴ به کمتر از دو درصد رسیده است؛ به این معنا که از مدار خارج شدن فقط یک نیروگاه بزرگ می‌تواند منجر به خاموشی‌های سراسری شود.

در شرایطی عباس علی‌آبادی وزیر نیرو گفته در صورت تأمین گاز و آب، قطع برق در پاییز و زمستان به حداقل می‌رسد که کارشناسان معتقدند جدا از بحران کمبود آب، ذخیره سوخت صورت گرفته نیز کفاف زمستان برای تولید برق را نمی‌دهد.

در همین رابطه حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، به روزنامه «شرق» گفته «ذخیره نیروگاه‌ها برای مدت کوتاه یک و نیم تا دو ماهه است؛ بنابراین حتی اگر با ذخیره سوخت کافی تمام ذخایر نیروگاه‌ها هم تأمین شده باشد، در حالت خوشبینانه فقط نیاز کشور در پاییز را برطرف می‌کند و در زمستان باز هم تولید برق نیروگاه‌ها به مشکل خواهد خورد.»

حمیدرضا صالحی با بیان اینکه برخی به اشتباه توقف قطعی برق را ناشی از کاهش صادرات آن می‌دانند، توضیح می‌دهد: «مجموع کل قراردادهای صادراتی ما به پاکستان، عراق و افغانستان اصلاً عدد بالایی نیست؛ ضمن اینکه در

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو: پیش‌بینی می‌کنیم در فصل پاییز، خاموشی‌ها به حداقل برسد؛ به شرط آنکه نیروگاه‌ها به اندازه کافی گاز و آب در اختیار داشته باشند. از آنجا که بحران کمبود آب و گاز ادامه خواهد داشت، کمبود برق نیز ادامه‌دار بوده و پایان نخواهد یافت! کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در یک گزارش اعلام کرده که در کنار موضوع کمبود سوخت نیروگاه‌ها، مسائل زیرساختی مانند فرسودگی تجهیزات، راندمان پایین نیروگاه‌ها، ضعف در تکمیل خطوط و پست‌های انتقال و البته مدیریت حکمرانی نامناسب، وضعیت ناپایدار و به‌شدت شکننده‌ای برای صنعت برق کشور ایجاد کرده است. حمیدرضا صالحی نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی: حتی اگر با ذخیره سوخت کافی تمام ذخایر نیروگاه‌ها هم تأمین شده باشد، در حالت خوشبینانه فقط نیاز کشور در پاییز را برطرف می‌کند و در زمستان باز هم تولید برق نیروگاه‌ها به مشکل خواهد خورد.

تنها چند روز پس از آنکه رسانه‌های داخلی از «پایان خاموشی‌ها» خبر دادند وزیر نیرو اعلام از تلاش دولت برای «به حداقل رساندن» قطع برق در پاییز خبر داده است. کارشناسان معتقدند به علت مشکلاتی که برای تأمین سوخت نیروگاه‌های حرارتی وجود دارد، کمبود برق همچنان در نیمه دوم سال نیز ادامه خواهد داشت.

طی روزهای گذشته رسانه‌های داخلی در شرایطی با استناد به سخنان عباس علی‌آبادی وزیر نیرو از پایان قطع و جیره‌بندی برق خبر دادند که اکنون وزیر نیرو در اظهاراتی جدید گفته «با وجود کسری منابع و ناترازی‌های موجود، اقدامات مناسبی برای تأمین برق و آب انجام شده و پیش‌بینی می‌کنیم در فصل پاییز، خاموشی‌ها به حداقل برسد؛ به شرط آنکه نیروگاه‌ها به اندازه کافی گاز و آب در اختیار داشته باشند.»

این سخنان وزیر نیرو نشان می‌دهد پایان جیره‌بندی برق موقتی است و از آنجا که بحران کمبود آب و گاز ادامه خواهد داشت، کمبود برق نیز ادامه‌دار بوده و پایان نخواهد یافت. این موضوع بیشتر نیز از سوی کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته است. در همین رابطه روزنامه «شرق» گزارش داده که فعالان صنعت برق و کارشناسان معتقدند این ذخیره سوخت نیروگاه‌ها، هم محدود است و هم بهره‌وری نیروگاه‌ها را پایین می‌آورد. ضمن اینکه چون آلودگی شدیدی ایجاد می‌کند، استفاده طولانی از آن ممکن نیست. به باور آنان، مجموع این عوامل باعث می‌شود کسری گاز شدید در فصل زمستان کار خودش را بکند و قطعی‌های برق را بازگرداند.

در همین حال کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز در یک گزارش اعلام کرده که در کنار موضوع کمبود سوخت نیروگاه‌ها، مسائل زیرساختی مانند فرسودگی تجهیزات، راندمان پایین نیروگاه‌ها، ضعف در تکمیل خطوط و پست‌های انتقال و البته مدیریت حکمرانی نامناسب، وضعیت ناپایدار و به‌شدت شکننده‌ای برای صنعت برق کشور ایجاد کرده است.

در این گزارش میزان کسری برق در تابستان امسال و طی یک سناریو بدبینانه ۲۶ هزارو ۹۰۰ مگاوات برآورد و تأکید شده که ارقام کسری نشان می‌دهد شکاف تولید و مصرف

افزایش تورم در شهریورماه؛ بالاترین تورم «ماهانه» برای میوه و خشکبار با ۹ درصد و سبزیجات و حبوبات با ۸/۷ درصد!



ثبت شده است. در گروه‌های کالایی، میوه و خشکبار با ۹ درصد تورم ماهانه و سبزیجات و حبوبات با ۸/۷ درصد، بالاترین نرخ تورم را به خود اختصاص داده‌اند؛ موضوعی که نگرانی‌هایی در زمینه تأمین امنیت غذایی خانوارها در ماه‌های آینده به همراه دارد.

رضا نورانی رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران، علل اصلی جهش قیمت‌ها در بخش محصولات کشاورزی را مواردی چون «کمبود نیروی کار و اخراج کارگران افغانستانی»، «کاهش تولید به دلیل بحران کمبود آب»، «پیامدهای جنگ و بی‌ثباتی منطقه‌ای بر اقتصاد» و «افزایش هزینه‌های جانبی تولید» دانسته است.

او توضیح داده افزایش هزینه‌های تولید از گرانی کود و بذر تا قطع برق، افزایش هزینه بسته‌بندی و حمل‌ونقل از چالش‌های عمده‌ای هستند که منجر به جهش قیمت محصولات تازه کشاورزی شده‌اند.

رضا نورانی همچنین هشدار داده است که با تداوم این روند، صادرات محصولات کشاورزی ایران به ویژه به کشورهای حوزه خلیج فارس با کاهش چشمگیر مواجه خواهد شد و قدرت رقابت ایران در بازارهای منطقه‌ای از بین خواهد رفت.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد در میان اقلام غیرخوراکی نیز بالاترین تورم ماهانه ۵/۸ درصد بوده که به «آب، برق و سوخت» تعلق دارد. پس از آن، تورم ماهانه گروه «آموزش» و «تفریح و فرهنگ» با ثبت نرخ‌های ۶/۴ درصد و ۹/۴ درصد بالاتر از سایر کالاها قرار گرفته است.

تورم در اقتصاد ایران در شرایطی طی ماه‌های گذشته همچنان روندی افزایشی را طی کرده و دولت پزشک‌پسین عملی کردن وعده کنترل تورم شکست خورده، که پیش‌بینی می‌شود با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه تورم در اقتصاد ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شود.

در شهریور ماه ۱۴۰۴، تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳/۴۵ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳/۴۵ درصد بیشتر از شهریور ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

تورم نقطه به نقطه شهریورماه ۱۴۰۴، در مقایسه با رقم تورم نقطه به نقطه مرداد ۹/۲ واحد درصد افزایش داشته است که نشان از تداوم روند افزایش تورم دارد.

تورم سالانه نیز در شهریورماه امسال نسبت به رقم تورم سالانه در مرداد افزایش یافته است. منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است.

در شهریور ماه ۱۴۰۴، نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۵/۳۷ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۲/۱ واحد درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران دامنه تغییرات تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۸/۳۶ درصد برای دهک دهم، تا ۴/۳۸ درصد برای دهک اول است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۶/۱ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل ۶/۰ واحد درصد افزایش داشته است.

همچنین تورم ماهانه که بیانگر درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل است در شهریورماه برابر با ۸/۳ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۲/۵ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳ درصد بوده است.

جزئیات گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها از ۵۷ درصد هم عبور کرده و قیمت آب، برق و سوخت نسبت به سال گذشته بیش از ۶۴ درصد افزایش یافته است.

در جزئیات مربوط به تورم ماهانه نیز ارقام قابل توجهی

● تورم در شهریورماه نسبت به ماه قبل، ۸/۳ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳/۴۵ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۵/۳۷ درصد افزایش داشته است.

● میوه و خشکبار با ۹ درصد تورم ماهانه و سبزیجات و حبوبات با ۸/۷ درصد، بالاترین نرخ تورم را به خود اختصاص داده‌اند؛ موضوعی که نگرانی‌هایی در زمینه تأمین امنیت غذایی خانوارها در ماه‌های آینده به همراه دارد.

● در میان اقلام غیرخوراکی نیز بالاترین تورم ماهانه ۵/۸ درصد بوده که به «آب، برق و سوخت» تعلق دارد. پس از آن، تورم ماهانه گروه «آموزش» و «تفریح و فرهنگ» با ثبت نرخ‌های ۶/۴ درصد و ۹/۴ درصد بالاتر از سایر کالاها قرار گرفته است.

● دولت پزشک‌پسین در حالی در عمل به وعده کنترل تورم شکست خورده، که پیش‌بینی می‌شود با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه تورم در اقتصاد ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شود.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم شهریورماه نشان از تداوم روند افزایشی تورم دارد بطوری که تورم نقطه به نقطه در شهریورماه ۱۴۰۴ به ۳/۴۵ درصد افزایش یافته است. همچنین گروه‌های کالایی، میوه و خشکبار با ۹ درصد و سبزیجات و حبوبات با ۸/۷ درصد، بالاترین تورم «ماهانه» در شهریورماه را به خود اختصاص داده‌اند.

مرکز آمار ایران با چند روز تأخیر گزارش مربوط به تورم شهریورماه ۱۴۰۴ را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در شهریورماه شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور به عدد ۶/۳۸۴ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۸/۳ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳/۴۵ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۵/۳۷ درصد افزایش داشته است.

کارگران بعد از پرداخت اجاره خانه، دیگر پولی برای خوراک و درمان ندارند!

● پرویز زعیمی فعال کارگری گفته در حالی که قیمت کالاها ماهانه و حتی هفتگی تغییر می‌کند، دستمزد کارگران فقط سالی یکبار افزایش پیدا می‌کند.

● این تنها کارگران نیستند که زیر بار موج افزایش قیمت‌ها و تورم فزاینده با خالی شدن سفره و محرومیت و فلاکت روبرو شده‌اند. بازنشستگان نیز با درآمدهای ناکافی و مشکلات مختلف معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

یک فعال کارگری با اشاره کاهش شدید قدرت خرید کارگران گفته با توجه به تورم، افزایش قیمت دلار و صعود هزینه‌های زندگی، بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد از حقوق کارگران صرف مسکن می‌شود و چیزی از این حقوق برای خوراک، هزینه‌های درمانی و پوشاک باقی نمی‌ماند.

پرویز زعیمی فعال کارگری گفته در حالی که قیمت کالاها ماهانه و حتی هفتگی تغییر می‌کند، دستمزد کارگران فقط سالی یکبار افزایش پیدا می‌کند.

این فعال کارگری افزوده: «قرار بود با افزایش تورم، حقوق کارگر هم افزایش پیدا کند اما این کار انجام نمی‌شود. کارگر خودش کالا را تولید می‌کند و این کالا همراه افزایش قیمت دارد اما حقوقش ثابت می‌ماند و توان خرید همان کالا را ندارد».

پرویز زعیمی همچنین گفته حقوق و دستمزدهای فعلی برای تهیه مواد غذایی اولیه مانند گوشت و لبنیات کافی نیست. با این حقوق و دستمزدها فقط می‌توان نان خالی خرید و چیزی نمی‌ماند که کارگر بتواند با آن هزینه معیشت خود را تأمین کند. وقتی قیمت مرغ در عرض یک شب از ۸۰ هزار به ۱۴۰ هزار تومان می‌رسد، کارگر دیگر توان خرید ندارد.

او تأکید کرده گرانی تنها شامل کالاهای اساسی نمی‌شود. در حوزه درمان نیز وضع به همین منوال است. پزشکان از نرخ‌های تعیین‌شده دولت تبعیت نمی‌کنند. کارگران برای یک عمل جراحی جزئی در بیمارستان‌های خصوصی باید از موانع زیادی عبور کنند. در بیمارستان‌های تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی نیز باید سه الی شش ماه در صف نوبت بمانند.

به گفته این فعال کارگری، «مسئول این وضعیت دولت است زیرا سیاست‌گذاری‌های کلان بر عهده دولت است. اینها تنها نمونه‌های کوچکی از بی‌توجهی دولت به قشر کارگر است. کارگران که در خط مقدم اقتصادی هستند از هیچ‌گونه رفاهیات برخوردار نیستند و حقوقشان نیز بدون تغییر باقی می‌ماند. حقوق کارگران ناچیز است و در پرداخت آن نیز اهمال‌کاری می‌شود».

او همچنین با اشاره به موج گسترده اخراج کارگران پس از جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل گفته «وزارت کار نه توانسته برای کارگران اشتغال ایجاد کند و نه توانسته که از حقوق آنان دفاع کند. قراردادهای موقت، نبود تشکلهای کارگری و ضعف نظارت باعث شده است که کارگران امنیت شغلی نداشته باشند. ظاهراً هدف اصلی وزارت کار این است که آمار اشتغال‌زایی خود را بالا ببرد و دیگر به سر و کله‌زدن با کارفرما علاقه‌ای ندارد».

پرویز زعیمی تأکید کرده که «دولت‌ها تنها شعار می‌دهند و برای نهادهای فرادستی اهمیتی ندارد که چه تعداد کارگر اخراج می‌شوند. کارگرانی که حقوق ماهانه‌شان برای نصف ماه هم کفایت نمی‌کند، گاه و بیگاه در معرض اخراج قرار می‌گیرند و این بی‌ثبات‌کاری، امنیت روانی‌شان را به خطر



اجتماعی متعددی را تجربه می‌کنند؛ از جمله افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج یا مجرد ماندن به دلیل شرایط کاری دشوار، فرسودگی مداوم و حتی گرایش به اعتیاد».

حمید حاج‌اسماعیلی افزوده «این وضعیت به ویژه شامل کارگرانی می‌شود که بیشترین سهم را در فضای کاری دارند و چون استخدام رسمی نیستند، برای حفظ شغل خود بیش از دیگران تلاش می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که امنیت شغلی نیز در این گروه وجود ندارد و همواره با تهدید اخراج مواجه هستند. به همین دلیل، آسیب‌های اجتماعی در این قشر بسیار شدید است».

این تنها کارگران نیستند که زیر بار موج افزایش قیمت‌ها و تورم فزاینده با خالی شدن سفره‌ها و محرومیت و فلاکت روبرو شده‌اند. بازنشستگان نیز با درآمدهای ناکافی و مشکلات مختلف معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

محمدحسن زدا سرپرست پیشین سازمان تأمین اجتماعی درباره وضعیت بازنشستگان تحت پوشش این سازمان که جمعیت آنها حدود ۵ میلیون نفر برآورد می‌شود گفته «نزدیک به ۷۰ درصد مستمری‌بگیران حداقل‌بگیر هستند؛ یعنی اگر فردی همسر یا فرزند نداشته باشد، حقوق پایه او ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. اگر یک اولاد و همسر هم داشته باشد، مجموع دریافتی با لحاظ مسکن و معیشت حدود ۱۵ میلیون تومان می‌شود».

سرپرست پیشین سازمان تأمین اجتماعی افزوده «خط فقر کجاست؟ قبلاً می‌گفتند باید فاصله با خط فقر را بررسی کنیم، حالا باید به خط بقا نگاه کنیم؛ یعنی درآمد لازم برای تأمین حداقل وعده‌های غذایی روزانه. تصور کنید دو نفر در یک ماه ۳۰ وعده غذا بخورند؛ چقدر درآمد لازم دارند؟ بدون اینکه به اجاره، درمان، شهریه، سرویس مدرسه و هزینه‌های دیگر توجه کنیم. آیا این درآمد کافی است یا خیر؟ بنابراین اعتراض بازنشستگان بعید نیست».

بر اساس برآورد فعالان اقتصادی، در تابستان امسال رقم سبد معیشت در شهر تهران برای یک خانواده سه تا چهار نفره به ۷۳ میلیون تومان در ماه رسیده است. میانگین این رقم در دیگر شهرهای ایران ۵۵ میلیون تومان برآورد شده است.

انداخته است؛ درواقع کارگران نه امنیت اقتصادی دارند و نه امنیت روانی، همواره به لایه‌های فرودست‌تر سقوط می‌کنند».

خبرگزاری «رکنا» در یک گزارش میدانی از وضعیت کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «منطقه ویژه صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس» در استان هرمزگان نوشته مشکلات مالی این کارگران فقط جنبه اقتصادی ندارد و سبب افزایش آمار طلاق و اعتیاد در میان این خانواده‌ها شده است.

در این گزارش آمده کارگران پیمانی شاغل در این منطقه همان کارگرانی هستند که «کار برابر، مزد نابرابر» را نه در شعار که با گوشت و استخوانشان تجربه می‌کنند. وقتی همکار رسمی در پایان سال دریافتی کل حقوقشان حدود ۶۴۰ میلیون تومان است اما حقوق پیمانی‌ها بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان در ماه نوسان می‌کند؛ آن هم بدون بیمه کامل، بدون مزایا و در سایه دائمی تهدید اخراج. وظایف اما هیچ تفاوتی ندارد، همان کار، همان مسئولیت، همان خطر. «رکنا» درباره یکی از کارگران شاغل در این منطقه نوشته که او با همسر و فرزندش در بندرعباس زندگی می‌کند. سال گذشته ۱۰ میلیون تومان اجاره پرداخت می‌کرد، اما امسال صاحبخانه ۲۰۰ میلیون تومان پول پیش طلب کرده است. این کارگر با قرض و وام، ۱۵۰ میلیون فراهم کرده و حالا باید ماهانه ۱۵ میلیون اجاره بدهد. حقوق او حدود ۳۰ میلیون تومان است؛ یعنی نیمی از درآمد صرف اجاره می‌شود و باقی باید برای زندگی سه نفر خرج شود.

گزارش خبرگزاری «رکنا» نوشته آمار غیررسمی نشان می‌دهد حدود ۱۰ درصد کارکنان پیمانی در همین منطقه درگیر طلاق یا بحران جدی خانوادگی شده‌اند. نمونه‌ها کم نیستند؛ همکارانی که بعد از سال‌ها زندگی مشترک از هم پاشیده‌اند یا جوانی که پس از نامزدی، به خاطر مشکلات اقتصادی مجبور به جدایی شد.

حمید حاج‌اسماعیلی فعال کارگری هم درباره شرایط کارگران پیمانی گفته «کارگران پیمانی به دلیل فشار کاری بالا، درآمد محدود و هزینه‌های زندگی، مجبور می‌شوند به شغل دوم روی بیاورند. این افراد اغلب خسته‌اند و مشکلات

سقوط سطح معیشت در ایران طی ۶۱ ماه تورم بالای ۳۰ درصد

مسکن، درمان، تحصیل و خوراک، ناچار به پذیرش شغل دوم یا سوم شده‌اند.»

پرویز زعیمی فعال کارگری نیز هفته گذشته اعلام کرد حقوق و دستمزدهای فعلی برای تهیه مواد غذایی اولیه مانند گوشت و لبنیات کافی نیست. با این حقوق و دستمزدها فقط می‌توان نان خالی خرید و چیزی نمی‌ماند که کارگر بتواند با آن هزینه معیشت خود را تأمین کند. وقتی قیمت مرغ در عرض یک شب از ۸۰ هزار به ۱۴۰ هزار تومان می‌رسد، کارگر دیگر توان خرید ندارد.

او تأکید کرده بود گرانی تنها شامل کالاهای اساسی نمی‌شود. در حوزه درمان نیز وضع به همین منوال است. پزشکان از نرخ‌های تعیین‌شده دولت تبعیت نمی‌کنند. کارگران برای یک عمل جراحی جزئی در بیمارستان‌های خصوصی باید از موانع زیادی عبور کنند. در بیمارستان‌های تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی نیز باید سه‌الی شش ماه در صف نوبت بمانند.

به گفته این فعال کارگری، «مسئول این وضعیت دولت است زیرا سیاست‌گذاری‌های کلان بر عهده دولت است. اینها تنها نمونه‌های کوچکی از بی‌توجهی دولت به قشر کارگر است. کارگران که در خط مقدم اقتصادی هستند از هیچ‌گونه رفاهیات برخوردار نیستند و حقوقشان نیز بدون تغییر باقی می‌ماند. حقوق کارگران ناچیز است و در پرداخت آن نیز اهمال‌کاری می‌شود.»

حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار و فعال کارگری هم گفته «خط فقر در ایران بالای ۵۵ میلیون تومان است، در حالی که متوسط درآمد کارگران و کارمندان با مزایا حدود ۱۷ میلیون تومان برآورد می‌شود.»

او توضیح داده که ۶۵ درصد مردم زیر فشار شدید اقتصادی قرار دارند و این فاصله موجب گسترش کار دوم، فرسودگی و آسیب‌های اجتماعی شده است.

محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان کشور هم اعلام کرده طبق آمار دیوان عدالت اداری بیشترین حقوق کشور با ۴۵ میلیون تومان متعلق به وزارت نفت و کمترین میزان، ۱۵ میلیون تومان متعلق به معلمان است.

اینهمه در حالیست که با توجه به اجرای تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی از روز گذشته، وضعیت اقتصادی ایران در نیمه دوم سال بحرانی‌تر خواهد شد. کاهش درآمدهای دولت بر اثر اجرای این تحریم‌ها سبب خواهد شد دولت اقداماتی برای جبران کسری بودجه، از جمله استقراض از بانک مرکزی و فروش اوراق قرضه، را در دستور کار قرار دهد. مجموعه اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه سبب افزایش نقدینگی در اقتصاد و در نتیجه سرعت گرفتن افزایش تورم خواهد شد.

از سوی دیگر کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز نیز از دیگر عواملی است که در نیمه دوم سال جاری می‌تواند سبب تحریک تورم در اقتصاد ایران شود.

افزایش تورم در نبود برنامه‌های حمایتی کارآمد از سوی دولت سبب افزایش فقر و فلاکت خواهد شد. احمد میدری وزیر کار هم چند بار در هفته‌های گذشته اعلام کرده دولت برنامه‌ای برای افزایش دستمزدها ندارد. در چنین شرایطی فاصله زیاد بین درآمد و هزینه‌های زندگی می‌تواند با افزایش نارضایتی‌ها سبب بروز اعتراضات و اعتصابات کارگری شده و هم چنین فشارهای اقتصادی موجب کاهش انگیزه نیروی کار، فرسودگی شغلی و افزایش مهاجرت نیروی کار ماهر شود.



بر اساس این گزارش در نهایت نیز تبعات اجتماعی این روند، شاید بسیار سنگین‌تر از آثار اقتصادی آن باشد؛ از افزایش مهاجرت نخبگان و جوانان گرفته تا تضعیف همبستگی اجتماعی و گسترش نارضایتی عمومی را می‌توان بخشی از این مشکلات عیدیه دانست که اکنون نشانی آن در آمار تورم کشور دیده می‌شود.

این گزارش افزوده نااطمینانی‌های سیاسی، افزایش نرخ ارز، افزایش نقدینگی و کسری بودجه، فشار در بخش مسکن و اجاره‌بها و افزایش هزینه تولید مواد غذایی از جمله عوامل تحریک تورم در سالهای گذشته بوده است. «اقتصاد ۲۴» هشدار داده که اکنون اقتصاد ایران در آستانه ورود به یک چرخه رکود تورمی قرار دارد؛ وضعیتی که همزمان با رشد منفی و تورم بالا همراه است. آمار رشد اقتصادی فصل نخست ۱۴۰۴ منفی اعلام شده و افزایش مداوم قیمت‌ها، تقاضای مصرفی را کاهش داده است.

به بیان دیگر، خانوارها توان خرید خود را از دست داده‌اند و بنگاه‌ها نیز با کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها مواجه‌اند. این ترکیب، به کاهش سرمایه‌گذاری، تعطیلی واحدهای تولیدی و افزایش بیکاری منجر خواهد شد.

همچنین هشدار داده شده که تورم پایدار و فزاینده، پیامدهای اجتماعی عمیقی از جمله «فرسایش طبقه متوسط»، «گسترش فقر»، «افزایش نابرابری» و «آسیب‌های روانی و اجتماعی» را در پی خواهد داشت. به نظر می‌رسد پیامدهای مورد اشاره در گزارش «اقتصاد ۲۴» هم‌اکنون نیز نمایان شده است. برای نمونه سمیه گلپور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور با ارائه آماری تکان‌دهنده از چند شغله بودن بیش از ۶۰ درصد از کارگران در کشور خبر داده است.

سمیه گلپور گفته «کارگران برای تأمین مایحتاج روزانه خود مجبور به پذیرش شغل‌های غیررسمی و کم‌درآمد شوند. در چنین شرایطی، زندگی کارگران به شکل سخت و پر فشار ادامه پیدا می‌کند و این وضعیت ناشی از کاهش قدرت خرید و پایین بودن دستمزدها نسبت به تورم واقعی است.» او تأکید کرده «کارگرانی که حتی با دریافت حداقل دستمزد رسمی روزگار می‌گذرانند، به دلیل هزینه‌های بالای

● اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است. رئیس کل بانک مرکزی دو سال پیش هدف‌گذاری تورم زیر ۲۰ درصد را مطرح کرده بود اما ماه‌هاست تورم به بالای ۴۰ درصد رسیده است.

● وبسایت «اقتصاد ۲۴» هشدار داده اگر اصلاحات ساختاری در حوزه بودجه، سیاست پولی و مدیریت انتظارات تورمی انجام نشود، اقتصاد ایران در مسیر یک فروپاشی تدریجی معیشت خانوارها قرار خواهد گرفت.

● تورم پایدار و فزاینده، پیامدهای اجتماعی عمیقی از جمله «فرسایش طبقه متوسط»، «گسترش فقر»، «افزایش نابرابری» و «آسیب‌های روانی و اجتماعی» را در پی خواهد داشت.

آمارهای مرکز آمار ایران بیانگر ۶۱ ماه تورم پی در پی و بالای ۳۰ درصد در اقتصاد ایران و صدرنشینی مواد غذایی و حمل و نقل و آموزش و درمان در افزایش تورم است. این روند سبب به قعر خط فقر رانده شدن میلیون‌ها خانوار در ایران و گسترده‌تر شدن فقر شده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در شهریورماه ۱۴۰۴، تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳/۴۵ درصد بوده است. یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین ۳/۴۵ درصد بیشتر از شهریورماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه شهریورماه ۱۴۰۴ در مقایسه با ماه قبل ۹/۲ واحد درصد افزایش داشته است.

جزئیات این گزارش نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در شهریورماه ۳/۵۷ درصد، تورم نان و غلات ۳/۹۴ درصد، تورم روغن و چربی‌ها ۷/۴۸ درصد و تورم میوه و خشکبار ۲/۷۷ درصد، تورم شیر، پنیر و تخم‌مرغ ۲/۴۶ درصد، تورم سبزیجات ۹/۶۴ درصد، تورم اجاره ۴/۳۴ درصد، تورم آب، برق و سوخت ۷/۶۴ درصد و تورم بهداشت و درمان ۵/۴۵ درصد اعلام شده است.

همچنین در شهریورماه، خدمات مربوط به حمل و نقل عمومی نیز ۲/۵۶ درصد گران شد. تورم سالانه کل به بالاترین سطح خود از اردیبهشت ۱۴۰۳ و تورم نقطه به نقطه کل به بالاترین سطح خود از خرداد ۱۴۰۲ تا کنون رسیده است.

این ارقام نشان می‌دهد فشار تورم بر اقشار کم‌درآمد بیش از افراد ثروتمند است؛ اقشار کم‌درآمد سید مصرفی متنوعی ندارند و اقلام ضروری شامل خوراک، حمل‌ونقل، درمان و آموزش و مسکن در سبد مصرف آنها سهم اصلی را دارد. در نتیجه زمانیکه این اقلام تورم بالایی را متحمل می‌شوند، فشار تورم بر خانوارهای کم‌درآمد بیشتر از خانوارهای ثروتمند خواهد بود که سبد معیشت آنها متنوع و شامل مواردی چون سفر، تفریح، ورزش و ... است.

آمارها نشان می‌دهد اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است. رئیس کل بانک مرکزی دو سال پیش هدف‌گذاری تورم زیر ۲۰ درصد را مطرح کرده بود اما ماه‌هاست تورم بالای ۴۰ درصد است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی با اشاره به تورم فزاینده‌ی بالای ۳۰ درصد نوشته اگر اصلاحات ساختاری در حوزه بودجه، سیاست پولی و مدیریت انتظارات تورمی انجام نشود، اقتصاد ایران در مسیر یک فروپاشی تدریجی معیشت خانوارها قرار خواهد گرفت.

مازوت‌سوزی زودهنگام در نیروگاه‌ها؛ نشانه‌ی دیگری از تشدید بحران انرژی در نیمه دوم امسال



زودهنگام مازوت‌سوزی در کشور، ناترازی [کمبود] گاز در سال جاری تشدید شده است.

این گزارش افزوده با توجه به سهم ۷۰ درصدی تولید برق از طریق نیروگاه‌های حرارتی و افزایش ناترازی [کمبود] گاز در کشور، استفاده از سوخت‌های جایگزین همچون مازوت، سلامت مردم را تهدید می‌کند.

وبسایت «انرژی پرس» هم به تازگی گزارش داده بود با وجود افزایش ذخایر سوخت مایع در نیروگاه‌ها نسبت به سال گذشته، کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت محدودیت در تأمین گاز، احتمال تکرار خاموشی‌ها و مازوت‌سوزی همچنان وجود دارد.

آمارها نشان می‌دهد مصرف سوخت مایع نیروگاه‌ها در دولت چهاردهم ۸ درصد بیشتر شده و موجودی نفت‌گاز و نفت‌کوره نیز افزایش یافته است. با این حال، نگرانی‌ها درباره پیامدهای محیط زیستی و اجتماعی ناشی از مازوت‌سوزی پابرجاست.

مسئولان وزارت نیرو و نفت مدعی بودند که با تداوم ذخیره‌سازی و هماهنگی بیشتر، عبور از زمستان بدون بحران امکان‌پذیر خواهد بود، اما کارشناسان خواستار کاهش وابستگی به سوخت‌های آلاینده و توسعه انرژی‌های پاک‌تر هستند. اکنون مازوت‌سوزی نشان می‌دهد ادعای مسئولان وزارت نیرو درباره ذخائر سوخت هم با ابهام روبروست.

سعید توکلی مدیرعامل شرکت گاز، در مرداد سال جاری در یک نشست خبری گفت: «باید بپذیریم که ناترازی [کمبود] انرژی داریم و این ناترازی هم کم نیست و ۳۰۰ میلیون تا ۳۵۰ میلیون مترمکعب کمبود گاز داریم.»

با وجود مازوت‌سوزی اما باز هم سوخت گاز و مازوت برای نیروگاه‌ها ناکافی ارزیابی می‌شود. حمیدرضا

کوچکی در پدیدار شدن آن ایفا می‌کند اما با این وجود به دلیل آلایندگی شدید، اصفهانی‌ها در فصل سرمایه‌های شرايط سختی را پشت سر می‌گذارند و جان‌شان به ستوه می‌آید.» در گزارش مربوط به مازوت‌سوزی در اصفهان آمده «آلودگی هوا ناشی از مازوت‌سوزی به عنوان یک معضل جدی، به خصوص در کلان‌شهرهایی مانند اصفهان، نه تنها سلامت جسمی مردم را تهدید می‌کند بلکه مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز به دنبال دارد. بیماری‌های تنفسی و قلبی ناشی از استنشاق ذرات معلق و گازهای سمی، افزایش مراجعات به مراکز درمانی، کاهش بهره‌وری کاری و آموزشی و حتی تأثیر منفی بر جذب گردشگر از جمله پیامدهای این وضعیت است.»

داریوش گل‌علیزاده مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان نیز پیشتر اعلام کرده بود که با وجود تلاش‌ها برای جلوگیری از مازوت‌سوزی در نیروگاه «منتظری»، در صورت کمبود گاز در فصول سرد، ممکن است به صورت محدود و تلفیقی با گاز از این سوخت استفاده شود.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز گزارش داده با آغاز پاییز و افزایش ناترازی «کمبود» گاز به دلیل افزایش مصرف آن، نیروگاه‌های حرارتی دوباره به مازوت‌سوزی روی آورده‌اند. در این گزارش آمده اگر این روزها اگر از جاده قزوین-کرج عبور کنید، صحنه نگران‌کننده‌ای از دود خاکستری و سیاه بیرون‌آمده از نیروگاه «رجایی» مشاهده می‌کنید. شدت و حجم این دود به قدری است که به نظر می‌رسد این نیروگاه بار دیگر به افزایش مازوت‌سوزی روی آورده است. به گزارش «تجارت نیوز» افزایش مازوت‌سوزی از پاییز به معنای افزایش ناترازی [کمبود] گاز و کاهش سهم گاز در سبد سوخت نیروگاهی است. باید گفت با توجه به شروع

● با آغاز فصل پاییز مازوت‌سوزی در برخی نیروگاه‌ها در اصفهان و قزوین آغاز شده است.

● بیماری‌های تنفسی و قلبی ناشی از استنشاق ذرات معلق و گازهای سمی، افزایش مراجعات به مراکز درمانی، کاهش بهره‌وری کاری و آموزشی و حتی تأثیر منفی بر جذب گردشگر از جمله پیامدهای مازوت‌سوزی در اصفهان است.

● افزایش مازوت‌سوزی از پاییز به معنای کمبود بیشتر گاز و کاهش سهم گاز در سبد سوخت نیروگاهی است.

● سعید توکلی مدیرعامل شرکت گاز، پیشتر در یک نشست خبری گفته بود: «باید بپذیریم که ناترازی [کمبود] انرژی داریم و این ناترازی هم کم نیست و ۳۰۰ میلیون تا ۳۵۰ میلیون مترمکعب کمبود گاز داریم.»

برخی خبرها حاکی از آنست که با آغاز فصل پاییز مازوت‌سوزی در برخی نیروگاه‌ها در اصفهان و قزوین آغاز شده است. مازوت‌سوزی به معنای کاهش گاز برای فصل سرد سال و البته تداوم خاموشی‌ها در پی تأمین نشدن سوخت کافی برای نیروگاه‌ها در زمستان است.

در روزهای گذشته خبری درباره آغاز دوباره مازوت‌سوزی در پالایشگاه حرارتی اصفهان منتشر شد. وبسایت «اصفهان زیبا» گزارش داده هنوز فصل سرما آغاز نشده که زمزمه‌های مازوت‌سوزی در اصفهان شنیده می‌شود و حرف و سخن در این باره بسیار است.

این گزارش افزوده «سوخت مازوت در نیروگاه «منتظری» سال‌هاست که به عنوان یکی از دلایل آلودگی در اصفهان شناخته شده است؛ هرچند متولیان حوزه محیط زیست می‌گویند آلودگی هوا دلایل بسیاری دارد و مازوت تنها سهم

تداوم بحران کم‌آبی در پاییز؛ تردید درباره موفقیت پروژه بارورسازی ابرها!



سخت‌گوی صنعت آب کشور نیز در پیش بودن پاییز خشک را تأیید کرده و گفته حجم ذخایر پشت سدهای پنجگانه تهران در مهرماه امسال ۲۵۸ میلیون مترمکعب بوده، در حالی که سال گذشته ۴۸۵ میلیون و در بلندمدت ۶۱۸ میلیون مترمکعب ثبت شده است.

بحران خشکسالی و کمبود آب با آغاز پاییز پایان نیافته بلکه هشدارها درباره تشدید این بحران در ماه‌های پیش رو افزایش یافته است.

عیسی بزرگ‌زاده سخت‌گوی صنعت آب و معاون وزیر نیرو روز گذشته با حضور در یک نشست خبری از تداوم بحران خشکسالی در پاییز امسال و کمبود شدید ذخائر آبی کشور خبر داد.

وی گفت حجم ذخایر پشت سدهای پنجگانه تهران در مهرماه امسال ۲۵۸ میلیون مترمکعب بوده، در حالی که سال گذشته ۴۸۵ میلیون و در بلندمدت ۶۱۸ میلیون مترمکعب ثبت شده است؛ به عبارتی نسبت به پارسال ۲۲۷ میلیون مترمکعب عقب هستیم.

او شهرهای تهران، کرج، مشهد، تبریز، اصفهان، اراک و ساوه را در «پیشانی تنش آبی» معرفی کرد. سخت‌گوی صنعت آب همچنین با بیان اینکه «سدهای پایتخت نزدیک به حجم مرده شده‌اند» گفت «درصد پرشدگی سدهای امیرکبیر ۱۵ درصد، لتیان ۲۵ درصد، لار ۲ درصد، طالقان ۴۱ درصد و ماملو ۸ درصد است.»

حجم مرده سد به بخشی از حجم مخزن گفته می‌شود که در پایین‌ترین قسمت قرار دارد و آب موجود در آن عملاً قابل استفاده برای مصارف مختلف مثل کشاورزی، شرب یا تولید برق نیست.

● عیسی بزرگ‌زاده سخت‌گوی صنعت آب و معاون وزیر نیرو گفت حجم ذخایر پشت سدهای پنجگانه تهران در مهرماه امسال ۲۵۸ میلیون مترمکعب بوده، در حالی که سال گذشته ۴۸۵ میلیون و در بلندمدت ۶۱۸ میلیون مترمکعب ثبت شده است.

● سخت‌گوی صنعت آب با بیان اینکه «سدهای پایتخت نزدیک به حجم مرده شده‌اند» گفت «درصد پرشدگی سدهای امیرکبیر ۱۵ درصد، لتیان ۲۵ درصد، لار ۲ درصد، طالقان ۴۱ درصد و ماملو ۸ درصد است.»

● ۹ تالاب معروف ایران شامل تالاب‌های بامدر، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران و هامون از جمله تالاب‌هایی هستند که در پایان سال آبی گذشته خشک شدند.

● عباس علی‌آبادی وزیر نیرو جمهوری اسلامی از برنامه دولت برای بارور کردن ابرها در آبان و آذر خبر داده و گفته: «چنانچه ابر باران‌زا به سمت کشور بیاید، بارورسازی ابرها را انجام می‌دهیم و برنامه گسترده‌ای در این زمینه داریم.»

● احمد وظیفه رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی: شرکت‌های فعال در حوزه بارورسازی ابرها ادعا می‌کنند بارش را ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهند، اما تحقیقات آکادمیک معتبر معمولاً چنین ادعایی را تأیید نمی‌کنند.

● صادق ضیائی‌ان رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات هوا: هیچ جایی در دنیا نیست که توانسته باشد مشکل خشکسالی خود را توسط بارورسازی ابرها حل کند. راهکار رفع خشکسالی، باروری ابرها نیست. این کار به‌عنوان یک راهکار عمومی مطرح نیست.

→ صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، هفته گذشته به روزنامه «شرق» گفت «ذخیره نیروگاه‌ها برای مدت کوتاه یک و نیم تا دو ماهه است؛ بنابراین حتی اگر با ذخیره سوخت کافی تمام ذخایر نیروگاه‌ها هم تأمین شده باشد، در حالت خوشبینانه فقط نیاز کشور در پاییز را برطرف می‌کند و در زمستان باز هم تولید برق نیروگاه‌ها به مشکل خواهد خورد.»

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی همچنین توضیح داده بود که از پاییز به بعد مصرف گاز افزایشی می‌شود و درست است که عمده مصرف گاز ما خانگی است، اما مصرف گاز نیروگاه‌ها هم عدد کمی نیست و به همین دلیل نیروگاه‌ها مخازنی دارند که در صورت نبود گاز بتوانند از گازوئیل به عنوان سوخت دوم استفاده کنند و مجبور نباشند سراغ سوخت سوم که مازوت است و مشکلات محیط زیستی ایجاد می‌کند، بروند.

این توضیحات نشان می‌دهد ذخائر سوخت دولت رقمی ناکافی برای فصل سرد سال است و در نتیجه مازوت‌سوزی ادامه خواهد داشت.

وبسایت «تجارت نیوز» هم نوشته ایران با دارا بودن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز جهان، به‌جای اینکه صادرکننده قدرتمند باشد، درگیر چالش تأمین نیاز داخلی شده است. اگر پروژه‌های فشارافزایی پارس جنوبی به‌موقع اجرا می‌شد، امروز ظرفیت تولید گاز کشور می‌توانست بخش مهمی از شکاف عرضه و تقاضا را پر کند. همچنین اگر سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف جدی گرفته می‌شدند، شاید نیاز به مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها به حداقل می‌رسید.

این گزارش افزوده اتکا به نیروگاه‌های حرارتی بدون توجه به تنوع‌بخشی در سبد انرژی نیز خود عاملی تشدیدکننده است. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور با وجود ظرفیت‌های فراوان بسیار کند بوده است. این در حالی است که اگر سهم انرژی‌های پاک در تولید برق افزایش می‌یافت، فشار بر بخش گازی و در نتیجه نیاز به مازوت‌سوزی کاهش پیدا می‌کرد.

همچنین یکی از ریشه‌های اصلی کمبود گاز، افت فشار در میدان گازی پارس جنوبی است. پارس جنوبی، به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع تأمین گاز ایران، در سال‌های اخیر به‌وضوح نشانه‌هایی از افت تولید را تجربه کرده است. این افت فشار پدیده‌ای طبیعی در میدان گازی است و همه کشورهای که دارای ذخایر بزرگ هستند با آن مواجه می‌شوند.

تفاوت در اینجاست که بسیاری از کشورها با اجرای پروژه‌های فشارافزایی، سعی می‌کنند از کاهش تولید جلوگیری کنند یا آن را به تعویق بیندازند. اما در ایران، به‌رغم هشدارهای کارشناسان و گذشت سال‌ها از طرح این ضرورت، نشانه‌ای از پیشرفت پروژه‌های فشارافزایی پارس جنوبی مشاهده نمی‌شود.

این گزارش افزوده در شرایطی که رشد مصرف گاز در کشور سالانه چندین میلیارد مترمکعب افزایش می‌یابد، توسعه میادین جدید یا ارتقای تأسیسات موجود متناسب با این روند نبوده است. از این رو هر سال شکاف بین تولید و مصرف روزبه‌روز بیشتر می‌شود. همین مساله باعث می‌شود که در روزهای سرد سال، اولویت تأمین گاز به بخش خانگی داده شود و نیروگاه‌ها در اولویت دوم قرار دارند.

«تجارت نیوز» نوشته اینجاست که پای مازوت و گازوئیل به میان می‌آید. حدود ۷۰ درصد نیروگاه‌های کشور حرارتی هستند و این نیروگاه‌ها برای تولید برق وابستگی به گاز طبیعی دارند. وقتی تأمین گاز آنها با مشکل روبرو می‌شود، راهی جز استفاده از سوخت‌های جایگزین باقی نمی‌ماند. اما تبعات محیط زیستی این تصمیم بسیار سنگین است.

اثرات اجرای مکانیسم ماشه در بازارهای مختلف؛ افزایش ۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومانی قیمت اتومبیل در یک هفته

● مقامات حکومتی همچنان بر بی‌خاصیت بودن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر اقتصاد ایران تأکید دارند و آنچه در بازارهای طلا و ارز می‌گذرد را ناشی از «اثرات روانی» اجرای مکانیسم ماشه می‌دانند.

● قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا همچنان افزایشی است. هر دلار آمریکا ۱۱۳ هزار تومان و هر سکه کامل طلا ۱۱۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۰ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان معامله می‌شود.

● در بازار اتومبیل قیمت‌ها طی روزهای گذشته با افزایش چشمگیری روبرو شده است بطوری که برخی مدل‌های اتومبیل در مدت تنها چند روز بین ۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان گرانتر شده‌اند.

● برخلاف ادعای مقامات و تحلیلگران حکومتی که اثرات تحریم‌های سازمان ملل را صرفاً «روانی» می‌دانند، کارشناسان معتقدند این تحریم‌ها تأثیری با دامنه گسترده بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دارد.

با اینکه اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه پس از بازارهای ارز و طلا در دیگر بازارها از جمله اتومبیل نمایان شده، همچنان مقامات و تحلیلگران حکومتی تلاش دارند این تحولات را صرفاً به «اثرات روانی» بازگشت تحریم‌ها مرتبط کنند.

با گذشت چهار روز از فعال شدن مکانیسم ماشه قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا همچنان افزایشی است. هر دلار آمریکا که با دخالت مستقیم بانک مرکزی در بازار با کاهشی جزئی روبرو شده بود، روز سه‌شنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۴ بار دیگر روندی افزایشی را طی کرد و به ۱۱۳ هزار تومان رسید. قیمت هر یورو در بامداد روز سه‌شنبه ۱۳۲ هزار و ۵۷۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۵۱ هزار و ۷۹۰ تومان، هر درهم امارات ۳۰ هزار و ۷۴۰ و هر لیر ترکیه ۲۷۲۰ تومان قیمت‌گذاری شد.

هر سکه کامل طلا نیز ۱۱۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۰ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان معامله می‌شود.

مقامات حکومتی همچنان بر بی‌خاصیت بودن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر اقتصاد ایران تأکید دارند و آنچه در بازارهای طلا و ارز می‌گذرد را ناشی از «اثرات روانی» فعال شدن مکانیسم ماشه می‌دانند.

در آنسو اما اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه کم‌کم در دیگر بازارها نیز نمایان می‌شوند. برای نمونه در بازار

مدیریت عرضه به مدیریت تقاضا، از پروژه‌محوری به حکمرانی پایدار. اگر امروز اقدام نکنیم، فردا با بحرانی مواجه خواهیم شد که نه تنها کشاورزی، بلکه حیات شهرها و آینده کشور را تهدید خواهد کرد. آب، حیاتی‌ترین منبع ملی است و بی‌تردید سرنوشت ایران بر سرنوشت آب گره خورده است.

در گزارش روزنامه «شرق» آمده کارشناسان از وضعیتی به نام «ورشکستگی آبی» برای شرایط کنونی کشور سخن می‌گویند؛ وضعیتی که در آن میزان برداشت از منابع آب، به‌ویژه سفره‌های زیرزمینی، بسیار بیشتر از توان تجدید طبیعی آنها است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، حدود ۸۵ درصد از دشت‌های ایران ممنوعه یا ممنوعه بحرانی اعلام شده‌اند. در برخی حوضه‌ها مانند زاینده‌رود و کرخه، برداشت سالانه آب تا سه برابر ظرفیت تجدیدپذیر بوده است.

بیش از ۴۰۰ دشت ایران با افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی مواجه‌اند. پدیده خطرناک فرونشست زمین در حال تبدیل شدن به یکی از جدی‌ترین تهدیدات زیرساختی کشور است. در اصفهان میزان فرونشست به بیش از ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده، در حالی که آستانه بحرانی جهانی فقط چهار میلی‌متر در سال است. این بحران خاموش، نه تنها زمین‌های کشاورزی و سکونتگاه‌ها، بلکه راه‌ها، خطوط ریلی و شبکه‌های انتقال انرژی را نیز تهدید می‌کند. همچنین طی یک ماه گذشته دست کم سه فرونشست در مرکز شهر اصفهان گودال‌هایی به عمق چندین متر ایجاد کرد.

در این میان روزنامه «شرق» تأکید کرده که بحران آب صرفاً یک مسئله فنی نیست؛ پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای دارد. خشک شدن زمین‌های کشاورزی موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده است؛ مهاجرتی که حاشیه‌نشینی و فشار بر زیرساخت‌های شهری را افزایش داده است.

در این گزارش آمده تنش‌های اجتماعی بر سر حقایق در اصفهان، خوزستان و سیستان و بلوچستان، نشانه‌هایی از تبدیل بحران آب به یک بحران امنیتی است. از سوی دیگر، کاهش منابع آب می‌تواند امنیت غذایی کشور را با خطر جدی مواجه کند. ایران هم‌اکنون حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد نیاز به گندم و ذرت را از طریق واردات تأمین می‌کند و تداوم بحران، این وابستگی را افزایش خواهد داد.

اکنون در حالی مقامات دولت به بارورسازی ابرها برای مدیریت بحران کم‌آبی در پاییز امسال امیدوار هستند که موفقیت این پروژه نیز با امکانات کنونی با ابهاماتی روبروست.

احمد وظیفه رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی هفته گذشته با تردید درباره امکان موفقیت پروژه بارورسازی ابرها صحبت کرده و گفته بود «شرکت‌های فعال در این حوزه ادعا می‌کنند بارش را ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهند، اما تحقیقات آکادمیک معتبر معمولاً چنین ادعایی را تأیید نمی‌کنند و با روش‌های مختلف ثابت شده که نتایج تا حد اعلام شده تغییر بارش صحیح نیست.»

صادق ضیائی‌ان رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات هوا، نیز معتقد است «هیچ جایی در دنیا نیست که توانسته باشد مشکل خشکسالی خود را توسط بارورسازی ابرها حل کند. راهکار رفع خشکسالی، باروری ابرها نیست. این کار به‌عنوان یک راهکار عمومی مطرح نیست؛ برای یک جای محدود قابل قبول است؛ مثلاً برای پشت یک سد.»

عیسی بزرگ‌زاده شرایط کنونی آب در کشور را «سخت‌ترین دوره کم‌آبی طی ۵۸ سال گذشته» عنوان کرد و گفت «پاییز سختی خواهیم داشت و بارش‌ها کمتر از نرمال خواهد بود.»

سخت‌گوی صنعت آب همچنین از مردم و کشاورزان خواسته با مدیریت مصرف، وزارت نیرو را در گذر از بحران آب یاری کنند.

در همین حال عباس علی‌آبادی وزیر نیرو جمهوری اسلامی از برنامه دولت برای بارور کردن ابرها در آبان و آذر خبر داده و گفته: «چنانچه ابر باران‌زا به سمت کشور بیاید، بارورسازی ابرها را انجام می‌دهیم و برنامه گسترده‌ای در این زمینه داریم.»

عیسی بزرگ‌زاده هم بارورسازی ابرها را به عنوان برنامه اصلی وزارت نیرو در مواجهه به بحران آب اعلام کرده و گفته «بارورسازی ابرها به‌عنوان یکی از برنامه‌های قدیمی اما تقویت شده وزارت نیرو، به‌شکل گسترده‌تر دنبال می‌شود.»



امسال بیش از سالهای گذشته پیامدهای بحران کمبود آب و از دست رفتن منابع آب زیرزمینی نمایان شده است. در یکی از جدیدترین خبرها در اینباره آمده ۹ تالاب معروف ایران شامل تالاب‌های بامدر، حوض سلطان، دریاچه فک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران و هامون از جمله تالاب‌هایی هستند که در پایان سال آبی گذشته خشک شدند.

همچنین بحران کمبود آب از بخش کشاورزی به بخش خانگی نیز کشیده شده و طی ماه‌های گذشته آب در بخش خانگی جیره‌بندی شد و شهروندان با ساعت‌ها قطع آب در هر روز روبرو بودند.

اعتراف وزیر نیرو و معاون وی درباره تداوم بحران کم‌آبی در کشور در حالیکه عملکرد ناکارآمد و خسارت‌بار دولت‌های جمهوری اسلامی بیش از تغییرات اقلیمی سبب بروز خشکسالی در ایران شده است.

در همین رابطه روزنامه «شرق» در گزارشی نوشته بحران آب ایران را نمی‌توان فقط به تغییرات اقلیمی یا کاهش بارندگی نسبت داد. این بحران بیش از هر چیز، بحران حکمرانی آب است. سیاست‌های کوتاه‌مدت، نبود شفافیت و نگاه بخشی، ما را به مرز ورشکستگی آبی کشانده است. امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تغییر رویکردیم: از

بین‌المللی را متوقف کند. برای مثال، احتمال دارد شرکت‌های چینی یا روسی نیز برای پرهیز از پیامدهای حقوقی، همکاری با ایران را در زمینه‌های فناوری پیشرفته کاهش دهند.

هفته‌نامه «تجارت فردا» نیز در گزارشی با اشاره به پیامدهای بازگشت تحریم‌های سازمان ملل نوشته «مکانیسم ماشه» در کوتاه‌مدت می‌تواند تNثیرات قابل‌توجهی بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران داشته باشد. از یک‌سو، این مکانیسم موجب تشدید تنش‌ها در جامعه خواهد شد و از سوی دیگر، در حوزه اقتصادی وضعیت را پیچیده‌تر و انقباضی‌تر می‌کند.»

این مطلب افزوده «با بازگشت تحریم‌ها، شرکای تجاری ایران از این موقعیت بهره‌برداری و تلاش خواهند کرد با برجسته کردن خطرات ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه، امتیازهای بیشتری از ایران بگیرند. در دنیای امروز، کشورهایی که با ایران مبادله تجاری دارند، مانند چین و هند، به هیچ عنوان دلسوز ما نیستند و بیشتر به فکر منافع خود هستند. این کشورها از فشارهای اقتصادی ناشی از

رئیس اتاق بازرگانی با بیان اینکه شرایط فعلی اقتصاد کشور می‌طلبد تا سیاست‌گذاران، تدابیر حمایتی داشته باشند، گفت بانک مرکزی باید از دخالت در سیاست‌های تجاری خودداری کند.

برخلاف ادعای مقامات و تحلیلگران حکومتی که اثرات تحریم‌های سازمان ملل را صرفاً «روانی» می‌دانند، کارشناسان معتقدند این تحریم‌ها اثراتی با دامنه گسترده بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دارد.

حسام خواجه‌پور، کارشناس اقتصادی، معتقد است فعال‌سازی ماشه باعث می‌شود سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی دست‌به‌عصا حرکت کنند و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کاهش یابد. این وضعیت به نوعی «تحریم آینده» تبدیل می‌شود، زیرا فعالان اقتصادی به انتظار بازگشت تحریم‌ها، از سرمایه‌گذاری و خرید خودداری می‌کنند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که چنین نااطمینانی می‌تواند به جهش تورم، رشد منفی اقتصاد و سقوط ارزش پول ملی منجر شود. همچنین یکی از پیامدهای مهم بازگشت تحریم‌های

→ اتومبیل قیمت‌ها طی روزهای گذشته با افزایش چشمگیری روبرو شده است بطوری که برخی مدل‌های اتومبیل در مدت تنها چند روز بین ۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان گرانتر شده‌اند.

طی یک هفته گذشته قیمت پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک، تارا و دنا پلاس با ۹۰ میلیون افزایش روبرو شده است. ریرا و اطلس نیز حدود ۷۰ میلیون گران شدند؛ حتی رانا پلاس افزایش ۸۵ میلیون تومانی را ثبت کرد. سورن پلاس دوگانه‌سوز هم طی هفته اخیر ۶۵ میلیون افزایش قیمت داشت و بالای یک میلیارد تومان قیمت‌گذاری شد.

گران‌ترین اتومبیل مونتاژی در ایران یعنی اکستیم VX با افزایش چشمگیر قیمت مواجه شده، بطوری که در هفته گذشته ۸۰۰ میلیون تومان گران‌تر شده است. در رتبه بعدی جهش قیمت‌ها، فیدلیتی پرستیژ با رشد ۴۵۰ میلیونی قرار می‌گیرد.

جک جی ۴ کرمان موتور که ارزانترین مونتاژی بازار هم محسوب می‌شود، طی هفت روز اخیر با رشد ۱۲۵ میلیون



مکانیسم ماشه بهره خواهند برد و می‌توانند برای کسب امتیاز بیشتر از ایران استفاده کنند، به‌ویژه در مواردی همچون خرید نفت و سایر منابع اقتصادی کشور.»

«تجارت فردا» همچنین به اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه در بلندمدت پرداخته و نوشته در بلندمدت، بازگشت تحریم‌های مکانیسم ماشه قطعاً تأثیرات بیشتری بر جامعه ایران خواهد داشت. برخی ممکن است ادعا کنند که ایران توانسته با روش‌های مختلف تحریم‌ها را دور بزند، اما واقعیت این است که اثرات بلندمدت این تحریم‌ها بسیار شدیدتر از قبل خواهد بود.

این گزارش افزوده جامعه ایران در دوران پیش از بحرام، به‌ویژه در دهه ۸۰، تحمل بیشتری داشت و مردم به‌واسطه تجربه‌های گذشته، تاب‌آوری بیشتری در برابر مشکلات اقتصادی نشان می‌دادند. اما با گذشت یک دهه از آن زمان و با توجه به تغییرات عمده‌ای که در اقتصاد جهانی و سیاست‌های بین‌المللی به‌ویژه تحت دولت ترامپ رخ داده است، اثرات این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران اکنون به مراتب بیشتر و شدیدتر خواهد بود. مشکلات اقتصادی و طبقات فشارهای معیشتی به‌ویژه بر فعالان اقتصادی و طبقات آسیب‌پذیر جامعه بیشتر خواهد شد و سختی زندگی مردم بطور محسوس‌تری افزایش خواهد یافت.

سازمان ملل، محدودیت در دسترسی به فناوری‌های حساس و تجهیزات دواکاردی است.

بوسایت «روमित» در گزارشی به این موضوع تأکید کرده که تحریم‌ها انتقال تجهیزات آزمایشگاهی، قطعات آلیاژی خاص، ریزتراشه‌ها و حتی نرم‌افزارهای تخصصی را محدود می‌کند. حتی برخی دستگاه‌های پزشکی پیشرفته مانند تجهیزات پروتودرمانی و تولید رادیودارو مشمول تحریم‌های دوکاربردی می‌شوند. این محدودیت‌ها توانایی ایران در توسعه و نگهداری زیرساخت‌های علمی و صنعتی را کاهش می‌دهد و می‌تواند به توقف پروژه‌های تحقیقاتی یا صنعتی منجر شود.

همچنین گزارش‌ها تأکید دارند که تحریم‌های سازمان ملل نه تنها انتقال کالاهای فیزیکی، بلکه انتقال دانش و همکاری‌های آموزشی را نیز هدف قرار می‌دهند. در قطعنامه‌ها اصطلاحاتی مانند «technical assistance» و «training» به معنای ممنوعیت اعزام متخصصان خارجی یا ارائه مشاوره فنی به نهادهای ایرانی است.

بر این اساس شرکت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از جرمه‌های مالی معمولاً از همکاری با کشور تحت تحریم می‌پرهیزند؛ این موضوع می‌تواند به انزوای فناوری‌ها در ایران منجر شود و پروژه‌های مشترک با دانشگاه‌ها با شرکت‌های

تومانی روبه‌رو شده است. چانگان تیپ ۳ و دیگنیتی پرایم هم به ترتیب ۲۵۰ و ۲۳۰ میلیون تومان گران شدند.

اکنون مشخص نیست مقامات دولت افزایش قیمت‌های سرسام‌آور در بازار اتومبیل طی فقط یک هفته و همزمان با افزایش قیمت ارز در پی فعال شدن مکانیسم ماشه را با چه فرمولی قرار است به «اثرات روانی» پیوند بزنند!

در خارج از مرزهای ایران نیز مکانیسم ماشه در کشورهای مختلف فعال شده و تحولاتی در جریان است. برای نمونه دولت ژاپن روز گذشته اعلام کرد به دنبال بازگرداندن تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران ذیل سازوکار ماشه، تحریم‌های اقتصادی خود علیه تهران را از سر گرفته است. بر اساس این تصمیم، دارایی‌های ۷۸ نهاد و ۴۳ فرد حقیقی ایرانی در ژاپن مسدود خواهد شد.

مسدود شدن حساب ایرانیان و دشواری در مسیر تجارت و فعالیت اقتصادی، به ویژه برای بخش خصوصی، در پی فعال شدن مکانیسم ماشه تنها یکی از اثرات منفی بازگشت این تحریم‌ها در اقتصاد ایران است.

در همین رابطه صمد حسن‌زاده رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز با توجه به آثاری که مکانیسم ماشه روی اقتصاد کشور می‌گذارد گفته فعال شدن مکانیسم ماشه قطعاً تأثیرگذار خواهد بود.

«بدجنس»؛ نمایشی در ستایش مقاومت زنان در ایران



آلیس رحیمی



دلفین مینوویی



رونو ستر

از او چندین کتاب از جمله «از تهران برایت می نویسم»، «قاچاقچیان کتاب در داریا»، «القای سکوت» و «بدجنس» منتشر شده است. او تا کنون چندین جایزه نیز برای کتابهایش دریافت کرده و جایزه بزرگ آکادمی فرانسه را برای رمان «بدجنس» به دست آورده است.

دلفین مینوویی درباره انگیزه خود برای نوشتن کتاب «بدجنس» می گوید: «من از طرف پدرم ایرانی هستم. مرگ مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۲ پس از بازداشت او توسط گشت ارشاد برای من بسیار تکان دهنده بود. چند روز بعد مرگ نیکا شاکرمی ضربه‌ای عمیق‌تر بر من وارد کرد. دو ویدئو از او در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد، یکی که با موهای کوتاه و شلوار گشاد در حالی که با شادی برای دوستانش آواز می‌خواند و دیگری در میان تظاهرات روستی‌اش را دقایقی پیش از آنکه ماموران رژیم به او شلیک کنند آتش می‌زدند... چگونه ممکن است دختری چنین جوان و سرزنده، چنین خطری را به جان بخرد؟ چه شد که پس از او، نوجوانان دیگری با آگاهی از مرگ به استقبال آن رفتند تا از حق زندگی دفاع کنند؟»

او ادامه می‌دهد: «ماه‌ها صفحات اینستاگرام، کانال‌های تلگرام، وبلاگ‌ها و یوتیوب را مرور می‌کردم. با دختران ایرانی در نقاط مختلف کشور ارتباط برقرار کردم و غرق در زبانی شدم که به اندازه‌ی زندگی‌شان متناقض و پر از زخم بود؛ زبانی سرشار از ایموجی و شعر، اشتیاق به زندگی و افکار خودکشی. تصمیم گرفتم با قلمم کلماتشان را زنده کنم. کلمات نیکا، سارینا، آرمیتا و همه جوانانی که کشته شدند.»

دلفین مینوویی توضیح می‌دهد: «بدجنس لقب شخصیت اصلی رمان من از نسل زد است و می‌توان گفت نوه انقلاب سال ۱۹۷۹ که با تبلیغات مذهبی و فرهنگ شهادت و در عین حال معتاد به تیک‌تاک و شبکه‌های اجتماعی و با حس دائمی گناه و خطا پرورش یافته، اما عصیان در خون‌اش جریان دارد. او از تقلید تحمیلی در مدرسه سر باز می‌زند، آیات قرآن را که مادر بزرگ مجبور به خواندنش می‌کند به خاطر نمی‌سپارد، با آهنگ‌های رپ

که آن را به بند کشیده است. تکه‌ای پارچه روی سر که او در رویای رهایی از آن است. شاید راز رهایی او در لقبی که مادرش در زمان تولد به او داده است نهفته باشد «بدجنس».

«بدجنس» که در قالب تک‌گویی درونی (مونولوگ) روایت می‌شود نام رمانی از دلفین مینوویی است. رمانی که با زبانی صمیمی، تجربه بلوغ و خیزش نسلی تازه را به تصویر می‌کشد؛ نسلی سرشار از تب و تاب، بی‌پروا و خلاق. دلفین مینوویی، روزنامه‌نگار ارشد روزنامه «فیگارو» و برنده جایزه «آلبر لُندر» ایرانی‌تبار و ۲۵ سال است تحولات خاورمیانه را در این روزنامه پوشش می‌دهد.

او در سال ۱۹۹۷ به تهران سفر و ده سال در آنجا زندگی کرد. او همچنین چند سال در کابل، بغداد، بیروت، قاهره و استانبول اقامت داشت.



هورا میرشکاری و آلیس رحیمی در نمایش «بدجنس»

● در قلب خیزش زن، زندگی، آزادی دختری ۱۶ ساله از سطل زباله‌ای بالا می‌رود، آماده است تا پیش روی جمعیت روستی‌اش را بسوزاند، در برابر تشویق‌های جمعیت و در حالی که ترس کم‌کم رنگ می‌بازد تصاویر زندگی کوتاه این نوجوان شورشی در برابر گلوله‌های ساچمه‌ای نظامیان چوان کتابی ورق می‌خورد.

● «بدجنس» که در قالب تک‌گویی درونی (مونولوگ) روایت می‌شود نام رمانی از دلفین مینوویی است. رمانی که با زبانی صمیمی، تجربه بلوغ و خیزش نسلی تازه را به تصویر می‌کشد؛ نسلی سرشار از تب و تاب، بی‌پروا و خلاق که با هنرهای آلیس رحیمی و هورا میرشکاری و رونو ستر به روی صحنه رفت.

● دلفین مینوویی توضیح می‌دهد: «بدجنس لقب شخصیت اصلی رمان من از نسل زد است و می‌توان گفت نوه انقلاب سال ۱۹۷۹ که با تبلیغات مذهبی و فرهنگ شهادت و در عین حال معتاد به تیک‌تاک و شبکه‌های اجتماعی و با حس دائمی گناه و خطا پرورش یافته، اما عصیان در خون‌اش جریان دارد.

کتابیون حلاجان - در سالگرد کشته شدن مهسا (ژینا) امینی پرفورمنسی از رمان «بدجنس» نوشته دلفین مینوویی در پاریس به روی صحنه رفت.

این خوانش نمایشی با هنرهای آلیس رحیمی بازیگر و همراهی آواز هورا میرشکاری و موسیقی رنو ستر زندگی دختری جوان را در میانه‌ی جنبش زن، زندگی، آزادی به تصویر می‌کشد.

در قلب خیزش زن، زندگی، آزادی دختری ۱۶ ساله از سطل زباله‌ای بالا می‌رود، آماده است تا پیش روی جمعیت روستی‌اش را بسوزاند، در برابر تشویق‌های جمعیت و در حالی که ترس کم‌کم رنگ می‌بازد تصاویر زندگی کوتاه این نوجوان شورشی در برابر گلوله‌های ساچمه‌ای نظامیان چوان کتابی ورق می‌خورد. تولدی ناخواسته، پدری سرکوبگر، تلفنی پر از موسیقی‌های اعتراضی، روابط و نخستین عشق‌ها... بدنی تشنه آزادی ولی با قانون حجابی

«سفر به هویت دزدیده شده»؛ کنسرت شیرین مجد در لندن



نوستالژیک نیز برای حاضران اجرا کرد.

این کنسرت پروژه‌ای از موسیقی تلفیقی بود که با عوامل مختلف و مکمل‌های هنری از جمله رقص و بازیافت تصاویر متحرک بر پرده همراه بود. بعد از پایان کنسرت، شیرین مجد در گفتگو با کیهان لندن از علائق و فعالیت‌ها و مشکلات خود به عنوان یک خواننده زن صحبت کرد.

روز یکشنبه ۲۱ سپتامبر شیرین مجد خواننده اپرا که ساکن استرالیاست، کنسرتی با آثاری به زبان ایتالیایی، فارسی و انگلیسی در سالن «آرتس دپو» لندن اجرا کرد. علاوه بر اجرای این آثار و همچنین آثاری در سبک جاز که عمدتاً توسط فروش بهزاد آهنگساز، رهبر و موسیقیدان ساکن لندن انجام شد، شیرین مجد قطعات فولکلوریک و

می‌شوند و در هم می‌آمیزند تا به یک صدا تبدیل شوند و در این میان رونو ستر موزیسین و دی‌جی نیز با ترکیب صدای تظاهرات و بداهه‌نوازی گیتار، فضای سومی را می‌آفریند و این دو را همراهی می‌کند. هورا میرشکاری در مورد همکاری خود با دلفین مینویی می‌گوید: «برای اولین بار با دلفین مینویی در یک کنسرت آشنا شدم. کمی بعد دلفین به یکی از پرفورمنس‌های من در گالری

espace des femmes آمد و پس از مدتی اولین همکاری ما در تئاتر کنکور پاريس برای معرفی کتاب «بدجنس» شروع شد. من با موسیقی او را همراهی می‌کردم تا اینکه پس از چند اجرا دلفین پروژه معرفی کتابش را به سمت تئاتر موزیکال پیش برد. این برنامه اولین تجربه اجرای تئاتر موزیکال بود. در این اجرا از ۴ قطعه موزیک که به صورت الکترو با آهنگسازی رونو ستر بود استفاده شد. دو قطعه اول با نام «هورا» منتشر شده و دو قطعه دیگر که از ساخته‌های جدید ماست به زودی منتشر می‌شود و احتمالاً نام «بدجنس» را انتخاب خواهیم کرد. در این مجموعه علاوه بر اجرای ترانه‌هایی به زبان سیستانی، آثاری هم به فارسی و فرانسوی خواهیم داشت. اجرای ما برای رمان «بدجنس» یک معرفی معمولی کتاب و یا اجرای موسیقی و کنسرت نیست بلکه به گونه‌ای پرفورمنس و تئاتر موزیکال است. این چیز است که برای من که تجربه‌های زیادی به عنوان هنرمند چندرسانه‌ای در زمینه پرفورمنس داشتم بسیار جذاب است. با این نوع اجرا ارتباط خوبی برقرار می‌کنم.»

وی سپس درباره این نمایش می‌گوید: «من و آلیس رحیمی در واقع بدجنس‌های کتاب هستیم. همان شخصیت‌هایی که انقلاب زن، زندگی، آزادی را در ایران رقم زدند. با هربار پرفورمنس روح آنها را قوی‌تر در خود برای مبارزه در راه آزادی احساس می‌کنم. ما نیکا هستیم. ما مهسا هستیم. ما حدیث هستیم. ما سارینا هستیم و آنها در ما زندگی می‌کنند و زنده‌اند.»

این برنامه با این شیوه اجرا برای اولین بار در پاریس در مجموعه فرهنگی ۳۶۰ در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ به روی صحنه رفت.



هورا میرشکاری و آلیس رحیمی

زیرزمینی می‌رقصد، و نقشه‌هایی برای گریز از کنترل سختگیرانه‌ی پدر می‌چیند. «بدجنس» در مقایسه با مادرش نیز متفاوت است. مادرش اهل سازش است، نماینده‌ی نسلی که با اصلاحات قطره‌چکانی و روسری‌های رنگی و چند تار موی بیرون‌افتاده به مصاد قانون پوشش رفت.»

دلفین مینویی تأکید می‌کند: «اما بدجنس می‌خواهد همه‌چیز را یکباره فرو بریزد. روسری، رژیم و قوانین عقب‌مانده‌ای که زن را نیمه‌ی مرد می‌داند. با این حال، می‌داند که جسارتش را مدیون همان مادر است؛ مادری که در خفا مدافع آزادی است... آنچه خود هرگز نداشته است. تفاوت «بدجنس» و هم‌نسلانش با مادرش در این است که آنها حجاب را اولویت اصلی نمی‌دانستند و می‌گفتند: نخست برای آزادی بجنگیم و بعد برای رفع حجاب اجباری. اما پس از مرگ مهسا امینی، این دو مبارزه بهم پیوند خوردند و جدایی‌ناپذیر شدند. دختران نسل «بدجنس» شفاف‌تر و رادیکال‌تر هستند، آنها هیچ مصالحه‌ای را نمی‌پذیرند و می‌خواهند خود مالک بدنشان باشند و بگویند: من وجود دارم!»

دلفین مینویی در ادامه می‌گوید: «ایران سنتی دیرینه در سرکشی هنری و شعری دارد؛ «بدجنس» نیز در این تبار می‌گنجد. ۱۵۰ سال پیش طاهره قهرالعین که شعرهایش امروز در ایران سانسور است پس از آنکه در جمع مردان حجاب از سر برداشت کشته شد. بعدها شاعران زن دیگر مانند فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی با ستایش آزادی، عشق، لذت و تنانگی، مرزها را شکستند. «بدجنس» وارث همین عصیان علیه پدرسالاری اجتماعی و حکومتی است.» دلفین مینویی درباره تصمیم برای به روی صحنه بردن این رمان به شکل خوانش نمایشی در همراهی با موسیقی توضیح می‌دهد: «بدجنس پیش از هر چیز رمانی در قالب تک‌گویی است داستان دختری ایرانی که نادیده گرفته شده و می‌کوشد دوباره به روشنایی بازگردد. این رمان بیش از همه کتاب‌هایم لحن شفاهی دارد. آن را در دل تظاهرات ایران نوشتم تا روزی به روی صحنه برود و صدای دختران ایران باشد. برای نشان دادن زندگی دوگانه زنان ایران در بیرون و اندرون صحنه‌ای مینیمال طراحی کردم: آلیس رحیمی بازیگر افغان‌تبار، و هورا میرشکاری خواننده ایرانی در تبعید در دو سوی صحنه تک‌گویی‌های موازی اجرا می‌کنند، یکی با صدا و دیگری با آواز کم‌کم صداها نزدیک





نیوت **نیوت**
تداوم بحران کم‌آبی در پاییز!
تردید درباره موفقیت پروژه بارورسازی ابرها!



نیوت **نیوت**
لیونیورک تایمز:
آمریکا با توافق جمهوری اسلامی ۱۰۰ ایرانی
مهاجر را اخراج کرد و به ایران بازگرداند



نیوت **نیوت**
اثرات اجرای مکانیسم ماشه در بازارهای مختلف:
افزایش ۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومانی قیمت
اتومبیل در یک هفته



نیوت **نیوت**
منوچهر بختیاری از زندان
آزاد و به بندرعباس تبعید شد



نیوت **نیوت**
تصادف اتوبوس دانشجویان
پزشکی در سمنان



نیوت **نیوت**
۵۸ درصد از خانوارهای
«دهک اول» هیچ فرد شاغلی ندارند



نیوت **نیوت**
۶۰ درصد کارگران ایران
از ناچاری چند شغل دارند



نیوت **نیوت**
بازگشت رسمی تحریم‌ها:
بیانیه اروپا و اخطار آمریکا:
غنی‌سازی را کنار بگذارید!
بدون وقت‌گشی مستقیم مذاکره کنید!



نیوت **نیوت**
اروپایی‌ها پیشنهاد لحظه آخر
عراقچی را نپذیرفتند:
«بازرسی از یک سایت تخریب‌شده در جنگ»



نیوت **نیوت**
افزایش تورم در شهریارماه:
پالترین تورم «ماهانه» برای میوه و خشکبار با
۹ درصد و سبزیجات و حبوبات با ۸/۷ درصد!



نیوت **نیوت**
شکست قطعنامه روسیه و چین:
جمهوری اسلامی سفرای خود را از انگلیس،
آلمان و فرانسه فراخواند



نیوت **نیوت**
رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد
به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی
فراخوانده شدند



نیوت **نیوت**
امکان بازرسی گشتی‌های باری ایران
با فعال شدن مکانیسم ماشه:
خسارت روزانه حداقل ۲۰ هزار دلار برای
توقف هر گشتی



نیوت **نیوت**
در دو سال گذشته فرونشست
در تهران ۶۰ درصد افزایش یافته است



نیوت **نیوت**
اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه
بر اقتصاد ایران فقط «روانی» نیست!



نیوت **نیوت**
آیا در قرن بیست و یکم به
فلسفه و اندیشه نیاز داریم یا فناوری
کافی است؟



نیوت **نیوت**
وضعیت اقتصاد ایران در نیمه
دوم سال «دشوارتر» می‌شود



نیوت **نیوت**
نارضایتی، فرسودگی شغلی
و عدم تمایل به استخدام در میان
پرستاران ایران



نیوت **نیوت**
سمیه رشیدی زندانی سیاسی
به دلیل انتقال دیر هنگام به بیمارستان
جان باخت



نیوت **نیوت**
کارگران بعد از پرداخت اجاره خانه،
دیگر پولی برای خوراک و درمان ندارند!



نیوت **نیوت**
اسرائیل هیوم: احتمال وقوع
جنگی سخت‌تر میان جمهوری اسلامی
و اسرائیل در حال افزایش است



نیوت **نیوت**
وزارت نیرو:
مایینر غیرمجاز گزارش دهید و
تا ۳۰۰ میلیون پاداش بگیرید



نیوت **نیوت**
پیامدهای اولیه بازگشت تحریم‌ها:
دستورالعمل بانک مرکزی برای محدودتر
کردن بازار رمزارزها



نیوت **نیوت**
ایران فراتر از
۱۰۰ روز نخست



نیوت **نیوت**
چهار بیمارستان در میان ۶۰
ساختمان «نایمن بحرانی» در تهران

KAYHANLIFE



SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | ترامپ و نتانیاهو

دیدار رهبران آمریکا و اسرائیل در کاخ سفید برای ارائه «طرح صلح»؛ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵